



@memargold

MemarGold.ir



بخش هنر و معماری

گروه علمی مهندسی شهرسازی

درآمدی بر شهرشناسی

مهندس صابر زند

دکتر حمیدرضا عامری



دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)

فهرست مطالب

فصل اول. شهر.....

۱-۱. شهر چیست؟.....

۱-۱-۱. شهر از دیدگاه قرآن مجید.....

۲-۱-۱. شهر از دیدگاه جمعیتی.....

۳-۱-۱. شهر از دیدگاه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی.....

۴-۱-۱. شهر از دیدگاه اقتصادی.....

۵-۱-۱. شهر از دیدگاه جغرافیایی.....

۶-۱-۱. شهر از دیدگاه حقوقی و اداری.....

۷-۱-۱. شهر از دیدگاه تاریخی.....

۸-۱-۱. شهر از دیدگاه شاعران و معماران.....

۲-۱. مهمترین و معروفترین نظریه پردازان شهر.....

۱-۲-۱. شهر از دیدگاه ابن خلدون.....



دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)

..... ۲-۲-۱. شهر از دیدگاه ابونصر فارابی

..... ۳-۲-۱. شهر از دیدگاه امیل دورکیم

..... ۴-۲-۱. شهر از دیدگاه ایموس راپاپورت

..... ۵-۱-۱. شهر از دیدگاه پل سینجر

..... ۶-۲-۱. شهر از دیدگاه جین جیکوبز

..... ۷-۲-۱. شهر از دیدگاه چارلز کولی

..... ۸-۲-۱. شهر از دیدگاه دیوید هاروی

..... ۹-۲-۱. شهر از دیدگاه فرانسیسکو خولیانو

..... ۱۰-۲-۱. شهر از دیدگاه کارل مارکس

..... ۱۱-۲-۱. شهر از دیدگاه گوردن چابلد

..... ۱۲-۲-۱. شهر از دیدگاه لویس مامفورد

..... ۱۳-۲-۱. شهر از دیدگاه ماکس وبر

..... ۳-۱. مشخصه‌ها و ویژگی‌های شهر

..... ۱-۳-۱. انواع شهرها

..... ۲-۳-۱. مشخصات شهرها

..... ۳-۳-۱. ویژگی‌های شهرها

..... ۴-۱. شهر همچون پدیده دست‌ساخت

..... ۱-۴-۱. نمونه‌هایی از اماکن برجسته دست‌ساخت بشری

..... ۵-۱. شهر نخستین

..... ۱-۵-۱. بنیان فرهنگی و مدنی شهر

..... فصل دوم. تکوین شهر

..... ۱-۲. شهر چگونه بوجود می‌آید؟

..... ۱-۱-۲. تکوین شهر از دیدگاه فرهنگ‌گرا

..... ۲-۱-۲. تکوین شهر از دیدگاه عملکردگرا



دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)

..... ۲-۲. شهر به عنوان سازواره

..... ۱-۲-۲. رویکرد کارکردگرا

..... ۲-۲-۲. رویکرد طبیعت‌گرا

..... ۳-۲. شهر به عنوان مدینه بشری

..... ۱-۳-۲. رویکرد فرهنگ‌گرا

..... فصل سوم. شکل شهر

..... ۱-۳. شکل شهر چیست و چگونه ساخته می‌شود؟

..... ۱-۱-۳. شکل شهرهای نخستین

..... ۲-۱-۳. شکل سازمان‌یافته (Organism)

..... ۳-۱-۳. شکل‌های نوگرا (Modern)

..... ۲-۳. انواع شکل شهر

..... ۱-۲-۳. شکل آشفته یا ارگونومیک

..... ۲-۲-۳. شکل شعاعی یا قطاعی

..... ۳-۲-۳. شعاعی دایره‌ای

..... ۴-۲-۳. نیمه شعاعی

..... ۵-۱-۳. شعاعی چند هسته‌ای

..... ۶-۲-۳. شطرنجی منظم

..... ۷-۲-۳. شطرنجی شعاعی

..... ۸-۲-۳. شهر خطی (طولی)

..... ۳-۳. الگوی کالبدی شهر

..... ۱-۳-۳. شهر بدون طرح و شهر دارای طرح با الگوهای مختلف

..... ۴-۳. قانون و نظم اجتماعی در شکل‌گیری شهر

..... ۵-۳. باورها و فرهنگ انسانی در شکل‌گیری شهر



دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)

۶-۳. تحلیل مظاهر مادی و معنوی در شهر.....

..... فصل چهارم. ساختار شهر

۱-۴. بررسی مفهوم سلسله مراتب در ساختار شهر.....

..... ۱-۱-۴. سلسله مراتب شهری چیست؟

..... ۲-۱-۴. انواع سلسله مراتب شهری.....

..... ۳-۱-۴. عناصر تشکیل دهنده سلسله مراتب شهری.....

۲-۴. بررسی مفهوم محله در شهر.....

..... ۱-۲-۴. محله چیست؟

..... ۲-۲-۴. محله از دیدگاه‌های مختلف.....

..... ۳-۲-۴. مفهوم محله در شهرهای ایران.....

..... ۴-۲-۴. عوامل اصلی شناخت محلات شهر.....

..... ۵-۲-۴. جایگاه مفهوم محله در شهرسازی.....

..... ۶-۲-۴. سیر تحول مفهوم محله و واحد همسایگی.....

..... ۷-۲-۴. مشخصه‌های محله.....

..... ۸-۲-۴. عناصر تشکیل دهنده محله.....

..... ۹-۲-۴. زیرساخت‌های محله.....

..... ۱۰-۲-۴. سرانه و کاربری‌های مختلف در یک محله.....

..... ۱۱-۲-۴. نهاد تصمیم‌ساز و ناظر بر قوانین محلی.....

..... ۱۲-۲-۴. روند شکل‌گیری محلات در شهر.....

..... ۱۳-۲-۴. ساختار کالبدی محله.....

..... ۱۴-۲-۴. تکامل نظریه محله.....

..... ۱۵-۲-۴. انتقاد از تئوری محله.....

..... ۱۶-۲-۴. مقایسه محلات در گذشته و معاصر.....

۳-۴. بررسی مفهوم مرکز در شهر.....



- ۱-۳-۴. مفهوم مرکز شهر
- ۲-۳-۴. جایگاه مرکز شهر در شهرسازی
- ۳-۳-۴. نظریات مختلف ساخت شهر و نقش مرکز در آنها
- ۴-۳-۴. ویژگی‌های مرکز شهر
- ۵-۳-۴. سلسله مراتب مرکز شهری
- ۶-۳-۴. الگوی توسعه مرکز شهر

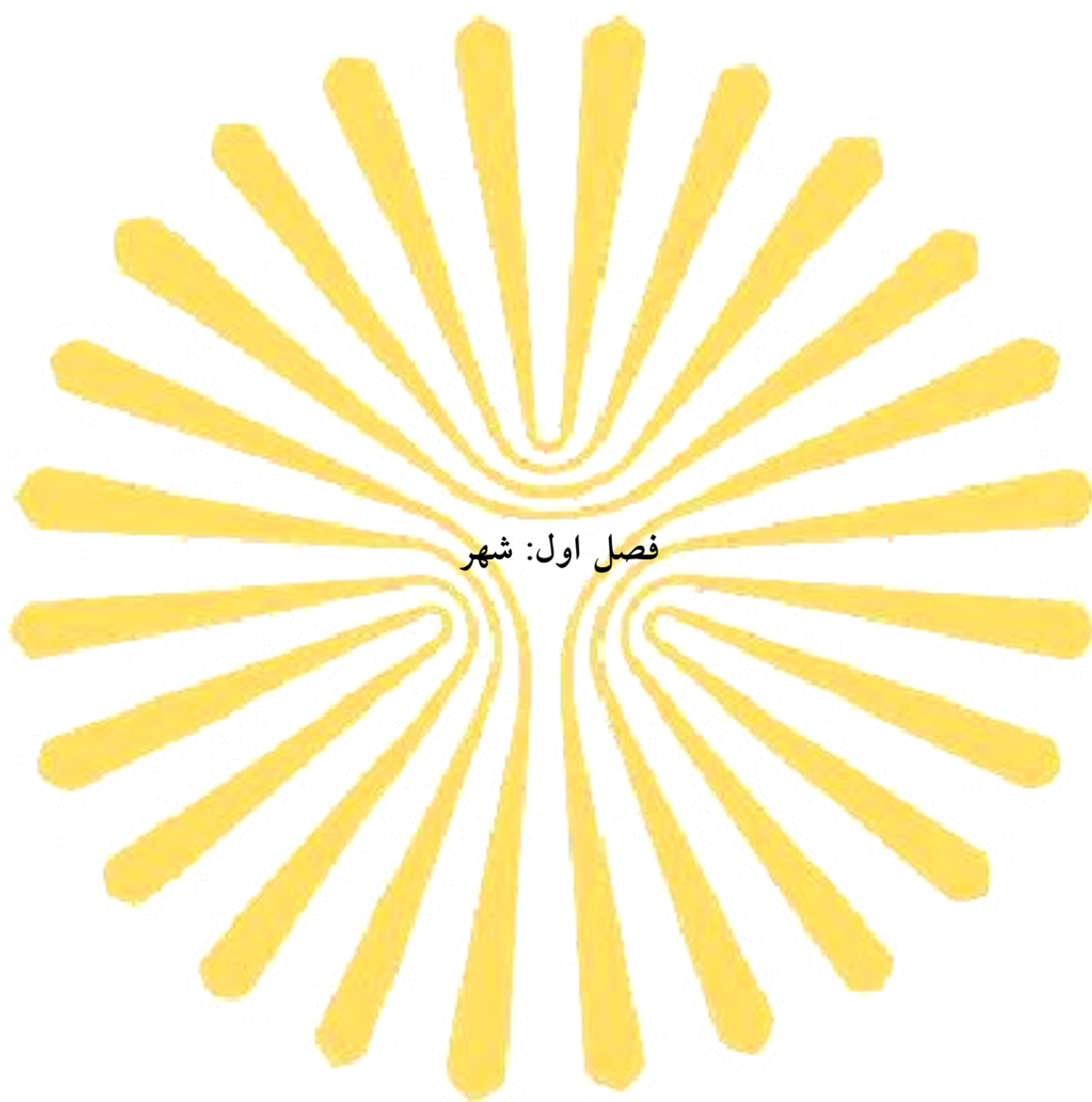
فصل پنجم. شهر و هویت

- ۱-۵. هویت شهری چیست؟
 - ۱-۱-۵. هویت
 - ۲-۱-۵. هویت شهری
 - ۳-۱-۵. مهمترین عوامل تشکیل دهنده هویت شهری
- ۲-۵. مشخصه و ویژگی‌های هویتی در شهر
 - ۱-۲-۵. هویت مکانی و هویت شهری
 - ۲-۲-۵. ابعاد هویت بخش شهر
 - ۱-۲-۲-۵. عناصر کالبدی یا سیمای شهری
 - ۲-۲-۲-۵. عناصر کارکردی یا محتوای شهری
 - ۳-۲-۵. هویت کالبدی
 - ۴-۲-۵. هویت در منظر
- ۳-۵. شهر بی هویت و نوگرا (Modern)
 - ۱-۳-۵. چرا بی هویتی
 - ۲-۳-۵. دلایل تاریخی در بی هویتی شهرسازی
 - ۳-۳-۵. دلایل فرهنگی در بی هویتی شهرسازی
- ۴-۵. شهر با هویت انسانی - اسلامی در شهرهای ایران



دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)





۱-۱. شهر چیست؟

شهر مجموعه‌ای از ترکیب عوامل طبیعی، اجتماعی و محیط‌های ساخته شده توسط انسان است که در آن جمعیت ساکن متمرکز شده است. جمعیت در این مجموعه به صورت منظمی در آمده و آداب و رسوم را برای خود ابداع کرده است. علاوه بر آن، این جمعیت به صورت مختلف تخصص یافته، ولی از نظر تولید انرژی و غذا معمولاً وابستگی شدیدی به مجموعه‌های مشابه با طبیعت یا مجموعه‌های روستایی دارد اما وقتی صحبت از شهر می‌شود، معمولاً پدیده‌ها و تصاویری در ذهن انسان شکل می‌گیرد که غیر از آن چیزهایی است که در روستاها وجود دارد.

در تمدن‌های خیلی قدیمی مراکز جمعیتی وجود داشته که به آن نقاط شهر اطلاق می‌شد و قطعاً به مناسبت نوع شغل و وظایفی که به عهده داشته‌اند با مناطق روستایی متفاوت بوده‌اند. به عنوان مثال، رومیان لغتی را بنام **Urbs** استعمال کرده‌اند که درست در مقابل روستا استعمال داشته است، و زمانی این لغت را به کار می‌برده‌اند که مثلاً به محلی می‌رفتند که فرم زندگی و مشاغل آن، با زندگی روستایی متفاوت بوده است. امروزه معمولاً در یک نقطه به نقاطی اسم شهر می‌دهند که دارای جمعیتی بوده و از نظر فعالیت، متنوع‌تر از مناطق روستایی باشند. ولی این حکم نیز قطعی نمی‌تواند باشد زیرا چه بسیار مراکز و نقاطی وجود دارند که در یک فصل از سال دارای جمعیت هستند و در غیر آن فصول خالی از آن.

شهر، تعریف جامع و مانعی ندارد. هر کسی از ظن خود، شهر را معنا کرده است:

ارسطو (۳۲۳ قبل از میلاد) شهر را چنین تعریف می‌کند:



دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)

«جامعه‌ای که سرانجام از فراهم آمدن چندین دهکده پدید می‌آید، «شهر» نام دارد که می‌توان گفت که از لحاظ توانایی برآورد نیازهای خویش به غایت کمال رسیده است. یا دقیق‌تر بگوییم، اگر پیدایی شهر بهر زیستن است، وجودش از برای بهزیستن است... شهر نقطه کمال و غایت جوامع دیگر است.»^۱

«ژان برون» و «پیردفونتن» می‌گویند:

«در برابر قصبه، که بیشتر ساکنان آن خارج از منطقه شهری فعالیت دارند، شهر، مکانی است که بیشترین جمعیت آن، بسیاری از وقت خود را در داخل منطقه شهری صرف می‌کنند.»

«ماکس سور» که در مطالعات جغرافیای انسانی از جامعه‌شناسی مایه می‌گیرد، شهر را الگوی کاملی از زندگی اجتماعی می‌داند، اجتماعی که از سینه جوامع روستایی قد کشیده است.^۲

بدین ترتیب می‌توان گفت که هر عملی و هر صنفی متناسب با معلومات و مهارت‌های خود، تعریفی از شهر ارائه کرده است. لغت‌نامه‌ها هم با جمع‌بندی این دیدگاه‌ها در چکیده‌ای، شهر را چنین تعریف می‌کنند:

- مجموعه‌ی مسکونی بزرگ با جمعیت بسیار که شامل تأسیسات اداری، رفاهی، بازارها، و خیابان‌های متعدد است. (سخن، «شهر»).

- آبادی بزرگ که دارای خیابان‌ها، کوچه‌ها، خانه‌ها، دکان‌ها، و سکنه بسیار باشد. (معین، «شهر»).

- مدینه و بلد و اجتماع خانه‌های بسیار و عمارات بی‌شمار که مردمان در آنها سکنی می‌کنند در صورتی که بزرگتر از غصبه و قریه و ده باشد. (دهخدا، «شهر»).

۱ ارسطو، ۴/

۲ فرید، ۱/



در ادامه تعاریف متعدد از شهر، به بررسی شهر از دیدگاه‌های مختلف می‌پردازیم.

۱-۱-۱. شهر از دیدگاه قرآن مجید

در علوم جامعه‌شناسی و جغرافیای انسانی، سخن از ملاک‌های شهری و روستایی، بسیار رفته است؛ هر دانشمند و کارشناسی از زاویه‌ای بر آن نگریسته و متناسب با داده‌های خود تعریفی ارائه کرده است. در آن تعاریف، توسعه فیزیکی، میزان جمعیت، وجود نهادهای مدنی و اقتصادی و صنعتی از مهمترین شاخص‌های تمیز دهنده شهر از روستايند؛ اما قرآن مجید، جدای از این ملاک‌ها، ملاک فرهنگ دینی و اجتماعی را مطرح می‌نماید که بسیار آموزنده و حائز اهمیت است.

مفهوم مدینه

واژه «مدینه» از ریشه کلمه «دین» گرفته شده است. دین، معانی زیادی دارد که عبارت است از: حساب، حکومت، شریعت، قانون، قضاوت، سیرت، اخلاق، تدبیر، سیاست، گناه، تقوا، پرهیزکاری، طاعت، بندگی، پاداش، مجازات، خواری. (ابن منظور، ۱۳/ ۱۷۰-۱۶۶). در لغت اوستایی، دین به معنی «شریعت» و در کتب زرتشتی به مفهوم «کیش و آیین و خصوصیات اخلاقی» است. در قرآن، دین به معنی «شریعت»، «آیین»، «قیامت» و «ایمان قلبی» به کار رفته است. در زبان‌های اروپایی Religion به معنی عقیده و اعتقاد یا دقت و مراقبت اخذ شده است. متکلمان اسلامی این اصطلاح را به معنی «قانون الهی» به کار برده‌اند. برخی از دانشمندان علوم جامعه‌شناسی از جمله «آگبرن» و «نیمکف» بر این باورند که دین، دارای دو مفهوم فردی و اجتماعی است: دین در مفهوم فردی، مجموعه‌ای است از اعتقادات پیچیده و نیروهای فوق طبیعی و در معنی اجتماعی، مجموعه‌ای از سازمان‌های اجتماعی مشتمل بر مفاهیم و احکام و شعائر مخصوص. (همان) بنابراین مدینه دارای مفهوم ارزشی و جامعی است که نمایانگر



دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)

قانونی خوب و متعالی، مدیریتی شایسته و منابع انسانی توسعه یافته و فرمانبردار در بین یک امت یا جامعه ای می باشد.

شاخص های شهری در قرآن

در قرآن، واژه «مدینه» ۱۴ بار، آن هم با «ال» تعریف، یعنی به صورت «المدینه» به کار رفته است و «قریه»، ۶۰ بار در شکل های معرفه، نکره، مفرد، تثنیه و جمع دیده می شود. در اصطلاح قرآنی، همه آبادی های روی زمین - چه بزرگ و چه کوچک - با تابلوی قریه شناسانده می شوند؛ مگر اینکه با ملاک های ویژه ای سازگاری داشته باشند. به قول سعدی:

چه مصر و چه شام و چه برّ و چه بحر همه روستایند و شیراز شهر

ملاک های قرآن در شناسایی شهر عبارتند از:

الف. صلاحیت فرهنگی اشخاص

ب. حضور و سکونت پیامبری از پیامبران خدا:

۱. مدینه، شهر حضرت صالح (ع)

۲. مدینه، شهر حضرت لوط (ع)

۳. مدینه، شهر حضرت یوسف (ع)

۴. مدینه، سکونتگاه حضرت موسی (ع)

ج. مدینه، مدینه النبی (ص):

نام قبلی مدینه، یثرب بود. یثرب پس از هجرت، به افتخار ورود و سکونت پیامبر اسلام (ص) در آن شهر - شاید هم به دستور خداوند - «مدینه النبی» نامیده شد. خداوند متعال در قرآن ابتدا مکه را «بلد» نامیده است و پس از هجرت پیامبر (ص) از آن شهر تعبیر به قریه کرده است؛ اما از مدینه به احترام اقامت و مدفن پیامبر (ص) هیچ وقت



دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)

جز مدینه یاد نکرده است؛ مگر یک بار به نقل قول از منافقان مدینه، که از شدت کینه و عناد با پیامبر(ص)، اهل مدینه را با نام قبلی آن، یعنی اهل یثرب، صدا کرده‌اند. (فصلنامه پژوهش‌های قرآنی - جلد ۵۴)

۱-۲-۱. شهر از دیدگاه جمعیتی

ساده‌ترین تعریفی که می‌توان از شهر نمود تعریف عددی است، زیرا یکی از بهترین وجه تمایز بین شهر و ده، تعداد جمعیت آن است. بر اساس عدد می‌توان شهر را چنین تعریف نمود: مرکزی از اجتماع نفوس که در نقطه‌ای گرد آمده و تراکم و انبوهی جمعیت در آن از حد معینی پایین‌تر نباشد. بر این اساس در بیشتر ممالک، حد جمعیت شهر ۲۵۰۰ نفر است. البته تعداد و رقم شاخص برای شناخت شهر، هم از نظر زمانی و هم از نظر مکانی متفاوت است، و مهم‌تر آن که در هر کشوری بنا به موقعیت خاص آن کشور حد جمعیت شهر تفاوت می‌کند. مثلاً، در فرانسه، آلمان، چکسلواکی و ترکیه مقیاس شناخت شهر از ده، تعداد ۲۰۰۰ نفر ساکن است. در ایالات متحده و مکزیک رقم ۲۵۰۰ نفر، در هلند و یونان ۵۰۰۰ نفر، در ژاپن ۳۰۰۰۰ نفر، در نیجریه ۲۰۰۰۰ نفر و در ایرلند رقم ۱۵۰۰ نفر مشخص‌کننده‌ی شهری بودن یا روستایی بودن یک نقطه می‌باشد. در کشور ما، جایی که به طور رسمی شهر شناخته شده است، طی سرشماری‌های ۱۳۳۵ الی ۱۳۸۵ متفاوت بوده است. در سرشماری سال ۱۳۳۵، ۱۳۴۵ و ۱۳۵۵ شهر به جایی اطلاق شده که جمعیت آن معادل ۵۰۰۰ نفر بوده است. علاوه بر این کلیه مراکز شهرستان‌ها (بدون در نظر گرفتن جمعیت آنها) شهر محسوب شده‌اند. در سرشماری سال ۱۳۶۵ دارا بودن جمعیت ۵۰۰۰ نفر از تعریف حذف شده است و شهر به جایی اطلاق شده است که در زمان سرشماری دارای شهرداری باشد^۳. این

۳ سالنامه آماری ۱۳۶۵



تغییر با توجه به تعریف شهر در قانون جدید تقسیمات کشوری ایجاد شد که در آن کلیه نقاط دارای شهرداری در زمان تصویب قانون را شهر دانسته و ایجاد شهرداری در نقطه‌ای دیگر را در آینده موکول به داشتن حداقل ۱۰۰۰۰ نفر جمعیت نموده است. در سرشماری سال ۱۳۷۵ نیز این تعریف، یعنی دارا بودن شهرداری، ملاک تفکیک شهر از روستا شده است.

عده‌ای معتقدند منطقه‌ی شهری به مناسبت آن که دائماً در حال توسعه است و شهرها را نمی‌توان در یک چهار دیواری قرار داد که بتوان حدود و تعداد آنها را مشخص کرد، بهتر است که به این گونه موارد به جای کلمه شهر، منطقه‌ی شهری اطلاق شود ضمن اینکه تعریف آماری و عددی ضمن آن که تعریف روشن و ساده‌ایست، ولی از نظر علمی نمی‌توان آن را تعریف جامعی دانست.

۱-۳-۱. شهر از دیدگاه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی

نقش کارکردی فضاهای شهری به عنوان مکان فعالیت‌های عمومی و عرصه تعاملات شهری، از دیرباز تاکنون همواره وجود داشته است؛ به طوری که فعالیت‌های مردم هر عصر را می‌توان توسط فضاهای شهری آنها باز شناخت و یا بالعکس فضاهای شهری را بواسطه فعالیت‌ها و علایق شهروندان معرفی نمود؛ بنابراین رابطه تنگاتنگی میان توسعه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی یک شهر و فضاهای شهری آن وجود دارد.

به اعتقاد بسیاری از اندیشمندان، بالاترین مرحله بلوغ فرهنگی، اجتماعی شهروندان یک شهر در فضاهای شهری بوقوع می‌پیوندد؛ همان جایی که علاوه بر فرم و کالبد دارای مفهومی وسیعتر با عنوان محتوایست. دکتر حمیدرضا پارسا عناصر محتوای فضای شهری را فعالیت‌ها و حیات مدنی می‌داند. فعالیت‌های انسانی در عرصه فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، ضامن بقای زندگی جمعی و حس شهروندی است که بواسطه



دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)

فضاهای شهری گسترش و تجلی می‌یابد؛ به عبارتی فضای شهری مکانی است که مناسبات چهره به چهره، تظاهرات سیاسی و حتی جشن‌های عمومی در آنجا برگزار می‌شود و بواسطه حضور همین فعالیت‌ها می‌تواند مفاهیمی چون مشارکت شهروندی، جامعه مدنی و... را در بر گیرد. حیات مدنی یا مدنیت نیز چیزی جدای از مردم، مشارکت آنان و روابط انسانی - اجتماعی آنها نیست که نماد سازنده آن فضای شهری است. از طرفی همانگونه که رنگ، نور، فرم و جریان حاکم بر یک فضای معماری می‌تواند در نحوه نگرش به آن فضا و حتی احساس شادی یا غم ساکنین آن فضا تأثیر بگذارد، فضای شهری نیز بر مخاطبین خود که اساس شکل‌دهی به یک شهر می‌باشند، تأثیرگذار است. فضای شهری باز عموماً الفاکنده‌ی آزادی و حقوق شهروندی است؛ جایی که احساس جوشش و خروش در آن وجود دارد، نمی‌توان آهسته و بی‌تفاوت بود و بدون شک چنین است که بسیاری از فضاهای شهری، خود موجب جنبش‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و... بوده‌اند.

اگر با بینشی اجتماعی بخواهیم از شهر تعریفی داشته باشیم و آن را از روستا مشخص بداریم، نگاهی برگرفته «مارکس» و «انگلس» خواهیم داشت. به نظر آنان، دو خصیصه، شهر را از روستا مشخص می‌کند:

۱. شهر و روستا و تقسیم کار: عظیم‌ترین نوع تقسیم کار مادی و فکری، جدایی شهر از روستاست.

۲. تمرکز و انزوا: شهر را واقعیت تمرکز جمعیت، تمرکز ابزار تولید یا تمرکز سرمایه، تمرکز لذات و تمرکز احتیاجات به وجود می‌آورد؛ در حالی که روستا واقعیت دیگری است که درست در نقطه مقابل واقعیت شهر است، یعنی انزوا و پراکندگی را ارائه می‌دهد.^۴



همچنین دانشمند یونانی به نام «پاوسینیاس» ماهیت شهر را چنین تبیین کرده است: «شهر عبارت است از محلی که قدرت حکومت، میدان ورزشی، تئاتر، بازار و آب آشامیدنی در آن وجود داشته باشد؛ و مرزبندی‌ها در آنجا صورت پذیرد؛ و مجلسی داشته باشد که اعضاء و یا نمایندگان از دیگر را در خود جای دهد.»^۵

۱-۱-۴. شهر از دیدگاه اقتصادی

در بعد اقتصادی شهر جایی است که دارای وجه غالب اشتغال صنعتی، خدماتی و سبک مصرف و زندگی یا شیوه تولید متفاوت از روستا است. برای اقتصاددانان شهری، ناحیه‌ای جغرافیایی به عنوان شهر شناخته می‌شود که در بر گیرنده تعداد زیادی از مردم در یک ناحیه‌ای نسبتاً کوچک باشد. اقتصاددانان یک ناحیه شهری را بر حسب تراکم جمعیتی تعریف می‌کنند به این دلیل که یک اقتصاد شهری، بر تماس مداوم بین فعالیت‌های اقتصادی مختلف پایه‌گذاری می‌شود و زمانی چنین تماس‌هایی عملی است که بنگاه‌ها و خانوارها در یک ناحیه نسبتاً کوچکی متراکم شده باشند. (مباحثی در اقتصاد شهری، آرتور او سالیوان ترجمه دکتر قادری، چاپ اول ۱۳۸۶، ص ۹)

«فردریک فن ریشتفن» می‌گوید: «شهر، اجتماعی از انسان‌ها در مکان معینی است که حیات عادی آنان از فعالیت‌های غیر زراعی به ویژه از راه بازرگانی و صنعت تأمین می‌گردد.» همچنین طبق نظر واگنر، شهر محل تجمع امر بازرگانی است.

۱-۱-۵. شهر از دیدگاه جغرافیایی

به نظر جغرافیدانان، شهر منظره‌ای مصنوعی از خیابان‌ها، ساختمان‌ها، دستگاه‌ها و بناهایی است که زندگی شهری را امکان‌پذیر می‌سازد. جغرافیدانان شهر را به عنوان یک

۵ عبدالستار عثمان، ۴۷/



دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)

واحد مجزاء به حساب نیاورده و ارتباط متقابل آن را با منطقه و کشور مورد مطالعه قرار می‌دهند. (شیعه) شهر برای جغرافیدانان در ابتدا با مفهوم فضای جغرافیایی روشن است. و اولین عاملی که مشخص‌کننده شهر است موقع و مقر جغرافیایی شهر است. شناخت جغرافیایی شهر از نظر موقع و مکان و مقر آغاز می‌شود و مهمترین معیار شناخت جغرافیایی محلی و ناحیه‌ای شهر است که به کمک نقشه‌ها صورت می‌گیرد. موقع جغرافیایی شهر بیانگر وضعیت شهر نسبت به راه‌های ارتباطی، منابع انرژی و مواد اولیه و نیروی انسانی موجود در ناحیه است. شخصیت شهر از قلب و بخش مرکزی شهر نشأت می‌گیرد که جغرافیدانان به آن هسته شهری می‌گویند.

۱-۶. شهر از دیدگاه حقوقی و اداری

نوع دیگر تعریف شهر تعریف حقوقی و اداری است. در دوره‌های گذشته، شهرها دارای امتیازاتی بودند که در روستاها وجود نداشت. مانند بسیاری از شهرهای قرون وسطایی که حق داشتند برای خود بازار داشته باشند، یا به خدمات نظامی بپردازند. در حالی که روستاها از این امتیاز برخوردار نبودند.

شهر عبارت است از محلی که از لحاظ سکونت و کسب‌وکار و تأسیسات اداری کمابیش مرکزیت دارد و از جنبه اداری به این عنوان شناخته شده است. در تقسیمات کنونی کشور ایران مراکز شهرستان‌ها و نیز مراکز بسیاری از بخش‌ها عنوان شهر دارد. (فرهنگ نامه معماری ایران در مراجع فارسی).



همچنین طبق ماده ۴ قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری، شهر مکانی است با حدود قانونی که در محدوده جغرافیایی مشخص واقع شده و از نظر بافت ساختمانی، اشتغال و سایر عوامل دارای سیمایی با ویژگی‌های خاص خود است.

۷-۱-۱. شهر از دیدگاه تاریخی

اصل پهلوی کلمه شهر یا شتر، در دوره ساسانیان غالباً به معنی کشور به کار می‌رفته است؛ مانند ایران‌شهر به معنی کشور ایران و تقریباً معادل کلمه خَشَر در فارسی باستان به معنی مملکت و قلمرو سلطنت. محتملاً، حتی در فارسی کهن، شهر، علاوه بر معانی کشور و ولایت، معنی آبادی بزرگ یا شهر به معنی کنونی هم داشته است و این ظاهراً بدین مناسبت بوده است که بسیاری از شهرهای بزرگ ایران آبادی‌های تابعه داشته‌اند که متعلق به شهر محسوب می‌شده‌اند. (مصاحب، «شهر»).

آبادی که بر خانه‌های بسیار و خیابان‌ها و میدان‌ها و بازارها مشتمل و دارای سازمان‌های اداری و انتظامی باشد. مجموعه شماره بسیار از خانه‌ها، عمارات، خیابان‌ها، و کوچه‌ها که در ناحیه‌ای محدود قرار دارند. در دوره ساسانیان تقسیم ایالات به بخش‌ها بوده هر یک از بخش‌های کوچک را شهر و کرسی آن را شهرستان می‌گفته‌اند (دهخدا، «شهر»).

برخی از علما معتقد هستند که مراکزی که از قدیم نام شهر به آنها اطلاق شده است، به‌عنوان شهر شناخته می‌شوند و در واقع به افتخار قدمتی که دارند، همیشه شهر باقی می‌مانند. (شیعه)



۸-۱-۱. شهر از دیدگاه شاعران و معماران

برای شاعران، شهر جایگاه وهم و هیجانات و سراب فریبده است و بی‌نهایت متنوع و متراکم از نوعی زندگی، که مدام رو به تازگی و تحول دارد. یکنواختی و پیش پا افتادگی آن چون کابوسی است برای شاعران و غول‌آسایی، تضاد و لجام گسیختگی و بی‌بندوباری شهرها همیشه مورد آرزو و پسند آنان نیست. در اثبات این مدعا نگاهی داریم بر فریاد دلثوئل سدا رسنگور آن شاعر سیاه سنگالی که از غم زادگاه خود در شهر نیویورک بدینسان نالیده است:

پا نزده روز بی چشمه و بی چراگاه
تمام پرندگان آسمان
به ناگهان فرو می افتند و زیر خاکسترهای مهتابی می میرند...
سپس سدا رسنگور خطاب بر هارلم و گتوی سیاهان چنین می گوید:
هارلم ، هارلم! این است آنچه در تو دیده ام هارلم!
نسیم سبز گندم ها
می روید از میانه سنگفرشهای شخم خورده...
سدار آنگاه در رؤیایی از وحدت و امید چنین می گوید:
نیویورک با توام نیویورک!
بگذار خون سیاه در خون تو روان گردد
تا بسان روغن زندگی؛ زنگها را از بندهای فولادین تو بزدايد...

از شعر شاعران دیگر سرزمین‌ها که بگذریم، شاعران ایران زمین نیز بر شهر و انسان‌های شهرنشین اندیشیده‌اند. شاعران بزرگی همچون فردوسی، سعدی، حافظ و شهریار در اشعار خود به شهرها پرداخته و آنها را توصیف نموده‌اند.



دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)

بباید شدن تا در اردبیل

دو فرزند ما را کنون باد و خیل

همه ساله پرخاش اهریمن است

بمرزیکه آنجا دژ بهمن است

«شاهنامه فردوسی»

سهراب سپهری در شعر زیبای "صدای پای آب" شهر را "رویش هندسی سیمان و آهن و سنگ" می‌بیند. احمد شاملو نیز در شعر "کوچه" بعد از مقدمه‌ای اشاراتی بر شهر و فریاد شهریان دارد.

قیصر امین‌پور هم از آرمانشهر و تأثیر شاعران بر شهرنشینی سخن می‌گوید هم شهر را در معنی (مدینه و سرزمین) استفاده می‌کند هم با نام بردن بعضی از شهرها (اصفهان، مشهد، شیراز، نیشابور، کوفه) ما را با شهرهای سنتی و ویژگی‌های آن پیوند می‌زند و هم از فضای فرهنگی شهر مدرن به جا استفاده می‌نماید. وی در کتاب «گلها همه آفتابگردانند» بیشترین فضای شهری را نسبت به دیگر کتاب‌هایش دارد وی جایگاه خودش را (به عنوان یک شاعر) در ساختن آرمانشهر به ما یاد آور می‌شود و شهری که در آن زندگی می‌کند را به صورت یک ناشهر برایمان ترسیم می‌کند.

منوچهر کوهن شاعر و معمار، در شعری روان، با بیان زیبا و غنی از مفاهیم جغرافیایی به ترسیم تباین‌ها و تضادهای حاکم بر فضای اجتماعی تهران پرداخته است:

...شهر من

شهر تهران

ازدهایی خفته بر پای البرز

دامی نهفته بر دامان تاریخ

زخمی گشوده بر قلب ایران

...



دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)

شهر من تهران
دست‌هایت، بال‌های باورم
کوچه‌هایت رگ‌های زندگانی‌م
درد تو، برگ‌ریزانم
و خاکت آخرین خانه‌ام
شهر من آشیان من، کوی من
شهر بی‌امان
شهر شطرنجی
دوست می‌دارم
با تو می‌مانم

...

«منوچهر کوهن»

همچنین از دیدگاه یک مهندس معمار (آرشیست)، شهر عبارت است از مکانی قابل زیست که از تعدادی ساختمان، خیابان، سیستم‌های لوله‌کشی آب و گاز و تسهیلات دیگر تشکیل شده است، به عبارت دیگر، از نظر معماران جنبه‌های فیزیکی و کالبدی شهر است که بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد. (درکوش)



دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)

۱-۲. مهمترین و معروفترین نظریه پردازان شهر

بزرگان و اندیشمندان به نام علوم شهری و جامعه‌شناسی شهری در این باب به تعریف مفاهیم و معانی مختلفی از شهر و تجزیه و تحلیل از ابعاد مختلف آن پرداخته‌اند. در ادامه، نظریه‌ها و تحقیق در حیطه‌ی شهر از زبان چند تن از این نظریه‌پردازان جهانی (به ترتیب الفبا) مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

۱-۲-۱. شهر از دیدگاه ابن خلدون



ولی‌الدین ابوزید عبدالرحمن محمد بن خالد بن خطاب، مشهور به ابن خلدون از نظریه‌پردازان بنام که در سرزمین تونس رشد کرد. از نظر او مفهوم اساسی در فلسفه‌ی اجتماعی

و تحلیل انسان‌شناختی مفهوم «عصبیت» است که باید آن را به قومیت و پایه و اساس آنچه بعدها «ملیت» نام گرفت نزدیک کرد. عصبیت (همبستگی اجتماعی) به باور ابن خلدون، پدیده‌ای است تا اندازه‌ای نژادی که با ساختار خویشاوندی و همچنین با نوع زندگی خاص بادیه‌نشینی ارتباط دارد و سبب انسجام یافتن درونی و همبستگی میان اعضای جامعه و ضربه‌ناپذیری آن است (فکوهی، ۱۳۸۱: ۷۸-۷۷). او برای مطالعه‌ی انسان و اجتماع علمی را موسوم به علم اجتماع بنیان نهاد تا بدین ترتیب چهارچوب نظری را برای مطالعه‌ی تحولات و تغییرات اجتماعی ایجاد کند. او موضوع این علم را عمران بشری و اجتماع انسانی به طور کلی می‌داند. ابن خلدون مسائل علم عمران را



دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)

اموری می‌داند که از ذات و ماهیت اجتماع بشری منشأ گرفته است. او به بیان موضوع علم خود بدین شکل می‌پردازد:

نخست: در عمران (اجتماع) بشری به طور کلی و انواع گوناگون اجتماعات و سرزمین‌های آبادان و مسکونی که این اجتماعات در آنها شکل گرفته است؛

دوم: در عمران (اجتماع) بادیه‌نشینی و بیان قبیله‌ها و اقوام وحشی؛

سوم: در دولت و خلافت و پادشاهی و ذکر مناصب و پایگاه‌های دولتی؛

چهارم: در عمران (اجتماع) شهرنشینی و شهرهای بزرگ و کوچک؛

پنجم: در هنرها و معاش و کسب و پیشه و راه‌های آن؛

ششم: در دانش‌ها و کیفیت اکتساب و فراگرفتن آنها (جمشیدی‌ها، ۱۳۸۳: ۶۵)

اصطلاح «عمران» در اثر ابن خلدون هم ناظر مسائل جمعیتی و اقتصادی است و هم ناظر به فعالیت‌های اجتماعی سیاسی و فرهنگی. در یک کلام، منظور پدیده‌های انسانی است. وی عمران بدوی را به «فرهنگ ابتدایی» و عمران حضری را به «تمدن» تعبیر می‌کند. به عقیده ابن خلدون، سطح و میزان توسعه‌ی عمران منحصرأ به وسعت و اندازه‌ی شهر بستگی ندارد بلکه سابقه و قدمت آن نیز شرط است. این موضوع یکی از پایه‌های عمده‌ی نظریه‌ی ابن خلدون به شمار می‌رود.

شهر و مقولات مرتبط با آن از موضوعاتی است که در کتاب مقدمه ایشان بسیار از آن یاد شده است و در یک نگاه کلی تشکیل، توسعه و رکود شهر را شامل می‌شود.



شهرنشینی در دیدگاه وی عبارتست از: تفنن جویی در تجملات و بهتر کردن کیفیات آن و شیفتگی به صناعی ست که کلیه‌ی انواع و فنون گوناگون آنها ترقی می‌یابد (خوشرو: ۲۹۲). در کتاب مقدمه ابن خلدون موجودیت بادیه‌نشینی را وابسته و متعلق به شهرنشینی می‌داند از دیدگاه وی بادیه‌نشینان پس از اینکه در اثر کار و تلاش وضعیت معاش و اقتصاد خویش را بهبود بخشیدند امیال رفاه‌طلبانه و تجمل‌خواهانه پیدا می‌کنند و این انگیزه‌ای می‌شود جهت تأسیس و تسخیر شهرها. چنانچه در کتاب مقدمه خود می‌گوید: "شهرنشینی هدفی برای بادیه‌نشینان است که به سوی آن در حرکت هستند و سرانجام با کوشش و تلاش خود از بادیه‌نشینی به مطلوب خویش نایل می‌آیند". بنابراین نظر ابن خلدون در مورد زمینه پیدایش شهرنشینی را می‌توان با توجه به عوامل اقتصادی، روانی و سیاسی سه مورد بهبود معیشت اقتصادی، تمایل به تجمل‌خواهی و نیرو و قدرت قبیله‌ای ذکر کرد. در نظر وی شهرها در جهت پاسخگویی به دو نیاز شکل می‌گیرند، یکی ارضای میل تجمل‌خواهی و آسایش و دیگری تأمین امنیت. در نتیجه اقامتگاه راحت و پناهگاه ایمن دو کارکردی هستند که شهر برای پاسخگویی به آنها شکل می‌گیرد (خوشرو، همان: ۱۱۷-۱۱۵). در بیان خصوصیت مورفولوژیک شهرها او به موقیت جغرافیایی، نقشه‌ی ساختمان‌ها و کیفیت بنای آنها، نحوه‌ی سکونت و پراکندگی جمعیت و به طور کلی خصوصیات مادی و خارجی شهرها توجه دارد. با نظر به کارکردهای اصلی شهر یعنی اقامتگاه و پناهگاه او این خصوصیات را اینگونه ذکر می‌کند:

الف) مقاومت در برابر حمله‌ی دشمنان

ب) مقاومت در برابر امراض و آفات



ج) امکان دسترسی به ضروریات حیات (همان: ۱۱۸-۱۱۶)

شرایط مناسب یک شهر به عقیده‌ی ابن خلدون عبارتند از:

۱. جمعیت: جمعیت شهر نباید آنقدر کم باشد که موجب راکد ماندن هوا و نتیجتاً فساد آن شود و نه آنقدر زیاد باشد که در اثر رطوبات فاسده و مواد گندیده موجب آلودگی.
۲. شهر باید در جایی بنا شود که هوایش معتدل باشد.
۳. از چراگاه‌های سرسبز برخوردار باشد.
۴. زمین‌های حاصلخیز برای کشاورزی در اطراف آن کافی باشد.
۵. در بنای شهر موقعیت دفاعی آن منظور گردد، یا در بالای کوه‌ها ساخته شود یا در کنار دریاها و یا محصور در رودهای بزرگ.
۶. بهتر است شهر در کنار جنگل‌ها باشد تا علاوه بر لطیف بودن هوا از چوب درختان برای خانه‌سازی استفاده شود.
۷. لازم است شهر نزدیک دریا باشد تا در واردات و صادرات و تجارت اهالی شهر را کمک نماید (رادمنش، ۱۱۱-۱۱۰).

با توجه به این مطالب، بنظر می‌رسد که ابن خلدون هم منشاء پیدایش شهرها را با نحوه زندگی اقتصادی بشر مربوط می‌داند که ابتدا فقط نیازهای ضروری خود را تولید می‌کند و سپس با افزایش بازده تولیدی، به خواسته‌های تجملی هم روی می‌آورد. البته باید توجه داشت که ابن خلدون منشاء پیدایش شهرها را ناشی از عوامل اقتصادی نمی‌داند، بلکه معتقد است که در تشکیل بعضی از شهرها، مذهب نقش عمده‌ای داشته است مثل شهر مذهبی مکه که به امر خدا و بوسیله ابراهیم و اسماعیل بنا شده است.



۱-۲-۲. شهر از دیدگاه ابونصر فارابی

ابونصر محمدبن اوزلغ ابن طرخان مشهور به فارابی در سال ۲۵۷ هجری مصادف با ۸۷۰ میلادی در شهر فاراب متولد شد. وی بیشتر تألیفات خود را در بغداد به رشته‌ی تحریر در آورد و سپس به دمشق منتقل شد

پس از آن به مصر و حلب رفت و به مدت ۹ سال نزد امیر حلب، سیف‌الدوله حمدانی، عزلت پیشه و به تألیف حکمت و فلسفه پرداخت و تا سال ۹۵۰ میلادی برابر با ۳۳۹ هجری مصاحب امیر حلب در مسافرت به دمشق بود تا اینکه در همین سفر در حالیکه ۸۰ سال از عمر وی گذشته بود، از دنیا رفت.

اندیشه‌ی شهری و اجتماعی فارابی:

در یک نگاه کلی بر دیدگاه فارابی می‌توان اینگونه بیان کرد که او نظام مابعدالطبیعه را بر نظام طبیعت و نظام طبیعت را بر نظام آفرینش انسان و نظام آفرینش انسان را بر نظام اجتماعی و سیاسی حاکم می‌داند و به اعتقاد وی سعادت انسان در تحول نفس انسان در جهت کمال وجودی است و در رسیدن به این کمال محتاج به ماده نیست. اندیشه‌های فارابی درباره‌ی شهر و سیاست عمدتاً در کتاب‌هایی چون کتاب آراء اهل المدینه الفاضله و کتاب السیاسة مطرح شده‌اند. او تحت تأثیر فلسفه‌ی یونانی و به ویژه ارسطو، انسان را موجودی اجتماعی می‌داند که بالاترین هدف در زندگی او دستیابی به سعادت است و برای این کار نیاز به سازمان‌یافتگی دارد که می‌تواند آن را در شهر یا مدینه بیابد. اجتماع‌های انسانی به باور او به سه نوع تقسیم می‌شوند:



نخست جوامع بزرگ که عبارتند از «جامعه‌ی ملل بسیار در حال اجتماع و تعاون» (السیاسات المدینه)،

دوم جوامع میانه یعنی «اجتماع ملتی در جزئی از معموره» (آراء اهل المدینه الفاضله) و سوم جوامع کوچک یعنی «اجتماع اهل شهری در جزئی از سرزمین ملتی» (السیاسات المدینه) (فکوهی ۱۳۸۳: ۱۵۰)

او در کتاب آراء اهل مدینه‌ی فاضله در این رابطه می‌گوید: «زندگی انفرادی برای انسان امکان دارد. نهایت اگر بخواهد به سعادت و کمال برتر نائل شود باید به طور اجتماعی زندگی کند». فارابی جامعه را به وجود افراد، روابط و همکاری بین آنها تعریف می‌کند و منشأ پیدایش جامعه را نیازهای زیستی و انسانی می‌داند. نشانه‌های زندگی جمعی از نظر وی عبارتند از: (۱) افراد و گروه‌های بسیار (۲) مکان واحد (۳) پیوستگی و ارتباط با یکدیگر (۴) هدفداری (آزاد ارمکی، ۱۳۷۴: ۲۳۳). این چهار مشخصه با تعریف امروزی جامعه‌شناسی از جامعه که آن را مجموعه‌ای از افراد یا گروه‌های پیوسته و هدفدار تعریف می‌کند، همخوانی دارد.

به نظر وی سه طبقه در مدینه‌ی فاضله و نظام سیاسی وجود دارد:

- ۱- طبقه‌ی رؤسا: کسانی هستند که فقط ریاست می‌کنند و کسی بر آنها ریاست ندارد.
- ۲- طبقه‌ی خدمت‌گذاران: کسانی هستند که فقط خدمت می‌کنند و هیچ نوع ریاستی ندارند.
- ۳- طبقه‌ی متوسط: کسانی هستند که زیردست رؤسا و رئیس مروضان بعد از خود هستند.

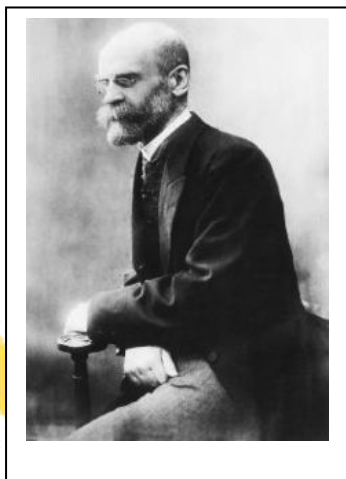


وی در نظام سلسله مراتبی خود، بیشترین مسئولیت جامعه را بر دوش طبقه‌ی متوسط می‌گذارد و در حقیقت، حاکم و زمامدار جامعه، از طریق همین طبقه، همه‌ی تدابیر حکومتی را در جامعه اعمال می‌کند (نصار، ترجمه‌ی رحیم‌لو، ۱۳۶۶: ۲۷۹).

فارابی اجتماعات را در دو سطح بررسی کرده است: اول سطح عام و بر حسب ملاک جغرافیایی؛ جوامع در این سطح به دو قسم کامل و غیرکامل تقسیم می‌شوند. اجتماعات کامل شامل عظمی، وسطی و صغری قادر به رفع نیازهای خویش هستند ولیکن اجتماعات غیرکامل شامل ده، محله، کوی و منزل قادر نیستند حوائج خود را رفع کنند. فارابی اعتقاد داشت که هر چه دامنه‌ی جامعه‌ای وسیع‌تر باشد آن جامعه کامل‌تر است و بر احتیاجات کوچکتر از خود قدرت حکمروائی پیدا می‌کند. دوم سطح خاص و بر حسب ملاک اعتقادی و عملی؛ به نظر وی «خیر افضل و کمال نهایی‌نخست بوسیله‌ی اجتماع مدنی حاصل می‌آید». وی همچنین اجتماعات را بر حسب نوع ریاست و اهداف و غایات آنها و نیز بر مبنای آراء و عقاید مردم طبقه‌بندی می‌کند. فارابی اجتماعی را که هدف اصلی آن همکاری در اموری است که موجب رسیدن به خیرات و نیل به سعادت می‌باشد مدینه‌ی فاضله می‌نامد و آن جماعتی را که هدف اصلی آن دور کردن آدمی از سعادت و نزدیک کردن او به شرارت و بدی است را مدن غیر فاضله می‌نامد (خوشرو، همان: ۴۷-۴۶).



۱-۲-۳. شهر از دیدگاه امیل دورکیم



داوید امیل دورکیم به عقیده‌ی بسیاری بنیانگذار جامعه‌شناسی به شمار می‌رود. ولی اولین کسی که توانست کرسی استادی جامعه‌شناسی را تأسیس کند، دورکیم بود. بنابر نظریه امیل دورکیم جامعه‌شناس فرانسوی، جامعه‌ها بر اساس نوع انسجام، همگرایی و همبستگی افراد با یکدیگر به دو گونه تقسیم می‌شود:

گونه اول جامعه مبتنی بر همبستگی مکانیکی است که افراد آن در حکم اجزای یک ماشین هستند، انتظام اجتماعی در این جامعه بیشتر بر تشابه و همانندی افراد استوار است و افراد از لحاظ حرفه و شغل، طرز تفکر، ادراک و رفتار با یکدیگر کم‌وبیش مشابهت دارند و همگی تحت نظام واحدی قرار می‌گیرند و از مقررات و قوانین و سنت‌های یکسانی پیروی می‌کنند.

گونه دوم مبتنی بر همبستگی ارگانیک یا همبستگی اندامی یا عضوی است که روابط افراد بر اساس عدم تشابه و ناهمانندی قرار دارد. این جامعه مانند ارگانیسم انسان دارای اعضای متعددی است که هر کدام کار خاصی انجام می‌دهند ولی در عین حال میان آنها ارتباط متقابل برقرار است. یعنی هم با یکدیگر و هم با کل ارگانیسم جامعه در ارتباط متقابل هستند. در این نوع جامعه تقسیم کار و تخصص و حرفه‌های گوناگون وجود دارد و افراد از نظر شغل، عقیده و ذوق و سلیقه با هم فرق می‌کنند و آنچه باعث پیوستگی و ارتباط متقابل میان آدم‌ها می‌شود، تجانس و همانندی و پیروی از قانون

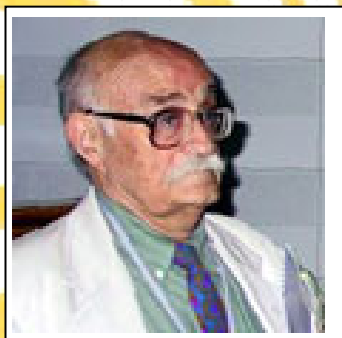


دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)

سنتی واحدی نیست، بلکه افراد بر اساس نیازهای متقابلشان با هم ارتباط پیدا می‌کنند و به آن آگاهی دارند.

به عقیده او همگرایی **Solidarite** در جامعه بادیه به علت ساختار اجتماعی ویژه آن از نوع همگرایی خود به خودی و ماشینی است که نا آگاهانه صورت می‌گیرد، مانند اجزاء و پیچ و مهره‌های ماشین که در کنار هم قرار دارند و به طور خود به خود موجب حرکت ماشین می‌شود. ولی در جامعه شهری این امر به صورت منطقی حساب شده و آگاهانه در می‌آید که دورکیم آن را همگرایی اندامی یا ارگانیک نام می‌گذارد، یعنی افراد مانند اندام‌هایی هستند که هر کدام کاری انجام می‌دهند و با هم ارتباط دارند که نتیجه کارکرد و ارتباط میان آنها همان ادامه حیات ارگانیک است.



۱-۲-۴. شهر از دیدگاه ایموس راپوپورت

ایموس راپوپورت (Amos Rapoport)

در سال ۱۹۲۹ در شهر ورشوی لهستان متولد شد. وی یکی از بنیانگذاران رشته‌ی مطالعات رفتار محیطی می‌باشد.

کار او عمدتاً بر نقش متغیرهای فرهنگی، مطالعات میان فرهنگی و رشد و ترکیب نظریه است. افزون بر کتاب "خانه، شکل و فرهنگ"، وی نگارنده‌ی چندین کتاب دیگر و مقاله، یادداشت و فصول کتاب هم می‌باشد. وی اساس شکل‌گیری محیط‌های زیستی را در فرهنگ مردم جستجو می‌کند و تفاوت محیط کالبدی را ناشی از تفاوت فرهنگ‌ها می‌داند. تعریف یک فضا در فرهنگ‌های مختلف بستگی به وجود و یا عدم وجود عناصر خاص دارد. عناصری که به فضا سازمان می‌دهند سه دسته‌اند:



۱- عناصری که شکل آنها ثابت است و یا به تدریج تغییر می‌کند، مانند: راه، دیوار و یا ساختمان.

۲- عناصر غیر ثابت مانند: علائم، گیاهان و مبلمان شهری.

۳- عناصر متحرک که شامل مردم، فعالیت‌ها و روابط آنهاست.

"راپاپورت" فضای شهری را به عنوان محیط اجتماعی که در بردارنده مجموعه‌ای از ارتباطات است مطرح می‌سازد و شناخت فضای شهری را از طریق شناخت فرم بصری و اهمیت اجتماعی آن امکان‌پذیر می‌داند. ارتباطی که استفاده کنندگان در فضا برقرار می‌کنند، اهمیت عناصر و فضاها را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

او دو نقطه نظر در مورد فضای شهری بیان می‌کند، که منجر به ایجاد دو فرم شهری متفاوت می‌شود. یک نقطه نظر ساختمان‌ها را برای زندگی اصل می‌داند و باقی فضاها را فضاهایی ارتباط‌دهنده و تلف شده محسوب می‌کند، نقطه نظر دوم به ساختمان‌ها بعد خصوصی می‌دهد و فضای شهری را برای زندگی اجتماعی مهم می‌شمارد. "راپاپورت" به این نکته تأکید دارد که ایجاد فضاهای شهری نامناسب اثرات مخربی بر فرهنگ‌ها دارد و در عین حال برای فضاها و عناصر عمومی و با ارزش شهر اهمیت قائل است و منزلت یک شهر را به وجود مجموعه‌ای عمومی از آن وابسته می‌داند که حتی شهر بر اساس آن استفاده می‌شود و با از بین رفتن آنها منزلت و ارزش شهر نیز از دست می‌رود. بهترین راه تجربی ساختن فرهنگ، شناخت نظام فعالیت‌ها و شیوه زندگی مردم است.

پیشنهاد راپاپورت بررسی سکونت آسیایی، آفریقایی، آمریکای پیش از کلمبو و... بود که اغلب از دید نظریه‌پردازان منشأ شهر مورد غفلت واقع شده است. عموم این نظریه‌ها بر



دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)

شهرهای قرون وسطای اروپا و پس از آن استناد می‌کنند. به نظر او «با بسط نمونه‌های مورد مطالعه این امکان به وجود می‌آید که از انواع سکونتگاه‌ها سخن به میان آوریم بدون آنکه وارد این بحث شویم که آیا اینها شهر هستند یا خیر» (راپاپورت، ۱۳۸۴: ۴۱۵)



۱-۲-۵. شهر از دیدگاه پل سینجر

وی معتقد است که برای درک پیدایش شهر، ابتدا باید تفاوت و رابطه شهر و روستا را بررسی کرد.

بدین ترتیب که روستا در ارتباط با طبیعت قرار دارد و از آن احتیاجات اولیه و معیشتی خود را فراهم می‌آورد و برای نیازهای اولیه خود به شهر وابستگی ندارد. در صورتی که شهر به عنوان مرکز طبقه حاکم و مقر قدرت، برای رفع نیازهای اولیه خود، محتاج به روستاست. سینجر می‌گوید که وجود جامعه طبقاتی است که موجب تداوم انتقال مازاد از روستا به شهر می‌شود.

سینجر معتقد است که در شیوه‌های تولیدی پیش از سرمایه‌داری، روابط تولیدی بصورتی بوده که اولاً تولیدکنندگان، عوامل تولید یعنی زمین و غیره را در اختیار داشته‌اند، و در ثانی همواره کالایی تولید می‌کرده‌اند که قابلیت مصرف داشته است. بنابراین سینجر می‌گوید که بدین ترتیب منشاء و پیدایی شهر مترادف با پیدایی جامعه طبقاتی و در نتیجه حاصل آن است (سینجر، ص ۱۴) Poul Singer -



دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)

۱-۲-۶. شهر از دیدگاه جین جیکوبز



جین جاکوبز (Jane Jacobs) به سال ۱۹۱۶ در شهر معدن زغال سنگ، اسکراتون پنسیلوانیا، به دنیا آمد. در نیویورک به عنوان یک نویسنده‌ی آزاد اغلب در مورد حوزه‌های کاری در شهر می‌نوشت.

آنگونه که او اذعان می‌دارد این تجارب، " ... بیشتر از صرف یک اندیشه در مورد آنچه که در شهر می‌گذشت و آنچه مورد قبول تجارت و کار بود، را در اختیار من قرار داد."

در سال ۱۹۶۸ با هدف مخالفت با جنگ ویتنام، به تورنتو نقل مکان کرد. در آنجا به عنوان یک منتقد صریح برنامه‌ریزی شهری **top-down**، باقی ماند. در آغاز دهه‌ی ۷۰ او به توقف طرح حفاری در جلگه کمک رساند تا از ساختن بزرگراه اصلی که از میان زمین‌های قابل سکونت در اطراف تورنتو **Toronto's liveliest neighborhoods** می‌گذشت، خودداری کند. مخالفت با ساخت بزرگراه و حمایت از همسایگی‌ها از موضوعات متداول در زندگی او به شمار می‌آمدند. سؤال همواری او این بود که آیا ما شهرها را برای مردم می‌سازیم و یا برای ماشین‌ها. جیکوبز مدعی بود که " شهرهای سالم و بانشاط، شهرهای ارگانیک، خودجوش و خوش اقبالند. آنها بر پایه‌ی تنوع اقتصادی، انسانی و معماری، جمعیت‌های متراکم و اختلاط کاربری‌ها می‌بالند نه بر مبنای برنامه‌های به سامان شده‌ی توسعه‌ی مجدد که به نام زاغ‌روبی یا زیباسازی شهری، کل محلات را بر پارک‌ها و میادین مشخص آن دگرگون کند (جیکوبز، ۱۳۸۶: ۱۵).



به اعتقاد او وقتی با شهر سر و کار داریم، سر و کارمان با زندگی آن هم مشکل‌ترین و بارزترین صورت آن است. از همین رو در طرح شهر محدودیتی موجود است که آن را از طرح یک اثر هنری متمایز می‌کند. "در سامان دادن به شهر، به هنر احتیاج داریم؛ همانگونه که در سایر عرصه‌های زندگی به آن محتاجیم، برای اینکه بتوانیم زندگی را درک کنیم و برای اینکه رابطه‌ای که بین زندگی هر یک از ما و زندگی برون از عرصه‌ی حیات ما موجود است، روشن گردد و یا اصلاً شاید، بیشتر بدین دلیل به هنر احتیاج داریم که از انسانیت خود مطمئن شویم." به نظر او "هنر برنامه‌ریزی شهری و روش‌های شبه علمی همراه آن، کوشش نکرده‌اند که با دنیای واقعی سر و کار داشته باشند" (مزینی، مقالاتی در باب شهر و شهرسازی)

دامنه‌ی علاقه‌مندی و نوشته‌های وی حول مباحث معماری و شهرسازی، اقتصادی، اخلاق، و روابط اجتماعی می‌گذشت. کتاب‌هایی که از این اندیشمند به جای مانده‌اند موارد زیر را شامل می‌شوند:

مرگ و زندگی در شهرهای بزرگ آمریکایی؛ این کتاب تأثیرگذارترین اثر جیکوبز و حتی می‌توان گفت تأثیرگذارترین کتاب آمریکایی در زمینه‌ی برنامه‌ریزی شهری و شهرهای آمریکایی است.

اقتصاد شهرها (The Economy of Cities (1969) ؛

تذکره کتاب این است که شهرها محرک‌های اولیه‌ی برای توسعه‌ی اقتصادی هستند. استدلال اصلی جیکوبز این است که رشد قابل ملاحظه‌ی اقتصادی منتج از جایگزینی واردات شهری است. او همچنین مدعی است که تولید افزوده صادر شده به سایر



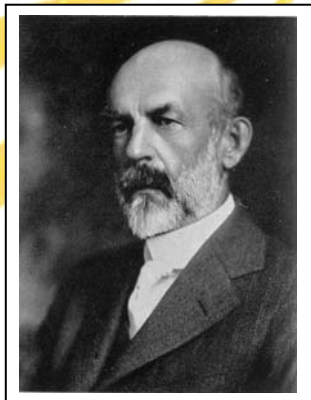
دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)

شهرها، شانس جدیدی را به آنها برای ملحق شدن در واردات جایگزین می‌دهد که حاصل آن جریان تولید در چرخه‌ی رشد مثبت است.

در این کتاب او برای اولین بار به طور جدی نظریه‌ی تقدم کشاورزی بر پیدایش تمدن شهری را زیر سؤال برد. این نظریه با استناد به یافته‌های باستانشناسی در چاتال هئیوک، پیدایش کشاورزی را محصول شهرها دانسته، اهلی کردن حیوانات را نیز در شهرهای آغازین جستجو می‌کند (اسماعیلی و دیگران، ۱۳۸۴: ۱۱۸)

اگرچه برخی از اندیشه‌های وی در جهت مخالفت با نگرش‌های سنتی برنامه‌ریزی حرکت می‌کند و موضع وی تا حدودی در جهت‌گیری‌های تازه در ساخت مجتمع‌های مسکونی و سیاست‌های شهری در این زمینه تأثیر داشته است اما کمتر توانسته پاسخی به معضل شهرنشینی شکننده‌ی کشورهای در حال توسعه و هرج و مرج آشکار «خیابانی» در آنها بدهد (فکوهی، ۱۳۸۳: ۲۰۷). در واقع ایده‌های او این امکان را فراهم می‌آورد تا از زاویه‌ای متفاوت به شهر بنگریم.



۱-۳-۴ دیدگاه چارلز کولی

Charles Horton Cooley چارلز هورتون کولی (متولد ۱۸۶۴، آن آربور، میشیگان، ایالات متحده) جامعه‌شناس آمریکایی بود. او از لحاظ روابط اجتماعی معتقد به دو نوع جامعه است:



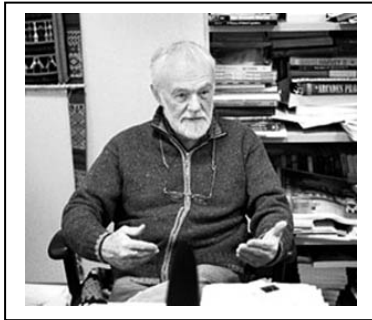
نوع اول، جامعه مبتنی بر روابط نخستین که در آن روابط افراد نزدیک، صمیمانه و چهره به چهره و عاطفی است. نوع دوم، جامعه مبتنی بر روابط دومین که میان افراد روابط خشک، رسمی و حساب شده برقرار است. هر چند ممکن است این نوع روابط در شهر و روستا به نسبت‌های متفاوتی وجود داشته باشد ولی به طور کلی در جامعه روستایی روابط افراد بیشتر از نوع روابط نخستین است. در یک روستای سنتی افراد معمولاً در میان هم زاده می‌شوند، در کنار هم زیست می‌کنند و روابط آنها بر اساس شناخت متقابل قرار دارد. هر یک از افراد روستایی فرد دیگر جامعه خود را با تمام وجوه و ابعاد شخصیت او می‌شناسد و می‌داند فلان شخص که فردی از افراد جامعه‌اش است، دارای چه خصوصیت اخلاقی است، به چه خانواده‌ای تعلق دارد و از لحاظ اقتصادی در چه سطحی قرار دارد و دارای چه موقعیتی است.

دیگر افراد خانواده او چه کسانی هستند چه خصوصیات و چه منزلت و پایگاهی در جامعه دارند. روابط صمیمانه و نزدیک در اجتماع کوچک ده برای مردم مطلوب و خوشایند است. وی می‌نویسد: اهالی دهکده‌های اطراف ... شهر ... پس از رسیدن به مرحله توانگری و ثروت به شهر منتقل شده و در آن سکونت گزیده و رفته‌رفته به رفاه زندگی و تجمل‌خواهی شهرنشینی متمایل گشته‌اند. این پدیده اجتماعی در عین حال روشنگر آنست که شهرنشینان به طور عمده خاستگاه اجتماعی روستایی دارند.



دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)



۱-۲-۷. شهر از دیدگاه دیوید هاروی

دیوید هاروی متولد انگلستان، پرفسور ممتاز انسان‌شناسی در مرکز تحصیلی دانشگاه شهری نیویورک است.

وی دکترای خود در عرصه‌ی جغرافیا را از دانشگاه کمبریج در سال ۱۹۶۱ دریافت کرد. او شناخته‌شده‌ترین جغرافیدان دانشگاهی در سطح جهان و نویسنده‌ی تعداد زیادی کتاب و مقاله است که در توسعه‌ی دانش جغرافیای مدرن به عنوان یک رشته، بسیار حائز اهمیت هستند. اخیراً او با کمکی که به بر گرداندن کلاس اجتماعی و روش‌های مارکسیستی به عنوان ابزار روشی مهم در نقد سرمایه داری جهانی، بخصوص در شکل نئو لیبرالی آن داشته اعتبار یافته است.

دیوید هاروی از نظریه‌پردازانی است که از حوزه‌ی جغرافیا به سوی مطالعات شهری کشیده شد. او در آثاری همچون بوم‌شناسی انسانی (Human Ecology) و تبیین در جغرافیا بیشترین اهمیت را به فضای فیزیکی شهری می‌داد، اما دیدگاه او با تلاش برای درک مفهوم عمیق فضا به حوزه‌ی اجتماعی سوق یافت (فکوهی، ۱۳۸۳: ۲۱۹). او در امور شهر و شهرگرایی این نظر را دارد که شهرگرایی مجموعه‌ای از روابط اجتماعی است که منعکس‌کننده‌ی روابطی است که در کل در سراسر جامعه برقرار شده است (شکویی، ۱۳۷۱: ۱۲۴). در شهرنشینی امروزی به گفته‌ی هاروی فضا دائماً تجدید ساخت پیدا می‌کند (گیدنز، ۱۳۸۲: ۶۱۲).



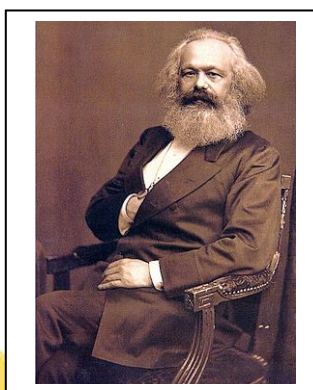
عدالت اجتماعی و شهر ۱۹۷۳ (Social justice and the city) این دیدگاه هاروی را آشکار ساخته که جغرافیا نتوانست به طور عینی در مواجهه با فقر شهری و مشکلات مرتبط با آن، باقی بماند. این نظر به طور وسیعی مورد نقل قول قرار گرفته است (بالغ بر ۱۰۰۰ بار در سال ۲۰۰۵، در رشته‌ی علمی که ۵۰ نقل قول نادر است)، و این نظر همچنین سهم معنی‌داری برای نظریه‌ی مارکسیسم در اظهار اینکه سرمایه‌داری فضا را در جهت ضمانت تولیدات خود، از بین می‌برد، ایفا می‌کند.

۸-۲-۱. شهر از دیدگاه فرانسیسکو خولیاو

او می‌نویسد: هر یک از ما در ذات خود دهقانیم، خواه در نیویورک زندگی کنیم یا در پاریس، یا لندن و هرگز به روستا نرفته باشیم، با نگاهی از پنجره یک آپارتمان و دیدن تک درختی بر زمینه یکنواخت شهر با طرح زمخت آسمان خراش‌ها، به ناگهان اندوهی در درون خود حس می‌کنیم، درخت خاطره اجداد ما را که دهقان بوده‌اند به ما باز می‌آورد و تماشای آن روح ما را احساسی از تبعید می‌کند، زیرا ما خواه ثروتمند و در جستجوی ثروت بیشتر یا فقیر و نادار و در تلاش زندگی بهتر، همه از روستا آمده‌ایم. یک درخت، میان سیمان و بتون می‌تواند به طور ناگهانی خاطره‌ای از مزارعی را که در گوشه نامعلومی از بستر زمان پشت سر نهاده‌ایم در ما بیدار می‌کند. می‌توانیم کودکی، عشق و شادی را فراموش کنیم... اما زمین راحتی اگر دیگر زیر پای ما نباشد و در سایه درختی ننشسته باشیم همواره به یاد خواهیم داشت زمین نیرومندتر از خون ماست، در آن جریان می‌یابد و سیرایش می‌کند. زمین خود زندگی است، به همین سبب مشاهده یک درخت، آرزوی زمینی را که از دست داده‌ایم در ما بر می‌انگیزد.



۱-۲-۹. شهر از دیدگاه کارل مارکس



کارل مارکس (۱۸۱۸-۱۸۸۳) از بزرگترین متفکران هزاره دوم است که سهم عمده‌ای در تفکر جامعه‌شناختی داشت. مارکس یک نظریه‌پرداز و سازمان‌دهنده سوسیالیست، شخصیتی بزرگ در تاریخ اندیشه فلسفی و اقتصادی و یک نظریه‌پرداز بزرگ اجتماعی بود.

مارکس اثری تحت عنوان شهر ندارد اما در آثار او بحث درباره زندگی انسان در شهرهای جدید بسیار دیده می‌شود و که به برخی از اندیشه‌های مارکس در حوزه شهر و شهرنشینی اشاره می‌شود.

ما با خواندن متون مشترک مارکس و انگلس در اواخر دهه ی ۱۸۴۰، می‌توانیم نقش کارکردی شهر را در رشد و نابودی شیوه‌ی تولید سرمایه‌داری درک کنیم. این دو نفر، شهر سرمایه‌داری را از نظر تاریخی تأیید می‌کنند، این شهرها را نسبت به آنچه قبلاً بود پیشرفت می‌دانند و تأکید دارند که هیچ راه بازگشتی وجود ندارد. از سوی دیگر، آنها شهر سرمایه‌داری را به لحاظ اخلاقی محکوم کردند. این واقعیات در دوگانه‌های متضاد، در جایی که ممکن در ناممکن، آزادی در ضرورت، رهایی در بندگی مستتر است جمع می‌شوند، در شکل اجتماعی عجیبی که "هرچیزی آستن ضد خویش است".

مارکس می‌پندارد که "حرکت جامعه سرمایه‌داری کاملاً متضاد است". او برای درک این تضاد، باید جهان را به صورت فرآیند درک کند. به واقع، مارکس را باید متفکر



دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)

شگرف فرآیند نامید چرا که فرآیند در تمامی آثار وی حاضر است. به ما می‌گوید که سرمایه یک فرآیند است، کار نیز یک فرآیند است و همچنین ارزش، پول، طبقه، صنعتی شدن و شهری شدن.

مارکس و انگلس توسعه سرمایه‌داری و تأثیر آن در شهر منچستر را مد نظر داشتند و از آن خشنود نبودند. اما در عین حال بر این اعتقاد بودند که شهری شدن جدید گامی در جهت انقلاب است، زیرا شهر مکانی است که کارگران به شکل توده‌های عظیم در آن متمرکز می‌شوند و امکان پیدایش روابط اجتماعی جدیدی فراهم می‌آید؛ جایی که طبقه کارگر می‌تواند سازمان یابد و به آگاهی دست پیدا کند. البته فقر و شرایط نامناسب زندگی، یکی از ابعاد شهرهای قرن نوزدهم بود که مورد توجه مارکس قرار داشت. در عین حال مارکس معتقد بود که پیوندهای سنتی اجتماع روستایی با پیدایش جامعه شهری سودمندگرا از بین می‌رود، جوامع کوچک روستایی دچار حالت رکود هستند و تغییرات در آنها کمتر واقع می‌شود. در این شرایط انسان تسلیم شرایط بیرونی است. در حالی که می‌تواند در شرایط برتری نسبت به طبیعت قرار گیرد و انسان به عنوان یک موجود عقلانی در شهر شکل می‌گیرد. کارگران باید از محیط بسته روستایی نجات پیدا کنند تا وارد مرحله دیگری از زندگی اجتماعی شوند.



۱-۲-۱۰. شهر از دیدگاه گوردن چایلد

چایلد متولد سیدنی استرالیا، باستان‌شناس و واژه‌شناس فارغ‌التحصیل دانشگاه اکسفورد است.



دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)

ابداعات و دستاوردها:

او یک باستان‌شناس بزرگ بود که کاوش‌ها و نظریاتش در مورد باستان‌شناسی پیش از تاریخ از اروپا گذشت و به کل دنیا رفت و بسیار مؤثر بود. یکی از نظرات مهم در مورد شهر و شهرنشینی، مفهوم ((انقلاب شهری)) گوردن چایلد [۱۱] است. از نظر وی پیدایش شهرها با دو انقلاب عظیم در ساخت اقتصادی و در سازمان‌های اجتماعی همراه بوده است و این دو تحول خود پیامد رشد جمعیت بود.

ویژگی متمایزکننده‌ی شهر از روستا از نظر چایلد عبارت است از:

۱- گستردگی نخستین شهرها از نظر وسعت و تراکم در مقایسه با روستاهای زمان خود.

۲- نوع فعالیت ساکنان شهر عمدتاً غیر کشاورزی

۳- تفاوت بناهای شهری با بناهای روستایی

۴- وجود مالیات برای تولیدات روستایی.

۵- وجود طبقات در شهر

۶- اختراع خط برای نیازهای زندگی شهری.

۷- پیشرفت علوم ریاضی و نجوم.

۸- اجتماع متخصصان تمام وقت در شهرها.



۹- پیدایش و گسترش تجارت اشیای تجملی با مناطق دوردست.

۱۰- استقرار روابط سازمان‌یافته‌ی سیاسی و حکومتی به جای روابط قومی.

افرادی چون رابرت آدامز [۱۲] با انتقاد از چایلد، برخی ویژگی‌های یاد شده را مربوط به شهرهای مناطق غیر متمدن نیز می‌دانند (مجموعه مقالات نخستین همایش انجمن تحولات جمعیت‌شناسی، ۱۳۸۳: ۲۱۳-۲۱۴).

وجه تمایز سکونتگاه شهری از نظر گوردون چایلد

- پیدایش تمایز متخصصین تمام وقت مانند روسا، روحانیون، نویسندگان و کارکنان حمل‌ونقل این متخصصین خدمات خود را در مقابل مواد غذایی که کشاورزان تولید می‌کردند ارائه می‌دادند. در شهرهای باستانی جذب بین‌النهرین روحانیون غذا، مسکن و پوشش خود را از طریق خراج تأمین می‌کردند. این خراج یا نوعی مالیات توسط مدیران معابد از کشاورزان و روستائیان تأمین می‌شد. شهرهای اولیه جمعیت کمی را در خود جای می‌دادند چون تکنولوژی کشاورزی هنوز نمی‌توانست تولید مازاد زیادی داشته باشد. عده کمی از تولید مواد غذایی رها شده بودند.

- خصلت دیگری که چایلد به آن اشاره می‌کند تراکم بیشتر جمعیت در مناطق شهری است که نسبت به جمعیت دهات نوسنگی به مراتب بیشتر است. چون افراد شهرنشین برای تولید مواد غذایی به زمین‌های وسیع نیاز ندارند. جمعیت شهرهای سومر در حدود ۷۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰ نفر بوده است و اروک جمعیتی در حدود ۵۰۰۰۰ نفر داشته است و مساحت آن در حدود ۱۱۰۰ ایکر بوده است.



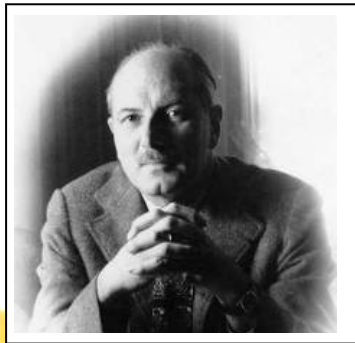
- منوط به شکل جالب توجهی در شهرهای اولیه توسط هنرمندان که تخصصی کار می‌کردند خلق شده است، پیدایش خط و مفهوم اعداد در اولین شهرهای جهان پدید می‌آید. در ابتدا کارکرد اصلی خط و اعداد ثبت میزان مواد غذایی ذخیره شده، احشام یا نقل و انتقال زمین بوده است. بناها عظیم و باشکوه که نمایشگر تولید مازاد جامعه بودند در شهرها ساخته می‌شوند.
- اشکال ابتدایی ریاضیات و نجوم توسط بخشی از جمعیت که با سواد بوده‌اند بوجود می‌آید. محاسبه زمان با استفاده نجوم شکل می‌گیرد و حتی سومری‌ها از این طریق زمان آبیاری مزارع خود را تعیین می‌کردند. معابد سومری با معماری جالب توجه آن، بدون دانش ریاضی نمی‌توانسته ساخته شود.
- تجارت خارجی به علت وجود تولید مازاد پدید می‌آید و حتی در شهرهای اولیه هم وجود داشته و با اهمیت بوده است، که نمایشگر وابستگی متقابل جوامع به یکدیگر، فراتر از روابط محلی می‌باشد. مثلاً چوب و سنگ در سومر کمیاب بوده و اغلب از طریق تجارت تأمین می‌شده است.
- جامعه‌ای با ساخت طبقاتی در اثر توزیع نابرابر منابع و فعالیت‌های تخصصی پدید می‌آید. برگزیدگان کارکردهای مهمی را در جامعه عهده‌دار بودند، اغلب دینی، سیاسی و نظامی. شیوه زندگی آنها تفاوت آشکاری با روستائیان کشاورز داشت. جواهرات، اشیا خانگی، آلات موسیقی و دیگر اشیایی که در مقبره‌های سلطنتی اور کشف شده نمایشگر سطح بالای زیباشناسی و تکنیکی این فرهنگ است، و نیز نمایشگر زندگی مرفه برگزیدگان است.



دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)

۱-۲-۱. شهر از دیدگاه لویس مامفورد



لویس مامفورد (۱۸۹۵-۱۹۹۰) منتقد معماری، طراح شهر و تاریخ‌نگار فرهنگی آمریکایی بود. در هنرستان فنی درس خواند و در هفده سالگی به نویسندگی دل بست و در کنار کارهای فنی مانند نقشه‌برداری، برای آموزش نویسندگی به کالج رفت.

با نگاهی گذرا بر نگرش و دیدگاه‌های مامفورد می‌توان سه دوره را باز شناخت:

الف) دوره نخست:

در این دوره که مصادف با جنگ جهانی اول (۱۹۱۸-۱۹۱۴) و دوره جوانی وی می‌باشد. مامفورد بیشتر آرمانگرا و علاقمند به کارهای هنر و معماری بود.

ب) دوره دوم:

از آغاز کار اصلی مامفورد نویسندگی و نقد دیدگاه‌های اجتماعی - فرهنگی بود. توجه ویژه‌ای به مفهوم و پدیده شهر به عنوان یک نهاد اجتماعی داشت. در این دوره همراه با هنری رایت، کلارنس اشتاین "گروه برنامه‌ریزی منطقه‌ای" را برای "مسکن نیویورک" و "شورای برنامه‌ریزی منطقه‌ای" و "شورای برنامه‌ریزی اجتماعی" را در "انسیتو آمریکایی معماری" تأسیس کرد. اهمیت کار او در این دوره تا اندازه‌ای است که صاحب‌نظران شهرسازی از آن به عنوان نظریه‌پرداز "انسانگرا" و یا نظریه‌پردازان جامعه‌شناختی شهری، "فرهنگرا" نام برده شده است.



ج) دوره سوم:

دورانی است که مامفورد به ارائه نظریه‌هایی درباره‌ی پدیده فن و فناوری، تأثیر آن بر روابط اجتماعی مردم و تأثیر از آن می‌پردازد. در این دوره مامفورد با نوشتن کتاب شهر در تاریخ در جستجوی پدیده‌ای تأثیرگذار بر فرهنگ و تمدن شهری بود. فعالیت‌های او در این دوره منجر شد که در نزد اندیشمندان از او با نام "مورخ" و "جامعه‌شناس" یاد شود.

فلسفه برنامه‌ریزی مامفورد:

در فلسفه برنامه‌ریزی مامفورد به سه محور فکری بر می‌خوریم:

۱) طبیعت‌گرا:

مامفورد طبیعت‌گرا بود. زیرا به وحدت کیهان و نظام هستی باور داشت. باور به ماده، انرژی، روح و خداوند در نظر او مهم و به صورت یک حقیقت جلوه می‌کرد. اما همه آنها با یک پیوند درونی به یک سوگیری خاص نسبت می‌داد و از آن با عنوان مادر طبیعت نام می‌برد. مامفورد مانند همه اندیشمندان مکتب اکولوژیک، پیشرفت تمدن بشر و توسعه اجتماعی - اقتصادی جوامع انسانی را بصورت چرخه زندگی تحلیل می‌کرد. یعنی توسعه را نه به شکل مستقیم بلکه منحنی‌وار می‌دانست.

در درون این چرخه زندگی چهار فصل را شناسایی کرد:

۱. دوره بهار یا دوره گل دادن کار توسعه

۲. دوره تابستان یا دوره به بار نشستن توسعه



۳. دوره پاییز یا دوره پژمردگی تدریجی توسعه

۴. دوره زمستان یا دوره توقف توسعه

۲) تکامل گرا:

بسیاری مامفورد را یک آنارشیزست اجتماعی (باور به تعاون و همیاری میان انسان‌ها) میدانند. مامفورد بر همیاری، معیارهای انسانی، خانواده، محله و گروه‌های کوچک تأکید می‌کند. یعنی همیاری مردم و حذف هرگونه اقتدارگرایی و قدرت‌طلبی.

۳) انسان گرا:

زیرا اعتقاد داشت دنیا دارای چنان منابعی است که رفاه اجتماعی همه افراد بشر را تأمین می‌کند و برنامه‌ریزان باید به جای راه‌های غیر انسانی سودگرایی جهانی، با تفکر و اندیشه به ایجاد محیط گرم و صمیمانه اجتماعی میان مردم بپردازد.

آراء و نظریات مامفورد:

مامفورد مانند پاتریک گدس شهر را مکان حساس عصر ما می‌داند، او برای مسائل شهرسازی همه ابعاد فرهنگی و تاریخی را منظور می‌داشت. و مسئله را تنها در چارچوب فنی نمی‌دید.

وی به درستی نشان داد که چگونه حضور نهادهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در گذر تاریخ، در قالب کالبدی- فضایی هویدا می‌شود. او بیش از همه چیز شهر را در فرآیند تاریخی آن بررسی کرد. اجزاء و کارکردهای هر دوره را با مشاهده و استفاده دقیق از هرگونه اثر تاریخی، فرهنگی و فضایی مشخص ساخت و آن را با انسان ارگانیک پیوند داد. هرگاه این اجزاء و کارکردهایشان در راستای رفع نیازها و



اهداف انسانی بوده و توسعه انسانی را پدید آورده آن را مثبت می‌دانست تا با بیرون کشیدن قواعد شهری گذشته، کاربرد آن را در شرایط کنونی بیابد. مامفورد کاوش‌های باستان‌شناسی را به دلیل فاقد روح بودن آنها کافی نمی‌دانست.

مامفورد در تشریح این موضوع، شهر را بیشتر از دو بعد آن - پوسته و هسته یا ظرف و مظروف - بررسی می‌کند. در بعد فیزیکی، شهر جایی است ثابت برای استقرار آدمی و دورنمای اجتماعی آن، مقصدی است که انسان سرانجام برای رفع نیازهای فنی و .. آن را برگزیده‌اند. از دیگر سو، ظرف یا پوسته شهر باید آن قدر انعطاف داشته باشد که بتواند واکنش‌ها و کنش‌های جامعه را برتابد و به پرورش مدنیت کمک کند. شهر باید هرزمان که لازم باشد پوست بیندازد و پوسته نو باید در خور محتوای متفاوت در زمان و مکان آن باشد).

بطور کلی مامفورد بر همبستگی اجتماعی و روابط چهره به چهره، تحرک فردی، اهمیت ابعاد زیبایی‌شناختی و وحدت با نیروی طبیعی در شهر تأکید داشت. او معتقد بود که برنامه‌ریزی شهری باید به روابط ارگانیک میان مردم و فضا زندگی مردم اهمیت دهد. مفهوم ارگانیک از دیدگاه مامفورد عبارتست از: جامعه منسجم و برخوردار از سازگاری کامل زندگی فردی در درون جامعه شهری.

از دید او از آنجایی که هر پدیده ارگانیک در رشد و توسعه خود موارد بالا را در بر دارد، شهر نیز باید از این ویژگی‌ها برخوردار باشد.

مامفورد با پیروی از افکار گدس، مادر شهر مدرن را نمونه‌ای آشکار از عقب‌ماندگی فرهنگی در مقابل پیشرفت‌های سریع فنی و مخلوقی ساخته اقتصاد در حال توسعه می‌دانست که به جای رفع نیازهای زندگی به خدمت منافع مالی درآمده باشد. به گفته



او، مادر شهر مدرن یا توده انبوه شهری تنها بد یا دردآور نیست بلکه زیان‌بخش، بی‌فایده و به زیان فناوری از کار افتاده نیز می‌باشد. از دیدگاه منتقدانه مامفورد بیشتر شهرهای آمریکایی با پذیرش انگیزه گسترش مادرشهری انتظارات خود را بر پایه رشد نامحدود جمعیت که ضامن حداکثر افزایش بهای زمین است، نهاده بود.

مامفورد در بین دستاوردهای جدید در زمینه فناوری، اتومبیل را وسیله می‌داند که در شکل‌گیری مادرشهرهای آمریکایی مخرب‌ترین نقش را بازی کرده است. به همین جهت مامفورد اتوبان را فضای ضد شهری، ضد انسانی و ضد فضای سبز می‌داند. او معتقد است برنامه‌ریزان شهری فراموش کرده‌اند که شهر نه برای تسهیل در حرکت اتومبیل بلکه برای پرورش انسان و فرهنگ است.

مامفورد برای غلبه بر این وضعیت ناشی از فراموشی، تاریخ را به یادآوری فرا می‌خواند. مامفورد در این فراخوان به شهر قرون وسطایی اشاره می‌کند و آن را مجموعه‌ای از شهرک‌ها، با درجه‌ای از خودکفایی و خودگردانی، به تصویر می‌آورد. مامفورد از شهرهای قرون وسطایی فرا می‌گیرد که جلوگیری از تمرکز عملکردهای ضروری اجتماعی در شهر است که کل آن را در مقیاس نگه می‌دارد. (یاراحمدی، ۱۳۷۸: ۱۶۳)

از دهه ۱۹۵۰ به بعد مامفورد نظریه‌های بدبینانه‌ای درباره سازمان‌های بزرگ سیاسی مطرح نمود. و برای سالم‌سازی محیط شهری، ارائه حمل‌ونقل ارزان قیمت، ایجاد دبیرستان، دبستان، درمانگاه و بیمارستان رایگان را پیشنهاد می‌کند و بر ساخت باغشهرها و ایجاد تعادل در محیط و فناوری انسانی و مناسب پافشاری می‌کند. او برای نجات دنیا از انواع آلودگی‌ها فدرالیسم اکولوژیک یا تقسیم دنیا به نواحی اکولوژیک را توصیه می‌کند.



شهر آرمانی مامفورد:

شهر در معنای کامل از دیدگاه مامفورد عبارت است از یک شبکه جغرافیایی، یک سازمان اقتصادی، یک فرآیند صنعتی، صحنه‌ای برای کنش اجتماعی و نمادی زیبایی‌شناختی از واحد جمعی.

به عقیده مامفورد رسیدن به شهر در چنین معنایی ممکن نیست مگر آنکه ساختن آن را از پایین‌ترین واحدهای آغاز کرد، به آنها زندگی دوباره بخشید و به هریک با عنوانی مشخص نگریست: به فرد به عنوان انسان متعهد، به محله به عنوان نهاد اولیه و به شهر به عنوان تجلی ارگانیک زندگی اجتماعی در توازن زیست‌محیطی با شهرهای کوچک و بزرگ دیگر در محدوده منطقه‌ای وسیع‌تر که تمامی آن را در بر می‌گیرد. بدین ترتیب شکل جدیدی از شهر در مقیاس منطقه‌ای مجسم می‌شود. برنامه‌ریزی شهری از این پس پرداختن به مرکزی مسلط و واحد نیست بلکه شبکه‌ای از شهرهای کوچک و بزرگ با اشکال متفاوت را شامل می‌شود. این تجسم یادآور زیست‌گرایی ارسطویی و آموزه‌های قرون وسطایی در مقیاس کلان است. علاوه بر این، مامفورد ضمن تحلیل نکات مثبت که در تصور از باغشهر دارد نتیجه می‌گیرد که شهر مناسب، مدیرپذیر، مریی، ثمربخش و مورد علاقه آدمی برای متناسب نگه داشتن اجزای تشکیل‌دهنده‌اش می‌یابد برای جمعیت و ناحیه تحت اشغال خود حدودی را مشخص نماید. او معتقد بود که رفتن از تراکم و تمرکز مادرشهری به سوی پراکندگی منطقه‌ای را تنها از راه ساخت شهرهای نوین، به صورت جوامع متوازن در مقیاس گسترده می‌توان تحقق بخشید نه با پرداختن به آبادی‌های حومه‌ای. این همان روشی بود که کلارنس اشتاین پیشبردش را فرضیه قرار می‌داد و در طرح مقدماتی هنری رایت برای گسترش آتی نیویورک مشاهده می‌گردد. مامفورد انگاره هنری رایت از "شهر متوازن" را گسترش داد



و به "منطقه متوازن" که با سنجیدگی تمام در قالب اثری هنری آمده بهبود بخشید. مامفورد معتقد بود که تنها در صورت جدایی بیش از بیش و جلوگیری از تداخل شهرهای موجود در یکدیگر می شد گسترش آتی آنان را به سوی جامعه متوازن سوق داد.

از دیدگاه مامفورد معماران می بایست تمام منظر شهری را به گونه ای بیارایند که شهر بدون ایجاد مزاحمت برای گردش روزانه اقتصاد، دسترس عموم بر تمام زوایای طبیعت محیط بیرون شهری را میسر سازد. بنابراین سیمای نوین و ارگانیک شهر علاوه بر نمایش شکل گیری تاریخ و فرهنگ انسانی، همراه با روابط جامع و متقابل بین گروه های اجتماعی، سازمان ها و نهادها و افراد به ارائه طبیعت نیز پرداختند. او برای ادغام طبیعت و محیط شهری به گونه ای وسیع از تاریخ آمایش قرون وسطی الهام گرفته است.

مامفورد یک فضای گذران اوقات فراغت گسترده در خارج از حوزه نفوذ شهرها پیشنهاد می کند. او معتقد بود این فضا نیازهای گذران اوقات فراغت به سبکی جدید را برآورده خواهد ساخت. در اطراف و یا ورای هر مرکز شهری در حال گسترش، مناطق آزاد مشخص تعیین شوند که قادر باشند به کشاورزی، باغداری و گلکاری تخصیص یافته و با صنایع روستایی مرتبط گردند. او یک کمربند سبز دائمی را در شهرها پیشنهاد می کند که از به هم پیوستن و جوش خوردن واحدهای درونشان جلوگیری کند.

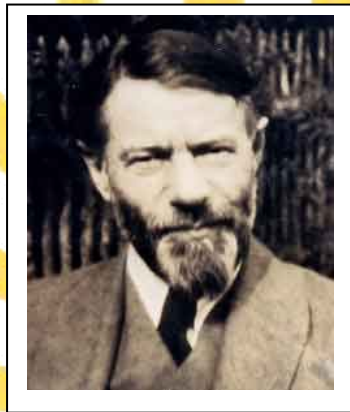
او دو حرکت مکمل را برای بازسازی شهرها پیشنهاد می کند. یکی مربوط به جمع کردن ساخت هرزه و پراکنده حومه است. خوابگاه باید به اجتماعی متعادل با گرایشی به سوی باغشهر واقعی تغییر شکل داده شود، باغشهری با تنوع خاص خود، خودگردانی نسبی، با جمعیتی بسیار متفاوت و یک صنعت بازرگانی محلی کم و بیش



دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)

مهم برای حیات بخشیدن به آن. حرکت دیگر بر مبنای کاهش متناسب تراکم کلانشهر قرار دارد، مسئله‌ای که در ارتباط با تخلیه بخشی از جمعیت شهر و ایجاد پارک‌ها، زمین بازی، گذرهای سرپوشیده و باغ‌های خصوصی در مناطق همراه است.



۱-۲-۱۱. شهر از دیدگاه ماکس وبر

کارل ماکسیمیلیان امیل وبر (به آلمانی: "Karl Emil Maximilian" "Max Weber) یک حقوق‌دان، سیاستمدار، تاریخ‌دان، جامعه‌شناس و استاد اقتصاد سیاسی بود که به گونه‌ای ژرف نظریه اجتماعی و جامعه‌شناسی را تحت نفوذ و تأثیر خود قرار داد.

وی در کتاب 'شهرهای قرون وسطای' خود می‌گوید: دو خصلت ویژه در تشکیل یک شهر لازم می‌آید: جمعیت طبقه متوسط و یک سازمان اجتماعی. از این شهر یک پناهگاه و حصار بود. جایی که افراد در موقع خطر به آن پناه می‌بردند. ۶ ماکس وبر نیز یکبار شهر را به لحاظ اقتصادی تعریف کرده آن را مکان یا زیستگاه ساکنانی می‌داند که در درجه اول از راه بازرگانی و نه کشاورزی زندگی می‌کنند. او از نوع سومی به نام شهر تولیدکننده نیز سخن می‌گوید که افزایش جمعیت و قدرت خرید آن ناشی از استقرار کارخانه‌ها، صنایع دستی یا صنایع خانوادگی است ۷ او

۶. نگاه کنید به ترجمه کتاب (trans By F.Halsey pirenne , Les Cites Medivalex Princeton)

(univesity Press,1946)



نمونه‌هایی از شهرهای باستانی، شهرهای آسیائی و انواع شهرهای قرون وسطی را در این شمار قرار می‌دهد.

انواع دیگر شهر که مورد تجزیه و تحلیل تاریخی قرار گرفته دژهای نظامی و ساخلوها است: ویژگی که متعلق به دوران باستان و قرون وسطی در داخل و خارج اروپا بوده اما در عصر حاضر این ویژگی که متعلق به دوران باستان و قرون وسطی در داخل و خارج اروپا بوده اما در عصر حاضر این ویژگی به طور کامل از میان رفته است. در اروپا بیشتر این دژها، حلقه‌های اربابی (سینیوری) بوده که لردها و جنگاوران او در آن ساکن بودند.

نوع دیگری از شهرهای تاریخی که نام می‌برد شهرهایی است که تلفیق از دژ و بازار است. به نظر و بر ارتباط میان ساخلوها و دژهای نظامی و جمعیت اقتصادی کشور امر پیچیده‌ای است، اما همواره در شکل و ترکیب شهر نقش مهمی داشته است: هر جا که قلعه‌ای وجود داشته افزارمندانی به آنجا رفته یا در آن مستقر می‌شوند تا خواسته‌های ارباب و نیازهای جنگاوران را برآورده کنند.

و بر شهر را با مفاهیم اقتصادی، سیاسی و حقوقی تعریف می‌کند و معتقد است برای آن که سکونتگاه‌ها، شهر تلقی شود باید دارای چند خصیصه زیر باشد:

- قلعه (دژ)

- بازار

- دادگاه مدنی تقریباً مستقل

۷. ماکس وبر، شهر در گذر زمان، با مقدمه تحلیلی مارتینال، ترجمه شیوا کاویانی، تهران، شرکت انتشار، ۱۳۶۹

ترجمه‌ای است از کتاب The city اثر وبر که در مجموعه 'اجتماع و جامعه' به طبع رسیده است، صفحه ۷۰.



دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)

- سلک‌ها و انجمن‌های متکی بر انتخاب آزاد افراد

- استقلال نسبی و حقوق سیاسی شهروندان و منشور شهری

خلاصه آنکه وبر با دید خاص خود شهر باختری قرون وسطی را با قرینه‌های آسیائی خود مغایر دانسته است. هر چند شهرهای واقع در شمال آلپ مانند شهرهای شرقی و آسیائی جایگاه یک بازار، یک مرکز مبادله و تجارت و یک دژ نظامی بود و صنف‌های سوداگری و سازمانی تعاونی افزارمندان در هر دو ناحیه دیده می‌شود و مشابهاً دیگری نیز بین شهرهای باختری و خاوری وجود داشته، اما خاصه میان قانون زمین شهری باختری و شهرهای دیگر نقاط جهان تفاوت‌های اساسی نمایان بود. اصل مالکیت زمین شهری همیشه به طور نامحدود قابل انتقال و بی‌چون و چرا موروثی است... این امر با شدتی که در شهرهای باختری دیده می‌شود و مرسوم بوده در آسیا دیده نمی‌شود.^۸

وبر، شهر اشرافی دوران باستان و سده‌های میانه، شهر پلب‌ها (توده مردم)، دموکراسی دوران باستان و قرون وسطی... را از جهات مختلف و در ابعاد متفاوت آن مورد تجزیه و تحلیل و بررسی قرار می‌دهد و یک دیدگاه تاریخی را خاصه در مورد شهرهای مغرب زمین به تمام معنا پیاده می‌کند که جای بحث در جزئیات آن نیست.^۹

۸. ماکس وبر، شهر در گذر زمان، با مقدمه تحلیلی مارتینال، ترجمه شیوا کاویانی، تهران، شرکت انتشار، ۱۳۶۹

ترجمه‌ای است از کتاب The city اثر وبر که در مجموعه 'اجتماع و جامعه' به طبع رسیده است، صفحه ۱۰۳-۱۰۴.

۹. بررسی شهر در گذر زمان وبر که ترجمه آن حدود ۳۰۰ صفحه را شامل می‌شود نیاز به بررسی و نقد جداگانه‌ای

دارد.



دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)

به هر حال ویر شهر را به عنوان یک نظام اجتماعی تام و تمام محسوب می‌کرد و از اندیشمندان و صاحب‌نظران زمان خود گامی فراتر نهاد.

او در کنار امیل دورکیم و کارل مارکس سه معمار عمده دانش اجتماعی به شمار می‌آیند.





۱-۳. مشخصه‌ها و ویژگی‌های شهر

۱-۳-۱. انواع شهرها

در تعریف شهر اتفاق نظری وجود ندارد و در تعاریف بیان شده بر مواردی نظیر تعداد جمعیت، نوع فعالیت‌های اقتصادی، حوزه اداری و موارد دیگری اشاره شده است لیکن در بعد جهانی برای شناخت شهر از روستا بیشتر بر تعداد جمعیت تأکید شده است. با توجه به کم‌وکاستی‌های مربوط به تعاریف شهر، تأکید بر نقش شهر (نوع کارکرد) بهتر ما را در شناخت شهر و تمایز قائل شدن بین آن و روستا هدایت می‌کند. بدین معنی که در شهرها نقش‌هایی وجود دارد که روستاها فاقد آن هستند. بنابراین در شناخت شهر به دو کارکرد بیشتر توجه می‌شود؛ یکی اینکه شهرها کارکرد غیر کشاورزی دارند و دوم اینکه اغلب شهرها به تولید کالا و بیش از آن به مبادله کالا می‌پردازند؛ یعنی اینکه فعالیت‌های غیر کشاورزی بر اقتصاد شهر غلبه دارد.

با توجه به توضیحات بالا، آیا می‌توان گفت که شهرها می‌توانند در اندازه‌های گوناگون شکل بگیرند؛ کوچک، متوسط، بزرگ و بسیار بزرگ؟ بله این درست است لیکن به طور علمی ما چه انواعی از شهرها را داریم؟ شهر، شهرک، متروپلیس یا مادرشهر، مگالاپلیس یا کلان‌شهرها کدامند و دارای چه ویژگی‌هایی هستند؟

از دو جنبه می‌توان به انواع شهرها پرداخت. یکی از بعد کارکردی (فعالیت و نقش) و دیگر از بعد اندازه (کوچک و بزرگ بودن)، از نظر اول با توجه به نوع فعالیت شهرها، به دسته‌بندی کلی شهرها می‌پردازیم و از نظر دوم تقسیم‌بندی معمولاً با توجه به جمعیت شهر انجام می‌شود. البته جمعیت شهر خود تا حدودی بیانگر تنوع و تعداد فعالیت‌های حاکم بر شهر و همچنین حیطه نفوذ و وسعت شهر خواهد بود.

الف- کارکرد و نقش؛ تقسیم‌بندی شهرها با توجه به محیط به وجود آمده بر اساس فعالیتی که سایر فعالیت‌های شهر را تحت شعاع خود قرار داده و شهر بر اساس آن نوع



فعالیت خاص شناخته می‌شود: مانند شهرهای فستیوال و کنگره‌ای، شهرهای فرهنگی، شهرهای مذهبی و زیارتگاهی، شهرهای درمانی و آسایشگاهی، برف‌شهرها، شهرهای بازنشستگان، شهرهای صنعتی، شهرهای تجاری، شهرهای اداری-سیاسی، شهرهای صنعتی-خدماتی و ...

بنابراین در این دیدگاه شهرها بر نوع فعالیت غالب طبقه‌بندی می‌شوند که هر شهر با توجه به فعالیت و کشش جمعیتی خود، اندازه و وسعت خاص خود را خواهد داشت. ب- اندازه و وسعت:

در این دیدگاه عامل جمعیت در تقسیم‌بندی شهرها نقش مهمی را بازی می‌کند چرا که در این دیدگاه شهرها از کوچکترین به بزرگترین تقسیم‌بندی می‌شوند و شهر کوچک یا بزرگ در وهله اول بیانگر جمعیت کم یا زیاد خود می‌باشد. که البته این جمعیت خود بیانگر سطح فعالیت‌ها، حیطه نفوذ شهر و... می‌باشد. البته در تعریف سطح جمعیتی و مرز تعریف شده- همانطور که در قسمت شهر از دیدگاه جمعیتی اشاره شد- بین انواع شهرها توافق کلی وجود ندارد.

در اینجا با توجه به شرایط کشورمان انواع شهرها را با توجه به اندازه آن بیان می‌کنیم:

- ۱- (بازار شهر)؛ ۵-۱۰ هزار نفر جمعیت. (عملکرد: دهستانی)
- ۲- (روستا-شهر)؛ ۱۰-۲۵ هزار نفر جمعیت. (عملکرد: بخش)
- ۳- (شهر کوچک)؛ ۲۵-۵۰ هزار نفر جمعیت. (عملکرد: شهرستان)
- ۴- (شهر متوسط کوچک)؛ ۵۰-۱۰۰ هزار نفر جمعیت. (عملکرد: شهرستان)
- ۵- (شهر متوسط)؛ ۱۰۰-۲۵۰ هزار نفر جمعیت. (عملکرد: ناحیه‌ای)
- ۶- (شهر بزرگ میانی)؛ ۲۵۰-۵۰۰ هزار نفر جمعیت. (عملکرد: استانی)
- ۷- (شهر بزرگ)؛ ۵۰۰-۱۰۰۰ هزار نفر جمعیت. (عملکرد: منطقه‌ای)
- ۸- (کلان‌شهر) (متروپل)؛ ۱-۵/۲ میلیون نفر جمعیت. (عملکرد: کلان‌منطقه‌ای)



۹- (کلان شهر) (متروپل ملی): ۵/۲ میلیون نفر جمعیت و بیشتر. (عملکرد: ملی)

۱۰- (متروپلیس یا مادرشهر): ۵-۱۰ میلیون نفر جمعیت.

۱۱- (مگالاپلیس یا کلان شهرها): بیش از ۱۰ میلیون نفر جمعیت.

۳-۳-۱. مشخصات شهرها

روی هم رفته از تعاریفی که ذکر شد، هر چند که هیچ کدام به دلایلی آن طور که باید گویا نمی باشند، شاید بتوان برای شهرها مشخصاتی قائل شد. این مشخصات می تواند از نظر جمعیتی، مساحت، نوع مشاغل، روابط مردم، امکانات رفاهی و تأسیسات عمومی، عوامل تجاری و اداری و صنعتی، بافت و ساختمان فیزیکی، تصاویری از شهر را در ذهن به وجود آورد. در حقیقت شهر جایی است با جمعیت تعلیم یافته در بخش خدمات اداری، بانکداری، آموزش و پرورش، بهداشت، صنایع و کارخانه های بزرگ، با سبک زندگی متفاوت از جامعه روستائی.

مشخصات شهرها را می توان به صورت زیر بیان نمود:

۱- تهیه کالاهای تجاری به مقیاس کشوری و فراهم آوردن بازار خرید و فروش در داخل شهرها.

۲- صنایع دستی مثل کفاشی، خیاطی، طراحی، بنایی، که هر یک به نوبه خود ارزش و اهمیت زیادی در شهرها دارند.

۳- وجود مردان و زنان متخصص و تعلیم یافته در بخش خدمات اداری، بانکداری، بیمه آموزش و پرورش و بهداشت که نقش مهمی در اقتصاد جوامع شهری ایفا می کنند.



۴- وجود صنایع و کارخانه های بزرگ در برخی از شهرها. (شکویی)

عوامل مشخصه شهر در دوره اسلامی

فارغ از سبک های مختلف، سه عنصر مسجد، بازار و محله، مشخصه شهر دوران اسلامی می باشد که به اختصار مورد بررسی قرار می گیرند:

الف) مسجد:

دولت اسلامی در شهر متولد می شود و با توجه به اینکه تشکیل این دولت برای اولین بار در «مسجد» صورت گرفت، بنابراین وجود مسجد جامع به یکی از مشخصات اصلی شهر دوره اسلامی تبدیل می گردید. این امر تا آن حد اهمیت دارد که در دوران اولیه دولت اسلامی و قبل از تشکیل حکومت های محلی، سکونتگاهی به مقام شهر می رسید، که صاحب جامع باشد. مسجد جامع علاوه بر نقش دینی، نقش های سیاسی و اجتماعی بسیار قوی می یافت.

دولت اسلامی از مفاهیم آرمانی برادری، برابری و نفی هرگونه تمایزات اجتماعی آغاز نمود و به سازمانی قاهر و مملو از تمایزات اجتماعی تبدیل شد. این تغییر و تحول نمود کالبدی نیز داشت و در مسجد، بازار و محله بروز کرد.

تطور نمود کالبدی مسجد را در چهار دوره می توان بررسی کرد:

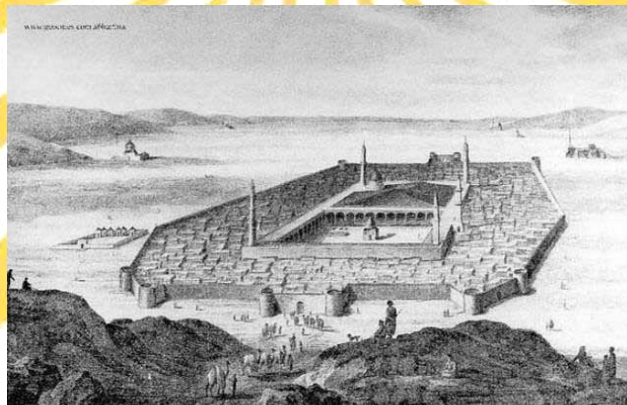
دوره اول: مدت کوتاهی از صدر اسلام را شامل می شود که مسجد ساده و بی پیرایه بود و الگوی آن مسجدالنبی است. در این دوره مسجد در پر رفت و آمدترین نقطه شکل گرفت و با مصالحی مانند مصالح ساختمان های پیرامون ساخته شد.



دوره دوم: عمدتاً حکومت بنی امیه را شامل می‌شود، در عین آنکه مسجد در رابطه کامل با قدرت اسلامی قرار داشت ولی در کنار خود دارالاماره را به عنوان مقر حکومت دارا بود و جامع در ارتباط مستقیم با شارع عام و بازار استقرار می‌یافت. در این دوره شهر جایی بود که دارای جامع باشد.

دوره سوم: خلافت عباسیان و تشکیل امپراتوری اسلامی را شامل می‌شود. در این دوره مسجد به طور کامل از دارالاماره جدا شد و مفاهیم فضایی کهن‌تر، شارستان و ربض از نو زاده شدند. جامع به عنوان مکان اصلی اجتماعات مردمی، به کلی خود را از حکومت جدا کرد و از شکل ساده و بی‌پیرایه دوره اول و تا حدودی دوره دوم، خارج شد، با این حال هنوز شهر به جایی گفته می‌شد که دارای جامع باشد.

دوره چهارم: به ظهور حکومت‌های قدرتمند محلی در دل امپراتوری اسلامی باز می‌گردد. در این دوره، در شکل و توزیع مساجد تغییرات بنیادین آشکار گردید. مسجد به مکانی به منظور خودنمایی حکومت‌ها و با ظاهری پرشکوه و معماری‌های یادمانی تبدیل شد. در این دوره، مدارس زیادی در جوار مساجد احداث گردید و هر سکونتگاهی با داشتن جامع لزوماً شهر به شمار نمی‌آمد.



موقعیت مسجد النبی و شهر مدینه در گذشته



ب) بازار:

ایجاد بازار و میدان در کشورهای مفتوحه توسط دولت اسلامی نقش اساسی به این دو عنصر در سازماندهی شهر دوره اسلامی داد به گونه‌ای که با تقریبی نزدیک به یقین می‌توان از بازار و میدان به عنوان عناصر اصلی شهر دوره اسلامی یاد کرد. بازار نیز مانند مسجد از شکل ساده شروع شده و به تدریج پیچیدگی فضایی و انتظام کامل می‌یافت. در واقع بازار نیز به عنصری برای خودنمایی حکومت‌های محلی و منطقه‌ای تبدیل گردید. بازار در دوره اسلامی مانند دوره ساسانی در میان شهر قرار گرفت و از میدان اصلی شهر (مقر حکومتی) به سوی باروی شهر امتداد پیدا کرد با این تفاوت که بازار به دور مسجد و مدرسه می‌چرخید. راسته‌های مختلف بازار با توجه به عملکردشان در نزدیکی و یا با فاصله‌ای از مسجد قرار می‌گرفتند بدین ترتیب: نخست بازار مهر و تسییح فروشان، سپس بازار کتابفروشان و صحافان، بازار پارچه فروشان و غیره تا بازار دباغان و رنگرزان، که به علت آلودگی، از مسجد فاصله زیادی داشتند.



بازار وکیل شیراز



ج) محله:

علی‌رغم اینکه در بدو تشکیل دولت اسلامی ایجاد قشربندی اجتماعی بر مبنای قوم، قبیله، نژاد نفی می‌گردید، اما در زمان تشکیل امپراتوری اسلامی، این محله‌بندی‌ها گسترش می‌یافت که مبنای آن برخلاف دوران ساسانی نه بر اساس نظام کاستی و طبقاتی بلکه بر اساس تفاوت‌های قومی، قبیله‌ای بود. در این دوره محلات در تضاد و تقابل با یکدیگر بودند و ارتباط محله با سازمان اجتماعی عشیره‌ای خود (جامعه شهری، روستایی و ایلاتی) بسیار بیشتر از رابطه آن با محلات مجاورش بود. هر یک از محلات مسجد، بازارچه، مدرسه، آب‌انبار، قنات و حمام خاص خود را داشت.

۱-۳-۳. ویژگی‌های شهرها

شهرهای قرون وسطی در اثر تغییراتی که در ساختار قدیمی اجتماعی پدید می‌آید، شکل می‌گیرند؛ یعنی اتحاد مجدد قلعه با سکونتگاهها و فعالیت‌های خدماتی و صنعتی اطراف آن پیدایش بازار پس از رونق مجدد تجارت. بنابراین ساختار جدید شهر و نظام سیاسی - مدیریتی آن یکپارچگی و استقلال را به همراه دارد. به علاوه در این عصر کم‌کم پیدایش قشر دیگری که فقط به تجارت اشتغال دارند نیز مشهود است. رشد این طبقه از ویژگی‌های شهر در قرون وسطای اروپاست، طبقه‌ای که می‌تواند استقلال اقتصادی داشته باشد و در امور صنعتی نیز سرمایه‌گذاری کند. چون شهرهای قرون وسطی دارای قشر بورژوازی تجاری بودند که می‌خواستند خود را از قید فئودالها و قدرت مرکزی رها سازند. از جانب دیگر شکاف بین این دو طبقه بر فرهنگ شهر، به خصوص در زمینه سرمایه‌گذاری و مصرف تاثیر می‌گذاشت. به طور کلی شهرهای ما



قبل صنعتی یک نظام اجتماعی مستقل بودند که در اطراف فعالیتهای خاص عمدتاً غیر کشاورزی و صنعتی شکل گرفته بودند. تقسیم کار اجتماعی و تکنیکی شهری (در مقایسه با روستا) در آنها مسلط بود و توسط طبقه خاصی به نام بورژوازی تجاری هدایت می‌شود.

افزارمندان و صنعتگران قشری هستند که در شهرهای ما قبل صنعتی نقش مهمی داشتند که مشغول به تولید بودند و حاصل فعالیت آنها زمینه تجارت و مبادله را فراهم می‌آورد. این قشر دارای تشکلهای صنعتی بود و از آن طریق خواسته‌های خود را در انجمن‌های شهری عنوان می‌کرد و خود را بخشی از شهر می‌دانست و از حقوق خود دفاع می‌کرد.

در ایران شهر اصولاً پایگاه قدرت، و جایگاه دستگاه مدیریتی و اردوگاه نظامی است؛ البته اماکن دینی و باز هم نقش مهمی دارند. عناصر اصلی شهر کهنذر، مسجد و بازار است و نهادهای اصلی شهر سیاست، اقتصاد و نظارت اجتماعی است. اما سیاست بر هر دو نهاد دیگر مسلط است و استقلال اقتصادی وجود ندارد.

ویژگی‌های کالبدی شهر اسلامی

شهر اسلامی عبارت است از نمایش فضایی شکل و ساختمان اجتماعی، که بر اساس ایده‌آل‌های اسلامی، فرم‌های ارتباطی و عناصر تزئینی خود را نیز در آن وارد کرده است. اما فراتر از مفهوم اجتماعی، اصل دیگری بر جامعه مسلمانان حاکم است، و آن محدود نبودن به زمان و مکان خاص است. امت، اجتماعی است که یک سری آداب و روش زندگی را مشترکاً رعایت می‌کند و جامعه‌ای است که به سوی یک یک قبله واحد رو می‌گرداند. شهر اسلامی همانند بدن یک موجود زنده نیازمند دو رکن اساسی



دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)

می‌باشد: قلب و مغز. وجود این دو رکن برای شهر اسلامی در مرکز شهر تبلور کالبدی می‌یابد و مسجد جامع به عنوان قلب و مرکز آموزشی به عنوان مغز جامعه اسلامی عمل می‌نمایند. سپس شاه‌رگ‌های حیاتی شهر به عنوان بازارهای مرکزی و بزرگ و در ارتباط با آنها، بازارچه‌ها، ضامن بقاء این دو رکن اساسی‌اند. راسته بازار از جلوی درهای مسجد شروع می‌شود و مسجد را تنگاتنگ دربر می‌گیرد و با بافت شهر پیوند خورده و وجود آن زندگی روزمره‌ای را که در بازار جریان دارد تضمین می‌کند. در شهر اسلامی وجود دو عنصر طبیعی آب و خاک نقشی اساسی را بازی می‌نمایند، به ویژه آب که مایه طهارت است و به عنوان یک ماده بهشتی است و وجود آن طراوت و سرزندگی را به ساکنان خود القا می‌نماید. یکی دیگر از عناصر مهم و جالب در شهر اسلامی، وجود باغ و ارزش و اهمیت آن در شهرسازی و معماری محیطی است. باغ به صورت عنصر زیبایی و مظهر آسایش و لذت‌اند انسانی از قدیم مورد توجه انسان بوده است. در قرآن نیز جنت، دقیقاً همان باغی است که محل لذت و آسایش انسان است و در بیش از ۴۵ آیه، رسیدن به جنت و بهشت به عنوان هدف مؤمنان شمرده شده است.





۴-۱. شهر همچون پدیده دست ساخت

تمدن و فرهنگ به عنوان پدیده‌هایی انسانی در هم‌نشینی و هماهنگی سه محیط اصلی است که نظام و قوام می‌گیرند. محیط طبیعی، محیط اجتماعی - اقتصادی و محیط مصنوع یا انسان‌ساخت. در تعامل و کنش و واکنش با یکدیگر که البته همراه با تضاد و تقابل نیز می‌باشد به ترکیبی پیچیده می‌رسد که در عالی‌ترین شکل‌اش یک شهر همراه با مدنیت است.

اگر نگاهی به تاریخ ساخت بنا در شهرهای رنسانسی مثل فلورانس که به دست معماران و هنرمندان آن زمان ساخته شده است بیندازیم احیای علاقه به سبک کلاسیک، رعایت تقارن و پرسپکتیو و تناسب تأثیر عمیقی بر ساختمان‌های عمومی و خصوصی داشت را می‌بینیم. استعدادهای هنری آن زمان مثل میکل آنژ و لئوناردو داوینچی در خدمت زیباسازی قرار گرفتند. لئوناردو سفارش‌هایی در مورد طراحی شهری بر عهده گرفت. دولت شهرهای مرفه دوره رنسانس طراحی شهری داشتند. تأثیر دوران کلاسیک به صورت خیابان‌های سر راست و میدان‌های مستطیلی قابل ملاحظه بود. شهرهای اولیه قرون وسطایی حالت نیمه روستایی داشتند، اما شهرهای دوره رنسانس در قرون شانزدهم و هفدهم ایده اولوژی اومانستی (انسانگرا) را منعکس می‌کردند و به فرهنگ شهری خود می‌بالیدند. منظور از اومانیسم در شهرسازی همین است که شهر همچون یک محصول دست‌ساخت انسان که همه جایش تحت کنترل انسان در آمده فهمیده شد. نگاه اومانستی به جهان، انسان را در مرکز جهان هستی قرار می‌داد و به سازگار کردن جهان با نیازهای او می‌اندیشد در حالی که پیش از آن در قرون وسطی شهرها فروتنانه در دل طبیعت جای می‌گرفتند و هیچ شکوه و جلالی نداشته و کمترین تأثیر را بر محیط می‌گذاشتند.



دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)



فلورانس - ایتالیا

اگر بخواهیم خلاصه کنیم باید بگوییم که بزرگترین ویژگی شهرسازی دوره رنسانس اروپا نگاه به شهر همچون یک ماده‌ی مصنوع دست بشر و یک اثر هنری است که باید در خدمت زیبایی و زندگی زیبا در این جهان باشد. پس اگر قرار بود آبی جاری شود از کوزه‌ای که مجسمه‌ی دختر روستایی بر دوش خود داشت، جاری می‌شد و اگر اختلاف سطحی بود حتماً با پله‌های زیبا تزئین می‌شد. بوته‌ها قیچی می‌شدند تا هم اندازه شوند و شکل هندسی بگیرند و کوچه‌های مسکونی به میدان‌های کوچک پرگل و مجسمه ختم می‌شدند.



۱-۴-۱. نمونه‌هایی از اماکن برجسته دست‌ساخت بشری

۱- اهرام جیزه

مجموعه اهرام تاریخی ساخته شده در دوران مصر باستان است که در حاشیه شمالی شهر قاهره کنونی واقع شده است. هرم بزرگ جیزه یکی از اهرام این مجموعه و تنها بازمانده عجایب هفت‌گانه جهان محسوب می‌شود. نام‌های آنها عبارتند از هرم خوفو، هرم خفره و هرم منکور. هرم خوفو در ۲۵۶۰ سال قبل از میلاد ساخته شده است. که بلندترین بنای ساخته دست بشر از ۴۴۰۰ سال پیش تا سال ۱۸۸۹ بود، تا زمانی که برج ایفل با ارتفاع ۳۰۰ متر ساخته شد. محدوده هرم خوفو به اندازه ۶ قطعه زمین شهری عظیم می‌باشد. بیشتر سنگ‌های بکار رفته در این بنا به بزرگی سنگ‌های عظیمی هستند که بوسیله کامیون حمل می‌شوند. هرم خوفو دارای سه اتاق دفن اجساد است. اتاق اول محل دفن شاه، اتاق دوم محل دفن ملکه و اتاق سوم که برای رد گم کردن دزدان هرم بوده است.





۲- دیوار چین

این دیوار در نقشه جغرافیایی چین ۷۰۰۰ کیلومتر امتداد یافته است. این اثر سال ۱۹۸۷ در فهرست میراث جهانی ثبت شد. این ادعا که این دیوار تنها پدیده انسانی است که از فضا قابل رویت می‌باشد، بارها تکذیب شده است ولی هنوز در باور عوام جا دارد. تاریخ ساخت دیوار چین به قرن ۹ قبل از میلاد باز می‌گردد. حکومت وقت چین برای جلوگیری از حملات ملیت‌های شمالی، برج‌های آتش برای خبررسانی و یا قلعه‌های مرزی برای حصول اطلاعات دشمن را در ارتباط با دیوار و بر روی آن ایجاد کرد. در دوره حکمرانی سلسله‌های بهار و پاییز و کشورهای جنگجو، میان دوک‌ها جنگ بر پا شد و کشورها با استفاده از کوه‌های مرزی به ساخت دیوار پرداختند تا سال ۲۲۱ قبل از میلاد، امپراتور چین شی‌خوان پس از به وحدت رساندن چین، دیوارهای دوک‌ها را به هم متصل کرد که به صورت دیوار بزرگ در مرزهای شمالی بر روی کوه‌ها درآمد. او می‌خواست با این کار از حملات دشمن به مراتع شمالی جلوگیری کند.





دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)

۳- تاج محل

تاج محل از پرآوازه ترین بناهای جهان و آرامگاه زیبا و باشکوهی است که در نزدیکی شهر آگرا و در ۲۰۰ کیلومتری جنوب دهلی نو پایتخت هند واقع شده است و یکی از عجایب هفتگانه جدید دنیا به شمار می رود. این بنا به دستور شاه جهان، پنجمین امپراتور گورکانی هند به منظور یادبود همسر ایرانی تبارش، ممتاز محل که در سال ۱۶۳۱م فوت کرد بنا شده است. خود شاه جهان نیز پس از مرگ همان جا به خاک سپرده شد. همانطور که مشخص است، نام این بنای زیبا ایرانی است. این ساختمان بر پایه مخلوطی از معماری ایرانی، هندی و اسلامی بنا شده است و در ساخت آن ۲۰,۰۰۰ هنرمند و معمار از نقاط مختلف آسیا به خصوص ایران، شبه قاره هند، آسیای میانه و آناتولی شرکت داشته اند. آغاز ساخت تاج محل سال ۱۶۳۲م (۱۰۴۲ ش) بوده و در سال ۱۶۴۷م (۱۰۵۷ ش) تکمیل شده است.





۴- ماچو پیچو

ماچو پیچو به معنی قله قدیمی، یک محوطه باستانی به جا مانده از آثار دوره‌ی اینکاها می‌باشد که در ارتفاع ۲۴۳۰ متری از سطح دریا در دامنه کوه در بالای دره اوروباما در کشور پرو قرار گرفته است. اغلب اوقات از آن به عنوان «شهر گمشده اینکاها» یاد می‌شود. ماچو پیچو احتمالاً شناخته شده‌ترین نماد امپراتوری اینکاها می‌باشد. این شهر در حدود سال ۱۴۵۰ میلادی ساخته شده و صدها سال پیش در زمان فتح اینکاها توسط اسپانیایی‌ها متروک شده است. برای قرن‌ها فراموش شده بود و به جز عده‌ای از مردم محلی کسی از آن نامی به خاطر نداشته است. این اثر در سال ۱۹۱۱ میلادی توسط هیرام بینگهام، تاریخ‌شناس آمریکایی به جهانیان معرفی شد. پس از آن، ماچو پیچو به یکی از مناطق جذب توریست تبدیل شد و در سال ۱۹۸۱ میلادی در فهرست آثار کشور پرو و در سال ۱۹۸۳ میلادی در فهرست میراث جهانی یونسکو به ثبت رسید. این اثر هم اکنون به عنوان یکی از عجایب هفتگانه جدید شناخته می‌شود.





۵- انگکور وات

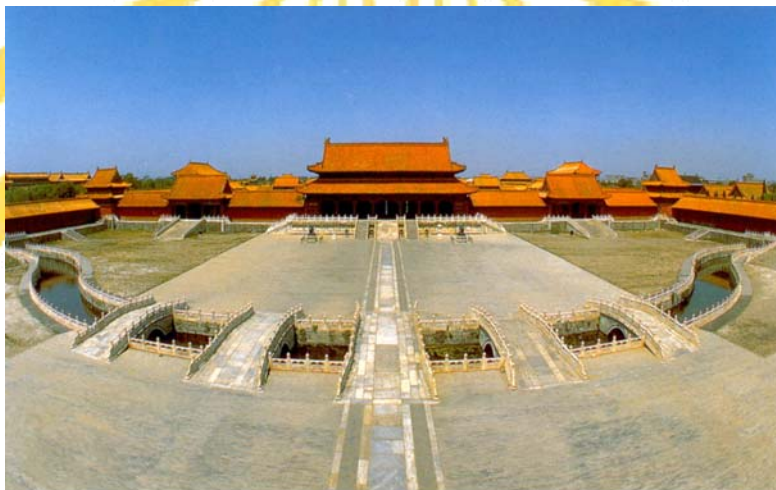
انگکور وات نام مجموعه‌ای از معابد است که در اوایل سده دوازدهم برای شاه سوریاوارمان دوم در انگکور در کامبوج ساخته شد تا پرستشگاه حکومتی و پایتخت او قرار گیرد. این معبد که در ابتدا معبدی هندو بود و به ویشنو، خدای هندیان تقدیم شده بود پس از ورود آیین بودا به معبدی بودایی بدل شد. انگکور وات که تا به امروز به خوبی حفظ شده است هنوز هم تنها پرستشگاهی است که از زمان ساختش تاکنون به عنوان یک مرکز مذهبی استفاده می‌شود. این معبد بزرگترین بنای مذهبی در جهان است و معماری اصیل خمیری را می‌توان در آن مشاهده نمود. انگکور وات که اصلی‌ترین جاذبه گردشگری کامبوج است، نشان ملی آن کشور نیز به‌شمار می‌آید و طرح آن بر روی پرچم کامبوج نیز نقش بسته است. «انگکور وات» ترکیبی امروزی به معنای «پرستشگاه شهر» است. «انگکور» شکل بومی کلمه نوکور است که از واژه سانسکریت ناگارا به معنای پایتخت یا شهر گرفته شده و «وات» نیز واژه خمیری برای معبد است.





۶- شهر ممنوعه

شهری قدیمی در منطقه پکن - پایتخت چین - است. شهر ممنوعه به روایتی وسیع‌ترین و کامل‌ترین مجموعه معماری چوبی در جهان بشمار می‌رود. احداث آن در سال ۱۴۰۶ میلادی با دستور دومین امپراتور سلسله مینگ آغاز گردید و ظرف ۱۴ سال ساخته شد. از سال ۱۹۲۴ بازدید از این مجموعه به عنوان کاخ موزه برای عموم آزاد گردید و ممنوعه بودن آن پایان پذیرفت. این اثر نادر با ساختگاهی مستطیل شکل مساحتی حدود ۷۲ هکتار را در بر می‌گیرد. دیواری با ارتفاع ۱۰ متر و خندقی با عرض ۵۲ متر دورتادور مجموعه را فرا گرفته است. بر روی ضلع جنوبی دیوار «دروازه نیمروز» و بر روی ضلع شمالی آن «دروازه نیروی ایزدی» قرار دارد. طرح کلی، وسعت، شیوه معماری، رنگ و تزیینات در شهر ممنوعه همه نمایانگر امتیاز خاندان سلطنتی و سلسله مراتب اشرافی است. این مجموعه دارای سه قصر تایی حه، جون حه و بایو حه می‌باشد. قصر تایی حه، مرکز تمام شهر ممنوعه بوده و دارای مجلل‌ترین معماری در شهر ممنوعه است و از لحاظ ارتفاع بلندترین بنای این شهر می‌باشد.





۷- تئوتیهواکان

نام مکان باستانی بزرگی است در حوزه آبگیر مکزیک که بزرگترین هرم‌هایی که پیش از ورود اسپانیاییان بدین سرزمین ساخته شده است در آن جای دارد. تئوتیهواکان از نیمه نخست هزاره یکم در اوج و بزرگترین شهر قاره آمریکا پیش از اکتشاف این قاره به دست اروپاییان بود. در اوج خود این شهر ۱۰۰ هزار نفر را در خود جای می‌داده است. این شهر بر سراسر آمریکای میانه نفوذ داشته است. این بخش تاریخی امروزه در شهرداری سن خوان در ایالت مکزیکو جای گرفته است و در حدود ۴۰ کیلومتری شمال خاوری شهر مکزیکو. این بخش تاریخی ۸۳ کیلومتر مربع گستردگی دارد و از ۱۹۸۷ در فهرست میراث جهانی یونسکو ثبت است.





۱-۵. شهر نخستین

۱-۵-۱. بنیان فرهنگی و مدنی شهر

اولین شهرهای جهان بر مبنای نظر گوردن چایلد در بین‌النهرین حدود ۳۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح پدید آمدند و شهرهایی را بوجود آوردند که بین ۱۲۰۰۰ تا ۲۴۰۰۰ نفر سکنه داشتند. بعضی از جامعه‌شناسان شهر مانند راسیزمن اظهار می‌دارند که علت پدید آمدن شهر را نمی‌دانند و بعضی دیگر معتقدند که پیدایش شهر بخشی از تکامل اجتماعی بوده است پس از این که انسان از مرحله اقتصاد معیشتی عبور می‌کند و کنترل محیط را بیشتر در اختیار می‌گیرد برای ساختن شهر آمادگی پیدا می‌کند، یعنی توانایی ساختن محیط اجتماعی پیچیده‌تری را به دست می‌آورد. در هر صورت برای پیدایش شهر انسان باید از مرحله ابتدایی تنازع بقا عبور کند و وابستگی انسان به طبیعت به طور نسبی کمتر شده، وابستگی اجتماعی او بیشتر می‌شود.

اولین شهرهای جهان دیوار نداشتند. بنایی که شاید بتوان آن را دژ یا قلعه گفت محل سکونت حاکم یا پادشاه بود که معمولاً نوعی معبد هم در کنار آن دیده می‌شود. این حاکم اولیه مقام روحانی نیز داشته است کسی که می‌توانست بر محدودیت‌های طبیعی غلبه کند. بنابراین در اولین شهرهای جهان نخستین شکل حکومت و سیاست نیز در غالب یک چنین شخصیتی ظاهر می‌شود. دژ اولیه به تدریج مجلل‌تر می‌شود، بطوری نمایشگر قدرت سمبولیک حاکم است و در اطراف این مجموعه دژ و معبد دیواری کشیده می‌شود و شهرها در اطراف این هسته اصلی ساخته می‌شوند.

اولین شهرهای جهان در مناطقی ساخته می‌شوند که نه تنها از نظر جغرافیایی حاصلخیز و پر آب هستند بلکه از نظر تردد و حمل و نقل نیز در موقعیت خوبی قرار دارند. شهر بر خلاف روستا متشکل از اقوام گوناگون است؛ مکانی است که تبادل



فرهنگی گوناگون ممکن می‌گردد و یکپارچگی ذهنی ضعیف می‌شود. و به تدریج شخصیت‌های متفاوت در شهر شکل می‌گیرند. برخورد فرهنگ‌ها نقش عمده‌ای در توسعه و پیشرفت تکنولوژی و دانش و توسعه تمدن بشر داشته است.

همان طور که قبلاً ذکر شد اولین شهرهای جهان حدود ۳۵۰۰ قبل از میلاد مسیح در بین‌النهرین در دره‌های حاصلخیز دجله و فرات بوجود می‌آیند. شهرهایی مانند کیش، «اور»، «لاگاش»، «بابل»، آشور، سومر و نینوا. آنگاه در مصر باستان حدود ۳۱۰۰ سال قبل از میلاد مسیح شهرهایی مانند «تبس» و «ممفیس» در کنار رودخانه نیل شکل می‌گیرند و در حدود ۲۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح شهرهایی مانند «موهنجودارو» و «هاراپا» در کنار رودخانه سند بوجود می‌آیند. در حدود ۱۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح شهرهایی در دره زرد ساخته می‌شوند. شهرهای یونان و روم جدیدتر هستند و به ۳۰۰ تا ۴۰۰ سال قبل از میلاد مسیح باز می‌گردند. در نیم کره غربی در قاره آمریکا بین ۳۰۰ سال قبل از میلاد مسیح تا ۳۰۰ سال بعد از میلاد در تمدن مایا شهرهایی بوجود می‌آیند که به دلایل نامعلوم از بین می‌روند.

«در دوران باستان شهرهای بسیار و حتی مهمی وجود داشت از جمله اریحا، چاتال هئیوک، ترووا، تبس، بابل، سپس آتن، رم، اسکندریه و بسیاری دیگر از شهرها در اکثر قاره‌ها که همچون اکسیان در چین با قدمت سه هزار ساله‌اش نقطه آغازین جاده ابریشم است و با یک میلیون نفر جمعیت در قرن هشتم میلادی، پرجمعیت‌ترین شهر آن روز محسوب می‌شود.»^{۱۰}

از آن جایی که پیدایش شهرهای اولیه قبل از به وجود آمدن خط بود، تنها مدارک و اسناد غیرمستقیمی در این موارد در دست داریم. البته باستان‌شناسی و اسطوره چیزهایی

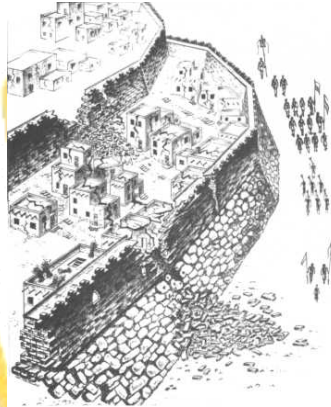
۱۰ شهر/ژان باستیه، برنار دز/ ترجمه دکتر علی اشرفی/ انتشارات دانشگاه هنر/ ص ۳



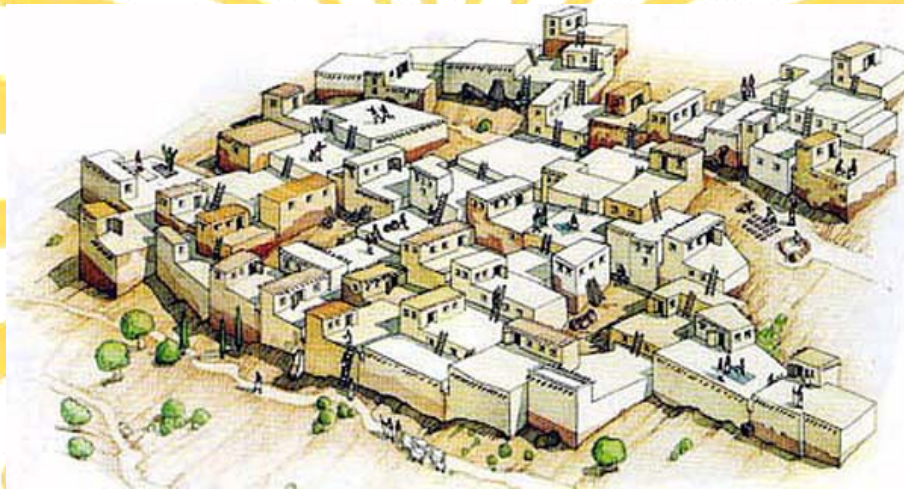
دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)

در اختیار ما می‌گذارد. جهش مستقل و نسبتاً ناگهانی به سوی تمدن، شش یا هفت بار در طول تاریخ به وقوع پیوسته است ۱۱.



اریحا - فلسطین



چاتال هیوک - ترکیه

۱۱ - در سومر و شاید به طور مستقل در مصر، در دره اندس، در شانگ چین، در آمریکای مرکزی و شاید مستقلاً در پرو و احتمالاً در مناطق معینی از آسیای جنوب شرقی و یا آفریقا که هنوز به طور کامل مطالعه نشده است.



دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)



فصل دوم: تکوین شهر



۱-۲. شهر چگونه بوجود می‌آید؟

در این که چگونه شهرها بوجود آمده‌اند شاید آن را بتوان فقط در حیطه تصور جستجو کرد تا استنتاج حقایق قابل مشاهده. مهمترین عامل ایجاد شهرها را بایستی در مازاد تولید محصولات کشاورزی، توسعه شبکه راه‌ها و تمایل بشر به ایجاد یک زندگی دسته جمعی در کنار هم جستجو کرد. در میان مهمترین عوامل پیدایش شهرها، بایستی توسعه شبکه راه‌ها را عادی‌ترین و مطمئن‌ترین قدیمی‌ترین عامل دانست. همچنین مبادلات کالا می‌تواند منجر به تشکیل بازارهای مکاره، شنبه بازارها، چهارشنبه بازارها و مانند آنها شود که در توسعه و ایجاد شهر نقش موثری دارند. همچنین عواملی طبیعی چون وجود آب، مساعدت زمین و خاک و امثال آنها را نباید از نظر دور داشت. از دیدگاه دیگر، وجود مأمّن‌ها و سرپناه‌ها و مقابله مردم در مقابل حملات خارجی را بایستی از جمله عواملی دانست که به شهرها نقش دفاعی داده و مردم را برای مقابله و دفع حملات دشمنان در کنار یکدیگر قرار داده است. (مقدمه‌ای بر مبانی برنامه‌ریزی شهری، شیعه)





۱-۱-۲. تکوین شهر از دیدگاه فرهنگ‌گرا

دو رویکرد مهم به شهر و شهرسازی که پس از انقلاب صنعتی شکل گرفت و به نحوی در تقابل با یکدیگر به سر می‌برند عبارتند از؛ رویکرد فرهنگ‌گرا و رویکرد کارکردگرا.

رویکرد فرهنگ‌گرا با نگاهی هجران زده به گذشته سعی در بازآفرینی معیارهای اصیل عصر سنت جهت ساخت فضای شهر مطلوب دارد و بی‌توجه به اوضاع زمانه‌ی خود تنها اصول زیبایی‌شناختی هنری را مد نظر دارد. از دیگر سو، رویکرد کارکردگرا با بهره‌گیری از فناوری‌های روز و در پاسخگویی به نیازهای جامعه‌ی مدرن و با نگاهی افلاطونی به انسان، ۴ عرصه‌ی عمده‌ی کار، سکونت، تفریح و رفت‌وآمد را مشخص می‌کند. این رویکرد کاملاً هندسه‌گرا و به دور از هرگونه پیرایه شهر خود را در فضاهای سبز گسترده، به باغشهر عمودی تبدیل می‌کند.

شهر در طول تاریخ به جهت پیچیده بودن مفاهیم نظری و شناختی خاص آن همواره مورد علاقه‌ی اندیشمندان جهت تفکر و تعمق بوده است. شناخت واقعیت‌های وجودی شهر دلایل شکل‌گیری شهرها و نحوه‌ی تکوین آنها و تلاش جهت یافتن قانونمندی‌های ویژه‌ی تمامی شهرهای از دلمشغولی‌های ویژه‌ی اکثریت اندیشمندان عرصه‌ی سیاست، اجتماع، فرهنگ و... است.

این الگو از آثار راسکین و ویلیام موریس به دست می‌آید و در اواخر قرن نیز نزد ابنزر هاوارد - پدر باغشهر - دیده می‌شود. مسأله قابل توجه اینکه این الگو در فرانسه هیچ نماینده‌ای ندارد. نقطه عزیمت انتقادی این بینش، دیگر شرایط و موقعیت فرد شهری نبوده، بلکه موقعیت «گروه انسانی» است.



در این بینش، فرد آن چنان که در الگوی ترقی‌گرا منظور شده واحدی در خود دگرگون‌پذیر نیست به عکس الگوی مترقی، در این بینش هر یک از اعضای اجتماع بنابر خصوصیات و اصالت خاص خود، عنصری جایگزین ناپذیرند. رسوایی تاریخی که طرفداران الگوی «فرهنگ‌گرا» از نقد آن بهره جستند. نابودی وحدت کهن و اندام‌واره‌ی شهر تحت فشار گسلنده‌ی صنعتی شدن است. نقدی که این الگو بر آن بنیان نهاده شده، از همان آغاز هجران زده است و امکان احیای مرحله مطلوب گذشته را بر می‌انگیزد. این روش وسیله‌ای است برای رجعت به اشکال گذشته محمل عقیدتی این الگو دیگر مفهوم ترقی نیست بلکه مفهومی است فرهنگی.

از مهمترین فاکتورهای الگوی فرهنگ‌گرا می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱- در این بینش، آمایش فضای شهری بنابر متغیراتی با قطعیت کمتر توصیف شده است.

۲- شهر فرهنگ‌گرا در محدوده‌های مشخصی محاط شده است. این شهر به مثابه پدیده‌ای فرهنگی می‌باید در تباین آشکار با طبیعت باشد، طبیعتی که تلاش بر آن است تا حالت وحشی آن حفظ گردد.

۳- در داخل شهر، هیچ نشانی از هندسه‌گرایی وجود ندارد. راسکین می‌گوید: «این شطرنجی‌ها زندان‌های تن نیست بلکه گورهای روان است...»

راسکین و موریس، بی‌ترتیبی و بی‌تقارنی را به عنوان نشانه نظامی اندام‌واره (ارگانیک) توصیه می‌کنند؛ تنها یک نظم ارگانیک قادر به تجمیع دستاوردهای موفق تاریخی است و ویژگی چشم‌انداز را منظور می‌دارد.



۴- برای راسکین و موریس، «زیبایی‌شناختی» همان نقشی را دارد که بهداشت برای اوئن، فوریه و ریچاردسون داشت.

۵- در زمینه ساختمان‌سازی، نه نمونه‌ای موجود است و نه معیار و ضابطه‌ای وجود دارد. هر بنایی می‌باید از دیگر بناها با بیان ویژه‌ی خویش متمایز باشد.

۶- تأکید ویژه بر بناهای اجتماعی و فرهنگی در حالی که به مسکن فردی بهای کمی داده می‌شود.

۷- شهر در الگوی فرهنگ‌گرا از نظر اقتصادی ضد صنعتی است و از نظر سیاسی، اندیشه اجتماع و روح جمعی به جمع‌بندی‌های دموکراتیک ختم می‌شود.

لازم به تذکر است که در الگوی پیش‌شهرسازی: ترقی‌گرا و فرهنگ‌گرا نزد همه‌ی نویسندگان در تمام متون با شکلی این چنین قاطع و متباین ارائه نمی‌شوند. پرودون به راستی خود را قهرمان کارکردگرایی دانسته و به سان فردی متوسط دلیل‌پردازی می‌کند ولی فردگرایی‌اش مانع آن می‌گردد تا نقشه شهر مطلوب را با قاطعیت ارائه دهد.

فوریه، بانی شهرهای استاندارد شده به گونه‌ای عجیب بر آن است تا برای ساکنان شهرهایشان سرگرمی و تنوع را تأمین کند، او از نظم یکنواخت، ناقص، شهرهایی که پس از دیدن دو یا سه خیابانش کاملاً آشنا می‌گردند انتقاد می‌کند. راسکین نیز در گرایش گذشته‌گرایی‌اش متزلزل شده و به جایی می‌رسد که نظم گوتیک را مورد سؤال قرار می‌دهد.

با وجود این نکته مهم در اینجا است که همه‌ی این افکار به شهر آتی به عنوان یک الگو می‌اندیشند.



در همه‌ی موارد به جای اینکه به شهر چون یک فرآیند و یک مسأله اندیشیده شود، به آن چون یک شی و یک عنصر قابل تولید نگاه می‌شود. «شهر از معاصر بودن باز می‌ایستد» و به معنای صحیح کلمه، تخیلی و به تعبیری به «مدینه فاضله» منتهی می‌گردد.

الگوهای پیش‌شهرسازی عملاً و فقط در تعداد ناچیز و در مقیاسی کوچک تحقق یافته‌اند این اقدامات در اروپا عبارتند از: تأسیسات نیولا نارک و کارهای گودن در مجموعه کار و زندگی (فالا نیست یگز، و در ایالات متحده، کلنی‌های پی‌افکنده شده به وسیله‌ی پیروان اوئن، فوریه و اتین کابه که همه‌ی اینها بسیار سریع منقرض گشتند. عدم موفقیت آنها به وسیله خصلت اجباری و سرکوبگر تشکیلاتشان و به خصوص قطع رابطه با واقعیت اجتماعی - اقتصادی معاصر تبیین می‌گردد.

الگوهای پیش‌شهرسازی به جهت اصالت انتقاد و ایمان بی‌پیرایه‌شان به تخیل، نوعی روش شهرسازی را اعلام می‌دارند که در پیشنهاد‌های قرن بیستم با حرکتی مشابه تعقیب می‌گردد.

تعبیر نو از الگوی ترقی‌گرا با عنوان الگوی کارکردگرا و تعبیر نو از الگوی، فرهنگ‌گرا با همان نام ارائه می‌گردند و تأثیراتی شگرف در شهرها بر جای می‌گذارند.

شهر فرهنگی، فرهنگ شهری

رشد شهرنشینی و صنعتی شدن جوامع شهری و فرهنگ جامعه را به سرعت از اعتقادات و آداب و سنن دور کرد و تمایل به زندگی امروزی و استفاده از رفاه و ارزش‌های مادی به نوعی ارزش اجتماعی تبدیل شد به گونه‌ای که رشد تجملات و تزئینات در



سیمای شهر و خانه‌ها از همیشه نمایان‌تر شد و جامعه‌ها را از پابندی به یکدیگر و مناسبات خانوادگی و خویشاوندی دور کرد.

در جوامع سنتی و روابط اجتماعی به هم پیوسته بود و باورهای مشترک و مشخصی وجود داشت و افراد همدیگر را می‌شناختند و اعتماد میان افراد بیشتر بود و روابط اجتماعی بر اساس آشنایی‌های درازمدت و دوستی و مناسبات فامیلی و خانوادگی، استوار و پایدار بود ولی جوامع بزرگ شهری امروز به خاطر وجود شرایطی خاص، فرصتی برای شناختن افراد نگذاشته است. افراد به جای خانه و محیط زندگی در محیط کار با افراد بسیاری روابط برقرار می‌کنند و در این ارتباط بیشتر به جای وجود علایق و احساسات، غلبه با موقعیت اجتماعی افراد است.

وجود معضل‌های بزرگ شهری مانند ترافیک‌های سنگین و گسترده و بیکاری و کمبود و یا گرانی مسکن و گسترش جرم و جنایت و آلودگی‌های زیست‌محیطی و فرهنگی علاوه بر گسترش زمینه‌های بی‌اعتمادی میان انسان‌ها این احساس را در شهرنشینان ایجاد می‌کند که شاید مسئولان شهری قادر به اداره شهر نیستند و این امر در پاره‌ای مواقع میل به قانون‌گریزی را در جامعه دامن می‌زند و جلوگیری از این کار نیازمند برنامه‌ریزی‌های فرهنگی و ایجاد بستر فعالیت‌های سالم و سازگار از سوی مدیران و مسئولان است.

مدیریت فرهنگی نیاز ضروری

در این چند سال افزایش جمعیت و گسترش ترافیک و آلودگی‌های زیست‌محیطی و کمبود و گرانی مسکن ذهن بسیاری از برنامه‌ریزان شهری و مدیران اجرایی شهر را



بیش از پیش به خود مشغول کرده بود و ضمن اینکه هنوز پاسخ منطقی و مناسب برای این مسائل پیشنهاد نشده است ولی آنچه فراموش شده نیازهای فرهنگی و رسیدگی به آرمان‌ها و خواست‌های درونی جامعه است.

در شهرهایی که زندگی ماشینی و روابط مجازی غربی، فروشگاه‌های بزرگ، مراکز فروش دور از منزل و نبود یا کمبود فضاها و عرصه‌های عمومی در محدوده محله‌ها و نواحی، منجر به از بین رفتن روابط محله‌ای و منطقه‌ای شده است. خصوصی شدن اوقات فراقت، گذراندن زمان زیاد در منزل، کاهش ارتباط میان همسایگان، نبود زمان و فرصت کافی برای تخلیه فشارهای ناشی از مشکلات زندگی روزانه و مانند اینها گسترش یافته و بر ایجاد و تشدید بحران‌های شهری مؤثر واقع شده است.

ضمن آنکه بی‌توجهی و آگاهی نداشتن حکومت‌های محلی یا همان شهرداری‌ها به مسائل اجتماعی و فرهنگی روز زمینه را برای افزایش این بحران‌ها و نابسامانی‌های شهری هموار کرده است. این امر دلیل محکمی بر نیاز ضروری شهرها به مدیریت کامل و جامع شهری در همه مسائل به ویژه مسائل فرهنگی و اجتماعی است.

فقر فضاها و فرهنگی در شهرها

هر چند وظایف شهرداری‌ها برای ما بیشتر در ظاهر شهرها خلاصه و نمود داشته است، اما وظایف دیگری هم بر عهده شهرداری‌ها قرار دارد و حمایت از نهادهای متولی فعالیت‌های هنری، سرگرم‌کننده، تفریحات جمعی، شهری و نظایر آنها، حمایت و تقویت فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی از آن جمله است.

در طول سه چهار سال گذشته توجهاتی به خرده فرهنگ‌های موجود در شهر به ویژه در محله‌ها شده است، اما باید گفت که بی‌توجهی به این خرده فرهنگ‌ها و تلاش



نکردن برای بالا بردن کیفیت شاخص‌های فرهنگی موجب شده برنامه‌های فرهنگی به نتیجه نرسد. در کنار همه این موارد وقتی فضاهای فرهنگی ایجاد می‌شود توجه به دو نکته ضروری است:

۱- شرایط جغرافیایی و بومی محله

۲- توجه به نیاز منطقه با در نظر گرفتن استانداردهای موجود

اصلاح فرهنگ شهری راه حل بحران‌ها

برنامه‌ریزی شهرها نیازمند ایجاد هماهنگی میان دستگاه‌های تصمیم‌گیرنده در حوزه فرهنگی و اجتماعی است یعنی شهرداری‌ها، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت راه و شهرسازی، وزارت ورزش و جوانان، صداوسیما، سازمان میراث فرهنگی، و برخی دیگر از دستگاه‌ها که هر کدام به گونه‌ای دارای تجربیاتی در برنامه‌های فرهنگی، اجتماعی و تفریحی هستند. البته لازمه حل مسائل شهری و بحران‌ها اصلاح رفتار شهروندان و وجود فرهنگ مناسب شهرنشینی است. دو مقوله‌ای که پایه و اساس پایداری و دوام هر شهر است.

فرهنگ در اینجا شامل موضوع‌های اجتماعی، هنری، ورزش همگانی، محیط‌زیست، محصولات فرهنگی و خدمات آموزشی است. در چارچوب این حرکت، ایجاد تعادل، تناسب و هماهنگی در برنامه‌ریزی‌های کلان شهری ضروری است و همه اجزای شهر باید با در نظر گرفتن نقش فرهنگ در مناسبت‌های اجتماعی شهر، تأسیسات شهری، نظام حمل‌ونقل و کالبد شهر و کاربری‌های شهری سعی کنند تعادل لازم را بوجود آورند.



تعیین و تعیین مبانی فرهنگ شهرنشینی برای همه مردم به ویژه قشر جوان و گامی مؤثر در دستیابی به شهر فرهنگی است. البته ناگفته نماند ایجاد توسعه فضاهای فرهنگی مانند فرهنگسراها، خانه‌های فرهنگ، کتابخانه‌های عمومی و تخصصی، نگارخانه‌ها، موزه‌ها و بناهای فرهنگی به فراخور جمعیت محله‌ها و منطقه‌های شهری در حوزه فعالیت‌ها و برنامه‌های شهرداری‌هاست.

فقر فرهنگ شهرنشینی

سال‌هاست که مسائل و مشکلات شهر و شهرنشینی از دغدغه‌های اساسی مدیریت شهری، کارشناسان و طراحان شهری بوده و همچنان نیز از محورهای اساسی طراحی شهری برطرف کردن این معضلات است.

زیبایی شهرها، هماهنگی اجزای تشکیل دهنده آن، کارایی مناسب آنها، امکان استفاده شهروندان از عناصر شهری از بعد منظر، رفاه و کارایی از مهمترین عوامل شهری است.

ما اکنون شهری داریم با مسائل و مشکلات بسیار که چه بخواهیم و چه نخواهیم در آن باید زندگی کنیم در واقع ما وارث معضلاتی هستیم که خود بر خود تحمیل نموده ایم و گریزی از آن نیست. و تنها با همکاری و همیاری و تعاون و تعامل باید سعی در اصلاح آن داشته باشیم و در واقع باری بیش از آنچه هست بر آن می‌فزاییم.

در تمام این مسائل جای خالی موضوعی که خود را در پس واژه فرهنگ شهرنشینی پنهان کرده، به خوبی احساس میشود.



کمبود مسیرهای پیاده، کمبود عرض ناهمواری کلی معابر (سواره و پیاده)، عدم روشنایی مسیرها ... معلولین و سالمندان که نمیدانم به کدامین گناه نکرده جز کلمات نادیده یا بهتر بگویم فراموش شده واژه‌ی شهر هستند ... و هزاران مسئله دیگر نگفته، که به این موضوع ارتباط مستقیم دارد، از جمله این مسائل است، از سوی دیگر میدانیم که ترمیم و اصلاح کمبودها و نواقص اشاره شده، هزینه‌هایی به دنبال دارد که باید متحمل شد و پرداخت شود که از آن گریزی نیست.

عبور از عرض خیابانها باید تنها از تقاطع‌ها و محل خط‌کشی عابر پیاده صورت بگیرد و عبور از بزرگراهها نیز به طور کلی غیر قانونی است و مخاطره آمیز. در کشور ما و به خصوص در کلان شهرها کم توجهی به قوانین و مقررات شهری از سوی شهروندان کاملاً عادی شده و علیرغم صرف هزینه‌های بسیار برای تبلیغ در خصوص آموزش همگانی، از سوی نیروهای انتظامی، راهنمایی و رانندگی و رسانه‌های جمعی همچنان رعایت نمیشود.

با نگاهی به عملکرد شهرداری‌ها و هزینه‌های صرف شده جهت جلوگیری از تخلف شهروندان (پیاده و سواره) به این اصل می‌رسیم که چنانچه فرهنگ شهرنشینی و شهروندی خود را با تمام مشکلات شهری موجود بالا برده و تقویت کنیم، قادر خواهیم بود تا این مبالغ هنگفت را در جای خود هزینه کنیم تا معضلات موجود به حداقل خود برسد و شاهد شهری زیبا و عاری از آهن‌کشی و بتن‌کاری‌های معابر و غول‌سیمانی حاکم بر شهر باشیم.

باستان‌شناسی و فرهنگ شهر



دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)

باستان‌شناسی یکی از زیر شاخه های علم انسان شناسی است که به مطالعه گذشته انسان بر اساس بقایای مادی به جا مانده از او می پردازد. در واقع این علم به عنوان یکی از علوم انسان شناختی در صدد شناخت انسان و ساختارهای جامعه بر اساس تاریخ و سیر تطور آنها است که در این راستا از روش ها و داده هایی استفاده می کند که آن را از سایر علوم انسانی متمایز می سازد.

شهر از یک سو به عنوان یک فضای کالبدی، با کارکردی خاص و به منظور پاسخ گویی به نیازی خاص پدید می آید. از این رو شکل آن، تحت تأثیر نوع کارکرد و نیازهای پدیدآورندگان آن و همچنین عوامل طبیعی محیط خواهد بود. از سوی دیگر شهر به عنوان یک واقعیت بیرونی و دارای قدرت تام بر کلیه واقعیت های اجتماعی و روابط انسانی تأثیر می گذارد. به همین جهت با مطالعه شهر می توان تصویری از جامعه انسانی به دست آورد که بخش قابل توجهی از ساختارهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آن جامعه را بازبنماید. برای شناخت جامع شهر و فرهنگ آن نیز باید گذشته و سیر تحول آن مورد پژوهش قرار گیرد.

باستان‌شناسی شهری از زیر شاخه های باستان‌شناسی اجتماعی است که به مطالعه باستان شناختی شهرها می پردازد. در سال 1979، برت سالون (Bert Salwen) فردی که بارها از او با عنوان پدر باستان شناسی شهری امریکا یاد می شود) تمایز مهمی میان دو تیپ باستان شناسی شهری قائل شد؛ باستان شناسی در شهر (Archaeology in the city) و باستان شناسی شهر (Archaeology of the city). و باستان شناسی در شهر را حفاری محوطه های باستان شناختی که امروز در شهرهای مدرن واقع شده اند تعریف کرد، صرف نظر از این که این مراکز شهری در ادامه رشد و توسعه این محوطه های باستانی قرار می گیرند یا خود مراکزی



دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)

با تاریخی مستقل به شمار می آیند. در مقابل، باستان شناسی شهر مطالعه و بررسی محوطه هایی است که مرتبط با رشد و توسعه شهرهایی هستند که امروز در آنها واقع شده اند. در واقع باستان شناسی شهر به بررسی فرآیند شهری می پردازد و به این امر که چگونه شهرها شکل گرفته و توسعه یافته اند. به بیان دیگر باستان شناسی شهری به شهر به عنوان یک محیط انسان ساخت می نگرد، کارکرد بخش های مختلف آن را مورد پژوهش قرار می دهد، بررسی می کند که شهرها چطور به رویدادهای مهم تاریخی در جهان مرتبط بودند و چگونه شهرها در فرآیندهای جهانی مدرن تغییر کرده اند. تا چندی پیش عمده مطالعات باستان شناختی شهرها بر شهرهای باستانی یا تاریخ باستانی شهرهای مدرن متمرکز بود اما در چند دهه اخیر باستان شناسان شهری توجه خود را به تاریخ مدرن شهرهای مدرن معطوف ساخته اند، به عبارت دیگر به ۴۰۰ تا ۵۰۰ سال اخیر از تاریخ شهری.





۲-۱-۲. تکوین شهر از دیدگاه عملکردگرا

عملکردگرایی یا کارکردگرایی (Functionalism)، رویکردی است که بنیانهای نظری آن در اوایل قرن بیستم پی ریزی شده و به یاری تحقیقات تجربی بسیار صاحب نظران خود، به صورت یک نحله جامعه شناختی نظام یافته و غالب درآمده است. بنیانگذاران نخستین این رویکرد عبارت از افرادی چون مالینوفسکی و رادکلیف براون هستند که با یک رشته مطالعات فرهنگی، به چگونگی وظایف یا کارکردهای عناصر و اجزای فرهنگی - اجتماعی پرداخته و با کشف آنها بر نقش عمده آنها در سلسله تعاملات اجتماعی، صحنه نهادند. کارکردگرایی، از سویی واکنشی است در مقابل تحلیل های علی رویکردهای رادیکال و مارکسیستی در جامعه شناسی و از سوی دیگر مولود طبیعی اندیشه ذره گرایی (Atomism) و تجزیه گرایی است که عناصر و اجزا را جدا از کلیت خود، مورد بررسی قرار می دهد و با کشف سنخ کارکردهایش، موجه و ضروری می شناسد. هر چند این رویکرد در جریان رشد خود و در واکنش به انتقادات بسیار از سوی منتقدین و تندرویان جامعه شناسی، جهت گیریهای متفاوتی بخود گرفته، ولی هرگز اصول اولیه و بنیانهای نظری خود را از دست نداده است.

با رجوع به مخرج مشترک رویکرد عملکردگرایی، بنظر می رسد این نحله شامل اجزا یا اصول مسلم زیر باشد:

۱- جوامع باید در یک کلیت، به عنوان نظامهایی متشکل از بخشهای متقابلاً مرتبط، نگریسته شوند.

۲- علیت در پدیده های اجتماعی، چندگانه و متقابل است.



۳- اگر چه یکپارچگی، هیچگاه تمام و کمال نیست ولی نظامهای اجتماعی اساساً در یک حالت تعادل پویا می باشند. مثلاً واکنش وفاق جویانه نسبت به تغییرات بیرونی، بدنبال تقلیل دامنه تغییرات درونی نظام است؛ لذا گرایش غالب نظام اجتماعی در راستای ثبات و سکون می باشد، بطوریکه از طریق مکانیزم های سازگاری و کنترل اجتماعی حفظ می شوند.

۴- بعنوان برآیندی از فرض سوم، کارکردهای نامناسب، تنش ها و انحراف هایی وجود دارند که می توانند برای مدت مدیدی دوام بیاورند؛ هرچند که عمدتاً تمایل دارند یا خود را رفع کنند و یا سرانجام به رسمیت برسانند.

۵- تغییرات عمدتاً به یک سیاق تدریجی و وفاق جویانه و نه به شیوه انقلابی و یکباره رخ می دهند؛ تغییراتی که معلوم شوند شدید می باشند، در واقع تحت تأثیر روبنای اجتماعی هستند.

۶- اصولاً تغییرات از سه خاستگاه اصلی ریشه می گیرند: سازگاری نظام با تغییر برون زاء، رشد از طریق تفکیک کارکردی و ساختی، و اختراعات و نوآوریهای اعضا یا گروههای داخل جامعه .

۷- مهمترین و اصلی ترین عامل موجد یکپارچگی اجتماعی، وفاق ارزشی است. آداب و رسوم ، نه تنها عمیق ترین و مهمترین خاستگاه یکپارچگی هستند، بلکه ثابت ترین جزء نظامهای اجتماعی و فرهنگی نیز می باشند (وان دن برگ، ۶۹۶).

الگوی تعادل پویا با وجود ناچیز شمردن تغییر، دگرگون می شود. تغییر وفاق جویانه نظام اجتماعی خواه در پاسخ به تغییر برون زاء یا درون زاء، یک شرط اساسی حفظ تعادل است. برعکس، عدم تعادل روزافزون یا عدم یکپارچگی می تواند از ثبات و سکون



برخی از اجزای یک جامعه (مثل نظام های سیاسی) ناشی شود که در سازگاری با تغییرات بخشهای دیگر جامعه، در می مانند (برگ، ۶۹۷). اصولاً رویکرد کارکردگرایی در جریان رشد خود، سه جهت عمده بخود گرفته است که از قرار زیر هستند:

الف) عملکرد گرایی کلاسیک: که غالباً با نام مالینوفسکی، مردم شناس انگلیسی- لهستانی، به عنوان پدر کارکردگرایی همراه است. مالینوفسکی در مقاله خود بنام « فرهنگ که به مثابه مانیفست فونکسیونالیسم » تلقی می شود، نشان می دهد که چگونه تمام اشیای مادی مورد استفاده در جامعه به نیازهای تکنیکی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و روانی پاسخ می دهند ... او عقیده داشت که جامعه و فرهنگ به مثابه مجموعه سازمان یافته و وحدت بخشی است که کلی را تشکیل می دهد و خود متشکل از بخشهای مختلف و متعددی است. در نظر او جامعه، نظامی به هم پیوسته و منظم است (وثوقی، ۴۱ - ۲۴۰). ضعف عمده کارکردگرایی از مشاهده ساختار اجتماعی به عنوان ستون فقرات ایستای جامعه و ملاحظه تحلیل ساختاری در علوم اجتماعی، مشابه علم تشریح در زیست شناسی ناشی می شود. رادکلیف براون بیش از هر کس دیگری عهده دار این نگرش یکسویه است که کارکردگرایی، تضادها و تناقض های لاینفک ساختار اجتماعی را نادیده می گیرد.

ب) عملکردگرایی نسبی گرا؛ با پیشقراولی رابرت مرتن، به نقد سه اصل کارکردگرایی کلاسیک مالینوفسکی می پردازد:

۱- اصل وحدت کارکردی جامعه که براساس آن عناصر فرهنگی و فعالیتهای اجتماعی در کل نظام اجتماعی- فرهنگی، دارای کارکرد هستند و جامعه متشکل از عناصری است که با یکدیگر وحدت دارند. مرتن با قبول درجه ای از وحدت، آن را به طور تام و تمام نپذیرفته و در مورد جوامع پیچیده و قطور یافته، صادق نمی داند.



۲- اصل عمومیت کارکردی که براساس آن هر عنصر اجتماعی یا فرهنگی دارای کارکرد است.

۳- اصل ضرورت کارکردی که هر عنصر فرهنگی - اجتماعی را برای جامعه ضروری قلمداد می کند. مرتن با رد این سه اصل کلاسیک، سه اصل دیگر پیشنهاد می کند:

۱- جایگزینی کارکردها، به جای اصل ضرورت کارکردی، بدینسان که همانگونه که عاملی به تنهایی می تواند چندین کارکرد داشته باشد، عوامل متفاوتی می توانند یک کارکرد داشته باشد.

۲- مفهوم کارکرد منفی یا (Dysfunction) با نتایجی که مانع یا مزاحم شکل و انتظام نظام می باشند.

۳- تفکیک بین کارکردهای آشکار و پنهان در نظم، یا همنوایی نظام (وٹوقی، ۲۴۲). مهمترین خدمت مرتن به کارکردگرایی، طرح کارکرد نامناسب یا منفی است که راه را برای تحلیل « تغییر » گشوده و این مکتب را از ایستایی صرف، رهانیده است.

کارکردگرایی ساختی: این رویکرد جدید به عناصر فرهنگی و اجتماعی توجهی نداشته، نقطه عزیمت خود را « جامعه » قرار داده و از هر دو لحاظ کل و جزء مورد بررسی قرار می دهد. در این رویکرد مقتضیات یا الزامات کارکردی، کارکردهای اساسی لازم برای ادامه بقای جامعه به شمار میروند. این الزامات عبارتند از: ارتباط ضروری با محیط اجتماعی و طبیعی به منظور تجدید نسل، تفکیک و تخصصی شدن نقش ها، ارتباطات، آموزشهای عمومی، اهداف مشترک، اجتماعی شدن اعضا و کنترل موثر انواع انحرافات رفتار (وٹوقی، ۲۴۳). نظریه تالکوت پارسنز، نظریه پرداز مهم این رویکرد، به عنوان کاملترین نظریه کارکردگرایانه در جامعه شناسی، به علت تأکید بر



ساختها، به رویکرد کارکردی ساختی (Structural-Function) معروف است. پارسنز خود نیز از عجز یا نخوت، در مقابل کسانی که او را به بیماری نظریه پردازی متهم می سازند، اعتراف میکند که من یک تئوری ساز درمان ناپذیر هستم (نظامی، ۲۰-۱۱۸). نظریه پارسنز دارای سه ویژگی اساسی است:

۱- با توجه به کل نظام، به تحلیل عناصر اجتماعی یا فرهنگی نپرداخته، به کل مجموعه نظر دارد تا شرایط ادامه حیات، کارکرد و تحول و تغییر آنها را بشناسد. چنین کارکردی دارای تحلیل دو گانه ای است: امکان تفکیک ساختارهایی که اجزای این نظام هستند، و آشکارسازی روابطی که بین نظام و محیط آن وجود دارند.

۲- با الهام از روشهای بیولوژیک در علوم اجتماعی و استفاده از سیبرنتیک، نظریه ارتباطات و نظریه مبادله، به مدل خود پویایی بخشیده، مفهوم کارکرد را از ساخت جدا کرده و با نظام مرتبط ساخت و مجموعه ای از فعالیتهای دوگانه نظام را روشن کرد: پوشش های تعامل و مبادله بین ساختهای درون نظام، و روابط مبتنی بر کنشهای متقابل و مبادله میان یک نظام و سایر نظامهایی که آن را احاطه کرده اند.

۳- اوضمن نقد فونکسیونالیسم کلاسیک، آن را به سوی فونکسیونالیسم تحول گرا تغییر داده است، چرا که جامعه صنعتی را متحول ترین و کاملترین نظام اجتماعی می داند (وثوقی، ۴۷-۲۴۶).

پارسنز، همیشه درباره داوطلب بودن مردم در فعالیتهای اجتماعی حرف می زند. اصولاً به نظر او زندگی اجتماعی بر این امر جریان دارد که مردم، داوطلبانه قدرتها را می پذیرند و از آنها اطاعت می کنند. برعکس بندیکس، از هوادان مکتب تضاد، معتقد است



دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)

نمی توان از قدرتهای مشروع در جامعه حرف زد، بلکه باید از تسلط و فرماندهی سخن گفت.

در کل اینکه عملکردگرایی کاملاً عامرانه به سوی مطالعه نوع ویژه ای از پدیده ها- مطالعاتی که با تاریخ جامعه یعنی گذار از یک شکل بندی اجتماعی و اقتصادی به دیگری هیچ ارتباطی ندارد- متوجه است. به این دلیل این روش در اصل غیرتاریخی است. « لذا به همان دلیل، کارکردگرایی به عنوان وسیله ای کارآمد در تجزیه و تحلیل گروههای اجتماعی کوچک و در ساخت نظریه های معروف جامعه شناسی ثابت می گردد از قبیل نظریه های مربوط به برد متوسط (از مرتن). حال آنکه ورای این حدود، کارایی آن به شدت کاهش می یابد (سادوسکی، ۳۳). به نظر لوئیس کوزر، منازعه و ستیز، همانند همکاری و تعاون، دارای کارکردهای اجتماعی است و نه تنها لزوماً کارکرد منفی ندارد، بلکه مقداری از آن لازمه کارکرد گروه و استمرار زندگی گروهی است.





۲-۲. شهر به عنوان سازواره

تعمق در مفهوم شهر به عنوان یک ارگانیزم پویا از دو دیدگاه مختلف کارکردگرا و طبیعت‌گرا تعبیری متفاوت و گاه همانند فراوری ما قرار می‌دهد.

شهر کارکردی شهری است متراکم با ساختمانهای بلند مرتبه و عظیم که به صورت حجم منفرد و همچون تندیس زیبا در میان فضای سبز گسترده پیرامون قرار می‌گیرد. هندسه‌گرایی افراطی کارکردباوران منجر به شکل‌گیری مسیرهای شطرنجی و بزرگراههای عظیم به جای خیابان‌های پر پیچ و خم ارگانیک می‌شود.

ارائه ۴ عملکرد ویژه شهرها؛ کار، سکونت، رفت و آمد و تفریح سبب طبقه‌بندی دقیق فعالیت‌ها و جانمایی کاربری‌ها می‌گردد. همچنین در این میان توجه خاصی به واحد مسکونی [سلول بنیادین شهر] مبذول می‌گردد.

شهر رویکرد طبیعت‌گرا بیشتر با نظریات فرانک لویدرایت مطرح می‌گردد؛ شهرپهندهشتی ۱۲ بسیار فرد گراست و دموکراسی را برای انسان به ارمغان می‌آورد. افراد ساکن در این شهر با بهره‌گیری حداکثری از فناوری روز، خودرو، هواپیما و قطارهای سریع‌السير در شبکه راههای ارتباطی گسترده، پراکندگی و عدم تمرکز شهرپهندهشتی و همچنین افزایش مسافت‌ها را جبران می‌کنند.

دو مفهوم اساسی دیگر که در درک نظریات رایت نقش اساسی ایفا می‌کند مفهوم نقشه‌ی آزاد و فضای اندامواره‌ای است.

بررسی شهر به عنوان یک واقعیت کالبدی-اجتماعی-فرهنگی و اقلیمی همواره جدال برانگیز و جذاب بوده و هست.



اندیشمندان کثیری سعی در تعریف چگونگی شکل‌گیری شهر و ادامه حیات آن به عنوان یک موجودیت مستقل داشته و دارند و در این مقال، هدف نگارندگان بر آن بوده است که ارگانیزم پویای شهر و مفاهیم اصلی که ذیل این انگاره قرار می‌گیرد را در دو دیدگاه کارکردگرا و طبیعت‌گرا بررسی کنند. جهت درک بهتر موضوع برآن شدیم تا با استفاده از نظریات دو تن از معروفترین اندیشمندان این رویکردها، به بررسی موضوع پردازیم دراین راستا نظریان لوکوربوزیه به عنوان معروفترین فرد مکتب کارکرد باوری و فرانک اویدرایت به عنوان مشهورترین و اثر گذارترین اندیشمند رویکرد طبیعت‌گرا مورد واکاوی قرار گرفت.

۱-۲-۲. رویکرد کارکردگرا^{۱۳}

زمینه‌های شکل‌گیری معماری مدرن^{۱۴}

با اتمام جنگ جهانی دوم، مشکلات اجتماعی و اقتصادی فراوانی در جامعه‌ی اروپا و امریکا رخ نمود. این ناامنی باعث شد تا هنرمندان و معماران آن دوره به دنبال راهکارهایی نو برای حل مشکل مسکن، بیکاری و گرسنگی باشند. مصیبت‌های وارده بر اکثریت جامعه باعث شد تا هنرمندان و معماران به موضع‌گیری‌های سیاسی و هنری پردازند.

۱۳ - Title

۱۴ - Subtitle



هلند که در جنگ جهانی شرکت نکرده بود توانست زودتر از دیگران به معماری مدرن دست یابد. آنها متأثر از معماری اکسپرسیونیستی و آثار نقاشان کوبیست به گونه ای معماری روی آوردند که آمیزه ای از حجم های مکعب بود. در این هنگامه بود که گروهی به نام ((داستیل)) [= سبک] به وجود آمد. در منشور این گروه - که تأثیری ژرف بر معماران نوگرای اروپایی گذاشت - اعلام شده بود که فردیت حاکم بر هنر سده ی نوزدهم می باید با هنری جهانی جایگزین گردد و این کار عملی نبود مگر با آگاه شدن هنرمند به شرایط زمان و کنار گذاردن جبرهای سنت.

بنابر باورهای این گروه، تزئینات رایج می باید حذف شده و فضاهایی مکعب گونه و در کمال سادگی درهم بیامیزند، به گونه ای که خود ساختمان تبدیل به حجمی تندیس وار گشته و نیازی به نقش ها و اشکال زاید نباشد.

تأثیر اندیشه های گروه داستیل تنها به هلند محدود نماند بلکه برآلمان ها و دانشکده معروف باهاوس تأثیرات عمده ای داشت. در روسیه انقلابی نیز هنرمندان به سبکی دست یافتند که به کنستروکتیویسم آوازه یافت.

در سالهای نخست دهه بیستم که در معماری، اکسپرسیونیسم حاکم بود راهکارهای شهرسازانه ای توجیه پذیری ارائه نشد. لامپونیانی دو دلیل عمده برای آن قائل شده است :

۱- شرایط اقتصادی دوران جنگ جهانی اول به ویژه در آلمان چنان نابسامان شد که شهر بزرگ صنعتی مقبولیت خود را از دست داده و هیچ کس امکان رشدی برای آن متصور نبود. بازگشت به روستا و یا مناطق حاشیه ای شهر به عنوان تنها راهکار مطرح شده. روستا- شهر خود کفا، به یکباره مورد



استقبال قرار گرفت و به آرمان توده ها تبدیل شد و شعار هر فرد باید خودکفا باشد برسر زبان ها افتاد .

۲- دلیل دوم جنبه ی فرهنگی داشت. رابطه ی میان و روشنفکران و شهرهای بزرگ از میانه ی سده نوزدهم رو به تیرگی گذاشت زیرا شهرهای بزرگ در راستای تبدیل به جوامع توده ای گام بر می داشتند و برای همین هم می توانستند نقش نخبگان فکری را به خطر اندازند. شهر مکان مدیریت و محل پخش کالاهای سرمایه داری بود که جایی برای آزادی عمل و منش شخصی روشنفکران باقی نمی گذاشت. برای همین هم ترس از محدود شدن آزادی عمل هنرمند در مادرشهر باعث شد تا شعرا و نقاشان به اکسپرسیونیسم روی آورند. این وحشت خود را به حوزه ی معماری نیز کشانید. افزون بر آن ، اکسپرسیونیسم در هنر خود به نوعی فردگرایی افراطی تمایل یافته بود به همین دلیل منطقی بود که معماری نیز بر طراحی تک بناها تمرکز یافته و از ترکیب ساختمان با زمینه ی شهری آن غفلت ورزد .

۲-۲-۲. رویکرد طبیعت گرا

انگاره های جریان شهر- ستیز آمریکایی در قرن بیستم در الگویی جدید تبلور پیدامی کند. الگویی بس خیال پردازانه تر از آن که بتواند تحقیقی داشته باشد اما نشانگر تفکر بخشی از جامعه شناسان و برنامه ریزان شهری آمریکایی است که تحت نام Broadacre-City به وسیله ی معمار بزرگ آمریکایی فرانک لویدرایت تدارک دیده شده است . این معمار از ۱۹۳۰ تا ۱۹۳۵ بدون وقفه روی طرح استقرار مطلوب کار



کرده و آن را در ۱۹۳۵ از طریق نمونه ای غول آسا عرضه می کند. مفاهیم پایه ای این الگو از سال ۱۹۳۲ در کتاب ((شهر ناپیدا)) ی رایت دیده می شود ، مفاهیمی که رایت تا زمان مرگش در سال ۱۹۵۹ از بازگشت به موضوعات آن دست برنداشت.

اصول عقیدتی که رایت بر آنها شهرپهندشتی را بنا می نهد، اصولی است که یکی از پیروان وفادار امرسون به دست می دهد. شهر بزرگ صنعتی به از خود بیگانه ساختن فرد در دنیای مصنوع متهم است. تنها تماس با طبیعت است که انسان را به خود باز می گرداند و رشد هماهنگ فرد را مانند کلیتی امکان پذیر می سازد. رایت این رابطه اصلی و بنیادی با زمین را در عبارتی توصیف می کند که برای خواننده اروپایی یادآور خطوطی می گردد که اشپنگلر در آن مقدمات فرهنگ غربی را از تو بر پا می سازد. اما برای رایت - همچون استاد دانش جفرسون و امرسون- جز از طریق تحقق دموکراسی، رها گشتن از قیود کلانشهر و بازیابی طبیعت، غیرممکن است.

با این همه لغت دموکراسی نباید سوء تفاهمی را برانگیزد و تصویری از دخالت مجدد اندیشه سیاسی در شهرسازی را سبب گردد: ((این کلمه اصولاً آزادی عمل برای هرکس و بنا بر سلیقه اش را تداعی می کند.)) رایت می نویسد: ((آرمان خاص ما از وضعیت اجتماعی دموکراسی ... اصولاً همانند رشد آزاد تعداد افراد چون افراد منفرد طرح شده بود)).

از طریق این مقدمات ، رایت راه حلی را پیشنهاد می کند که همچنان نام شهر را بر خود دارد هرچند که او نه تنها نام کلانشهر را به طور خاص ، بلکه حتی انگاره شهر را نیز به طور عام نادیده می انگارد . طبیعت برای او زمینه ای پیوسته است که در آن تمامی عملکرد های شهری تحت عنوان "مجموعه های محدود" ، "پراکنده" و مجزا گشته اند . مسکن فردی است ؛ نه آپارتمان ، بلکه خانه های شخصی که هر کدام حداقل ۴ آکر



زمین در اختیار دارند و ساکنان آن را به کشاورزی که به گمان رایت برترین فعالیت ها در تمدن اوقات فراغت است و دیگر سرگرمی ها اختصاص خواهند داد. گاه کار به همسایگی خانه کشیده می شود (کارگاهها ، آزمایشگاهها و دفاتر فردی) و گاه جذب مراکز کوچک تخصصی می گردد ؛ مجموعه های صنعتی یا تجاری به حداقل ممکن برای کمترین جمعیت تقلیل داده می شود . برای مراکز بیمارستانی و تاسیسات فرهنگی نیز روال همین است . پراکندگی و مقیاس محدود آنها تعدادشان را جبران می کند .

تمامی این سلول ها (فردی و اجتماعی) از طریق شبکه ای مملو از راههای زمینی و هوایی به یکدیگر بسته و وابسته شده اند و وابسته شده اند ؛ عزلت به هنگامی که در هر لحظه می تواند قطع گردد ، بی معنا است .

بنابراین معمار آمریکایی ، نظامی نامتمرکز و مرکب از عناصر کانونی را تصور می کند که در یک شبکه غنی آمد و شدی قرار گرفته اند . شهرپهندهشتی الگویی است با تناسبات متفاوت در یک بافت همگن که می تواند در سراسر کره زمین گسترده شده و با تداومی بسیار بیشتر از الگوی کارکردگرا آن را بپوشاند رایت پیشنهاد می کند که این الگو در مرحله اول در منطقه ای محدود از ایالات متحده آزمایش گردد گو اینکه برای او این الگو راه حلی عام با کاربردی جهانی است.

فضای الگوی طبیعت گرا بسیار پیچیده است بعضی از خصوصیات آن به الگوی ترقی گرا و بعضی دیگر به الگوی فرهنگ گرا شباهت دارد. این فضا هم باز است و هم بسته، هم عام است و هم خاص. این، فضای نو و تازه ای است که خود را کاملاً وقف آزادی انسان می کند. آثار بزرگ مهندسی (بزرگراهها، پل ها، فرودگاهها) که شبکه ارتباطی این فضا را می سازد به شهرپهندهشتی ابعادی نجومی می بخشد هر یک از این آثار وابسته به کل فضا می باشند. فضایی که تمامی جهات ارتباطی تحت مراقبتش قرار



دارند. رابطه شهرپهندهشتی با فن نو بسیار محکمتر از الگوی ترقی گراست، این فنون بسیار پیشرفته آمدو شد و ارتباطات، یعنی اتومبیل، هواپیما و بزرگراه و تلویزیون هستند که به این گونه استقرار پراکنده معنا می بخشند.

فضای شهر پهندهشتی چندان هم خصوصی نیست و گونه گونی نیشیب و فراز زمین در آن نفی نشده است، برعکس، طبیعت می یابد به دقت و در تمامی اتفاقاتش حفظ گردد. برای فرانک لویدرایت معماری یک نظام اشکال مستقل غوطه ور در فضایی انتزاعی نیست بلکه به طور روشن از نیشیب و فراز زمین ناشی می شود... ساختمان ها تحت بی نهایت شکل متفاوت، طبیعت و خصوصیات زمینی را بیان می کنند که بر روی آن برپا گشته و خود جزء تفکیک ناپذیر آن شده اند.

معماری وابسته به طبیعت است، طبیعتی که معماری باید مدخلی برآن باشد، افزون براین، خلوت گرایی، اصالت داشتن و بسته بودن فضا - که برای شهرسازان فرهنگ گرا گرانقدر هستند - در سطح ساختمانهای خصوصی خود را باز می نمایند.

در برخورد نخستین می توان شهرپهندهشتی را با حال و هوای روستایی اش تعریف کرد ولی باید تحلیل را بسیار فراتر برد. گو اینکه نقش اصلی به پیشرفت فن داده شده است، ولی معمار بزرگ آمریکایی هرگز کلمات بازدهی و کارایی را به کار نمی برد. به این ترتیب و به گمان ما، شهرپهندهشتی، شما پیشنهاد شهرسازی است که اجبار در آن وجود ندارد نه وسواس بازدهی و مولود بودن حاکم بر الگوی کارکردگرا و نه الزامات مالتوسی الگوی فرهنگ گرا به آن راه نمی یابد.

معروفترین اندیشمند مکتب طبیعت گرایی، فرانک لویدرایت، همچون معماران خردگرایی اروپایی یکی از پیشگامان معماری نو است ولی گذاشتن از سنت برای او

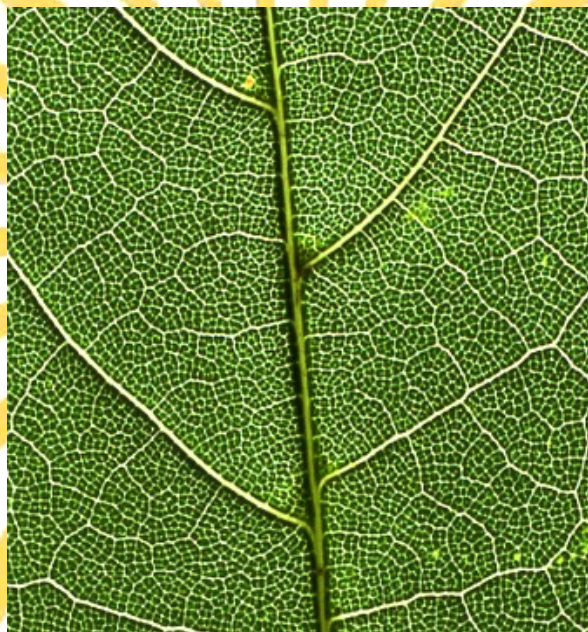


دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)

شکلی دیگر دارد. بهترین شاهد بر دین، مفهوم او از ((نقشه آزاد)) است. این مفهوم نه به یکسانی و بی تفاوتی فضای داخلی، بلکه کاملاً برعکس، به خصوصیت بخشیدن به این فضا ختم می شود. مفهوم "فضای اندامواره ای" الهام بخش همه ی آثار رایت است.

این اندامواره بودن فضای درونی، اهمیت دیوارها و سطوح کامل، نقش مصالح خام طبیعی، امشاع از همه ی گونه شناسی ها و قبول تنوعی فراوان و سرانجام ریشه گیری بنا در دورنمای پیرامونی عناصری اند که می توانند آثار متعددی را خصوصیت بخشند.





۲-۳. شهر به عنوان مدینه بشری

جنگ بر حوزه‌ی شهرسازی نیز تأثیرات جدی به همراه داشت جنگ باعث شده بود تا مطالبات سیاسی از دولت‌ها و قدرت‌های شهری در همه جا شهرسازی را با شهرسازی را با پیشرفت‌های وعده داده شده توسط آنها منطبق کند؛ این همان چیزی است که فضای خلاق و آزاد را برای شکل‌گیری ایده‌های نو از شهرسازی سلب کرد.

معماری خردگرا در دهه‌ی بیست به شهر توجه بیشتری داشت. طرح‌های اولیه‌ای که برای شهر ارائه می‌داد آرمانی و آینده‌گرایانه بود این طرح‌ها سنتزی از تفکرات سوسیالیستی، روش تولید صنعتی در ساخت و ساز و جستجوی زبان بین‌المللی در فرم‌پردازی بود که خود را در ساختن مجتمع‌های مسکونی متبلور نمود. فراخوان‌ها، پژوهش‌های اتوپایی/آرمانشهری و متون آن، همراه با پژوهش‌های روشمند درباره‌ی ((واحدهای مسکونی تکرارپذیر)) به راهکارهایی عملی در خانه‌سازی انجامید.

بزرگترین و معروفترین اندیشمند دیدگاه کارکردگرا، معماری سوئیسی تبار به نام لوکوربوزیه است وی از انسان و محیط برداشت افلاطونی داشت و معتقد بود که نیازهای مادی و معنوی انسان در سراسر دنیا یکسان است و از این رو انسان موجودی جهانی است به این ترتیب پاسخ‌های ارائه شده در برابر نیاز وی نیز یکسان است

لوکوربوزیه انسان و جامعه را پدیده‌ای ایستا ندانسته، بلکه آن را دستخوش تغییر و تحول نیز می‌دانست. او به تأثیر محیط بر انسان و معماری آگاه بود اما رشد و پیشرفت جامعه را خطی می‌انگاشت و باور داشت که همه‌ی جوامع می‌باید از مرحله‌ی صنعتی گذر کنند به همین خاطر محور توجه او انسان و جامعه‌ی صنعتی بود.



به بیانی دیگر اندیشه ی او بسیار اروپا محور است: ((این قوانین زیست شناسی، این عطف دائمی به زندگی که می تواند به اشیاء مادی مانند احجام ساختمانی و یا خیابان بندی های شهر روح بدهد، در زندگی اجتماعی نیز پیدا می شود)).

برای لوکوربوزیه معماری و شهر سازی جدایی ناپذیرند، یک معماری جدید که فنون جدید ساخت و ساز به کار می بندد و دیدی تازه از فضا را مطرح می کند معنایی ندارد جز آن که در شهر جدید ادغام گردد.

مضامین شهری که کارگردگرایان به آن باور دارند عبارتند از :

۱- طبقه بندی عملکردهای شهری

۲- تعدد فضاهای سبز از طریق افزایش ارتفاع ساخت و ساز و آزاد کردن زمین

۳- ایجاد نمونه های عملکردی اولیه

۴- عقلایی کردن مسکن جمعی

۵- ازبین بردن خیابان ها و ایجاد بزرگراهها و مسیرهای مستقیم

کارکردگرایان در بررسی ارگانیزم شهری ، همانند دیگر متفکرین اجتماعی - سیاسی - اقتصادی و .. ابتدا به نقد و بررسی شهرهای معاصر خود خود می پردازند و از این طریق ویژگی های یک شهر مطلوب با سازواره ای سالم و بی عیب و نقص را ارائه می دهند .

در این نوشتار ، نظریات لوکوربوزیه به عنوان تاثیر گذارترین معمار کارکردگرا مورد واکاوی قرار می گیرد . وی در نقد شهرهای معاصر به مواردی از این قبیل اشاره می کند:



۱- هرج و مرج و بی نظمی ۲- ناامنی ۳- غیر انسانی بودن ۴- از میان رفتن شرایط طبیعی .

لوکوربوزیه سپس طرح اولیه چاره جویی خود را ارائه می دهد ؛ انقلاب معماری با ورود شیشه، آهن و سیمان مسلح امکان راه حل های ضروری را میسر ساخته است .

استفاده کهن معماری ، پی های سنگین دیوارهای باربر ضخیم، شبکه های پنجره های کوچک، زمین کاملاً " اشغال شده، سقف غیرقابل استفاده و لزوم تکرار امکانات مشابه در هر طبقه با فنی جدید جایگزین شده است: پی های مکانیابی شده، حذف دیوارهای باربر، امکان بهره برداری از همه ی نما برای نورگیری، زمین آزاد در بین ستون های ظریف و سقفی که زمینی جدید برای استفاده ساکنان در اختیار می نهد.

لوکوربوزیه در گاه بعدی به ستایش ماشین می پردازد و از آن به عنوان عاملی ، پدید آورنده جهانی نو است یاد می کند وی حتی خانه را ماشینی برای زندگی می داند و عنوان میکند که ؛ باید به خانه - ابزاری رسید که فروخته شود یا به اجاره در بیاید . مفهوم دیار پرستی ناپدید گشته است چراکه عرضه کار ، تغییر مکان داده است و این منطقی خواهد بود که بتوان با سلاح و کوله بار به راه ادامه داد . سلاح و کوله بار کاهش دهنده مساله اموال منتقول و مساله ((نوع و گونه)) هستند .

سپس لوکوربوزیه مساله ی طبقه بندی شهر را مطرح می کند وی در این قسمت به طبقه بندی جمعیت ، رفت و آمد و کاربری های مختلف می پردازد . این طبقه بندی دقیق ، خطوط اساسی شهر کارکردی را تثبیت می نماید ، تناسب شهر و محلات مسکونی را مشخص می سازد ، مساله ارتباطات و حمل و نقل را رویا رو می نهد ، مبانی بهداشت شهری را تثبیت می کند ، شیوه قطعه بندی ، مسیر خیابان ها و



پیکربندی آنها را روشن می سازد ، تراکم و در نتیجه نظام ساختمانی در مرکز، محلات مسکونی و باغ - شهرها را تثبیت می کند .

لوکوربوزیه همچنین یک نظریه حمل و نقل را ارائه می دهد که به "دستورالعمل هفت گذر" معروف است و یک نظام شریانی و تنفسی را سبب می گردد . "هفت گذر" به نمونه های سلسله مراتبی بدل گشته است که می تواند آمد و شد نو را تنظیم کند :

گذر اول : جاده ملی یا استانی که از کشور یا قاره عبور می کند .

گذر دوم : راه شهری ، نمونه شریان اصلی یک مجموعه ی شهری

گذر سوم : راههای خاص آمد و شد ماشین ها، این راهها بدون پیاده رو بوده ، هیچ دری بر روی آنها باز نمی شود. [نتیجه ی گذر سوم ایجاد حرکتی نو در شهرسازی است یعنی تقسیم کالبدی]

گذر چهارم : خیابان تجاری هر تقسیم کالبدی

گذر پنجم : راهی که به داخل هر تقسیم کالبدی نفوذ می کنند، این راه اتومبیل ها و عابرین پیاده را به کمک گذر ششم به در خانه ها می رساند .

گذر ششم : راهی که همه طول منطقه سبز را تغذیه می کند که در آنجا مدرسه ها و مکانهای ورزشی واقع اند گذر هفتم : در کنار گذر ششم می آید و دوچرخه ها را عبور می دهد.

مفهوم پراهمیت دیگری که در بررسی ارگانیزم شهری از دیدگاه کارکرد گرایان مطرح می شود هندسه گرایی افراطی است . لوکوربوزیه ذیل این مفهوم در کتاب چگونه به شهرسازی بیندیشیم بیان می کند که : ((یک شهر جدید عملا با زاویه قائمه زندگی



می کند؛ ساخت و ساز بناهای مرتفع، فاضلاب، لوله کشی ها، راهها، پیاده رو ها و غیره. آمد و شد زاویه قائمه را طلب می کند. زاویه قائمه با روح شهرها نیز در توافق است. چم و خم ویران کننده، سخت خطرناک است، چم و خم فلج می کند. خیابان چم و خم دار راه حیوانات است، خیابان مستقیم راه انسان هاست)).

اهمیت مساله ی نظم و کارایی در شهر، از دیدگاه کارکردگرایان برکسی پوشیده نیست و از ارکان مهم مبانی نظری ایشان به شمار می رود. اندیشمندان کارکرد باور معتقدند که طرح های نو با تامین آمدو شدی خوب، توزیعی صحیح، طبقه بندی و نظم که مجموعه ی یک ساختمان را به یک زیست شناسی واقعی بدل کرده است (اسکلت باربر، فضاهای روشن و تهویه شده، تغذیه مجموعه با لوله کشی ها با ((سودمندی های ((فراوان آب و گاز، برق، تلفن، تخلیه، گرمایش و ...) احساس ((کارآبودن)) را می دهد.

در راستای کارکرد باوری افراطی، اندیشمندان کارکردگرا علیه خیابان برمی خیزند و حتی مکانهای استراحت، کافه تریاها و ... را کپک هایی می دانند که پیاده رو ها را می خورند و متلاشی می سازند بدین جهت چنین مکانهایی را به بام ها و مکانهای تجاری انتقال می دهند. و معتقدند که ((حداقل کاراین مفهوم سه برابر کردن سطح قابل آمد و شد شهر است؛ این مفهوم قابل اجرا بوده، به یک نیاز مربوطه بوده، ارزان قیمت بوده و از همه ی شیوه های مرسوم سالم تر می باشد)).

لوکوربوزیه معتقد است که: ((لازم است تعداد خیابان های کنونی تا ۲/۳ کاهش یابد. تعداد تقاطع های خیابان ها در عملکرد مستقیم با تعداد خیابان هاست. این بحرانی چشمگیر در تعداد خیابان هاست. تقاطع خیابان ها دشمن آمد و شد است)).



کارکرد گرایان در طرفداری از درختکاری و فضای سبز هیجان زیادی دارند.)) در شهر کاربردی دیگر حیاطی وجود ندارد اما آپارتمان‌هایی ساخته می‌شوند که از همه ی جهات بر روی هوا و نور باز می‌شوند این آپارتمان‌ها نه تنها بر روی درختان رنجور خیابان‌ها ی کنونی باز نمی‌شوند بلکه به چمن‌ها، زمین‌های بازی و درختکاری‌های وسیع نیز دسترسی دارند. بار دیگر طبیعت به حساب آمده است. شهر به جای آن که یک معدن سنگ بی رحم باشد یک پارک بزرگ خواهد شد، مجموعه شهری چون ((شهری سبز)) در نظر گرفته شده است: خورشید، فضا، سبزه زار)).

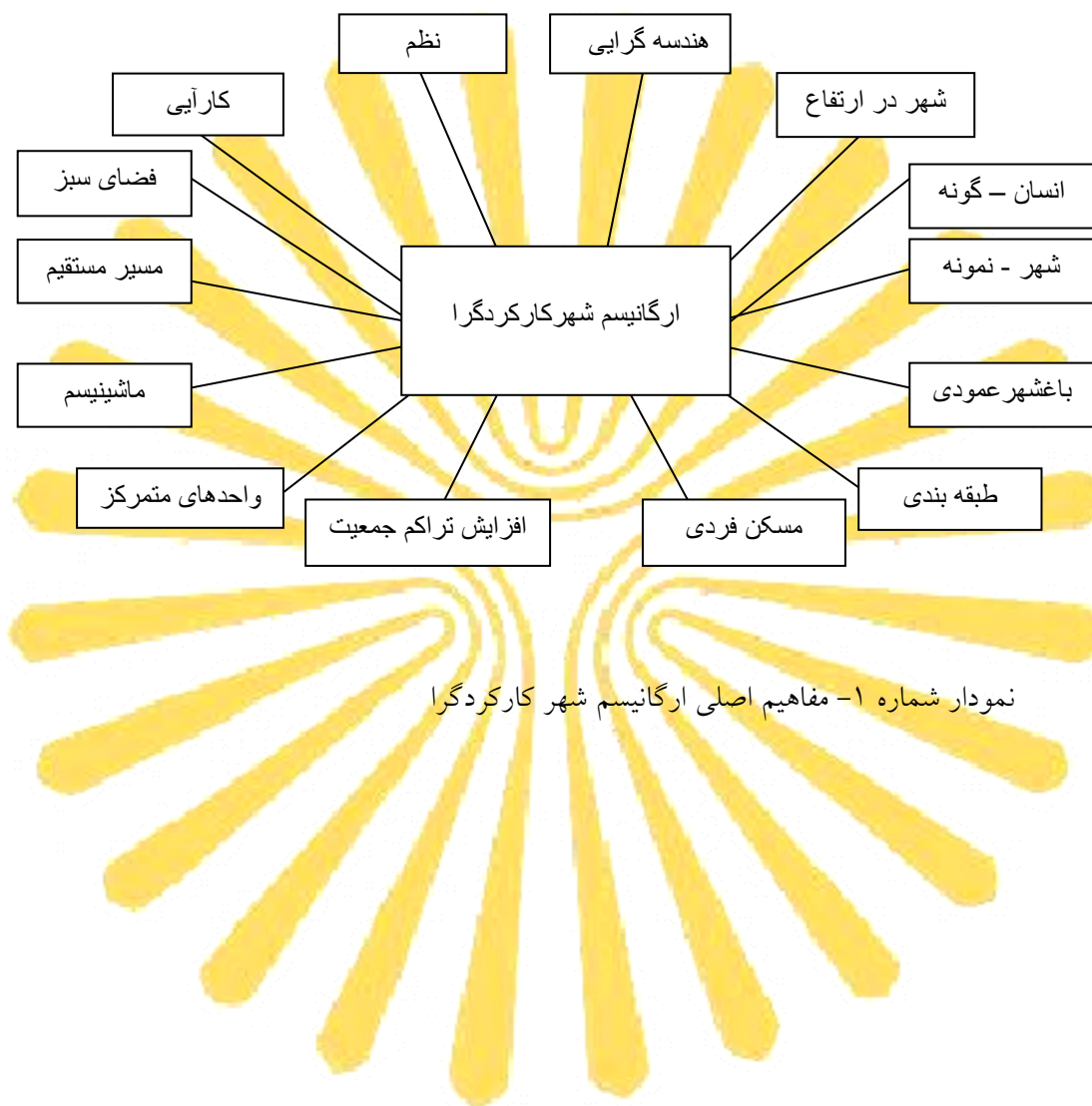
مسکن‌ها در ارتفاع گرد هم آمده‌اند، به این که تمرکز آن‌ها تراکم مسکونی بسیار بالایی را فراهم می‌آورد ولی این مجموعه‌ها تنها بخش کوچکی از زمین را اشغال کرده‌اند. ((مجموعه‌های مسکونی با شکوهی متناسب)) که این چنین تشکیل می‌یابند، با ارتفاع ۵۰ متر در فاصله ۱۵۰ متر تا ۲۰۰ متری از یکدیگر قرار داده می‌شوند و با توجه به خورشید و چشم انداز در پارکی سبز جای داده می‌شوند.

شهری به گونه ی ((شهر - درخشان)) که متشکل از مجموعه‌های مسکونی است تنها ۲۵ هکتار زمین را تحت پوشش می‌برد، حال آنکه یک باغ - شهر با همان تعداد ساکن، ۲۰۰ هکتار زمین را می‌طلبد تفکر کارکردی موافق تراکم جمعیتی بالاست. هر چه تراکم جمعیتی یک شهر بزرگ باشد فواصل آلوده‌شد ضعیف‌تر خواهند بود. نتیجه؛ بالارفتن تراکم مرکز شهرها؛ مکان رتق و فتق امور خواهد بود اما باید توجه داشت که همزمان با افزایش تراکم باید فضاهای سبز نیز افزایش یابد.



دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)



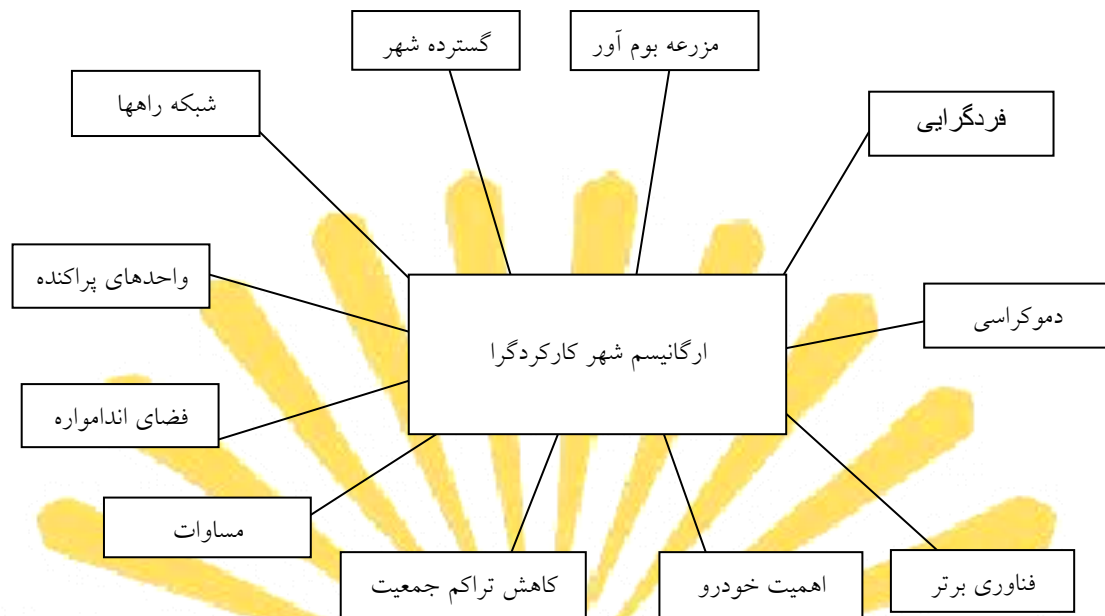


دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)

در این قسمت مروری داریم بر مهمترین مفاهیم شهر کارگری و شهر طبیعت گرا :

شهر در الگوی کارکردگرا	شهر در الگوی طبیعت گرا
۱- تاکید بر فرد -گونه	۱- اهمیت فردیت
۲- هندسه گرایی افراطی	۲- تبعیت از پیچ و خم های طبیعی زمین
۳- حاکمیت فضای غیرشهری [مجموعه ها]	۳- حاکمیت حال و هوای روستایی
۴- اهمیت فناوری	۴- اهمیت فراوان فناوری
۵- ایجاد مسیرهای ارتباطی به جای خیابان	۵- ایجاد شبکه های ارتباطی گسترده
۶- تمرکز و تراکم شدید	۶- عدم تمرکز و تراکم کم (پراکنده)
۷- تاکید بر مساله بهداشت	۷- تاکید بر مساله آزادی ، فردیت و دموکراسی
۸- فضاهای سبز گسترده	۸- مزارع بزرگ کشاورزی
۹- شهر در ارتفاع	۹- شهر در تماس با زمین ، خاک و طبیعت
۱۰- طبقه بندی دقیق عملکردهای شهری	۱۰- تنوع و کارکردهای شهری و عدم طبقه بندی آنها



نمودار شماره ۲ - مفاهیم اصلی ارگانیسم شهر طبیعت گرا

۲-۳-۱. رویکرد فرهنگ گرا

الگوی فرهنگ گرا خیلی زود، پیش از الگوی کارکردگرا و حتی پیش از پیدایش واژه «شهرسازی» شکلی کاملاً شهرسازانه به خود گرفت. این الگو را می توان چه در زمینه نظری یا در زمینه عملی در آلمان و اتریش در سال های ۱۸۸۰ و ۱۸۹۰ باز شناخت.

بنابراین قانونی که توسط مارکس روشن گشت، تأخیر صنعتی یک کشور اغلب عاملی مثبت تلقی می شود، در صورتی که این کشور بتواند از همین طریق، از تجهیزات جدیدتر و



کارا تر کشورهای سابقاً صنعتی شده، بهره گیر، کشورهای که تجهیزات قدیمی هنوز در انجا مستهلک نگشته اند.

در لحظه ای که آلمان در حال متصور ساختن این قانون است و بر آن است که نخستین مقام در اقتصاد اروپا را به دست آورد؛ از مزایای مشابهی در زمینه ساماندهی شهری نیز برخوردار است. تجربه نخستین شهرهای صنعتی انگلیس تکرار نخواهد گشت؛ توسعه ی صنعتی از پیشنهادهایی نشأت خواهند گرفت که حتی در اولین دهه قمر بیستم نیز برای شهرسازان فرهنگ گرای انگلیسی یک نمونه و یک موضوع مورد مطالعه خواهند بود.

رویکرد فرهنگ گرا در دوران شهرسازی نیز چون عصر پیش-شهرسازی در فرانسه نماینده ای نداشت. در بین بنیان گذاران این مکتب عنوان به اینان اشاره نمود:

کامیلویست (سیت) شهرساز شهیر اتریشی که در ۱۸۸۹ کتاب «شهر ساختن» را منتشر کرد. این اثر، تاثیر زیادی در آلمان خواهد داشت؛ ابنزروارد مولف سوسیالیست کتاب «فردا» که اگر پدر روحانی باغ شهرها نبود و چنان چه در نخستین گردهمایی شهرسازی نقشی ایفا نکرده بود به راحتی می شد در زمره ی پیش شهرسازان جایش داد؛ و سرانجام ریمون آنون» معمار شهرساز که با «ب - پارکر» اولین باغشهر انگلیسی - بچ ورث - را به اجرا درآورد.

حال مهمترین خصوصیات شهر و شهرسازی مطلوب از دیدگاه فرهنگ گرایان را بررسی می کنیم؛

۱- غلبه مفهوم کل بر جزء [برتری مجموعه شهری بر افراد] و همچنین مفهوم فرهنگی شهر بر مفهوم مادی آن.



۲- فضای الگوی فرهنگ گرا جزء به جزء در تقابل با فضای الگوی ترقی گراست و محدوده‌ی مشخصی برای شهر تعیین شده است. کلانشهرهای عصر صنعت مورد نفرت هوارد هستند.

او کسی است که تعداد ساکنان شهرش را بین سی تا پنجاه هزار نفر تثبیت می‌کند. شهر هوایی به گونه‌ای مشخص قطع می‌گردد، شهر با کمربندی سبز محصور شده، کمربندی که به منظور جلوگیری از هرگونه درهم آمیختگی با دیگر شهرها ایجاد شده است. یک باغشهر نمی‌تواند در فضا گسترش یابد بلکه مانند سلول‌های حیاتی، خود را تکثیر می‌کند. سرریز جمعیت، مرکز جدیدی را در فاصله‌ای مطلوب، بنا خواهد نهاد، شهر مرکزی نیز با سبزه محاصره شده است.

۳- هر شهر فضا را به گونه‌ای خاص و متمایز اشغال می‌کند. این مساله نشأت گرفته از نقشی است که فرهنگ گرایان برای فردیت قائل می‌باشند. کامیوسیت منحصراً در پی ابزاری است که ویژگی و تنوع فضای درونی شهر را تامین کند. او به تحلیل شهرهای گذشته از یونان باستان تا قرن نوزدهم باز می‌گردد؛ و در این جاست که او به گونه‌ای خستگی ناپذیر به تحقیق در مسیر راههای رفت و آمد، موقعیت و اندازه‌های میادین در رابطه‌شان با خیابان‌ها می‌پردازد؛ خیابان‌هایی که دسترسی این میادین را به ساختمانهایی میسر می‌سازد که آنها را احاطه کرده اند.

۴- به جای فضای انتزاعی و پراکنده‌ی الگوی ترقی گرا که مجموعه‌های ساختمانی (به گونه‌ای منفرد) آن را آرایش کرده اند، سیت فضایی مشخص را پیشنهاد می‌کند که در تداوم زمینه ساختمانها منظوم گشته است حتی در مورد بناهای یادبودی نیز لازم است که علیه بیماری جدید گوشه‌گیری اقدام کرد.



۵- تحلیل تناسبی جایگزین تحلیل گونه شناسی می شود خیابان اندامی بینایی است، اشکال راهنما فقط خیابان ها نیستند، گذرها و نقاط برخورد یعنی خیابان ها و میدانی نیز چنین نقشی دارند. سیت فضای سبز را نیز عملاً از مرکز شهر حذف می کند و هرگاه چنین فضایی به طور اتفاقی در بعضی از محلات شهری ظاهر شود، آن را با دقتی خاص شکل می بخشد.

۶- فضای شهری، بسته و خصوصی است چون که «خصیصه اصلی شهرهای قدیمی در محدوده فضاهای و تاثیرات نهفته است ... خیابان مطلوب باید یک کل بسته را شکل بخشد. هر چه تاثیرات در آن محدودتر باشد تابلو کامل تر خواهد بود. هر گاه نگاه نتواند در لایتناهی گم شود، احساس آرامش بیشتر است.»

۷- از ویژگی های مهم فضای شهری متنوع و غیرقابل پیش بینی بودن آن است و بدین منظور است که هر گونه وابستگی به این یا آن اصل تقارن مردود شمرده می شود. این فضا باید از چم و خم های طبیعی زمین و جهات خورشید تبعیت کرده و خود را در معرض بادهای غالب قرار دهد، که همه، برترین آسایش حیاتی را برای مصرف کننده خواهد داشت و نهایت ارائه این توضیح لازم خواهد بود که بانیا این الگو با وجود اینکه دقیقاً به تاریخ وابسته اند، اصالت تاریخی عصر حاضر و ویژگی مسائل آن را نمی شناسند. س. گیدئون در متهم کردن سیت و اینکه او می خواهد در قرن بیستم به شهر قرون وسطایی بازگردد اشتباه نمی کند او سیت را شعرباف می خواند.

لوکوربوزیه با شدتی بیشتر اعلام می کند: «آیین جاده برای چارپایان وضع شده است، این جنبش از آلمان به دنبال اثری از کامیلوسیت آغاز گشته است.»



در واقع شهرساز اتریشی [کامیلوسیت] آن چنان جذب مسائل زیبایی شناختی و اشکال گذشته شده است که به طور کلی از شناخت تحول شرایط کار و مسائل رفت و آمد بازمانده است.

آنون به خوبی تضاد را در می یابد و به عنوان یک تجربه گرای موفق می کوشد، تا الگوی فرهنگ گرایی را با نیازهای عصر حاضر وفق دهد ولی با وجود تلاش هایش به خصوص در آن چه به مسائل حمل و نقل عمومی مربوط می شود در همه جا موفق نیست. در مورد باغ - شهرها نظارت مطلوب بر گسترش شهری وی محدوده سخت آن به آسانی با نیازهای توسعه نو اقتصادی قابل جمع نیست، این چنین است که در نهایت این الگو هجران زده باقی می ماند.

شهرهای شهرسازی کارکرد گرا مکان های اجباری هستند که دارای کارایی در ۴ زمینه ی اصلی: سکونت، رفت و آمد، تفریح و فعالیت می باشند. غیرقابل تغییر بودن هر یک از فعالیت های انسانی در فضاهای خاص، نقش ایستای این شهرسازی را مشخص می کند آن گونه شهرسازی که نمی تواند تصویری گیراتر از آنچه لوکوربوزیه خود می گوید به دست دهد، «هیچ چیزی با دیگر در تقابل نیست ... هر یک به درستی به نظم و سلسله مراتب کشیده شده و جای خویش را باز می یابد. در حقیقت فرد انسانی یکبار برای همیشه در معانی توسعه جسمی، عملکردی، باروری و «گونه - نیازهای» عام تعریف می شود، حال چه جایی برای زمینه ی تعریف نشده و ناتمامی ارزشهایی که باید خلق شوند و تمایلات ممکن باقی می ماند؟

شهر الگوی کارکرد گرا مسحور پیشرفت های تکنولوژیکی بشر است و در همین راستا شهر در ارتفاع خود را می نمایاند و زمین جایی می شود برای باغشهرهای عمودی.



در تفکر شهرسازی کارکرد گرا، «معمار چوپان جامعه می شود و شهرساز دیگر کسی به جز معمار نیست.» و سادگی و بی پیرایگی به همراه با اصول هندسه طبیعی ترکیب می شود و منجر به شکل گیری احجام مکعبی شکل عظیم ساختمانی در شهرها می گردد که تا دهه ی ۱۹۶۰ تسلط بی چون و چرا خود را بر شهرسازی بزرگ جهانی برقرار می سازد.

فرهنگ گرایان نگاه هجران زده ای به شهرهای قدیمی قرون وسطایی دارند و این خواست بازآفرینی گذشته ای مرده، دو نتیجه انتقادی را فراروی ما قرار می دهد:

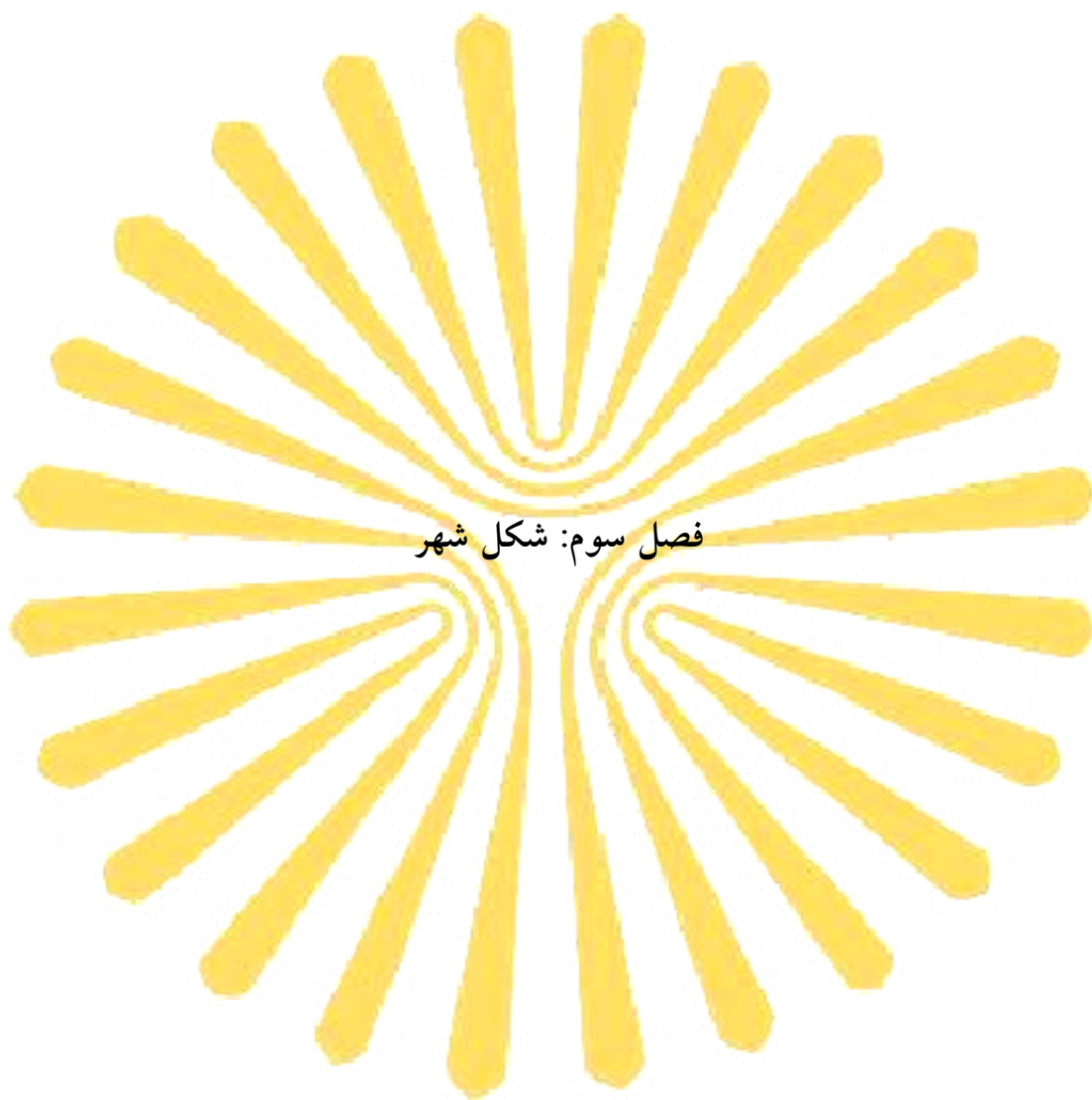
اول: مبحث روش شناختی و نظریه ای که در آن ارزش گذاری بی اندازه به گذشته به ایستایی زمان ختم می شود؛ به زمان چون فضا و مثل این که آن قابل برگشت می باشند برخورد شده است. به این ترتیب و از طریق راههای متفاوت به همان نتیجه ای می رسیم که در شهرسازی ترقی گرا وجود دارد. تحلیل گرایی ترقی گرا با تحلیل گرایی هجران زده و آیین عملکرد گرایی با پرستش ارزش های آباء و اجدادی در تقابل قرار می گیرد. ارزش هایی که تاریخ و باستان شناسی شیوه های عملکرد آن را افشا کرده اند.

دوم: ناخودآگاهی شهرسازی فرهنگ گرا نیز ترجمان بعضی از گرایش های عصبی می باشد. به جای بازگشت شهرسازی ترقی گرا به تصویری پدرسالارانه، این بار با یک مسیر قهقراپی صریح روبه رو هستیم. تکرار نیمه آیینی رفتارهای کهن، ترجمان عدم انطباق و فرار از حال خارج از نظارت است. این روش در نهایت به از دست رفتن عملکرد آنچه هست، انجامیده و با رفتاری ساحرانه، خصلتی اجباری می یابد.



دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)



فصل سوم: شکل شهر



۳-۱. شکل شهر چیست و چگونه ساخته میشود؟

واژه ی «شکل شهر» از دیدگاه های بسیار مختلفی بررسی شده است. برون با مرور نوشته ها به دنبال تعریفی مشخص، دقیقا می گوید، در بررسی شیوه ای که پژوهش گران واژه هایی چون شکل شهر و ساختار فضایی را به کار می برند با تنوع بسیار و مغایرت های مایوس کننده ای رو به رو شده است. یکی از دلایل این تنوع، این است که شکل شهر را حوزه های مختلفی بررسی کرده اند. و هر کدام، از رویکرد های متنوع و متفاوت، با تعاریف و چارچوب های مفهومی متفاوت به دنبال درک شکل شهر رفته اند.

شکل شهر، معادل با سیمای شهر گرفته شده است که اسمایلز آن را به عنوان مترادف شهری چشم انداز یا Landscape مطرح کرد و شامل اشکال مرئی مناطق ساخته شده است. سه مولفه ی عمده اش عبارت اند از: نقشه ی خیابان یا جانمایی، سبک معماری ساختمان ها و طراحی شان، کاربری زمین تاکنون. در همین راستا هندسه ی این عناصر سازنده، یا برخی از جنبه های جزئیات دار ترشان، به عنوان شکل شهر، تعریف شده است.

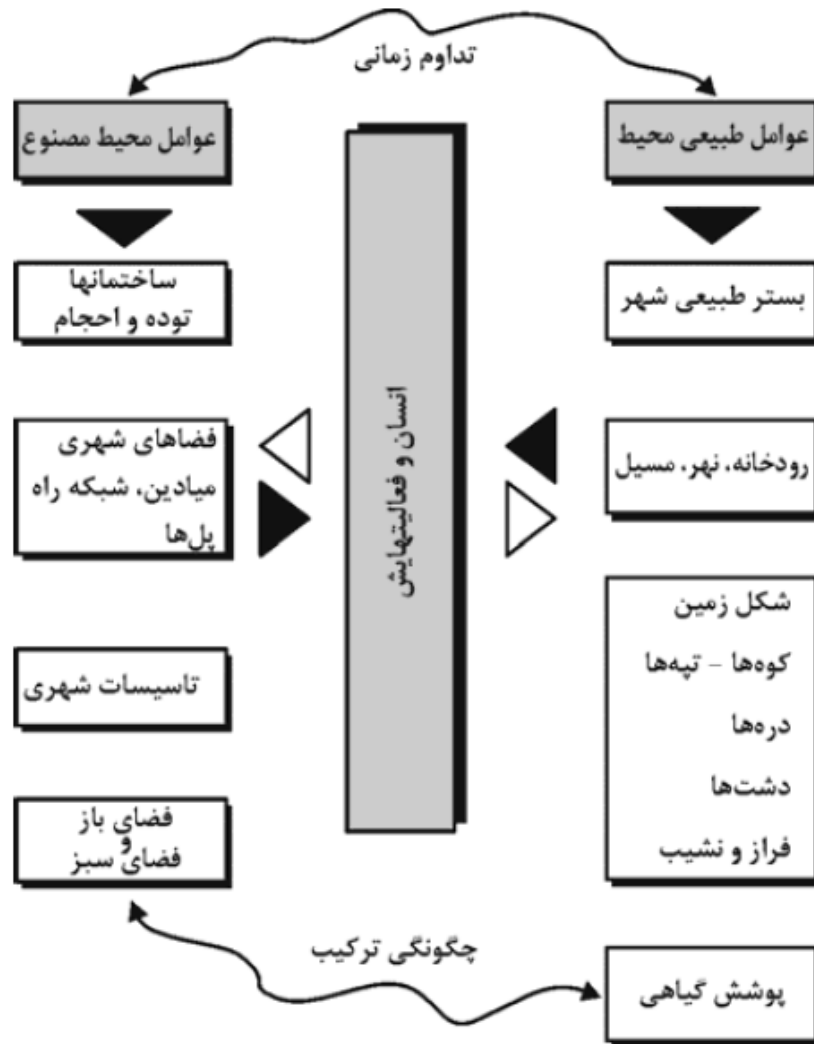
تعاریف گوناگونی از تعریف شکل شهر به عمل آمده که هر یک دید متفاوتی نسبت به دیگری از مفهوم شکل شهر ارائه می دهد. شاید جامع ترین تعریف، تعریفی باشد که کوین لینچ (۱۹۸۱: ۸-۴۷ pp) به دست می دهد. شکل شهر عبارتست از توزیع فضایی افراد و فعالیت ها و نتیجه فضایی و کالبدی حرکت افراد، کالاها و اطلاعات در فضا و هم چنین آن دسته از عوامل فیزیکی که در فضا تغییر قابل ملاحظه ای ایجاد کنند (نظیر بسته شدن فضا، سطوح، محورها و مسیرها، فضاهاى جالب و غیره) و بالاخره تغییرات دوره ای و ادواری که در توزیع فضایی، کنترل فضا و درک آن حاصل می شود.



سکونتگاه سازمانی است که آگاهانه تغییر می یابد و ثبات پیدا می کند. حسن اساسی به مفهوم پیشرفت مستمر افراد، گروههای کوچک و فرهنگ آنهاست. بدین ترتیب شهری خوب است که "تداوم فرهنگی را ارتقاء بخشیده، به بقا و پایداری افراد آن کمک نماید، بر حس ارتباط در زمان و فضا بیفزاید و زمینه ی رشد فردی را فراهم و یا آن را تشدید کند" (لینچ: تئوری شکل شهر ۱۳۸۱، ۱۵۰)

شهر واقعی پیچیده و چند جانبه است و همواره مقولات و موضوعات متعددی را جهت مطالعه و تحقیق پیرامون خود گرد آورده است. شهر را می توان نوعی سازمان یافتگی در فضا دانست که بستر مناسبی جهت فرهنگ سازی است. فرهنگ از جمله مهمترین حلقه های ارتباطی میان انسان و شهر است. شهر بدون فرهنگ شهری بدون هویت است، غنای فرهنگی سبب می شود که هنجارهای فردی با فرهنگ شهری آشنا شده و متعادل و معنادار گردد. فرهنگ را می توان مجموعه ای از پدیده های مادی و معنایی عمدتاً اکتسابی که در مقطعی خاص در جامعه ای خاص رایج هستند و عموماً از نسلی به نسل دیگر منتقل می شوند تعریف کرد. کوین لینچ نظریه پرداز در زمینه ی معماری و شهرسازی همواره تاکید فراوانی بر عوامل فرهنگی در نظریات خویش داشته است، آنگونه که هلتزی هال می گوید: "معماری ظرف زندگی انسان است، ظرفی که انسان با بهره گیری از خرد، اندیشه و فرهنگ خود آن را می آفریند" (هلتزی هال، ۱۳۶۳: ۴۲).





نمودار شماره سه - اجزا و عناصر تشکیل دهنده شکل شهر



دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)





دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)

۳-۱-۱. شکل شهرهای نخستین

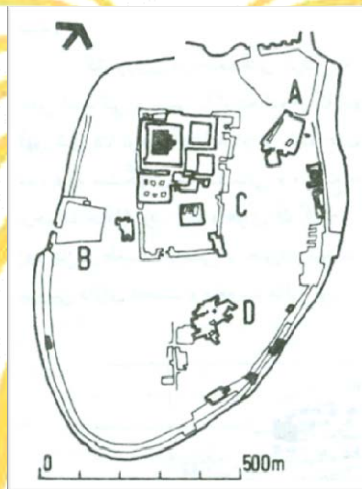
عامل حیاتی برای تحقق انقلاب شهری تولید طعام مازاد بود. تحقق چنین امری برای اولین بار در جلگه‌های آبرفتی دجله و فرات (میان رودان) میسر شد. اولین سکنه مشخص این منطقه ساکنان دهکده العبید بودند که بر تپه‌ای در دره‌ی فرات سکونت داشته‌اند. شهر «اور» به عنوان پایتخت سومری‌ها در این عهد نمونه بارزترین شهر سومری در این دوره است

A بندر شمالی

B بندر غربی

C قلعه تمنوس یا منطقه مذهبی

D منطقه مسکونی



نقشه شهر اور (نقل از کتاب تاریخ شکل شهر، راضیه رضازاده)

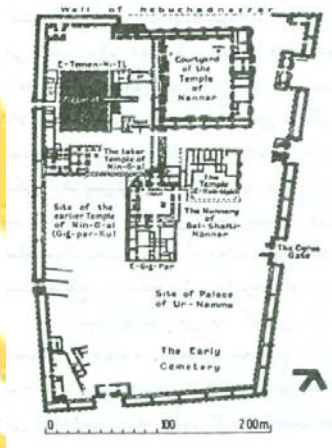


دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

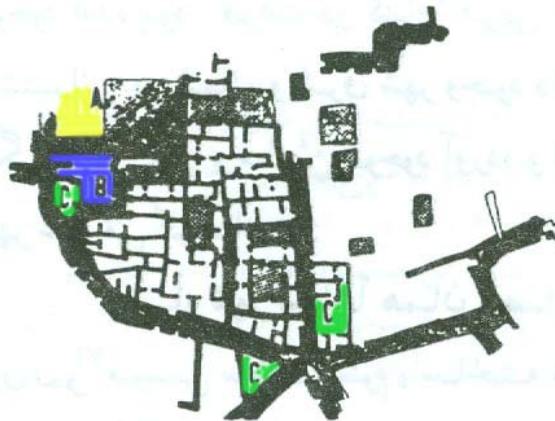
درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)

نقشه قلعه تمنوس بر اساس طرح بخت النصر بنا گردیده است

بافت شهر به صورت شطرنجی است



نقشه قلعه تمنوس واقع در شهر اور



نقشه بخش مسکونی شهر اور



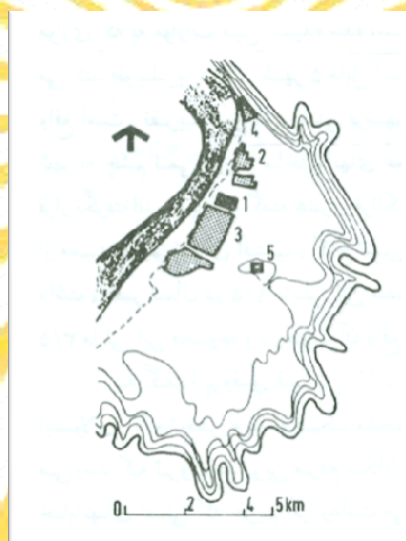
دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)

بر خلاف شهرهای سومری شهرهای تمدن مصر فاقد حصار دور شهر است و این نشان از وجود امنیت نسبی در این منطقه بوده است

شهر از ۵ بخش تشکیل شده است:

۱. منطقه مرکزی
۲. محله شمالی
۳. شهر جنوبی
۴. خانه‌های اعیانی
۵. دهکده کارگری



نقشه شهر اختاتون



دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)



نقشه بخش کارگرنشین شهر اختاتون به صورت شطرنجی

شهر موهنجودارو در تمدن هند بر کرانه راست سند و به فاصله سه مایلی از رودخانه واقع شده است. بافت خیابانها به صورت شطرنجی است. شهر دارای یک قلعه برای امور اداری و مذهبی بوده است. خانه‌های شهر دارای تأسیسات بهداشتی بودند که توسط یک کانال به فاضلاب اصلی شهر متصل می‌شدند.



تصویری از شهر موهنجودارو با طراحی شطرنجی

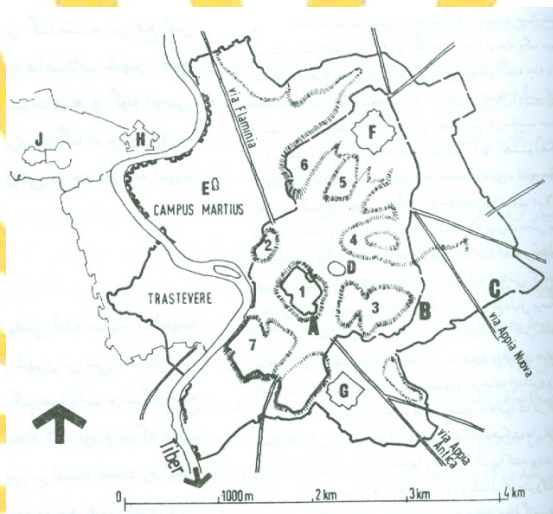


دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)

مبدأ پیدایش شهر رم در تمدن روم دهکده‌هایی بوده است که بر روی هفت تپه واقع بوده است. سال ۷۵۳ ق. م.

سه سیستم دفاعی به صورت حصار بلند وجود داشته که در شکل توسط حروف A, B, C, مشخص شده است



نقشه رم باستان (نقل از کتاب تاریخ شکل شهر)



دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)

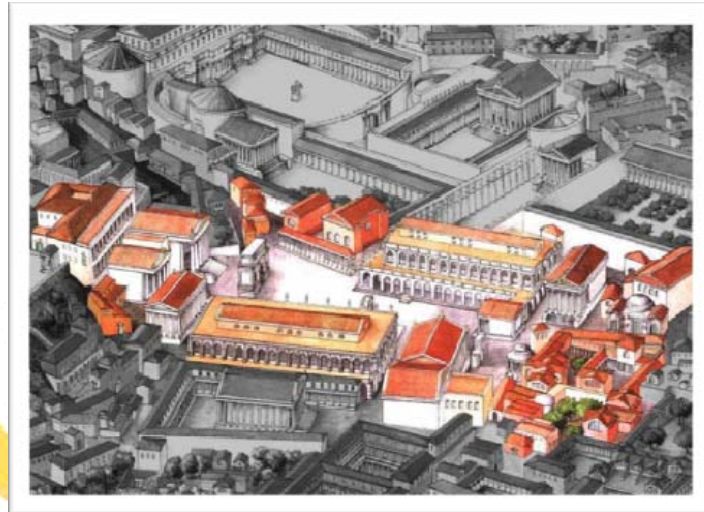


نقشه شهر رم در قرون وسطی

فوروم رومانوم مرکز اصلی شهر رم است که مجموعه‌ای از ساختمان‌های بلند برای انجام فعالیت‌های تجاری، سیاسی و شهری بوده است
برای پاسخگویی به مشکل تراکم جمعیت معماری شهر به سمت بلند مرتبه سازی رفته است

وجود چندین آمفی تئاتر و سیرک برای پر کردن اوقات فراغت مردم در شهر رم از ویژگی‌های معماری رومی است

شکل شهر به صورت آشفته است اما در توسعه‌های بعدی مبتنی بر الگوی شطرنجی بوده است



طرحی از فروم رومانوم مرکز شهر رم

۳-۲. شکل سازمان یافته

در واقع ویژگی های ژئومورفیک و توپوگرافیک یک مکان جغرافیایی نه تنها در پراکندگی و یا تجمع فعالیتهای انسانی موثر است، بلکه در نهایت یکی از عوامل موثر در شکل و سیمای فیزیکی ساختهای فضایی نیز به شمار می آید.

استقرار و پیدایش یک شهر بیش از هر چیز تابع شرایط محیطی و موقعیت جغرافیایی است. عمده ترین عناصر موقع طبیعی عبارتند از: فلاتها، کوهها و تپه ها، چاله ها و دره ها، دشتهای مسطح، دشتهای پایکوهی، جلگه ها و سواحل، ارتفاع و شیب زمین، رودخانه ها و مسیل ها، مخروط (افکنه ها، ماسه زارها، پلایا و کویر، باتلاق، مرداب، تالاب، نیزار، جنگل، دریاچه، دریا و...



پیدایش شهرها در اثر ناهمواری

شهرهای کوهستانی

در سطوح کوهستانی به دلیل فقدان زمینهای مستعد کشاورزی، مناسب تولیدی در زمینه تولیدات زراعی وجود نداشته و یالینکه در حدی نبوده است که بتواند به صورت مازاد تولیدات کشاورزی مبادله شود. اصولاً اینگونه مناطق بیشتر محلی برای پرورش دام به شمار می آیند تا مسکن انسان، از این رو اجتماعات انسانی در این سرزمین ها بسیار کم و پراکنده بوده و در صورت بندی اجتماعی آن عمدتاً جوامع ایلی و کوچ نشینی را شامل می شود. به طور کلی تیپولوژی شهرهای کوهستانی به صورت متمرکز و لیکن باز می باشد. بهترین نمونه این حالت را می توان در شهرهای مسجدسلیمان، میگون و فشم (دره جاجرود) مشاهده کرد.

شهرهای پایکوهی

مناطق پایکوهی عمدتاً شامل زمین هایی می شود که نسبت به توده های کوهستانی مجاور ارتفاع کمتری دارند و با یک شیب نسبتاً ملایم از کوهها فاصله می گیرند. کنیک مخروط افکنه، باهادا و گلاسی (دشت سر) از عمده ترین عناصر ژئومورفیک پایکوه ها است. شهرهای مهم ایران نظیر تهران، سمنان، کرج، قزوین، سبزوار، و ... بر روی دشتهای پایکوهی (عمدتاً از نوع مخروط افکنه) مستقر شده اند.

شهرهای جلگه و دشت



دشت های بزرگ مسطح، سطوح پست و هموار و بسیار کم شیبی هستند که به ویژه در مناطق معتدله و مرطوب شرایط مساعدی را از نظر استقرار سکونتگاهها، طرق ارتباطی و غیره فراهم می آورند. به طور کلی در دشتها و جلگه های وسیع و پهناور تعداد و تراکم شهرها قابل توجه است. توزیع فضایی این نوع سکونتگاهها نسبت به مناطق کوهستانی منظم تر و لیکن نسبت به نوع پایکوهی از نظم کمتری برخوردار است. این شهرها به دلیل عدم محدودیت فضایی و فقدان عوارض طبیعی منحرف کننده، در جهات مختلف گسترش یافته و غالباً بافتی گسسته دارند، یعنی برخلاف شهرهای کوهستانی امکان احداث کوچه ها و خیابانهای عریض در آنها فراهم بوده است. زمینهای باز و افتاده نیز در این شهرها نسبتاً زیاد است. این ویژگی امکان رشد افقی شهر را نسبت به رشد عمودی آن بیشتر می کند.

شهرهای دره ای

اکثر دره های ساختمانی یا غیرساختمانی معمولاً بواسطه یک رود و شعب آن اشغال گردیده اند. این شبکه های آبی تحولات ژئومورفولوژیکی دره ها را برعهده داشته و در این رهگذر دشتهای سیلابی بزرگ و کوچکی را در امتداد دره های عریض داشته و در این رهگذر دشتهای سیلابی بزرگ و کوچک را در امتداد دره های عریض گسترانیده اند.

شهرهای مستقر در فرورفتگی ها

برخی از اشکال ناهمواری مثل دولین و امثال آن به صورت چاله های طبیعی تقریباً بسته خودنمایی می کنند. این فرورفتگی که معمولاً به شکل نعلبکی یا نشستگی (کووت) می باشند بنا به دلایلی از جمله دارا بودن حصار طبیعی و نقش امنیتی از دیرباز به تصرف



انسان و زیستگاه وی در آمده اند. شهرهایی مثل شیراز، آنکارا و نظایر آن تقریباً در یک چنین وضعیتی از توپوگرافی تکوین یافته اند.

مورفولوژی شهری

مورفولوژی شهری جریانی عمده در مطالعه ی شکل شهر در جغرافیای شهری است، واژه ی مورفولوژی به این معناست: علم فرم^{۱۵}، که کارش بررسی شکل فرم ساختار خارجی یا شیوه ی مرتب شدن است. مخصوصاً به عنوان شی مورد مطالعه یا طبقه بندی است. (ضمیمه ی فرهنگ انگلیسی اکسفورد، ۱۹۷۶)، این واژه در بیولوژی برای بررسی «نه تنها شکل و ساختار در گیاهان، جانوران و میکروارگانیسم ها، که اندازه، شکل، ساختار و روابط میان اجزای شان» استفاده می شود. هرچند برحسب نوع اش، با مطالعه ی کارکردهای ارگانیسم ها و اجزای شان، یعنی فیزیولوژی، متضاد است انفکاک این دو، به گونه ای تصنعی ست که دلیل اش رابطه ای نزدیک و متقابل میان کارکرد و ساختار ارگانیسم ها است.^{۱۶}

مورفولوژی شهری در واقع بررسی نظام مند فرم، شکل، نقشه، ساختار و کارکردهای بافت مصنوع شهرها، و منشا و شیوه ی تکامل این بافت در طول زمان است. (کلارک، ۱۹۸۵، اسمال و ویتریک، ۱۹۸۶، گودال ۱۹۸۷). مورفولوژی به معنای «طرح ها، ساختمان ها، کاربری، خیابانها، نقشه ها، چشم اندازهای شهری» است. آن چه که اکثراً در جغرافیای شهری با آن سروکار دارند، در حقیقت بررسی کننده ی ابعاد مکانی

^{۱۵} فرهنگ لغت Oxford

^{۱۶} دائرة المعارف جدید بریتانیکا، ۱۹۸۴



توسعه ی شهری، از دو دیدگاه میان شهری و درون شهری هستند. در مورد دیدگاه درون شهری، مناطق شهری به لحاظ مورفولوژی بررسی می شوند، که حاصل اش مفهوم بخشی و عمومی کردن هایی است که به خصوصیات، و تراکم کاربری زمین، در منطقه ی شهری مربوط می شوند و برهم کنش های یک بخش از منطقه ی شهری با دیگری، یعنی به عبارتی، ساختار درونی و فرایندها (۱۷).

«مورفولوژی شهری بر مطالعه شهر به عنوان یک محیط کالبدی متمرکز است، اما به طور ضمنی پیوندی میان عناصر فضایی و مادی شهر و نیروهای اجتماعی و اقتصادی شکل دهنده آن نیز برقرار می کند». به بیان دیگر کالبد شهر، اثر و ردپای تمایلات و فعالیت های انسانی است. بنابراین، همانطور که فرم مصنوع را می توان مربوط به یک دوره تاریخی خاص دانست، می توان آن را حاصل فعالیت هایی دانست که در آن انجام می گیرد و برای جای دادن به آنها طراحی شده است. بافت یک شهر، نه فقط سند تاریخ ساخت آن، بلکه سند زندگی انسانهایی است که آن را ساخته اند و در آن زیسته اند. در طول حیات انسانها و جوامع، فعالیت ها و نیازها ایستا باقی نمانده و تمایل به تغییر دارند و این تغییر، زمینه رشد و دگرگونی کالبد شهر را فراهم می کند. شهر به عنوان یک کل (شامل ساختمانها و ساکنان آن) یک فرایند است. تعاملی است میان انسانها و محیط شان.



خلاف مطالعات و تجربه های فراوان در زمینه «فرم شهر» و سازمان بصری شهری امروزی، می توان گفت که هنوز مبانی و روش های مطلوب، علمی و مورد قبول عام برای آن تدوین نشده است. در واقع به دلیل ابعاد وسیله کالبدی _ فضایی شهرهای جدید و دخالت نیروهای متعدد و متضاد در شکل گیری و توسعه آنها، نمی توان به سادگی کیفیت بصری و سیمای کالبدی شهرها را تحت بررسی، انتظام و نظارت قرار داد. با افزایش ابعاد و وسعت کلانشهرها، ترکیب انواع شهرک ها و حومه ها، توسعه بزرگراه ها، ترکیب انواع حرکت سواره و پیاده، افزایش سرعت در فضای شهری، توسعه ساختمان های بلندمرتبه، توسعه و تنوع وسایل حمل و نقل، تعدد و تنوع اثاثه شهری و مانند اینها، شرایط نوینی پدید آمده است که تحقق اهداف و موازین زیباشناختی را در سیمای شهرها بسیار دشوار و دست نیافتنی کرده است.



۳-۱-۳. شکل های نوگرا

واقعیت این است که اگر چه سابقه تهیه طرح توسعه شهری در ایران قدمت اندکی دارد و حداکثر به نیم قرن می رسد. اما میراث به جای مانده از پیشینیان که قبل از میلاد را نیز بعضاً در بر می گیرد. حکایت از وجود تفکر پیش اندیشیده ای دارد که اگر چه با مفاهیم امروزی هم‌هنگ نیست اما قطعاً در زمان خود حاکی از وجود طرح ریزی اندیشمندانه ای دارد. وجود مجموعه تخت جمشید پاسارگاد، معبد چغازنبیل در هفت تپه خوزستان، ارگ بم کرمان. تپه سیلک کاشان، شهر سوخته سیستان و بلوچستان و بسیاری دیگر همگی حکایت از این دارد که سازندگان بناهای فوق الذکر، از پیش، نیازسنجی، امکان سنجی و لحاظ نمودن جمیع شرایط اقلیمی و سازه ای، امنیتی و غیره را در نظر گرفته و براساس تلفیق متناسب آنها با یکدیگر به ساخت اقدام نموده اند. ۱۸.



۱۸ تقوی نژاد دیلمی



۲-۳. انواع شکل شهر

حال به طور مختصر به هر یک از انواع شکل شهر خواهیم پرداخت و نقشه و تصاویر برخی از این شهرها را به عنوان نمونه نمایش خواهیم داد:

۳-۲-۱. شکل آشفته یا ارگونومیک:

تکوین شهر اتفاقی بوده و بر اساس اندیشه‌ی انسانها نیست. این نوع شکل شهر دارای خیابانها، کوچه‌ها و گذرگاههای پریپچ و خم می‌باشد. اکثر شهرهای اروپایی در قرون وسطی چنین وضعی داشته‌اند. این گونه شهرها بعضاً بر اثر وقایعی چون آتش‌سوزی، زلزله و جنگ رو به ویرانی رفته‌اند و در تجدید ساخت، بر اساس نقشه‌ی اندیشیده شده بازسازی شده‌اند. در قاره آسیا، آفریقا و حوزه‌ی مدیترانه بسیاری از شهرها هنوز نقشه‌ی آشفته دارند. در ایران نیز شهرهای زیادی نظیر رشت، لار، شوشتر و ... نقشه آشفته دارند. جنگ تحمیلی ایران و عراق باعث ویرانی و بازسازی بسیاری از شهرهای با نقشه آشفته در غرب و جنوب غرب ایران شد. هم‌اکنون شهرهایی که از پیش طراحی نشده‌اند، چنین بافت آشفته‌ای را در درون خود دارند. عمدتاً بخش مرکزی و قدیمی شهر به این شیوه ساخته شده است.



نقشه جدید شوشتر

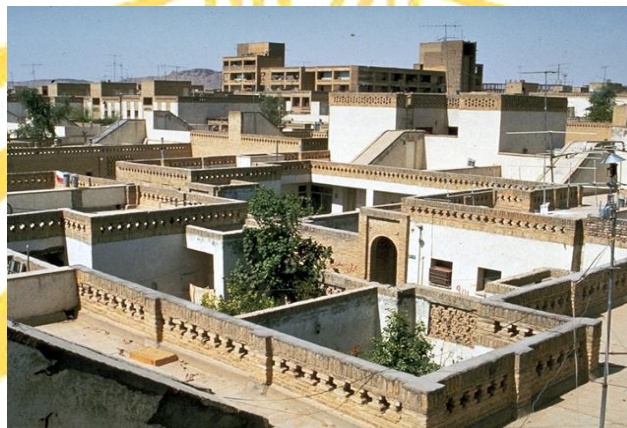


دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)

منطقه‌ای که با دایره‌ی قرمز رنگ مشخص شده است همان منطقه‌ی مرکزی با بافت آشفته است. توسعه‌های بعدی شهر که عمدتاً در بخش شرقی و شمال غربی شهر روی داده است (مناطق مشخص شده با مربع سبز رنگ) به صورت از پیش طراحی شده و عمدتاً به صورت شطرنجی است.

منطقه‌ای که با دایره‌ی آبی رنگ در بالای نقشه مشخص گردیده است مربوطه به «شوشتر نو» است. شوشتر نو شهرکی است که دکتر کامران دیبا در سال ۱۳۵۴ با الهام از الگوی قدیمی شهر برای اسکان کارگران شرکت کشت و صنعت کارون طراحی نمود که برنده‌ی چندین جایزه‌ی داخلی و خارجی شهرسازی و معماری شده است. معماری شوشتر نو در سال ۱۳۶۱ در نمایشگاه «بی‌ینال معماری و نیز» بسیار مورد توجه قرار گرفت و پس از آن در سال ۱۳۶۵ موفق به دریافت جایزه معماری آقا خان شد و در نمایشگاه آثار معماری و شهرسازی قرن بیستم، که به مناسبت فرا رسیدن سال ۲۰۰۰ در لوس آنجلس برگزار شد، به عنوان طرح برگزیده در مجموعه آثار معماری و شهرسازی جهان به نمایش گذاشته شد.



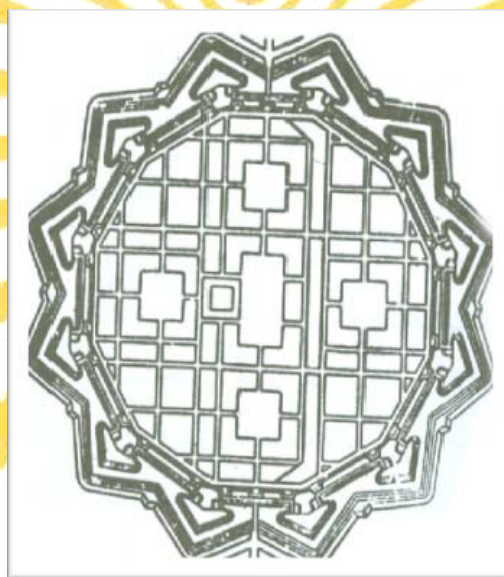
تصویری از شوشتر نو از نمای دیگر



۲-۲-۳. شکل شعاعی یا قطاعی

طرح دایره‌ای شکل در دوره‌ی پارتها و ساسانیان برای شهرهای ایران معمول بوده است. مراکز مهم حکومتی و کاخها در مرکز و مناطق مسکونی به طور حلقه‌وار بر گرد این مراکز قرار می‌گرفتند. این شهرها جنبه‌ی دفاعی داشتند و دلیل این شکل ساخت عدم امنیت کافی بوده است. دوره‌ی اوج این نوع طراحی به قرن پانزدهم در ایتالیا برمی گردد

این نقشه‌ها که در دوره‌ی رنسانس طراحی شده است علاوه بر داشتن جنبه‌ی دفاعی حالت آرمان گرایی و هنرمندانه نیز داشته است. در ذیل برخی از این طرح‌های آرمان گرایانه را مرور می‌کنیم:



ترکیبی از شکل شعاعی و شطرنجی

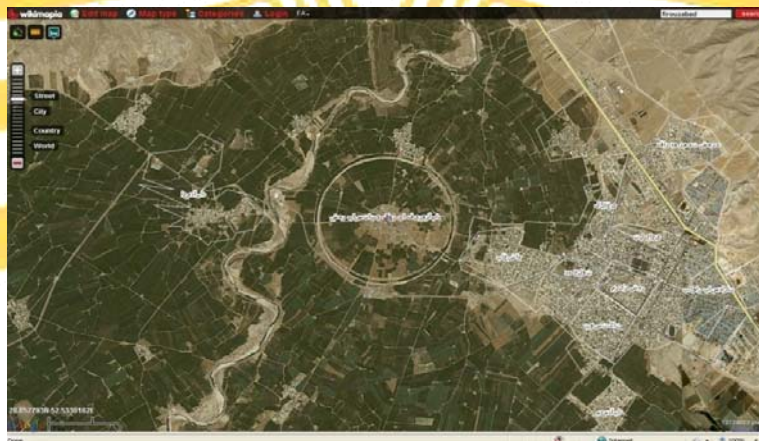


دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)



شکل شعاعی شهر پالمانوا



شهر باستانی گور یا فیروزآباد کنونی - شکل شعاعی



دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

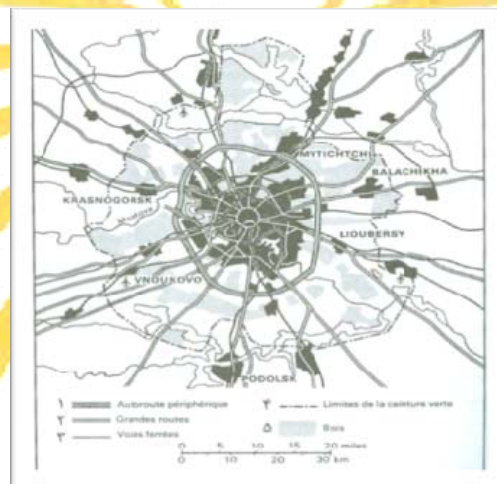
درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)

۳-۲-۳. شعاعی دایره‌ای

این نوع طراحی از ترکیب شعاع‌های خارج شده از مرکز و دایره متحدالمرکز می‌باشد



نقشه همدان - شکل شعاعی دایره‌ای



نقشه مسکو - شعاعی دایره‌ای



دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)

۳-۲-۴. نیمه شعاعی

زمانی که شهر در کنار عارضه‌های خاص جغرافیایی نظیر آب، جنگل، کوه و ... قرار گیرد توسعه‌ی هماهنگ دایره‌وار شهر حداقل از یک بخش محدود می‌شود

شهرهای خرمشهر و آمستردام نمونه‌هایی از این گونه نقشه‌ی شهری هستند که به دلایلی نظیر رودخانه، دریا یا دریاچه از یک سو محدود شده‌اند.



نقشه آمستردام - نیمه شعاعی



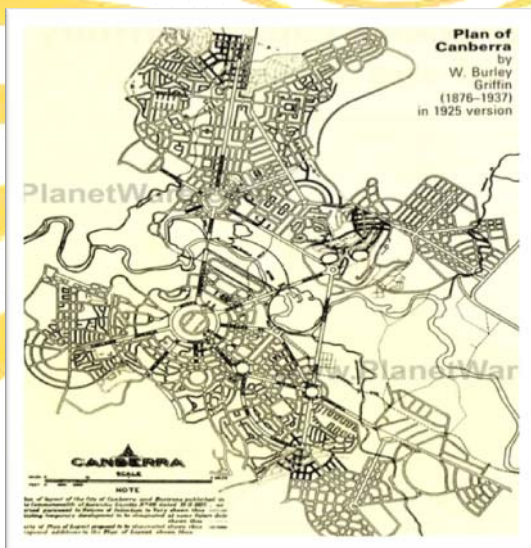
۳-۲-۵. شعاعی چند هسته‌ای

شهرهای شعاعی تک مکانی به سبب تراکم فعالیت‌ها به سرعت حالت انباشتگی و خفکان پیدا می‌کنند. شهرهای شعاعی چند هسته‌ای به جای داشتن یک نقطه‌ی مرکزی دارای چند مرکز هستند که هر مرکز با طرح شعاعی فعالیت‌های خاص خود را دارد و به وسیله‌ی بزرگراه‌هایی با هسته‌های دیگر شهری پیوند می‌خورد و در مجموع شکل تار عنکبوتی می‌یابد.

شهرهای شعاعی چند هسته‌ای به نوعی تمرکز زدایی و تقسیم‌بندی را در درون خود انجام داده‌اند.

مراکز مختلف شهر کانبرا پایتخت استرالیا عبارتند از:

- مرکز فدرال
- شهرداری
- امور بازرگانی
- امور اداری
- امور خدماتی





دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

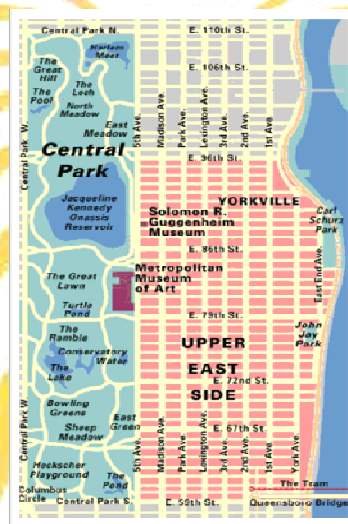
درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)

۳-۲-۶. شطرنجی منظم

شکل شطرنجی از گذشته‌ی دور تا به امروز در معماری شهرها مرسوم بوده است. در دوره‌ی ساسانیان شهر جندی‌شاپور به صورت شطرنجی بنا شده است. در اروپای کهن، رومیان پیشرو نقشه‌های شطرنجی بوده‌اند.

شکل شطرنجی بر تقسیم‌بندی ساده‌ی اراضی شهر و بر جدایی مراکز اداری، بازرگانی، صنعتی و سکونتگاهی از هم تأکید دارد.

مشکل اصلی شکل شطرنجی عبور و مرور در تقاطع‌ها با دید ۹۰ درجه است که با احداث میادین بزرگ در تقاطع‌ها تا حدودی این مشکل حل شده است. مشکل دیگر این طرح این است که به دلیل متوازی السطوح بودن ساختمان‌ها همواره عده‌ای در معرض جریان بدون مانع باد و تابش خورشید هستند.



نقشه شهر نیویورک - به صورت کاملاً شطرنجی



دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)

۳-۲-۷. شطرنجی شعاعی

در این نوع طراحی برای برطرف کردن مشکل محدودیت دید ۹۰ درجه و مشکل عبور و مرور در تقاطع‌ها، ترکیبی از طرح شطرنجی و شعاعی را به کار برده‌اند

در شهر شیکاگو تقسیم‌بندی قطعات زمین قائم‌الزاویه و شطرنجی است در صورتی که تمامی خطوط آهن شهری همگام با بزرگراه‌ها جهتی رو به بندر شهر دارد و همانجا با هم گره خورده و طرح شعاعی ناقص یا نیمه شعاعی برای شهر ایجاد می‌کند



نقشه شهر شیکاگو به صورت شطرنجی شعاعی



دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)

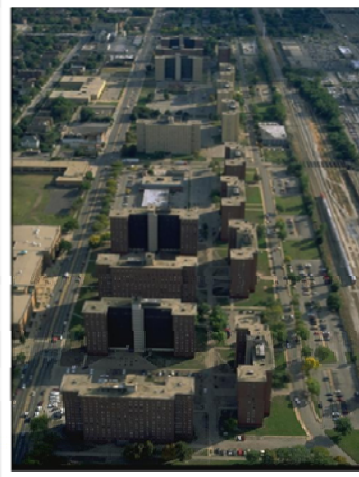
۳-۲-۸. شهر خطی (طولی)

این شکل شهری بر پایه‌ی یک محور حمل و نقل (و یا چند محور موازی هم) که کلیه‌ی فعالیت‌های متراکم تولیدی، مسکونی، تجاری و خدماتی را در امتداد خود جای می‌دهد قرار دارد.

فعالیت‌هایی که تراکم کمتری دارند و یا ناسازگاری بیشتری دارند فضاهای پشت و موازی محور اصلی را اشغال می‌کنند

ممکن است شهر خطی دو شهر قدیمی را که با فاصله زیادی از یکدیگر قرار دارند به هم وصل کند

شهر برودایکر (طراحی شده توسط فرانک لوید رایت) در آمریکا و شهر استالین‌گراد (ولگوگراد کنونی) در روسیه از نمونه‌های بارز شهر خطی هستند.



تصویر مایل از شهر برودایکر - شهر خطی



۳-۳. بررسی مفهوم الگوی کالبدی شهر

در تعریف شهر اتفاق نظری وجود ندارد و در تعاریف بیان شده بر مواردی نظیر تعداد جمعیت، نوع فعالیت های اقتصادی، حوزه اداری و موارد دیگری اشاره شده است لیکن در بعد جهانی برای شناخت شهر از روستا بیشتر بر تعداد جمعیت تاکید شده است..

با توجه به کم و کاستی های مربوط به تعاریف شهر، تاکید بر نقش شهر نوع کارکرد؛ بهتر ما را در شناخت شهر و تمایز قائل شدن بین آن و روستا هدایت می کند. بدین معنی که در شهر ها نقشهایی وجود دارد که روستاها فاقد آن هستند. بنابراین در شناخت شهر به دو کارکرد بیشتر توجه می شود؛ یکی اینکه شهرها کارکرد غیر کشاورزی دارند و دوم اینکه اغلب شهر ها به تولید کالا و بیش از آن به مبادله کالا می پردازند؛ یعنی اینکه فعالیت های غیر کشاورزی بر اقتصاد شهر غلبه دارد..





از نظر کالبدی شهر جایی است که دارای ساختمانهای بلند، خیابانها، ادارات، پارک ها و زیرساختهای شهری و ... باشد. از نظر اقتصادی نیز، شهر مکانی است که دارای وجه قالب اشتغال صنعتی و خدماتی بوده و متفاوت از اشتغال توأم با تولید در روستا باشد. یکی از انواع تعریف های رایج از شهر، تعریف جمعیتی آن است، در این تعریف شهر را مکانی می گویند که دارای جمعیتی بیش از ۱۰ هزار نفر بوده و یا دارای شهرداری باشد. جدای از تعاریف فوق شهر جایی است که تعاملات شهری در آن بوقوع می پیوندد، و مردم حس شهروندی نسبت به شهر خود دارا می باشند. شهر را در فارسی باستان خشت میگفته اند که به معنی پاد شاهی بوده است در اوستا هم این واژه به صورت خشت آمده است که کلمه ی فارسی شهر نیز از آن گرفته شده است.

کالبد شهر

در ادبیات طراحی شهری، واژه شکل (فرم) شهر را می توان مترادف کالبد شهر دانست (میر مقتدایی و طالبی، ۱۳۸۵). کوین لینچ در کتاب سیمای شهر، فرم شهر را بصورت «مظاهر جسمی و رویت پذیر شهر» تعریف کرده است. در کتاب تئوری شکل خوب شهر، فرم شهر «شکل مجتمع زیستی که معمولا به نام محیط زیست کالبدی خوانده شده است. نظیر: ساختمانها، خیابانها، تجهیزات، تپه ها، رودخانه ها و شاید هم درختان باشد. ۱۹



۳-۱-۳. شهر بدون طرح و شهر دارای طرح با الگوهای مختلف

سیر تحول دیدگاه ها و روش های عملی حاکم بر طرح های شهری در کشورهای مختلف (خصوصاً اروپای غربی) طی دو قرن که از آغاز پیدایش شهرسازی سپری شده است به ۴ مرحله متفاوت به شرح زیر قابل تقسیم است. ۲۰

مرحله اول (از ۱۸۰۰ تا ۱۹۰۰ میلادی)

در این دوره، هنوز شهرسازی به عنوان حرفه ای مستقل به وجود نیامده است. عمده کسانی که در باره چگونگی توسعه شهرها نظر می دهند. نظریه پردازان مسائل اجتماعی برای رفع مشکلات طبقات اجتماعی هستند که با ذکر خصوصیات در خصوص شهر مطلوب یا ایده آل خود نظر می دهند و عموم ایده های مطرح شده که به صورت اتوپیا مطرح می شود شهر مناسب را خارج از شهرهای موجود می داند و به همین دلیل به شرایطی اصطلاحاً آزمایشگاهی می اندیشند که برای تحقق شهر مورد نظر باید هر گونه محدودیت و مانع به عنوان پیش فرض اولیه برداشته شده تا شهر ایده آل به صحنه ظهور برسد.

تأثیر عمیق انقلاب صنعتی به تدریج همه ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را تحت الشعاع قرار می دهد و نظام شهری نیز از این قاعده مستثنی نمی شود در عین حال در اواخر این مقطع که به نوعی نوزایی علم شهرسازی را پدید می آورد. برخلاف

۲۰ مهندسین مشاور شارمند، شیوه های تحقق طرح های توسعه شهری، جلد اول، ص ۲۶.

مزینی، منوچهر «مقالاتی در باب شهر و شهرسازی»



آنچه که در حومه های شهری بدون ضابطه و برنامه روی می دهد، بازسازی مرکز شهری در چارچوب های طرح های مدون صورت می گیرد، اهداف و محتوای این طرح ها از طرف هیأت حاکمه با توجه به نیازهای جوامع و دولت های جدید تعیین می شود و طی آن پیش بینی هایی برای ایجاد مراکز جدید اداری و خدماتی، میدان ها و شاهراه های جدید ارتباطی، پل ها، خطوط مترو راه آهن و تأسیسات زیربنایی آب و فاضلاب می شود. عمده این طرح ها با کمک تکنسین های جدیدی به نام مهندس تهیه و اجرا می شود و معماران این قرن که بیشتر سرگرم ساختن ابنیه تشریفاتی هستند با این فعالیت ها بیگانه می مانند. حومه های نوساز شهری نیز که خیلی زود بخش اعظم ساختار شهر مدرن اروپایی را تشکیل دادند، خود به خود و بدون دخالت معماران توسعه می یابند. به عبارتی زمانی که عواقب منفی این حومه جزء لاینفک ساختار شهری می شود، لزوم تدوین طرح برای آنها احساس می شود.

در بین نمونه های مطرح این دوره باید به طرح بارن اوسمان برای مرکز شهر پاریس اشاره کرد که الگویی برای بازسازی مراکز شهری در سایه کشورهای اروپایی و به تدریج سایر کشورها می شود.

مرحله دوم (۱۹۵۰-۱۹۰۰)

شروع قرن بیستم با تحولات زیادی در عرصه علوم همراه می گردد، نظریات مبتنی بر استدلال استقرایی و گسترش شیوه های تجربی در همه علوم باب می شود و تدوین قواعد استدلالی براساس فلسفه علمی، اساس روش شناسی را تشکیل می دهد.

به تبع تدوین قواعد منطقی و احکام استدلال در همه علوم، در این دوره اصول نظری شهرسازی مدرن شکل می گیرد و همه صاحب نظران سعی در بیان تجارب استقرایی



مبتنی بر مصادیق علمی دارند. بنا به همین دلیل است که در این دوره نظریات متعددی در باره شهرسازی مطرح می شود که برخی از آنان عبارتند از:

- نظریه شهر خطی توسط آرتور سوریا.
- نظریه شهر صنعتی توسط تونی گارینه ۲۱ (۱۸۶۹-۱۹۴۸)
- نظریه باغ شهر توسط ابنزر هاوارد ۲۲ (۱۸۵۰-۱۹۲۸)
- نظریه شهر درخشان توسط لوکور بوزیه ۲۳ (۱۸۸۷-۱۹۶۵)

نیمه اول قرن بیستم علاوه بر ایجاد تأکید اندیشه های پوزیتیویسمی و بروز دو جنگ جهانی، زمینه بیشتری را برای تفکر بیشتر و منطقی تر به مفهوم توسعه شهری ایجاد می نماید. به همین دلیل کنگره چهارم معماری مدرن (سیام) کلاً به موضوع شهرسازی اختصاص می یابد و طی آن یک الگوی نمونه برای تهیه نقشه های شهری ارائه می گردد که برطبق آن برای هر شهر باید ۳ نقشه تهیه شود. یکی برای نشان دادن شیوه استفاده از زمین، دومی برای نشان دادن وضعیت معابر و سومین نقشه برای تکمیل موقعیت شهر با توجه به محیط اطراف آن.

الگوی فوق الذکر مبنای تهیه طرح های شهری برای ۳۳ شهر از جمله لندن، پاریس، برلین، دیترویت، مادرید می گردد ولی این الگو تنها نقشه های وضع موجود را نشان می دهد، علاوه بر این در فاصله دو جنگ جهانی، روش هایی که برای سامان دادن شهرهای بزرگ به کار گرفته می شود، عمدتاً پراکنده و نامنسجم هستند و طرح های

۲۱ Tony Garnier

۲۲ Ebenezer Howar

۲۳ Le Corbusier



کلی شهر از محدوده مراکز شهری فراتر نمی روند. تنها تجربه ۳ پایتخت اروپایی (آمستردام، پاریس و لندن) از این قاعده مستثنی است و طرح در محدوده ای فراتر از مرکز شهری و به عبارتی منطقه پیرامون شهری مورد بررسی و پیشنهاد قرار می گیرد. نکته مهم مرتبط با این مقطع این است که شروع تجربه تهیه طرح های شهری به صورت جامع و توجه به تخصص های مرتبط با مسائل شهری ولی جدا از آن همچون جمعیت شناسی، اقتصاد، حقوق و... از این زمان به بعد آغاز می شود و حرفه شهرسازی بر مبنای عام دیدن همه مسائل شهری از این زمان شروع می شود و متعاقباً نیز گسترش سریعی را در کشورهای مختلف پیدا می کند.

طرح آمستردام (۱۹۳۹-۱۹۳۴)

در سال ۱۹۳۴ برای پایتخت هلند به استناد قانونی که براساس آن همه شهرهای بیش از ۱۰ هزار نفر موظف به تهیه برنامه های توسعه آتی شده بودند طرحی تهیه می شود که ویژگی کامل یک طرح جامع شهری را داراست. به این ترتیب که با پیش بینی رشد آتی جمعیت شهر، خصوصیات تاریخی و فیزیکی و موقعیت آمستردام به عنوان پایتخت هلند جهت توسعه شهر، میزان افزایش سطوح مسکونی، خدماتی، فضای سبز و پارک ها، مراکز کار و فعالیت، چگونگی تقویت شبکه حمل و نقل زمینی، زیرزمینی و هوایی و تأسیسات زیربنایی و همچنین ضوابطی برای محله بندی شهر، ارتفاع ساختمان ها، تعداد طبقات و فاصله بلوک ها از یکدیگر تعیین می شود.



این طرح به سبب آغاز جنگ جهانی دوم اجرا نمی شود و پس از اتمام جنگ نیز، طرح دیگری برای شهر تهیه می شود که در برخی بخش ها با طرح پیشین مغایر است. ۲۴

طرح پاریس (۱۹۳۹-۱۹۳۴)

در سال ۱۹۳۴ کمیسیون ویژه ای برای تهیه طرح پاریس و تعیین محدوده منطقه شهری آن تشکیل می شود، براساس این طرح نتردام، مرکز منطقه و اراضی و شهرهای کوچکی که تا فاصله ۳۰ کیلومتری آن واقع شده اند جزو منطقه شهری پاریس قرار می گیرند. تدوین کنندگان این طرح که برای تهیه و تصویب آن ۵ سال زمان را صرف نموده اند. شکل توسعه چند مرکزی طرح اوسمان را الگوی مناسب برای توسعه پاریس بزرگ تلقی نمودند. علاوه بر این تعیین ضوابطی برای چگونگی استفاده از زمین و ضوابط ساختمانی مناطق گوناگون، ضوابط تصمیم گیری درباره مناطقی که اهمیت تاریخی و هنری دارند (کاخ ورسای و سن ژرمن) مجموعاً محتوای طرح پاریس بزرگ را تشکیل می دهند. این طرح نیز همچون طرح جامع آمستردام به علت شروع جنگ اجرا نمی شود و در سال ۱۹۵۶ طرح دیگری برای این شهر تهیه می شود که در آن برخی سیاست های طرح قبل از جنگ دنبال می شود.

طرح لندن بزرگ (۱۹۴۴)

طرح لندن به خلاف دو طرح جامع پاریس و آمستردام بلافاصله بعد از جنگ جهانی دوم تهیه می شود، این طرح براساس شناخت دقیق شهر و اصولی که کمیسیون بارلو،

۲۴ شیوه های تحقق طرح های توسعه، جلد اول، ص ۲۹



طرح ریزی محدوده لندن و اراضی مجاور آن تدوین می کند، تهیه می گردد. در طرح لندن بزرگ که توسط سرپاتریک ایبر کرامبی ۲۵ تهیه می شود شکل فیزیکی توسعه متحدالمرکز و استخوان بندی تاریخی آن در قرن سیزدهم حفظ می شود و سیاست اصلی طرح، تقویت شبکه حمل و نقل سریع از طریق شاهراه حلقوی برای جابجایی سریع، پیرامون حلقه سوم شهر لندن است. علاوه بر این، تقویت خطوط راه آهن و مترو، احداث ۸ فرودگاه در کنار شهرهای اقماری و همچنین سیاست های زیر مدنظر قرار می گیرد:

- کاهش صنایع و اشتغال صنعتی در محدوده لندن و اراضی مجاور آن.

- کاهش جمعیت در لندن بزرگ

- ایجاد مراکز جدید جمعیتی در نزدیکی لندن

- حفظ اهمیت بندر لندن و کنترل قیمت زمین و نوسانات آن توسط طرح

- ایجاد شهرهای اقماری در محدوده های پیرامونی شهر

مرحله سوم (۱۹۷۰ - ۱۹۵۰)

مرحله سوم مطالعات طرح های شهری به زمان پس از جنگ جهانی دوم و نتیجه آن یعنی تخریب وسیع بسیاری از شهرهای درگیر جنگ بر می گردد. آنچه که از ویرانی های به جای مانده جنگ برای همگان عیان است، بازسازی و نوسازی سریع شهرها و

Sir Patric Abercrombey ۲۵



استفاده از اصول نظری شهرسازی مدرن برای تهیه طرح های توسعه شهری است. ضرورت های ناشی از برنامه های بازسازی و کوشش برای رفع عدم تعادل های موجود در چگونگی استقرار و توزیع جمعیت، تأسیسات تولیدی و خدماتی زیرساختی باعث توجه به برنامه ریزی و طرح ریزی کالبدی در سطوح منطقه ای و شهری نیز می شود.

در این دوره مهمترین مشخصه های برنامه ریزی و طرح ریزی کالبدی در ۲ عرصه مختلف به منصفه ظهور می رسد:

۱. طرح های توسعه شهری در قالب طرحهای جامع، حاوی برنامه ای کلی و بلند مدت توسعه شهری برای دوره ای بلند مدت (عموماً ۲۰ ساله)

۲. طرح های تفصیلی به عنوان ابزار اجرایی طرح های جامع و به عمل رساندن پیشنهاد های طرح اهداف اصلی طرح های جامع شهری و متعاقب آن طرح های تفصیلی الهام گرفته از اصول شهرسازی کارکردی که در چهارمین کنگره بین المللی معماری مدرن در سال ۱۹۳۳ تدوین شده است بر می گردد. دو اصل عمده این دوره عبارتست از به نظم در آوردن فعالیت های عمده شهری (مسکن، کار، تفریح، ارتباطات) و استاندارد نمودن نیازهای کمی و کیفی زندگی شهری با توجه به دو هدف فوق الذکر. بنابراین طرح های شهری صرفاً موضوعی زیبایی شناختی و تک عملکردی نیست بلکه باید ابعاد مختلف زندگی شهرنشینان را برای رسیدن به رفاه بیشتر شامل شود.

بر مبنای اهداف و مبانی نظری فوق الذکر، در نیمه اول قرن بیستم، نظریات متعددی شکل می گیرد که هر کدام به گونه ای اصول سازماندهی کارکردی و فیزیکی شهر منظم و متعادل را ارائه می کنند. از این میان نظریات منطقه بندی شهری (Zoning) و نظام



سلسله مراتب تصمیمات شهری در تحقق اصول شهرسازی کارکردی بیشتر مورد استفاده قرار می گیرند. و شهرهای بسیاری براساس اصول این دو نظریه طرح ریزی می شوند.

مرحله چهارم (۱۹۷۰- به بعد)

از اواخر دهه ۱۹۶۰ ناکامی طرح های جامع سنتی در تحقق اهداف و آرمانهای طرح توسعه شهری از یک سو و رواج و گسترش دیدگاه های جدید برنامه ریزی و شناخت در علوم از سوی دیگر باعث می شود که ضرورت تغییر در شیوه مطالعه طرحهای توسعه شهری به وجود آید.

در نگاه جدید و با برداشت سیستمی، شهر همچون پدیده ای پیچیده، احتمالی و در حال تکامل مشخص می گردد که همواره پویا بوده و برای بررسی تحولات آن باید پیش بینی را در قالب یک سیستم پویا جستجو نمود. براساس روش سیستمی، مراحل روند طرح ریزی چرخه پیوسته ای از مراحل تحلیل و جمع بندی است که جایگزین روند استنتاجی می شود. اگر در شیوه های سنتی، مرحله شناخت و تحلیل وضع موجود، مقدم بر جمع بندی قرار می گرفت، در روش سیستمی تدوین اهداف برای محدوده مطالعه و گردآوری و مدل سازی اطلاعات و ارزیابی و اجرای راه حل جایگزین آن می شود. به عبارتی فرآیند برنامه ریزی که از هدف گذاری تا نظارت بر اجرا را شامل می شود، در طرح های توسعه شهری جایگزین جامع بینی فاقد هدف می گردد و شاید بتوان به جرأت اذعان کرد که برای نخستین بار، طرح توسعه شهری از نقشه کالبدی به برنامه توسعه شهری تغییر می یابد. ویژگی خاص شهرسازی این مقطع زمانی با توجه به جنبه های اتفاقی شهر و نگرش مبتنی بر شرایط عدم قطعیت،



دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)

محدودیت دانش بشری و نهایتاً نیز محدودیت اختیارات و کنترل انسانی است. به همین دلیل در دیدگاه جدید تعریف انسان و برنامه ریزی برای او بدین گونه بیان می شود:

انسان در شرایطی که دانش وی کامل نیست عمل می نماید. به علاوه انسان اغلب از لحاظ اولویت ها دچار کشمکش بوده و در مقابل آنها غیرمنطقی است، لذا قدرت انسان در محاسبه و کنترل خیلی محدود است و بی شک در شرایط عقلانیت محدود و عدم کمال این رویه ادامه خواهد یافت.^{۲۶}

روش سیستمی طرح های شهری

بزرگترین تحولی که از این مقطع زمانی در عرصه مطالعات شهری و تهیه طرح های توسعه اتفاق می افتد، تغییر روش تهیه طرح از تک بعدی دیدن و بررسی تحولات آینده براساس روند گذشته، ورود به عرصه سیستمی و نگاه به شهر به عنوان یک سیستم است. براساس این روش، مراحل روند طرح ریزی، چرخه پیوسته ای از مراحل تحلیل و جمع بندی است که جایگزین روند استنتاج سنتی می شود. مراحل این روش جدید به شرح زیر قابل طبقه بندی است:^{۲۷}

تدوین اهداف طرح ریزی برای محدوده مورد مطالعه

26 David off Paul & Thomas Rainer "Achoise Theory of Planning Journal of the American in Stituete Planners, 1962.

۲۷ مهندسین مشاور شارمند، شیوه های تحقق طرح های توسعه شهری (جلد اول)، ص ۵۱.



دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)

• ایجاد بانک اطلاعاتی برای تشریح رفتار گذشته و حال سیستم

• پیش بینی و مدل سازی

• ارزیابی گزینه های توسعه و انتخاب گزینه مطلوب

• اجرای طرح و کنترل سیستم شهری

بررسی مفهوم الگوی کالبدی شهر: شهر بدون طرح، شهر دارای طرح، شهر با الگوهای مختلف	
مرحله اول	• ایده های اتوپیایی برای رفع مشکلات اقتصادی، اجتماعی
۱۸۰۰-۱۹۰۰	• فالانستر شارل فوریه، دهکده تعاونی رابرت اوئن
مرحله دوم	• گسترش تفکرات پوزیتیویسم و استدلال استقرایی
۱۹۰۰-۱۹۵۰	• تهیه طرح آمستردام ۱۹۳۹-۱۹۳۴
	• طرح پاریس ۱۹۳۹-۱۹۳۴
	• طرح لندن بزرگ ۱۹۴۴



دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)

مرحله سوم	• بازسازی و نوسازی شهرها بعد از جنگ جهانی دوم
۱۹۷۰- ۱۹۵۰	• نظم بخشی فعالیت های چهارگانه شهر (مسکن، کار، تفریح، حمل و نقل)
	• استاندارد نمودن نیازهای کمی و کیفی زندگی شهری
مرحله چهارم	• توجه به جنبه های انسانی شهر
۱۹۷۰ به بعد	• نگرش مبتنی بر شرایط عدم قطعیت
	• تغییر رویه مطالعات شهری از جامع به نظام سیستمی
بررسی مطالعات طرح های توسعه شهری در ایران	
دوران باستان (قبل از اسلام)	• وجود تفکرات از پیش برنامه ریزی شده برای ساخت و ساز
	• احداث مجموعه های بزرگ (تخت جمشید، چغازنبیل، ارگ بم، شهرسوخته)
	• ایجاد شهرهای هندسی مثل فیروزآباد، نیشابور، جندی شاپور
	• ریخت شناسی شار دوره ساسانی (دژحکومتی / شارستان / ربض /



دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)

بازار میدان	
-------------	--

• اضافه شدن عنصر کالبدی مسجد در مراکز شهر • توسعه شهر فئودالی و ارتباط شهر با روستا • توسعه هنر ایرانی در قالب معماری ساختمان ها و ایجاد شهرهای پروتوق مثل سمرقند، بخارا، هرات • رونق شهرنشینی با اضافه شدن دو عنصر میدان و خیابان خصوصاً در عصر صفویه • گسترش شهرهای آباد و پروتوق (مثل اصفهان)	بعد از اسلام تا عصر مشروطیت
• انقلاب مشروطیت و قانونمند شدن رابطه دولت و مردم • تحول از سنت به مدرنیسم در عصر پهلوی و گسترش شهر تهران • تغییر ساختارهای فضایی شهرها با مداخله گری دولت مقتدر (ثروت و قدرت) • تهیه نقشه خیابان ها (۱۳۰۹) • تهیه طرح های شهرسازی در قالب معابر (به هم ریختن بافت سنتی شهرها)	دوران معاصر تا انقلاب اسلامی

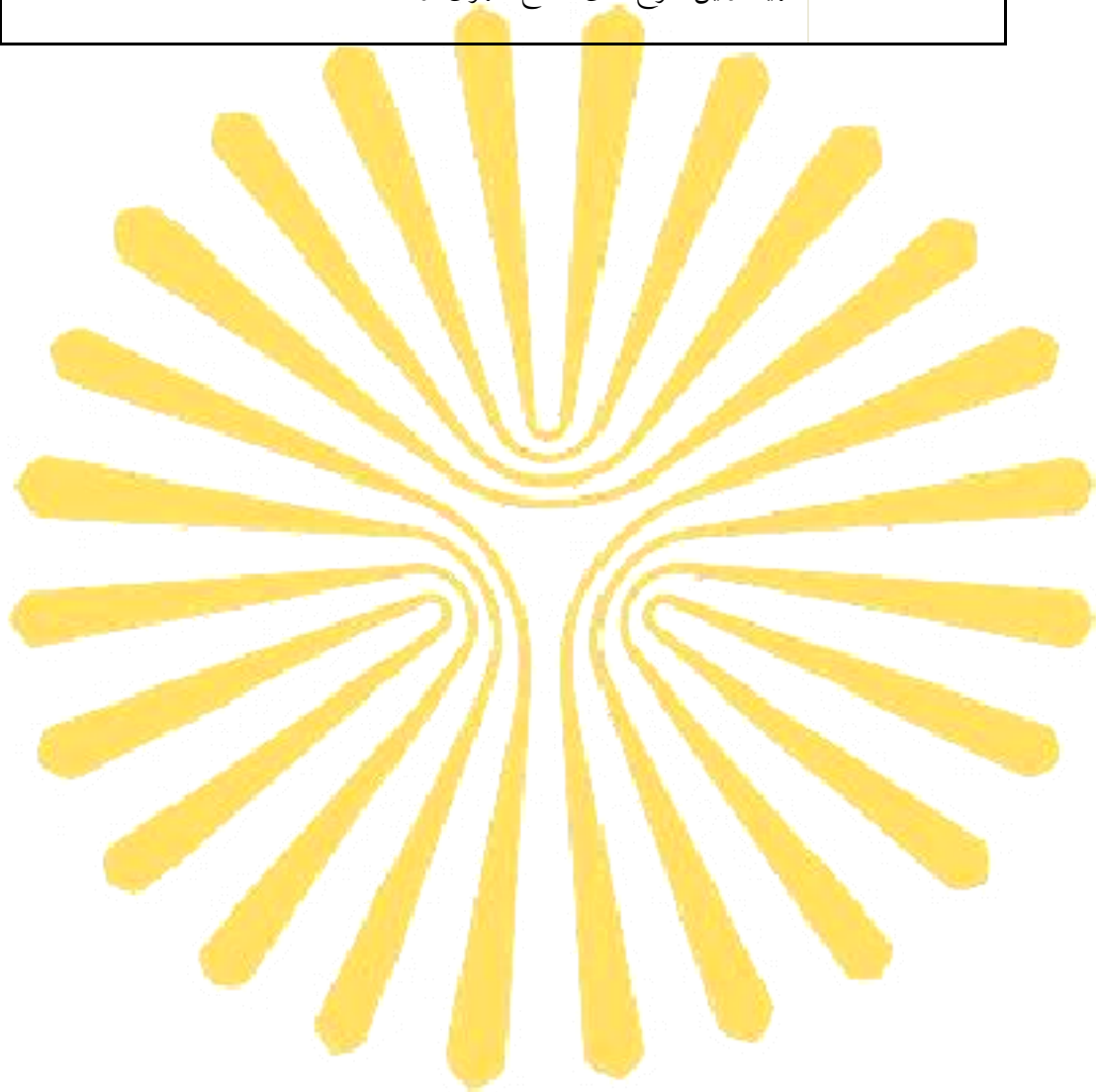


دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)

- تصویب قوانین مرتبط با شهرسازی (شهرداری و انجمن شهر، وزارت آبادانی و مسکن و...

تهیه اولین طرح های جامع شهری از دهه ۱۳۴۰





۳-۴. قانون و نظم اجتماعی در شکل‌گیری شهر

انقلاب صنعتی منجر به شکل‌گیری شیوه زندگی شهرنشینی شده، که افراد جامعه شهری باید آن را کسب کنند. این فرایند آموزشی و یادگیری اجتماعی را می‌توان اجتماعی شدن یا جامعه‌پذیری شهری نامید. این پدیده اجتماعی از بعد جامعه‌شناختی و انسان‌شناسی شهری در ارتقاء فرهنگ شهری بصورت یک واقعیت اجتماعی و انسانی بطور مستقیم و غیرمستقیم در قالب برنامه ریزی‌های فرهنگی و اجتماعی مدیریت شهری بر فضاء شهر تأثیر گذارست.

اجتماعی شدن یا جامعه‌پذیری در هویت بخشی، به فرهنگ شهرنشینی بسیار کمک شایانی کرده است، و این فضاء را از سایر فضاءهای زندگی متمایز می‌کند. چنین فرایندی از طریق کنش متقابل انسانی، پایداری روابط متقابل میان شهروندان و آموزش ضوابط زندگی شهری به تثبیت کردن هویت اجتماعی شهر بعنوان پدیده و فضای خاص کمک شایانی کرده.

چگونگی تأثیر گذاری حقوق بر سیمای عمومی شهرها

سیمای عمومی شهرها تابع عوامل گوناگون فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، تاریخی، سیاسی، اقلیمی، زیست محیطی و نهایتاً اقدامات دولت‌ها به شکل برنامه ریزی شهری است. حقوق هر جامعه با عادات و رسوم اجتماعی. وضعیت اقتصادی و جغرافیائی، آرمانهای سیاسی عوامل فرهنگی، مذهب، اخلاق هر جامعه مناسبت دارد و از آن الهام می‌گیرد و فلاسفه حقوق در ارزیابی خود درباره نیروهای سازنده حقوق، بر عوامل گوناگون از جمله عامل اقتصادی، اخلاقی، مذهب، آرمانهای سیاسی و اجتماعی، انگشت تأکید نهاده‌اند. (کاتوزیان، ۱۳۸۲، ۶۵)



بنابراین، نقش حقوق می تواند به عنوان یکی از عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر در شکل گیری سیمای شهرها، ارزیابی شود. اما به ملاحظه اینکه قانونگذاری عملی ارادی است و با هدف حصول نتیجه مشخصی، قواعد حقوقی وضع و اجرا می شوند، عامل حقوق به عنوان یک عامل مستقل ارادی که نماد اراده عمومی و مداخله دولت در مناسبات اجتماعی می باشد، چگونگی اثرگذاری عامل حقوق به عنوان یک عامل ارادی نسبتاً مستقل در شکل گیری سیمای شهرها می تواند در کنار سایر عوامل غیر ارادی مورد بررسی قرار بگیرد.

بطور کلی، قواعد حقوقی تأثیرگذار بر سیمای شهرها را می توان در دو گروه، دسته بندی کرد و به بررسی آن پرداخت:

۱- اصول و قواعد کلی حقوقی که نماد ارزشهای اجتماعی و آرمانهای عدالت طلبانه جامعه می باشد.

۲- قواعد حقوقی که با هدف تأثیرگذاری بر سیمای شهرها تصویب شده است، و بطور مستقیم بر شکل گیری سیمای شهر مؤثر است.

اصول و قواعد کلی حقوقی

در بیان شمارش و تعیین مصادیق اصول کلی حقوقی، بین نویسندگان حقوقی اختلاف نظر وجود دارد. به عقیده لئون دوگی استاد برجسته فلسفه حقوق، اصول کلی حقوق، محصور در سه اصل زیر است:

۱- احترام به مالکیت فردی



۲- اصل آزادی قراردادها

۳- اصل جبران خسارات ناشی از تقصیر (صادقی، ۱۳۸۴، ۳۲).

برخی از نویسندگان حقوقی مصادیق اصول کلی حقوقی را چنین برشمرده اند: حرمت استفاده بلاجهت و اکل مال به باطل، لاضرر، بی تأثیری قانون نسبت به گذشته، قبح عقاب پیش از بیان، تساوی در برابر قانون، تساوی حقوق مدنی، وفای به عهد، مسئولیت زای بودن سوء استفاده از حق، احترام به اخلاق حسنه و رفتار با حسن نیت، حق دفاع در دعاوی، آزادی قراردادها، البینه علی المدعی، غرور، اقرار، احسان، اقدام و لزوم رد امانت. (جعفری تبار، ۱۳۸۳، ۲۰۷)

در بررسی نقش برخی از اصول کلی حقوقی مؤثر بر سیمای شهر، می توان به اصل احترام مالکیت، قاعده عطف بماسبق نشدن قانون، قاعده ضرورت مطابقت قواعد مادون با قواعد مافوق و حق دادخواهی اشخاص در مراجع قضایی اشاره کرد.

اصل احترام مالکیت :

اصل چهل و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصریح می کند، مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد، محترم است. در حقوق اسلامی که از مبانی حقوق موضوعه ایران است، احترام مالکیت خصوصی، بر طبق کتاب و سنت از اصول مسلم و قطعی شناخته شده است. ادله مربوط به زکات، خمس، انفال، ارث، دیه، بر آن دلالت قطعی دارد. (احمد میانجی، ۱۳۸۲، ص ۲۲)



ماده ۳۰ قانون مدنی ایران تصریح می کند: «هر مالکی نسبت به مایملک خود حق همه گونه تصرف و انتفاع دارد»

در جهت شهرسازی و تنظیم و تنسيق سیمای شهر، قانونگذار در برخی موارد، بموجب قوانین خاص حقوق شهری، محدودیتهائی در مورد حقوق مالکانه اشخاص ایجاد کرده است (سلمان طاهری، ۱۳۸۱، ۷۹)، اما پذیرش احترام مالکیت خصوصی به عنوان اصل کلی حقوقی در برخورد با ضرورتهای ناشی از اداره شهرها، نتایج ذیل را در پی دارد:

الف) محدودیت قانونی حق مالکیت

ب) لزوم پرداخت بهای روز املاک خصوصی و اجرای تشریفات قانونی ویژه در برابر تملک املاک، جهت اجرای طرحهای عمرانی شهری

ج) بی تأثیر بودن تصویب برنامه های عمرانی و شهر سازی در حق مالکیت

د) افراز و تفکیک املاک واقع در محدوده شهرها

اصل احترام حقوق مکتسب و عطف بماسبق نشدن قانون:

برطبق ماده ۴ قانون مدنی ایران، «اثر قانون نسبت به آتیه است و قانون نسبت به ماقبل خود، اثر ندارد ...» یکی از اصول حقوقی شناخته شده در اغلب نظامهای حقوقی، قاعده عطف بماسبق نشدن قانون یا عدم تأثیر قانون نسبت به گذشته است.



در توجیه قاعده عطف بماسبق شدن قانون، به نظریه حقوق مکتسب، استناد شده است زیرا عدالت ایجاب می کند که حقوق مکتسب و ایجاد شده اشخاص در زمان حکومت قانون سابق، با قانون لاحق، زائل نشود.

بر این مبنا، طرحها و مصوبات شهرسازی که محدودیت خاصی در جهت استیفای حقوق مالکانه نسبت به املاک واقع در شهر ایجاد می کنند، نباید به گذشته عطف شود. در غیراینصورت، حقوق مکتسب اشخاص تضییع می شود و این وضعیت مطلوب قانونگذار نیست.

بنابراین، قاعده احترام حقوق مکتسب و عطف بماسبق نشدن قوانین و ضوابط شهرسازی از حیث دوگانگی و تعارضی که درباره استیفای حقوق مالکانه از یک طرف، با برنامه های شهرسازی از طرف دیگر ایجاد می کنند را می توان یکی از عوامل مؤثر بر سیمای کنونی شهر ها شناخت.

حق دادخواهی

بر طبق اصل سی و چهارم قانون اساسی ایران، «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هرکس می تواند بمنظور دادخواهی به دادگاههای صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند، این گونه دادگاهها را در دسترس داشته باشند و هیچکس را نمی توان از دادگاهی که بموجب قانون حق مراجعه به آن را دارد، منع کرد.» بنابراین حق دادخواهی به معنی امکان تظلم و شکایت اشخاص به دادگاه صلاحیت دار، یکی از اصول و قواعد کلی است از آن به عنوان مصداقی از حقوق بشر نیز یاد شده است. اعمال و اجرای این حق یکی از عوامل تأثیرگذار بر سیمای عمومی شهر است.



قاعده ضرورت مطابقت قواعد حقوقی مادون با قواعد مافوق :

همانگونه که اشاره شد، بین قوانین و مقررات موجود در نظام حقوقی کشور، سلسله مراتب وجود دارد. در رأس هرم سلسله مراتب قوانین قانون اساسی قرار دارد. با توجه به اصول ۹۱ و ۹۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوبات مجلس شورای اسلامی نباید با قانون اساسی و ضوابط شرعی مغایرت داشته باشد و مرجع احراز آن شورای نگهبان قانون اساسی است.

بنابراین بر طبق اصل یکصد و هفتاد و سوم قانون اساسی و مقررات قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۸۵، آئین نامه ها، تصویب نامه ها و دستورالعمل ها، بخشنامه ها، مصوب قوه مجریه، شهرداری و شورای اسلامی شهر و شورای عالی شهرسازی و معماری، و بطور کلی تمامی ضوابط و مقررات شهرسازی که مصوب مرجعی غیر از مجلس شورای اسلامی است، قابل شکایت و اعتراض در دیوان عدالت اداری است و هیئت عمومی دیوان عدالت اداری صلاحیت ابطال آن را دارد. دادگاهها نیز تکلیف دارند در صورت احراز مغایرت این مصوبات با قوانین از اجرای آن خودداری نمایند وجود اصل حقوقی مورد بحث، یعنی ضرورت مطابقت قوانین مادون با قوانین مافوق در سلسله مراتب قوانین از حیث ضرورت مطابق تصمیمات اداری شهرداریها و ضوابط مصوب شهرسازی با اصول کلی حقوقی اصول مندرج در قانون اساسی و قوانین عادی که حامل ارزشهای اساسی پذیرفته جامعه می باشند، بطور بدیهی در تصویب مقررات اصلاح کننده سیمای شهر توسط مراجع اداری ایجاد محدودیت می کند و این محدودیت در مقام خود، از اقتدار نهادها و مقامات اداری شهر کاسته و بر سیمای عمومی شهر تأثیرگذار است.



۳-۵. باورها و فرهنگ انسانی در شکل‌گیری شهر

فرهنگ به معنای علم و دانش، عقل، ادب، بزرگی و سنجیدگی است و از «فر» و «هنگ» (از ریشه تنگ *thang* اوستایی) به معنای کشیده شدن ساخته شده است.

لغت نامه دهخدا، واژه فرهنگ را از دو جز، «فر» و «هنگ» (فر به معنای شکوه، شان و منزلت و هنگ به معنی کشیدن و وقار) به معنی بیرون کشیدن ذکر کرده است. ۲۸

فرهنگ عمید واژه فرهنگ را به معنای دانش، ادب، علم، آموزش و پرورش، هنر و معرفت، تعلیم و تربیت، آثار علمی و ادبی یک قوم یا ملت و نیز به معنای کتاب آورده است. ۲۹

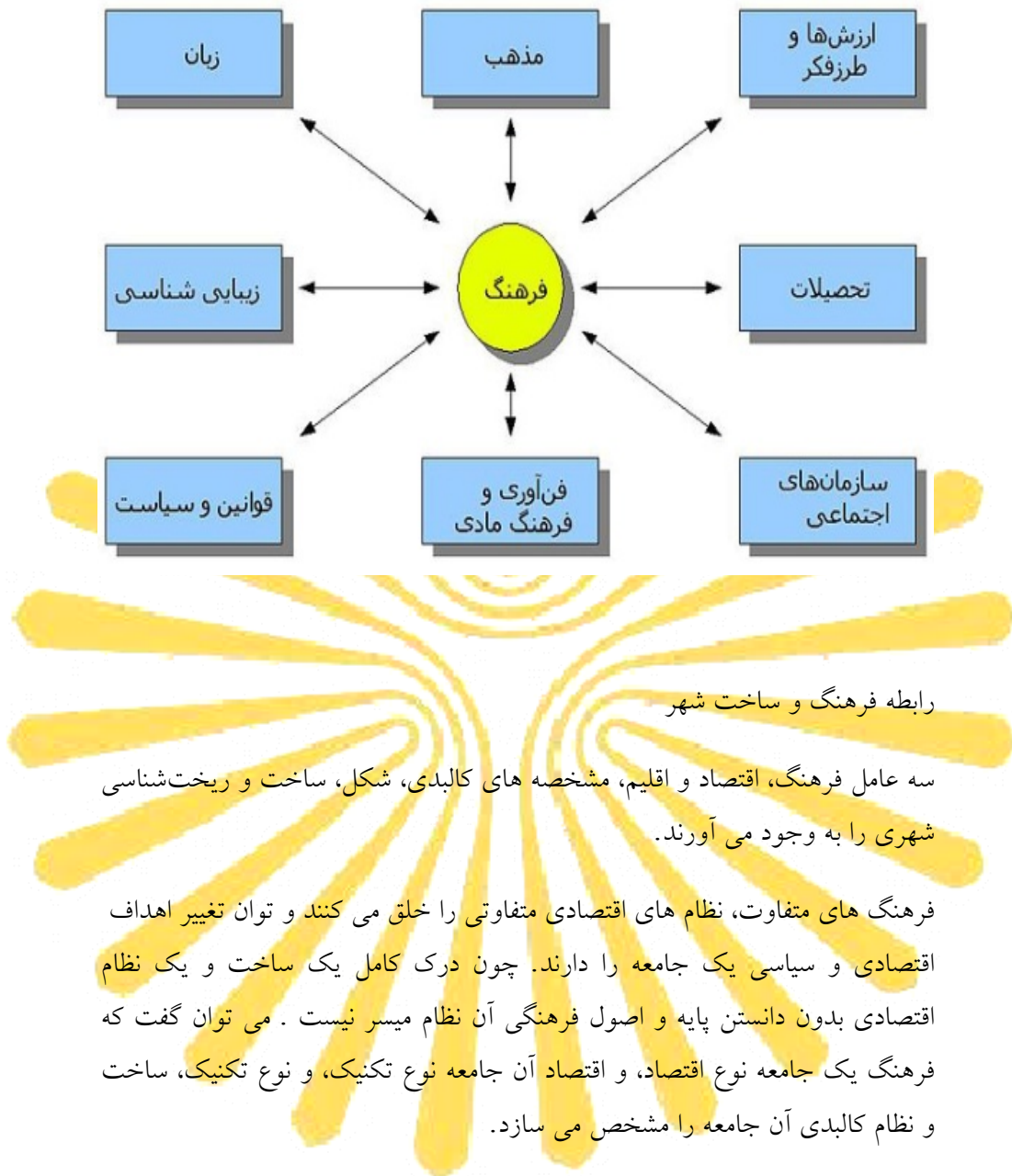
«ادوارد تیلور» مردم‌شناس انگلیسی فرهنگ و تمدن را به یک مفهوم به کار برده، فرهنگ یا تمدن را مجموعه‌ای پیچیده از معرفت، عقاید، اخلاقیات، قوانین، آداب و رسوم و همه قابلیت‌ها و عاداتی دانسته که انسان به عنوان عضوی از جامعه می‌پذیرد بنابراین، در یک جمع بندی «فرهنگ به همه نهادها، فنون، هنرها، رسوم، سنت‌ها، ادبیات، اعتقادات ۳۰ مجموعه روش‌های زندگی مشترک گروهی از مردم که همانندی در رفتار، ایدئولوژی، اقتصاد، مذهب و تکنولوژی ۳۱ دارند»، اطلاق می‌شود.

۲۸ دهخدا، ذیل کلمه فرهنگ

۲۹ عمید، ذیل فرهنگ

۳۰ حسینی کازرون، ۱۳۷۳: ۴۲

۳۱ شکویی، ۱۳۷۴: ۱۲





۳-۶. تحلیل مظاهر مادی و معنوی شهر

نتایج یک تحقیقات علمی که به تازگی انجام شده، نشان می‌دهد میزان تعلق اجتماعی شهروندان نسبت به محیط زندگی خود ضعیف و احساس تعلق و یگانگی چشمگیری ندارند. با این توصیف می‌توان چنین تلقی کرد که مردم به محیطی که در آن زندگی می‌کنند، کم‌توجه هستند.

به نظر می‌رسد ریشه بروز چنین پدیده‌ای، ناشی از عدم آگاهی و یا کم‌دانی شهروندان به موضوعات شهری است.

نابسامانی‌ها و ناروایی‌هایی که توسعه تعریف نشده و منطقی شهرها برای ما به ارمغان آورده، محصول غفلت تاریخی ما از گذشته‌های پربار تمدنی ماست. وانهادن ساده اندیشه میراث‌های فرهنگی و تمدنی و پذیرش خام و شتاب‌آلوده آورده‌های غرب فکری، پشتوانه‌های انگیزه‌ساز و ارزشی را از ما واستاند و ما را در غربتی ناباورانه و دردناک فرو برد. به نظر می‌رسد هر چه مدرن‌تر می‌شویم معضلات و مشکلات شهرهایمان بیش و بیشتر می‌شود. پذیرش شتابزده مدرنیته و بی‌اطلاعی از ریشه‌ها و شیوه‌های آن و طرد فرهنگ سنتی به تصور عنصری متناقض با مظاهر توسعه، منشا بروز انواع مسایل عدیده شد تا جایی که ناهنجاریهای اجتماعی و آلودگی‌های زیست محیطی، مجالی برای آسودن و غنودن به شهروندان نمی‌دهد.

آموزه‌های معنوی و الزامات شهرسازی



یکی از بهترین گزینه هایی که می تواند شهرهای ما را برای سکونت و زیست همه جانبه مادی و معنوی مسلمانان متناسب گرداند بهره وری عالمانه و مدبرانه از پشته های تاریخی خود برای ترمیم و بهسازی موقعیت های تقویمی است.

این نگاه خاص، شهر را با استفاده از آیات و دیگر منابع اسلامی بررسی کنیم:

تحقیقات پیازه (روانشناس فرانسوی) نشان می دهد که قدرت خلاقیت و ذکاوت بشر در محیط امن بیشتر بروز پیدا می کند و بالعکس تحرک و عدم استقرار مکانی، بشر را به نوعی خودپسندی و توقف فکر خلاق دچار می نماید. همچنان که در یکی از خط های مصری مفهوم کلمه شهر به معنی مادر بوده است.

«ابن خلدون» منشأ بنیاد شهرها را خصوصیات تجمل خواهی بشر و زندگی در ناز و نعمت می داند. او در این مورد ابتدا نحوه زندگی بادیه نشینان را بررسی می کند و می گوید که بادیه نشینان گروهی هستند که به کارهای کشاورزی و دامپروری مشغولند و از آنجایی که برای پرورش حیوانات و گیاهان محتاج به چراگاه ها و زمین های حاصل خیز هستند، بنابراین مجبورند که در دشت ها و صحراها زندگی کنند. در این شرایط، تعاون و همکاری آنها در راه به دست آوردن نیازمندی ها و وسایل زندگی از قبیل مواد غذایی، مسکن و سوخت، در حد نیاز است و در صدد تولید مقدار بیشتری بر نمی آیند، ولی با بهتر شدن وضع اقتصادی این طوایف، خواست های تجملی و غیر ضروری مورد توجه قرار می گیرد و در راه افزایش کمیت خوراک و پوشاک و کیفیت آنها می کوشند و در صدد توسعه خانه ها و بنیانگذاری شهرهای کوچک و بزرگ بر می آیند. از آنجایی که خواست های ضروری مقدم بر نیازهای تجملی بشر است، بنابراین، بادیه نشینی به منزله اصل و منشأ شهرهاست و مقدم بر شهرنشینی است.



به نظر می‌رسد که ابن‌خلدون هم منشأ پیدایش شهرها را با نحوه زندگی اقتصادی بشر مربوط می‌داند که ابتدا فقط نیازهای ضروری خود را تولید می‌کند و سپس با افزایش بازده تولیدی، به خواست‌های تجملی هم روی می‌آورد. به عبارت دیگر، شهر را محل طبقه حاکم می‌داند که برای ارضای نیازهای تجملی خود، از افراد دیگر جامعه استفاده می‌کند.

شهر اسلامی چه خصوصیتی دارد، آیا شهری است با گنبد و مناره‌های متعدد، برخوردار از اماکن مذهبی متنوع، دارای چهره تاریخی و باستانی مانند شهرهای اوائل اسلام و یا شهری است با انسان‌هایی موحد.

در این مورد اصیل‌ترین و جامع‌ترین منبع معارف اسلامی قرآن کریم است؛ اقیانوسی که انسان‌ها در قرون و اعصار از برکات آن متنعم شده‌اند و در عین حال ضمن حفظ طراوت و تازگی، نقصانی در آن ایجاد نشده است و نمی‌شود.

خداوند متعال در دو نوبت در خصوص حرمت و امنیت شهر به شهر سوگند یاد می‌کند:

إِنَّمَا أَمِرتُ أَنْ أَعْبُدَ رَبَّ هَذِهِ الْبَلَدَةِ الَّتِي حَرَّمَهَا وَلَهُ كُلُّ شَيْءٍ وَأَمِرتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ

(من مأمورم که تنها پروردگار این شهر را - که خداوند آن را مقدس شمرده و هر چیزی از آن اوست - پرستش کنم و امر شده‌ام که از مسلمانان باشم.)

لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ

(قسم به این شهر و تو که در این شهر سکنی گزیده‌ای.)



وَ هَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ (و سوگند به این شهر ایمن)

در آیات فوق - که در شهر مکه نازل شده است - مشاهده می‌شود که یک شهر می‌تواند به قدری تقدس یابد که خداوند به آن سوگند یاد کند.

به هرحال شهر اسلامی دارای ویژگی‌های زیر بوده است:

- مسجد؛ که در قلب شهر بود و معمولاً سوق (بازار) آن را احاطه می‌کرد. در اینجا نماز جمعه برپا می‌شد و مدرسه‌ای به آن چسبیده بود که تعلیم علمی و مذهبی را ارایه می‌داد

- بازار؛ در آن فعالیت‌های اقتصادی شهر عرضه می‌شد. توزیع کالا و فروش آن از نظر مکانی اغلب از جنبه ماهیتی شان صورت می‌گرفت: اقلام مقدسی مانند شمع، بخور و عطر و اقلامی که توسط کتاب‌فروشان و صحافان به فروش می‌رسید، در نزدیکی مسجد قرار داشت و بقیه کالاها در فاصله دورتری بودند. ناحیه مرکزی شهر نیز محل تجمع سایر فعالیت‌های عمومی از قبیل فعالیت‌های اجتماعی، اداری، تجاری، هنری، هنرهای دستی، حمام و استراحتگاه‌ها بود.

- ارگ؛ که به قصبه مشهور است نماد حاکمیت بوده است. قصبه - که دور تا دور آن دیوار بود- مشتمل بر ناحیه‌ای بود که دارای مسجد، باغ‌ها و دیوان خانه‌های ساکنان خودش بود و معمولاً در بخش بالایی شهر قرار داشت.

- مناطق مسکونی؛ به مجموعه‌ای از خانوارهایی گفته شده که زندگی‌شان بر نزدیکی و صمیمیت استوار بوده است؛ امری که در پیونددهی شخصی، منافع مشترک و وحدت اخلاقی مشترک متجلی بوده است. این مناطق مسکونی عملاً متراکم بوده و هرکدام دارای مسجد، مدرسه، نانویی، مغازه اشیا و لوازم ضروری مختص به خود بوده است.



آنها هر کدام دروازه‌های خودشان را داشته‌اند که معمولاً پس از آخرین عبادت در شب بسته و پیش از آغاز نخستین عبادت صبحگاهی باز می‌شدند. مناطق مسکونی در الجزایر و تونس از چنین نمونه‌هایی بوده‌اند. این مناطق از لحاظ قومی سازمان یافته بوده‌اند. برخی مسلمانان نیز در مناطق مسکونی دیگر جمع شده بوده و هر گروه باورهای فرهنگی خودش را پیاده می‌کرده و برای آنها جشن می‌گرفته‌اند.

گرچه عامل چند قومیتی از جنبه واقعی در شکل گروهی متجلی بوده اما آنان از نظر اقتصادی، اعتقادی و اجتماعی از یک نظام حقوقی پیشرفته و مشترک برخوردار و در هم ادغام شده بودند و از این طریق مساوات همه گروه‌ها تأمین می‌شد. چنانکه رسول خدا (ص) فرمود: هیچ عربی بر هیچ عجمی برتری ندارد، مگر به تقوا.

- شبکه خیابانی؛ پیوند میان مناطق مسکونی و مکان اصلی از طریق شبکه باریکی از خیابان‌های پیچ در پیچ صورت می‌گرفته است. خیابان‌هایی که خود به خیابان‌ها و بن‌بست‌های شبه خصوصی، خصوصی و عمومی تقسیم می‌شدند.

- دیوار؛ همواره دیوار مستحکمی با تعدادی دروازه، شهر را در برمی‌گرفته و آن را در محافظت و مراقبت از خود داشته است.

- نمای بیرونی؛ در بخش بیرونی دیوارها، قبرستان‌ها (قبرستان‌های مسلمانان و یهودیان)، بازار هفتگی و غیره وجود داشته است.

فرهنگ و اعتقادات اسلامی بر ساخت و بافت شهرهای مسلمانان تأثیرات بسیاری برجای نهاد:

۱. هر واحد اجتماعی بافت شهری، از استقلال فکری و طراحی ویژه‌ای در رابطه با شاخص‌های فنی و شرایط اجتماعی و اقتصادی مخصوص به خود برخوردار شد.



۲. فضاهای باز که در قرون گذشته - از صفویه به این سو شکل گرفتند - متمایز از فضاهای باز قبلی و مکمل فضای زندگی در فضاهای سرپوشیده شدند.

۳. معماری یادمان‌گرا در دوره ایلخانی، تیموری و صفوی که مجموعاً نمادین و برخوردار از ارزش‌های هنرمندانه بودند به شهرسازی اسلامی اضافه و تثبیت شدند.

۴. شهرهای اسلامی از فرهنگ بصری یگانه‌ای بهره‌مند شدند که بی‌شک در برآورده شدن این مهم هنرمندان مسلمان نقشی محوری داشتند. تلاشگری‌های آنان - بویژه در حوزه هنرهای تجسمی - باعث شد تا روح توحید به عنوان اصلی‌ترین شاخصه اعتقادی مسلمانان - بیش از پیش دیده و نگریسته شود و از این مسیر آرامش روانی خاصی به ساکنان و مسافران شهرها اعطا گردد.

۵. پیوستگی فضایی؛ و آن عبارت بود از تمهیداتی خاص تا برخی عناصر مجموعه شهر و مراکز محلات از طریق یک سلسله فضاها و عناصر ارتباط دهنده با گذرگاه‌های اصلی و میدان‌ها پیوند خورند و بر از هم گسیختگی فضایی چیره شوند.

نظام کالبدی و فیزیکی، پوسته بیرونی و ظاهر آشکار یک شهر است؛ باطن شهر، ماهیت اعتقادی و فرهنگی آن است. در عین حال تاثیر فراوان نظام کالبدی در جهت بخشی به فرهنگ و ماهیت اعتقادی آن قابل انکار نیست. آرمان‌های اساسی شهر اسلامی در لایه‌های باطنی شهر و ضابطه‌های حاکم بر رابطه‌های شهروندی نهفته است و البته کالبد آن نیز در این بستر و از جهت هماهنگی و رابطه متقابلی که با درون آن برقرار می‌کند، اهمیت می‌یابد و نه مستقل از آن.



شهری که مطلوب فرهنگ اسلامی است بی هیچ تردید، آن شهری است که نظام شهرسازی آن برتراویده از نظام اعتقادی دینی است و بسترهای مناسبی را برای تامل انسان ها در خود و تدبیر ایشان در صنع حضرت باریتعالی رقم می زند.

عناصر اساسی فرهنگ

فرهنگ شامل عناصر مادی و غیرمادی (معنوی) است.

الف) عوامل مادی شامل همه موضوعات و یا چیزهایی می شود که قابل دسترسی برای مردم یک جامعه است؛ مانند نوشتن، اسکناس، رایانه، تلفن، اجاق گاز، اتومبیل، کاغذ و منابع همه اینها (گیاهان، درختان، معادن، یا مواد معدنی)، که می توان آنها را به شکل های مختلفی برای مقاصد گوناگونی چون: حمل و نقل انسان ها، حیوانات و کالاهای، برای پختن غذا، برای محاسبه کردن و نظایر آن تبدیل کرد.

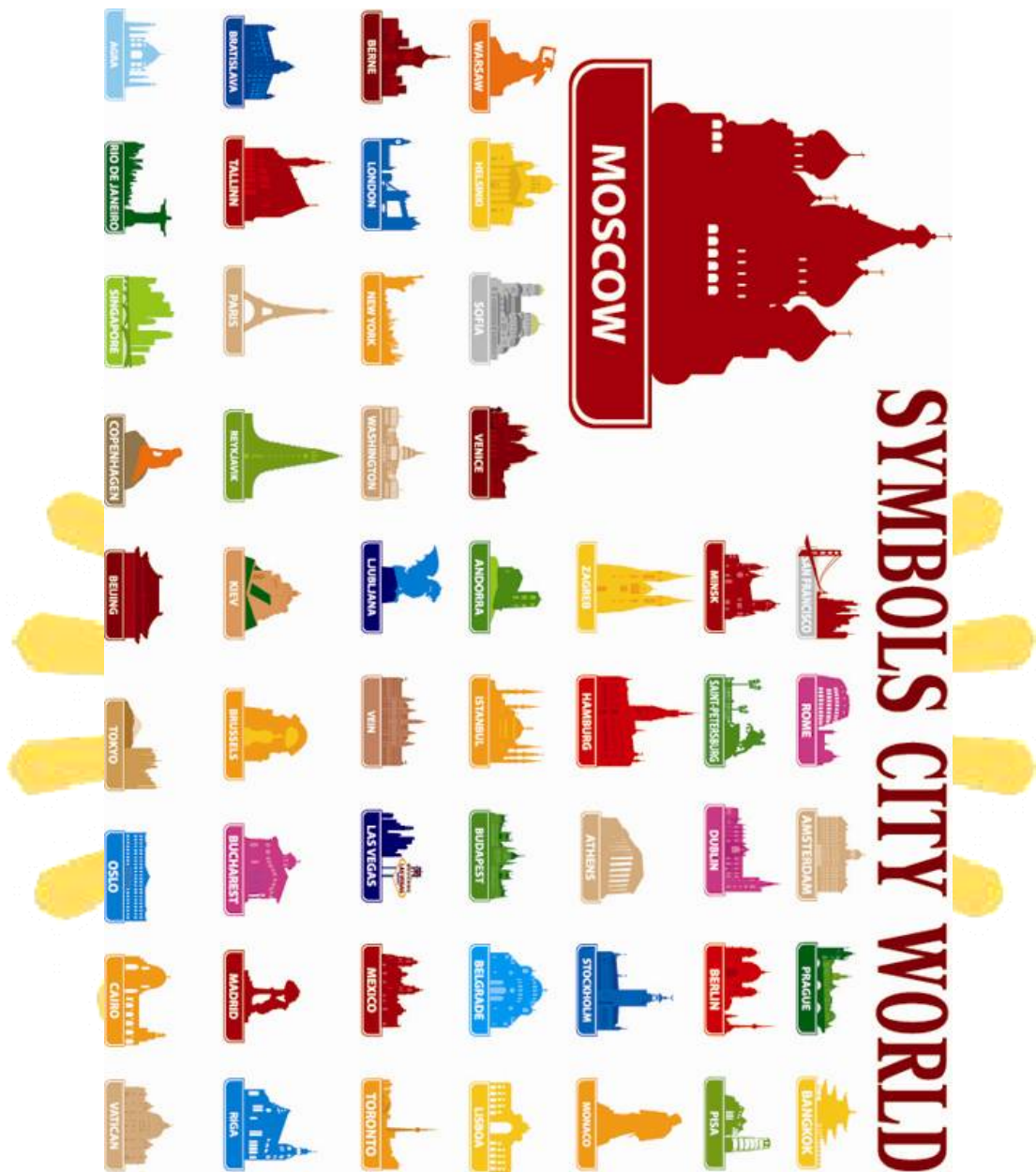
ب) فرهنگ غیر مادی شامل ابداعات غیر ملموس انسانی است (چیزهایی که نمی توان آنها را مستقیماً از طریق حواس شناخت). چهار نوع از این ابداعات که به طور قابل توجهی بر رفتارها تأثیر می گذارند عبارتند از: باورها، ارزش ها، هنجارها و نمادها.

همانطور که یک خانه به مبلمان نیاز دارد، شهر نیز به آن نیاز دارد. مبلمان هر خانه نشانه شخصیت و فرهنگ ساکنان آن خانه است. همانطور که مبلمان شهری هر شهر بیانگر شخصیت و فرهنگ شهروندان یک شهر است. از طرفی هر شهر از مناطق و محلاتی مختلف تشکیل شده است و این امر ایجاب می کند هر شهر با توجه به ویژگی های هر محله مبلمان خاصی برای آن طراحی کند.



دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)



نمادهای شهری جهان



دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)





دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)



SHANGHAI

HONGKONG



TOKYO

KYOTO



JAKARTA

SINGAPORE



TAIPEI

KUALA LUMPUR



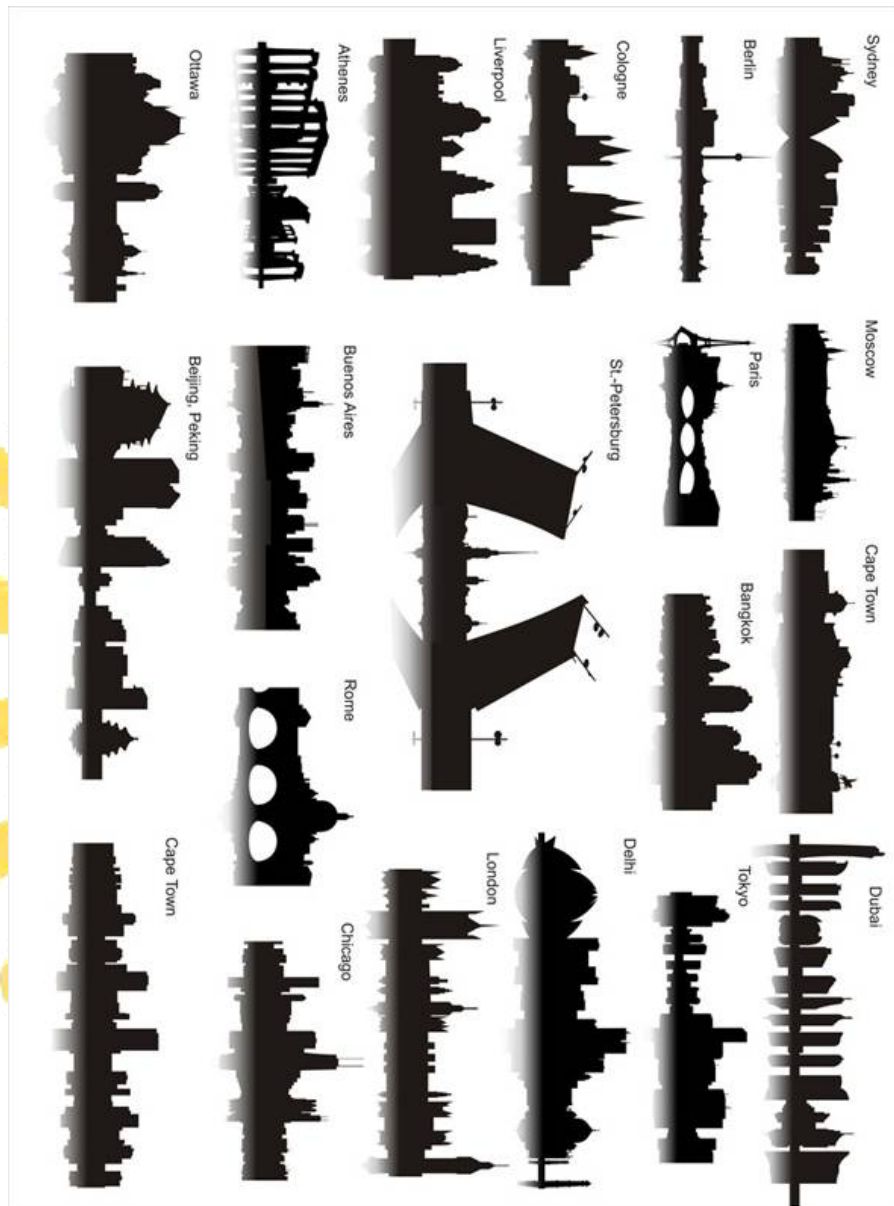
BEIJING

BANGKOK



دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

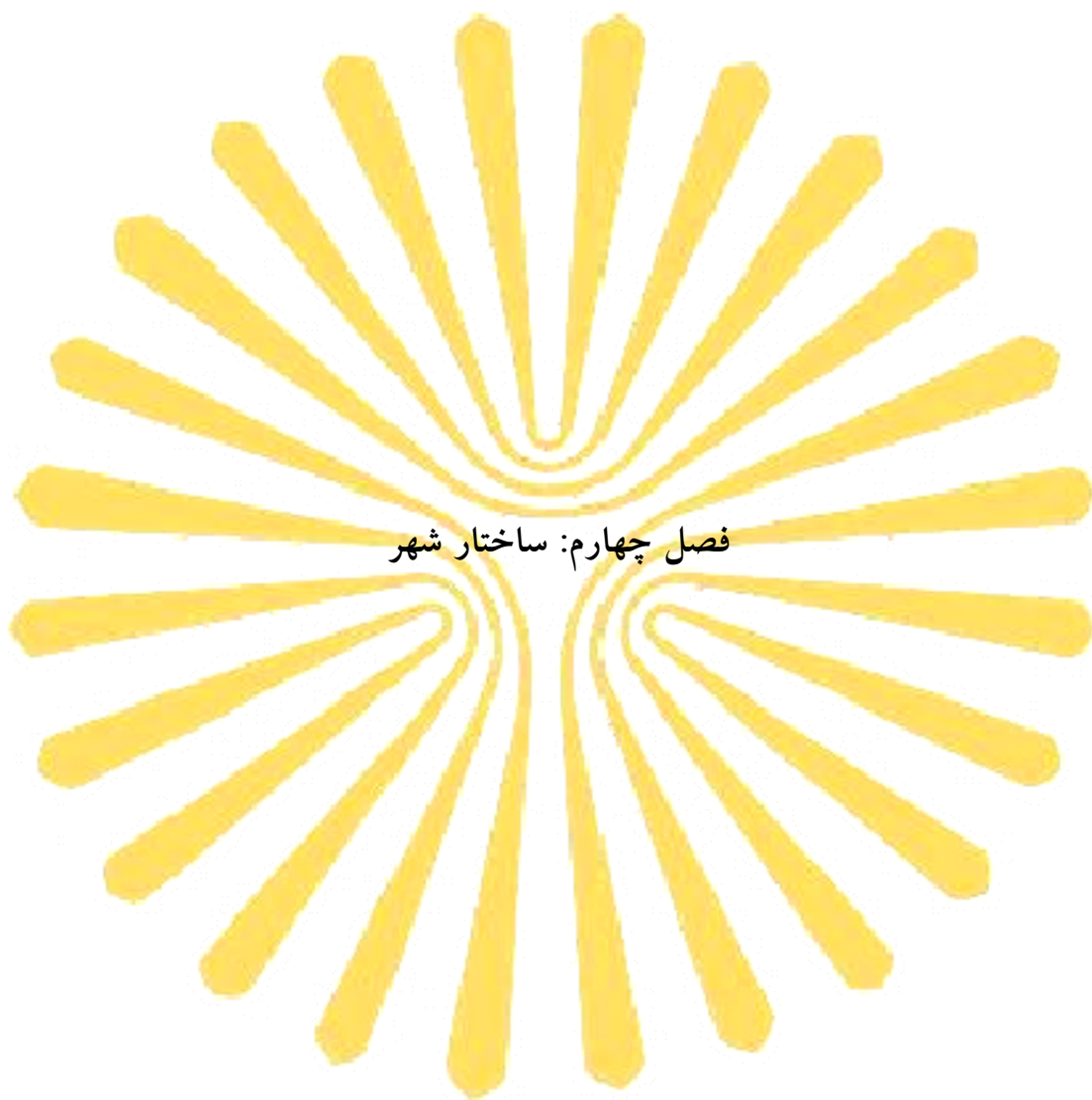
درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)





دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)



فصل چهارم: ساختار شهر



۴-۱. بررسی مفهوم سلسله مراتب در ساختار شهری

۴-۱-۱. سلسله مراتب شهری چیست؟

معمولاً شهرها از چهار نوع فضای اصلی پوشیده شده‌اند و در واقع کل سطح زمین موجود در شهرها به این فضاها اختصاص یافته است، که عبارتند از: فضاهای مسکونی، فضاهای سواره و پیاده، فضاهای سبز و اماکن ورزشی و سایر فضاهای خدماتی.

سلسله مراتب در ساختار یک شهر، یکی از راه‌های پخش خدمات عمومی شهری و انسجام لازم در زمینه‌های مختلف برنامه شهر و توجه به تقسیم‌بندی شهر در قالب فضاهای مختلف شهری است. معمولاً هر شهر بر اساس جمعیت و نحوه گسترش و شرایط خود باید دارای یک مرکزیت شهری و یا چند مراکز کمک‌کننده به آنها را فراهم آورد.

وجود سلسله مراتب شهری باعث می‌شود که تقریباً هر اندازه شهری با حد مطلوب سازگار باشد بدین مفهوم که هر شهری (با هر اندازه‌ای) نقش ویژه خود را جهت خدمات‌رسانی ایفا می‌کند. معمولاً برای تعیین سلسله مراتب شهری، جمعیت به عنوان معیار اندازه‌گیری به کار می‌رود.

ایران کشوری پهناور با شرایط جغرافیایی ویژه و اقلیم متنوع است. این شرایط چشم‌اندازهای جغرافیایی متفاوتی را پدید آورده که با گذشت زمان؛ فراز و نشیب‌های زیادی را طی نموده است. به همین دلیل در نواحی مختلف ایران امر توسعه به شکلی



متوازن صورت نگرفته و نا برابری‌هایی در میزان برخورداری از مواهب توسعه به وجود آمده است. ۳۲

با افزایش شکاف توسعه بین نواحی، عدالت اجتماعی - اقتصادی مفهوم خود را از دست داده است. نا برابری و نبود تعادل در توزیع بهینه امکانات در اثر سیاست‌های غیر اصولی گذشته در مکان‌یابی‌های صنعتی و خدماتی و روند تمرکزگرایی در شهرهای مسلط ناحیه‌ای و عدم تعادل فضایی بین سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی یکی از مسائل مهمی بوده که در اثر عوامل گوناگون تحت تأثیر سازوکارهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی پدید آمده است. ۳۳

از آنجا که شهرها نقش اساسی در توسعه اجتماعی و اقتصادی کشورها ایفا می‌کنند و تولید کارآمد و پویای شهرها برای رشد اقتصاد ملی و اقتصاد شهر ضروری است. ۳۴

شبکه شهری که به تبع شرایط جغرافیایی با نظم فضایی خاص شکل گرفته‌اند، می‌تواند از نظر کمی (تعداد جمعیت) و یا از نظر کیفی (اهمیت و نقش آنها) طبقه‌بندی شوند و در نظامی از یک پایه و ارتفاع در یک پایه و ارتفاع در ردیف یا مرتبه پشت سر هم قرار گیرند که در اصطلاح به نام سلسله مراتب شهری نامیده می‌شود. ۳۵

۳۲ قنبری و حسین زاده دلیر، ۱۳۸۴: ۳

۳۳ همان

۳۴ جانسون لی من، ۲۰۰۵: ۱

۳۵ زیاری، موسوی. ۱۳۸۵: ۱۶۵



سلسله مراتب که در برابر واژه لاتین "Hierarchy" استعمال می‌شود در لغت‌نامه آکسفورد بدین‌گونه تعریف شده است: سیستمی که در آن افراد با عقاید و باورها و ... بر حسب اهمیت از بالا به پایین طبقه‌بندی می‌شود. در لغت‌نامه جغرافیا نیز آمده است که سلسله مراتب عبارت است از هرگونه نظامی از عوارض و پدیده‌ها که به صورت یک طبقه‌بندی یا رتبه‌بندی ذکر شود. با کمک گرفتن از این ایده می‌توان سلسله مراتب شهری را طبقه‌بندی شهرها بر حسب اهمیت آنها از نظر جمعیت و نقش و عملکرد و ... تعریف نمود.

سلسله مراتب همانند یک هرم است که همواره تعداد کمتری شهر بزرگ و مهم در رأس و تعداد بیشتری شهر کوچک در قاعده آن قرار می‌گیرند. بنابراین سیستم فضایی سلسله مراتب شهری متشکل از مادرشهرها، شهرهای بزرگ شهر و شهرک می‌باشد. نواحی مادرشهرهای نادر در بالای سلسله مراتب، تأمین‌کننده خدمات تخصصی برای نواحی بزرگ بوده ولی شهرهای کوچک‌تر و نواحی کوچک‌تری را تحت پوشش خدمات خود قرار می‌دهند. معمولاً شهرهای هم سطح خدمات یکسانی را عرضه کرده و به یکدیگر خدمات نمی‌دهند. مگر اینکه خدمات بسار تخصصی مانند خدمات دانشگاهی عمده‌ای عرضه کرده باشند بنابراین شهرهای متعلق به یک سطح در سلسله مراتب به همدیگر وابسته نیستند، ولی در رابطه متقابل با سطوح دیگرند.

۴-۱-۲. انواع سلسله مراتب شهری

سلسله مراتب را می‌توان به اشکال گوناگونی طبقه‌بندی کرد. نوعی از طبقه‌بندی و سلسله مراتب را بر اساس خطی و غیرخطی تقسیم کرده است.



سلسله مراتب خطی: ساده‌ترین شکل نمایش سلسله مراتب است. در سلسله مراتب خطی که به آن سلسله مراتب درختی نیز می‌گویند. سیستم شهری که در آن تنظیم می‌گردد از بالاترین سطح آغاز شده و به پایین‌ترین سطح می‌رسد. (کل به جز) به طور مثال، در سیستم شبکه آمد و شد، بزرگراه‌ها، شاه‌راه‌ها، شبکه‌های اصلی درجه یک، شبکه‌های اصلی درجه دو، شبکه‌های انعشایی، جمع‌کننده و دسترسی، سطوح (رده‌های) مختلف شبکه‌ها را تشکیل می‌دهند. در سلسله مراتب درختی (خوشه‌ای) عناصر هم‌ارز (همسان) در یک طبقه واقع شده‌اند و بین آنها رابطه منطقی وجود دارد. شاید بتوان این را یکی از اشکالات اساسی در این نوع سلسله مراتب به شمار آورد، چرا که رابطه‌ی بین اجزای تشکیل‌دهنده سیستم، مراتبی و در عین حال در شکل همسطح اتفاق می‌افتد.

سلسله مراتب شبکه‌ای: در این حالت ایرادی که در شکل سلسله مراتب درختی مطرح شد دیگر وجود ندارد. این سیستم هم دارای سیستم‌های فرعی (زیرسیستم‌ها) است و هم با سیستم‌های همگن (هم‌ارز) دیگری در سیستم بزرگ‌تر جای گرفته است (سیستم شامل). در این نوع (فرم) از سلسله مراتب، اجزایی تشکیل‌دهنده سیستم شهر با یکدیگر در تقابل قرار می‌گیرند (در سطح مشخص) از سوی دیگر، سیستم با سیستم‌های همگن یا شامل، به عبارتی اجزای هم سطح سیستم مورد نظر با اجزای هم سطح سیستم همگن یا شامل در رابطه است (روابط بیرونی).

سلسله مراتب را به گونه‌ای دیگری نیز می‌توان طبقه‌بندی کرد: سلسله مراتب ساختاری و سلسله مراتب کارکردی

سلسله مراتب ساختاری: در سلسله مراتب ساختاری، سیستم‌های شهری را که سیستم‌های پیچیده‌ای هستند به بخش‌های سازنده آنها به ترتیب از کل به جز تقسیم



می‌کنند. شکل ظاهری سیستم شهری، آنچه را که سیستم شهری است ارایه می‌دهد و به شرح آن می‌پردازد. تقسیم‌بندی ممکن است بر اساس ویژگی‌هایی چون ساختار (شکل ظاهری)، نفوذ (تأثیر) و توان سیستم شهر یا اجزای تشکیل‌دهنده آن باشد. به این ویژگی‌ها می‌توان اندازه، رنگ، مقدار، زمان و... را نیز افزود.

سلسله مراتب کارکردی: به وظایف، فعالیت‌ها و کارکردهای درونی سیستم شهر و اجزای تشکیل‌دهنده آن توجه دارد. بالاترین سطح به نام مرکز، فقط از یک عنصر تشکیل شده است. سطوح بعدی ممکن است دارای چندین عنصر باشد.

سلسله مراتب سیستم شهر: هرگاه عناصر شهری (در مفهوم عام کلمه) در کنار هم قرار گیرند، آرایش و نظم در روابط بین آنها به وجود می‌آید. ممکن است که همگی این عناصر همسانی (هم‌ارزی)، یا اینکه ارزش‌های متفاوتی داشته باشند. به طبقه‌بندی عناصر هم‌ارز سیستم شهر که امکان ایجاد رابطه منطقی بین آنها وجود دارد (تابع یک نوع مرتبه‌بندی باشند) سلسله مراتب سیستم شهر گفته می‌شود.

۳-۱-۴. عناصر تشکیل دهنده سلسله مراتب شهری

سلسله مراتب شهری را می‌توان در برگیرنده موارد زیر دانست:

(۱) تمیز و تشخیص عناصر سازند یک سیستم شهری (پدیده‌های شهری)

(۲) گروه‌بندی عناصر شهری به صورت سیستم‌های همسان و تنظیم این سیستم‌ها در سطوح سطح مختلف)



۳) جستجو و دریافت رابطه بین اجزای هم ارز از یک سو و نیز دریافت رابطه بین اجزای پدیده مورد مطالعه با اجزای سیستم های همگن شهری دیگر.

سامان‌دهی منطقی عملکردهای چهارگانه شهر (سکونت، کار، وقت آزاد و رفت‌وآمد) و سامان‌دهی فضایی آنها بی‌هیچ تردیدی در رابطه تنگاتنگ بین این عناصر و داشتن الگوی رشد و توسعه‌ی شهر، چه از نظر اجتماعی - اقتصادی و چه از نظر کالبدی - محیطی نهفته است. در سلسله مراتب شهری سعی شده که هر یک از چهار عملکرد اصلی شهر در جای خاص خود قرار داشته باشد. در عین آنکه وحدت مجموعه‌ای را نیز بیان دارند. امری که با تقسیم‌بندی کالبد شهر از انسان (یک خانوار) تا مجموعه انسان (شهر) میسر تواند بود. بگونه‌ای که در هر مقیاس از مجموعه انسان‌ها (واحد مسکونی، بلوک مسکونی، گروه مسکونی، همسایگی، محله، برزن، ناحیه، منطقه و شهر) چهار عملکرد اصلی تعریف، تبیین شده و کالبد فضایی یابند. سلسله مراتب فضایی چهار عملکرد از ذره فضا (واحد مسکونی) تا کلان فضا (شهر)، عملاً به الگویی خطی - متمرکز منجر می‌شود.



۲-۴. بررسی مفهوم محله در شهر

۲-۴-۱. محله چیست؟

واژه محله می‌تواند از ابعاد مختلف اجتماعی، روانشناسی، ذهنی، ادراکی، معماری (کالبدی) و سیاسی تعریف شود. هر یک از ابعاد مختلف، تعریف خاص خود را از محله ارائه می‌دهند. از سوی دیگر، این تعاریف در جوامع مختلف و نیز در مقاطع تاریخی مختلف می‌توانند متفاوت باشند.

محله در قانون تقسیمات کشوری، مجموعه ساختمان‌های خدماتی و مسکونی، تعریف شده است که ساکنان آن از لحاظ بافت اجتماعی خود را اهل آن محله می‌دانند. هر محله از مجموعه بلوک‌های ساختمانی تشکیل می‌شود که توسط شبکه ارتباطی از هم جدا می‌شوند و حدود محله‌ها تابع تقسیمات شهرداری است. ۳۶

بر اساس ملاک‌های کمی هر محله با دارا بودن دو تا سه واحد همسایگی و در سطح چهارم سلسله مراتب کالبدی (واحد مسکونی، کوچه یا گروه مسکونی، کوی یا واحد همسایگی، محله، برزن، ناحیه و منطقه) به عنوان اصلی‌ترین واحد این تقسیمات شامل ۷۰۰-۱۲۵۰ خانوار، جمعیت ۷-۹ هزار نفر، همچنین شعاع دسترسی ۳۷۵-۳۰۰ متر (۴-۵ دقیقه) و مساحت تقریبی ۵۰-۷۵ هکتار است. که متناسب با تراکم جمعیت مساحت آن نیز متغیر خواهد بود؛ چنانچه هیلدر براند فری در کتاب طراحی شهری



دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)

مساحت ۱۱۰-۱۲۰ هکتار با تراکم متوسط ۶۰ نفر و جمعیت ۷۰۰ نفر و فاصله ۶۰۰ متر بین لبه محله و منطقه مرکزی و هسته حمل و نقل را پذیرفته شده می‌داند. ۳۷

در شهرهای کهن گذر عنصر شاخص محله بود و مهمترین معیار در شناسایی محله بود که در آن خدمات محله ارائه شده و مرکز زندگی عمومی محله بشمار رفته و در نتیجه گذر محله، مرز محله و قلب محله بود که محل عرضه خدمات و فضای عمومی محله بوده است. ۳۸

بنا بر تقسیمات کشوری، محله یک واحد جغرافیایی است که حدود آن را نه عوارض طبیعی بلکه بیشتر قابلیت ارائه خدمات شهری تعیین می‌کند در گذشته مرز محله‌ها را ضوابط قومی، دین و مذهبی تعیین می‌کردند. ۳۹

محله همچنین با جنبه‌های فیزیکی و ریخت‌شناسی (موقعیت در شهر، دوره‌ی ساخت، تیپولوژی ساختمان‌ها، کارکردها و گروه‌های اجتماعی و...) مشخص می‌گردد. عوامل تفاوت‌گذاری و معیارهای محدوده‌ی محله‌ها با کارکردهای زیر متغیر هستند:

- شکل سایت‌ها و توپولوژی، محله‌ی بالا و محله‌ی پایین، محله‌ی مرکزی و محله‌های حومه‌ای، محله‌های شمال و محله‌های جنوب و...

- تیپولوژی حاکم بر ساختمان‌ها

۳۷ کاربری اراضی شهری: کرامت الله زیاری و طراحی شهری: هیلدر براند فری

۳۸ مجله آبادی ص ۱۷

۳۹ مجموعه مباحث شهرسازی (جغرافیا) دکتر محمد تقی رهنمایی



- کارکردهای مختلفی که محله‌ها دارند: محله‌ی تجاری، اداری، مسکونی و...

- توزیع گروه‌های اجتماعی یا اقتصادی

- جدایی گروه‌های قومی در شهرها ۴۰

به طور کلی، می‌توان گفت همان‌گونه که در مقیاس جهانی، شهرها بر حسب اندازه، فرم، تراکم و سایر ویژگی‌های خود متفاوت هستند و قطعیت اندازه برای آنها ارایه نشده است، برای محله نیز شاخص‌هایی نظیر جمعیت، سطح و شکل، معرف آنها نیستند. در مقابل، عواملی نظیر هویت قابل تشخیص، ادراک ساکنین، نام و مرزهای کالبدی، معرف محله‌ها هستند.

محله به عنوان یک واحد شهری می‌تواند تعاریف گوناگونی داشته باشد، محله توسط رشته‌های گوناگون علمی که با شهر سروکار داشته‌اند تعریف شده است.

جامعه‌شناسان، جغرافیدانان، روانشناسان، طراحان شهری و... سعی کرده‌اند تا از دیدگاه خود تعاریفی در مورد محله ارائه دهند.

«محله واحد فیزیکی و اجتماعی با سازمان‌های اجتماعی که بزرگ‌تر از خانوار و کوچک‌تر از شهر می‌باشد.» ۴۱

محله مکانی متعلق به همه ساکنین آن است. تعلق خاطر به فضاهای محله، مفهوم محله‌ی ما را شکل می‌دهد و این امر می‌تواند پاسخگوی نیاز فرد در راستای وجود فضایی خصوصی در ورای فضای خانه باشد. عرصه‌های عمومی محلات فضایی

۴۰ ربانی، همان: ۱۵۳

Kurpat 1985 ۴۱



دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)

هستند برای مراودات همسایگی و بازی کودکان. اولین مکان تجربیات اجتماعی خردسالان، فضای مکث و حرکت آهسته پیران و کهنسالان. ۴۲

فضای عمومی در سطح محله باید بتواند فرصت تعامل اجتماعی را فراهم کرده و بدین ترتیب حس اجتماع منسجم محلی را ایجاد کند. ۴۳

«محله شهری به عنوان بخشی از شهر تعریف می‌شود که دارای لبه‌های کارکردی یا فضایی هویت‌مند و ترکیب عملکردهای کوچک مقیاس باشد یک محله شهری معمولاً متشکل از، بیش از یک واحد همسایگی است» ۴۴

آن اصل که پایه سازمان کالبدی شهرهای قدیم ایران بر آن استوار بوده عبارتست از پیوند رشته فضایی میان عناصر مجموعه:

۳. مرکز شهر

۴. مراکز محلات، از طریق رشد فضاها و عناصر ارتباط‌دهنده

۵. گذرگاه اصلی

۶. میدان، تکیه و حسینیه

۴۲ جهان‌شاه پاکزاد، ۱۳۸۵:۲۳

۴۳ علی مدنی‌پور، ۱۳۸۷:۱۶۶

Philine Gaffron and others, ۲۰۰۵ ۴۴



از نمونه‌های جالب در این زمینه می‌توان شهر نایین را نام برد که به هفت محله تقسیم شده و در هر محله میدان بزرگی به نام حسینیه وجود دارد. شهری که در نظام شکلی محله‌هایش با نظام محلی یزد و اصفهان تفاوت داشت، تهران بود. شهر قدیم تهران از چهار محله بزرگ تشکیل می‌شد. شکل‌گیری محلات به تبعیت از جوی‌های آب، مسیر قنات قدیمی و یا در دنباله راه‌های قدیمی مسئله‌ای بوده که در بسیاری از شهرهای قدیمی ایران وجود داشته است. ۴۵

۲-۲-۴. محله از دیدگاه‌های مختلف

محله مفهوم ثابت و ایستایی در مباحث شهرشناسی جغرافیایی و سایر علوم از جمله برنامه‌ریزی شهری، علوم اجتماعی و علوم سیاسی در قرن گذشته نداشته است. در زمان حاضر نیز این مفهوم دچار تغییرات اساسی شده است، به گونه‌ای که پیرامون مفهوم و ابعاد آن مباحث فراوانی وجود دارد. در واقع در هر یک از حوزه‌های علمی از زاویه دید خاص آن تعریف شده است. ۴۶

محله از دیدگاه جامعه‌شناسی شهری

۴۵ ناصر مشهدیزاده دهقانی، برنامه ریزی شهری در ایران،

Williams, 1985, 30 ۴۶



از نظر جامعه‌شناسی شهری، محله‌های شهری به مفهوم «واحدهای اجتماعی» حقیقی هستند که تا حدی به صورت اتفاقی و ناخودآگاه به وجود آمده‌اند و با گذشت زمان توانسته‌اند شکل و قالب ثابت و پایداری به خود بگیرند و حریم معینی برای خود تعریف کنند. در حقیقت این محله‌ها از مجموعه افرادی با ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و به خصوص اقتصادی مشابه تشکیل می‌شود که به واسطه نوعی همبستگی و روابط متقابل جمعی به وجود می‌آیند.

محله از دیدگاه علوم اجتماعی

از نظر دسته‌ای از اندیشمندان حوزه علوم اجتماعی، محله به (الف) حوزه کوچک مسکونی؛ (ب) ساکنان چنین حوزه‌ای؛ (ج) روابطی که میان ساکنان وجود دارد یا واقعیت و کیفیت نزدیکی آنان با یکدیگر، دلالت دارد. کاربرد علمی این اصطلاح در حوزه علوم اجتماعی تا حد زیادی متأثر از نظریات چارلز هورتون کولی بود که بر روابط گروه اختیاری نخستین و حضورشان در محله تأکید می‌کرد. ۴۷

چارلز کولی در تعریف محله بر اهمیت نقش «گروه‌های اولیه» تأکید ورزید. این گروه‌ها شامل خانواده و گروه‌های بازی کودکان در محله بود. او هشدار می‌دهد که «صمیمیت در محله‌ها به وسیله رشد شبکه پیچیده‌ای از تماس‌ها و روش‌های جدید ارتباطی از بین رفته است. در شهرهای امروزی شیوه زندگی آپارتمان‌نشینی و پیچیدگی‌های اجتماعی - اقتصادی به شدت کانون‌های خانوادگی و محله‌ای را دچار آسیب کرده است». ۴۸.

۴۷ گولد و کولب، ۱۳۷۰، ۹۲۴

Cowan, 2000, 257 ۴۸



محلّه از دیدگاه جغرافیای شهری و اجتماعی

در تعبیر جغرافیایی، مفهوم محلّه ضمن دارا بودن مکان معین، به اجتماعی اطلاق می‌شود که در چنین فضایی سکونت دارند و از برخوردهای فراوان «نخستین» یا «رویاری» با یکدیگر بهره‌مند می‌شوند. «ماهیت محلّه از دیدگاه جغرافیدان شهری و اجتماعی فرصتی برای مردم فراهم می‌آورد تا با یکدیگر دیدار کنند، در گذران زندگی روزمره شرکت جویند و در تلاش به منظور غلبه بر مشکلاتشان به همکاری بپردازند». به همین دلیل ا. پاور نیز مدعی است که «محلّه و حس همسایگی از تأثیر موقعیت مکانی بر جامعه ناشی می‌شود، اما به صورت خود به خودی روی نمی‌دهد. ۴۹

محلّه از منظر برنامه‌ریزی شهری

از منظر برنامه‌ریزی شهری، محلّه را می‌توان به صورت بخش قابل شناسایی از محدوده‌ای شهری و یا محدوده‌ای ترکیب شده از کاربری‌های تأمین‌کننده نیازهای ساکنان در ساختار شهر تعریف کرد. ۵۰

سیدنی براور در کتاب «محلّه خوب» معتقد است که محلّه نوعی مکان است؛ مکانی که مردم در آن زندگی می‌کنند. در اصل محلّه، ذاتاً مکانی است دارای خانه‌هایی برای زندگی و کاربری‌هایی چون پارک، مدرسه، فروشگاه و جز اینها. اما وجود این کاربری‌ها نمی‌تواند آن را فراتر از مفهوم «محلّه» یا کمتر از آن سازد. ۵۱

۴۹ گولد و کولب، ۱۳۷۰، ۹۲۴

Cowan, 2000, 256 ۵۰

Brower, 1996, 2 ۵۱



از نظر شهرگرایان جدید، محله از عناصر اصلی سازماندهی در شهرسازی است. آندرس دوانی و الیزابت پلاترزیبرک، محله را «محدوده‌ای شهری با ترکیب متوازی از فعالیت‌های انسانی که اطراف مرکزی معین و مشخص ساخته شده است»، تعریف می‌کنند. همچنین واراک محله را «واژه اجتماعی به مفهوم ارتباطات اجتماعی افراد در یک ظرف مکانی می‌داند».^{۵۲}

۳-۲-۴. مفهوم محله در شهرهای ایران

محله به مثابه سلول اصلی شهر سنتی در ایران، سکونتگاه قوم، نژاد، مذهب یا فرقه‌ای خاص است. جامعه شهری رنگ گرفته از نظام عشیره‌ای، در روند شکل‌گیری خود مجموعه‌هایی را ایجاد کرد که به محله معروف شدند. از ابتدای بنای شهرهای اسلامی و حتی قبل از اسلام، هر قوم و قبیله‌ای تحت شرایط خانوادگی، منافع مشترک و شبکه‌های خویشاوندی، محله جداگانه‌ای در شهر بنا می‌کرد. ساکنان محله نسبت به یکدیگر و محله دارای وظایف و حقوق خاصی بودند و خود را جزئی از جمع، و بقا و آسایش خود را در کارایی و قدرت مجموعه می‌دیدند. این احساس همبستگی شدید، باعث تمایز نسبت به دیگر ساکنان شهر و محله‌ها می‌شد. شکل‌گیری محله‌های حیدری‌خانه و نعمتی‌خانه در دوره صفویه در بیشتر شهرهای ایران از جمله اصفهان و شیراز را می‌توان نمونه‌هایی از این موضوع دانست. روابط اجتماعی حاکم به صورت بسیار ظریفی در شکل‌گیری و استخوان‌بندی محله مؤثر بود و شبکه ارتباطی و مرکز محله و دیگر عناصر کالبدی مانند آب‌انبار، مسجد، حسینیه، سقاخانه و حمام را تعریف

^{۵۲} Cowan, 2000, 256 & Warrak, 2000



می‌کرد. تحت تأثیر چنین شرایط اقتصادی و اجبار به خودکفا بودن نسبی، در هر محله تأسیسات اقتصادی ویژه‌ای برپا می‌شد و مرکزی در خود داشت که همه مایحتاج روزانه و کوتاه مدت محله را فراهم می‌ساخت.

اصول و عناصر تشکیل‌دهنده محله در نظام سنتی، تحت تأثیر شرایط اقتصادی و اجتماعی و مبتنی بر شرایط توسعه درون‌زا بود که نقش غالب را فرهنگ سنتی ایفا می‌کرد. این شرایط تا اواخر دوره قاجاریه کمتر دستخوش تغییرات بنیادی گردید. اما بررسی تحولات ساختاری و کارکردی شهر در دوران معاصر نشان می‌دهد که متأثر از شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی حاکم بر کشور، ماهیت شهرها دچار دگرگونی‌های اساسی شد. با ورود اتومبیل، پیچیده شدن تقسیم کار اجتماعی و مهاجرت روستاییان به شهرها، گذر از نظام سنتی و ورود به فضای جدید توسعه در شهرها در قالب نظام فعلی با ایجاد تغییرات بنیادی رقم خورد.

مراکز محلات

با ورود اسلام به ایران، ساختار اجتماعی کشور دگرگون شد و طبقات اجتماعی دوران ساسانی از هم فرو پاشید. نمود این مطلب در ساختار فیزیکی شهرها نیز تبلور پیدا کرد. در دوره ساسانیان، محلات بر اساس پایه‌های اجتماعی و اقتصادی افراد تقسیم‌بندی می‌شده و امکان جابجایی طبقاتی برای افراد وجود نداشته است. در دوره اسلامی، محلات بر اساس ریشه‌های قومی، مذهبی، صنفی و مسلکی تقسیم‌بندی می‌شده است. هر محله‌ای به صورت شهرکی بوده در دل شهر بزرگتر و از هویت متمایزی از سایر محلات برخوردار بوده است.



مراکز محلات مانند مراکز شهر بودند، منتها در یک مقیاس کوچکتر. این مراکز عموماً دارای یک میدان، یک یا چند مسجد در اطراف آن، یک حسینیه سرپوشیده و یا سرباز، یک یا چند مغازه جهت برآورد مایحتاج اهالی در جنب و یا مجاور میدان، یک حمام و گاهی هم در محلات بزرگتر آب‌انبار، مدرسه و کاروانسرا بوده‌اند. مراکز محلات محل دیدارها و ردوبدل کردن اخبار بوده است.

مراکز محلات از طریق گذرها به یکدیگر متصل بودند. بعضی از این گذرها در امتداد کل شهر گسترده بودند و ارتباط مراکز محلات را با مرکز شهر و دروازه‌های خروجی تأمین می‌کردند. عرض این گذرهای بین محله‌ای بنا به موقعیت کم و یا زیاد می‌شد. در محل‌هایی که وسعت فضایی محدود بوده، این گذرها بسیار باریک می‌شدند و تنها فضا برای عبور دو چهارپا بوده است و برعکس در مکان‌هایی که از اهمیت برخوردار بوده مانند مراکز محلات و مقابل مساجد، آب‌انبار و یا سایر ابنیه مهم، عرض این گذرها زیاد می‌شده و به صورت میدان یا میدانچه در می‌آمده است.

لذا گذرها باعث پیوستگی و اتصال فضاها و شهری بودند و با تغییراتی که در بدنه گذر به وجود می‌آمده، خبر از اهمیت مکانی آن نقطه می‌داده است. این گذرها با وجود دارا بودن انسجام، از لحاظ فرم، رنگ و نوع مصالح، از تنوع کیفی برخوردار بودند. مشخصات هر قسمتی از گذر، عابر را مطلع از خصوصیات آنجا می‌ساخته، امری که متأسفانه در معابر امروزی ما وجود ندارد.

امروزه سبیل‌های هویت محله‌ای تغییر کرده و مراکز محلات و گذرها جای خود را به میدان‌ها و خیابان‌های عریض اتومبیل‌رو داده و فعالیت‌ها نیز به کنار این خیابان‌ها کشیده شده است.



۵-۲-۴ مرکز محله

در هر یک از محله‌های بزرگ و متوسط شهرهای تاریخی، یک مرکز محله وجود داشت. این مراکز از نظر کالبدی و شکل به دو صورت وجود داشتند. نخست به صورت یک راسته یا گذر که کمی از گذرهای دیگر در محل استقرار فضاهای تجاری و اجتماعی عریض‌تر بودند.

نوع دوم مرکز محله به صورت میدانچه بودن. این میدانچه‌ها اغلب در محل تقاطع چند راه یا در کنار راه اصلی محله قرار داشتند و در پیرامون برخی از آنها تعدادی دکان برای عرضه کالاهای ضروری روزانه و هفتگی اهالی محله قرار داشت. همچنین مسجد، حمام، آب‌انبار و بعضی دیگر از فضاهای عمومی محله در کنار همین میدان ساخته می‌شد.

گره:

گره محل برخورد دو یا چند خیابان است. بطور کلی شهری خوب است که گره‌های آن به حد کافی مشخص شده و بدان اهمیت داده شده باشد. در واقع نقاط انتهایی خطوط اصلی نقل و انتقال شهری در یک شهر گره محسوب می‌شود. بطور مثال همه آنچه که در مورد خصوصیات گره مطرح شد، در اصفهان میدان نقش جهان مشاهده می‌گردد.

نشانه:

گنبد مسجد و گلدسته‌های آن همچون یک سری نشانه‌های آشنا برای شهرنشینان است. شناخت موقعیت نشانه، چون دیگر عوامل سیمای شهر بسیار حائز اهمیت است. ترکیب عوامل راه، محله، گره، نشانه و ... در شهر ممکن است تأثیر آنها را بیشتر کند



و یا «هم افزایی» به وجود آورد که بر قدرت هر یک بیافزاید، یا ممکن است تناقضی بین آنها پدید آورد که اثر هر یک را خنثی گرداند

۴-۲-۵. جایگاه مفهوم محله در شهرسازی

در نگاه اول هر شهر را از ویژگی‌های محله‌های مسکونی و توسعه‌های موجود در آن می‌توان شناخت روند توسعه‌های موجود در شهرهای ما، به ویژه شهرهای بزرگ نشان می‌دهد که مناطق مسکونی به دلیل توسعه نابسامان و مغشوش، در معرض از دست دادن شخصیت و هویت دیرینه خود قرار گرفته‌اند.^{۵۳} لذا شهرساز امروز ایران باید علاوه بر وظایف همیشگی یک شهرساز، کاستی‌هایی که در دهه‌های اخیر به فراموشی سپرده شدن را نیز جبران کند.

پایداری هویت در محله با ارجاع به ریشه‌ها و خاستگاه‌های قدیمی آن قابل دستیابی است. نظم فضاها، پر و خالی، خوانایی فضا و سیمای محله‌ای و کیفیت‌های بصری مناطق مسکونی گذشته از جمله ارزش‌هایی هستند که در ذهن مردم نقش بسته‌اند. در واقع، مجموعه این‌ها هویت محله‌های مسکونی را شکل می‌دهند و نیاز به بقا و پایداری آن را ضروری می‌نمایند.^{۵۴}

^{۵۳} برک‌پور، ۱۳۸۰

^{۵۴} همان



۴-۲-۶. سیر تحول مفهوم محله و واحد همسایگی

مفهوم واحد همسایگی از ابتدای خلقش در اواسط قرن ۱۹ در پی هویت بخشیدن به نظام های شهری و همچنین جایگزینی کالبدی مفهوم انتزاعی محله های از دست رفته در نظام های شهرسازی نوین بود. این مفهوم در نقاط دیگر از جهان و در هر کجا که راه حلی نوین برای سامان دهی سکونتگاه های انسانی جستجو می گرفت با مفاهیم و مبانی نظری مشابه ظهور یافت که از جمله آنها می توان به، تلاش های انجام گرفته در بازسازی شهرهای شوروی بعد از انقلاب از طریق ایجاد مجموعه های مسکونی جدید در دهه ۱۹۲۰ اقدامات ارنست مای در احداث مجموعه های مسکونی بر اساس واحد همسایگی در آلمان در دهه ۱۹۳۰ و همچنین در طرح های نواحی مسکونی شهرهای انگلستان و به طور خاص طرح لندن ۱۹۴۳ نام برد. از دهه ۱۹۷۰ جامعه شناسان تلاش گسترده ای را در زمینه ماهیت اجتماعات انسانی و زندگی خانوادگی انجام دادند. این تلاش ها منجر به یافت ماهیت ارتباط در عین انزوا به عنوان پایه و اساس شبکه های



ارتباطات اجتماعی کنونی شد. تغییر مفهوم محله در طول زمان بر مبنای کجایی یافت آن و همچنین نحوه دسترسی به منابع عمومی توسط افراد آن تعریف می‌گشت.

۴-۲-۷. مشخصه های محله

- ۱- محله دارای سابقه تاریخی است.
- ۲- محله دارای فضاهای عمومی و باز برای بروز و ظهور خلاقیت‌های فرهنگی اجتماعی است.
- ۳- محله دارای نمادها و زیرساخت‌های خاص خود است.
- ۴- امکان اعمال نظر و نظارت عمومی در محله وجود دارد.
- ۵- محله دارای اجتماع قانون‌مدار و یا ارزش‌مدار است.
- ۶- در ساکنان محله احساس مالکیت وجود دارد.
- ۷- محله دارای ساخت اجتماعی و سیاسی است (مانند شورای محله)
- ۸- تعلق اجتماعی در محله وجود دارد.
- ۹- در محله انسجام و پیوستگی وجود دارد.
- ۱۰- توانایی شناخت و حل مسائل محله در حیطه قدرت افراد محله است.
- ۱۱- در محله آرامش، امنیت و آزادی وجود دارد.



دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)

۱۲- با نظام‌های اقتصادی - فرهنگی - اجتماعی و سیاسی شهر پیوند دارد.

۱۳- هنجارهای خاص در محله حاکم است.

۸-۲-۴ عناصر تشکیل دهنده محله:

۱. خانواده سالم و شهروند سالم

۲. نمادهای متمایزکننده

۳. تشکلهای، اجتماعات محلی و پیشروان محلی

۴. امکانات و منابع محله‌ای (زیرساخت‌های محله)

۵. نهاد تصمیم‌ساز و ناظر بر قوانین محلی

۹-۲-۴ زیرساخت‌های محله

از آنجا که فضای شهر و امکانات تخصیص یافته در هر جامعه‌ای، ریشه در فرهنگ آن جامعه دارد.

همچنین وجود امکانات رفاهی محله‌ای، ساکنان محله را از تردهای مکرر به بیرون از محله جهت رفع نیازمندیها میرهاند و به تعلق آنها به محله شان می افزاید. بنابر این تعریف شاید بتوان بر اساس سه عملکرد مهم ذیل فضاها را تقسیم بندی کرد:

۱. محل رفت و آمد (راه، کوچه، خیابان و ...).



دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)

۲. محل کار و تفریح (ورزشگاه ، ادارات دولتی ، مؤسسات خدماتی و ...)

۳. محل خدمت عمومی (مدارس، مراکز خرید، پارک، مسجد، کلیسا و ...)

۲-۱۰. سرانه و کاربری های مختلف در یک محله

۱- مراکز مدیریتی : شامل موارد زیر است :

- اداری زمان : جهت رسیدن به مرکز مدیریتی ۱۵ دقیقه

- انجمن ها زمان : با توجه به سرعت پیاده ۴ کیلومتر در ساعت - ۳ شعاع عملکرد

۱۰۰۰ متر - ۷۵۰

- فرهنگی حالت : از مرکز ثقل محله تعبیه می گردد

- خدمات اداری محیط : میدانی یا فضایی

۲- مراکز تجاری : سرانه تجاری برای هر نفر در محله ۶۷/۰ متر مربع در نظر گرفته

می شود .

۳- مراکز مذهبی : سرانه محلی برای هر نفر در محله ۸۸/۰ متر مربع در نظر گرفته

است.

۴- مراکز آموزشی : مراکز آموزشی شامل موارد زیر است :

- دبستان : سرانه دبستان در محله ۸/۱ متر مربع - ۰/۹ است و حداقل مساحت ۲۵۰۰

متر مربع می باشد .

- راهنمایی : سرانه راهنمایی ۸/۱ متر مربع - ۰/۹ است .

۵- فضای سبز اجتماعی :



سند عمومی : سرانه سند عمومی ۲ متر مربع و حدود ۵٪ سرانه مسکونی می باشد .

سند ورزشی : سرانه سند ورزشی ۳ متر مربع در حدود ۵٪ سرانه مسکونی می باشد

سند کوچه ها : سرانه سند سبز کوچه ها ۲۲ متر و حدود ۵٪ سرانه مسکونی می باشد.

جمع فضای سبز اجتماعی ۱۵٪ سرانه مسکونی می باشد. ۵۵

۱۱-۲-۴. نهاد تصمیم ساز و ناظر بر قوانین محلی

با توجه به لزوم نظارت و هماهنگی رفتاری در انسجام بخشیدن به فعالیت های جمعی روزمره محلی و همچنین هماهنگی فرایندهای محله ای با برنامه ریزی های کلان شهری به عنوان یک جزء از کل وجود قوانین محلی (که برگرفته از نیازهای واقعی مردم محله است) و یک نظام ارزشی و رفتاری مشترک که در بر گیرنده منافع اکثریت ساکنان باشد ، ضروری به نظر می رسد .

لذا ، تدوین و اعمال قوانین و قراردادهای شهروندی که از طریق یک نهاد محله ای مشخص (مانند شورای محله) جمع بندی، تصویب و بر اجرای آن نظارت شود ، رکن لاینفک و هویت بخش محله محسوب می گردد.

۱۲-۲-۴. روند شکل گیری محله ها در شهر



۱ - شکل گیری اولیه محله بر اساس تقسیم بندی های نژادی ، قومی، دینی یا خویشاوندی بود و در بسیاری موارد همین امر برای نامگذاری محله مورد استفاده قرار می گرفت .

۲- هر محله دارای گروهی از فضا ها بود که به آن نوعی استقلال نسبت به محله های دیگر می داد . این فضا ها عمدتاً شامل همه فضا های اصلی شهر در ابعادی کوچک می شدند : بازار محلی، مغازه ها، مسجد، حمام، مدرسه، آب انبار.

۳- محله در ساخت خود تاثیر پذیری از عوامل اقلیمی، اقتصادی و سیاسی را نشان می داد.

۴- محله ها عموماً دارای یک ساختار سیاسی مدیریتی بودند که در یک مجموعه ساختاری بزرگ تر قرار می گرفت.

۵- محله ها از لحاظ حجم و عناصر تشکیل دهنده خود بسیار متفاوت بودند.

ماندگاری و دوام محله نیز وابسته به توان پاسخگویی به یکسری نیازهاست. نیازهایی که آنها را به سه دسته تقسیم بندی می کنیم: نیاز ارتباطی، نیاز مدیریتی و نیاز حمایتی. محله ها خصوصاً در گذشته محل تجمع افراد آشنایی شبیه خود بودند که می شد اوقات بیکاری و تنهایی خود را با آنها پر کرد و برای کودکان نیز همبازی های مناسبی محسوب می شدند.

منظور از نیاز مدیریتی، نیازی است که با زندگی اکثریت و یا همه ساکنان محله مربوط می شده و با تقسیم کاری توسط خودشان رفع می شده است، برای مثال تا پیش از لوله کشی آب، نهر اصلی آب تا سر هر کوچه می آمده و بعد همسایه ها هر کدام به نوبت مخازن خود را از آن پر می کرده اند . تیپ سوم نیازها در این طبقه بندی ، نیازهای حمایتی نام دارد که منظور از آن، حل گروهی و دسته جمعی مشکل یک یا تعدادی از



خانواده‌های محله است. در فقدان سیستم‌های نوین اقتصادی و صندوق‌های قرض‌الحسنه، وجود سیستم‌های تعاونی داخلی (از جمله بانک سستی زنان محله) یا قرض دادن‌های نقدی و غیرنقدی به هم، امر شایعی در الگوی سابق محله بوده است. محلات از نظر وسعت و جمعیت تقریباً اندازه‌ای یکسان دارند. حدود و مرز هر محله تابع تقسیمات شهرداری است و ساختار فضایی شهر در طیف گسترده‌ای به شرح زیر است: ۵۶:

۱. واحد همسایگی

۲. زیر محله

۳. محله

۴. بخشی از شهر

۵. شهر

۶. منطقه شهری

۴-۲-۱۳. ساختار کالبدی محله

مفهوم محله بعنوان واحد پایه و اولیه سازمان کالبدی از فضای ساختاری شهر است. این واحد از تجمع پیوستگی کم یا زیاد، معاشرت نزدیک، روابط محکم همسایگی و اتحاد رسمی میان گروهی از مردم بوجود می‌آید.



وجود عناصر مصنوع کالبدی باعث تعریف شدن قلمرو ها در محلات بوده است. همچنین شکل گیری مراکز محله ای با نهادهای اقتصادی-اجتماعی مورد نیاز ساکنین برخورد ساکنین محلات را به حداقل می رساند. ۵۷

شهرسازی و شهرگرایی جدید و محلات محله در شهر بعنوان واحد پایه و اولیه سازمان کالبدی طی قرن‌ها به بقاء خود در سازمان شهری ادامه داده است. با وجود افزایش سیستم های فنی ارتباطی و شکل گیری جهان شهرها و متروپلها هنوز محلات بعنوان یک ضرورت برای تکامل انسان مطرح میباشد.

بطور کلی عناصر بنیادی سازمان دهی شهرگرایی جدید را محله و راهرو و منطقه تشکیل می دهد یک محله آرمانی باید این خصوصیات را داشته باشد: ۱- یک مرکز و یک لبه ۲- اندازه ی بهینه ۳- ترکیبی متعادل که شامل فعالیتهای زندگی، کار، رفتن به مدرسه، عبادت و تفریح باشد ۴- شبکه خوب از خیابان های به یکدیگر مرتبط که مکان ساختمانها و ترافیک را سازمان دهی می کنند ۵- اولویت دهی به فضاهای عمومی و جایگیری مناسب ساختمانهای شهری. ۵۸

نگاه از پایین در فضای شهری نگاه به درون محله و ساختار اجتماعی، فیزیکی، امنیتی، جدایی و هویتی محله است. اما از بالا نگاه کردن به فضای شهری نگاه به درون شهر و منطقه نگاه به ساختمانها و اشیاء و کالبدی شهری است. دید از بالا، نظم و تفاوتها را بر زندگی روزمره تحمیل می کند (همانند نظم مدرنیستی)

۵۷ فلاسکی، فردایی برای یک ربع قرن تجربه مرمت شهری در ایران - مجله هفت شهر - شماره ۲ - وزارت مسکن و شهرسازی - سازمان عمران و بهسازی - ۱۳۸۰



اما دیدار پایین از نقطه زندگی روزمره و جایی که غلبه با تفاوتهاست را بررسی می

کند. ۵۹

در شناخت محلات شهری شناخت مرزها و محدوده محله می تواند از اهمیت قابل توجهی برخوردار باشد. پس برای مردم هویت ویژه و منحصر به فرد محله بیشتر از جمعیت و سطح محله اهمیت دارد. "همچنین باید توجه داشت که بافت کالبدی و اجتماعی محله تاثیر متقابل بر همدیگر دارد و گاهی بافت کالبدی زمینه ساز مسائل اجتماعی است". بنابراین کارکرد محله به عنوان یک واحد گروهی ایجاد امنیت و هویت می باشد و برای رسیدن به این هدف باید قلمرو محله و مرزهای نمادین آن تعیین و تعریف شود.

بنابراین ساماندهی فضا و تعلقات فردی به اجتماع و محله و گروه و فرد باعث کنترل و ارتفاع جایگاهش و ایجاد امنیت برای استفاده کنند از فضا می شود. پس باید فضای محله ای را به مثابه یک کلیتی اجتماعی - مکانی که دارای یک مرز و هویت برای افراد است که باعث می شود افراد احساس تعلق و همچنین امنیت کنند. پس ایمن ترین و بهترین فضای محله فضایی است که دارای حسن تعلق و هویت و برآورد تمام - نیازها و تسهیلات تمام اقشار جامعه و ارتباط سریع و آسان برای تمام افراد را داشته باشد شکل کالبدی محلات و ویژگی های معماری آن می تواند بر ارتباطات اجتماعی ساکنان تأثیرگذار باشد به عنوان مثال در محلات کوچکتر میزان ارتباطات میان ساکنین و امکان شکل گیری روابط چهره به چهره بیشتر است. بخش های مؤثر بر شکل کالبدی محله عبارتند از:

-نوع واحدهای مسکونی، اعم از ویلایی، آپارتمانی یا تک واحدی



دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)

-موقعیت قرار گیری و فاصله ی واحدهای مسکونی از یکدیگر و فاصله ی آنها از خدمات عمومی محله
-سلسله مراتب عرصه بندی ها و دسترسی های واحدهای مسکونی ۶۰

۴-۲-۱۴. تکامل نظریه محله

مفهوم محله بعنوان بستر یا محل سکونت، ریشه تاریخی دارد؛ بنا به یک تعریف تاریخی واحدهای مختلف شهر که طبقات مختلف اجتماعی را در خود جای می دهند یا نواحی شهری (با مرزهای اداری یا رسمی) که دامنه ای از گروه های اجتماعی را تحت پوشش قرار می دهند محله نامیده می شده اند... ۶۱
اما توسعه مفهوم محله بصورتی که کاربری های غیر از سکونت را در نظر بگیرد دیدگاهی مختص قرن حاضر است؛ مسئله مهم دیگر برای شهرسازان (علاوه بر عملکرد)، بحث ساختار اجتماعی ساکنان است که تحت لوای مساله ای بنام هویت Identity مطرح است که به نوعی تحت عنوان محتوا قرار می گیرد. پس هم محتوی و هم عملکرد در نظریه محله در قرن اخیر مورد مناقشه است. کالوس (Kallus 1997) سیر تاریخی نظریه محله را بر چهار مرحله تفکیک می کند:
۱- محله بعنوان واحد خودکفایی (از نظر اداری و مدیریتی) یک شهر: این دیدگاه توسط هاوارد در نظریه باغشهر (۱۹۵۷) مطرح شد.

۶۰ مجموعه مقالات همایش توسعه ی محله ای، 1388:238

۶۱ مدنی پور، طراحی فضای شهری، ۱۳۷۹



۲- محله بعنوان راهکاری برای ارتقاء کیفیت زندگی شهروندان: مامفورد (۱۹۵۴) ۶۲ بر این عقیده است که پرداختن به محله، تنها راهکار عملی در حل مشکلات کلانشهرهاست؛ هر چند مامفورد استقلال و خودکفائی کامل محله ها را مطرح میکند ولی او عقیده دارد که محله باید جوابگوی نیازمندیهای روزمره ساکنان باشد. به اعتقاد او، محله نقش والدین یک خانوار را دارد که در هر مرحله ای از زندگی یک فرد می توان نقش حمایتی (cooperation Parental) در رشد فرد را داشته باشد بر خلاف مامفورد که از محله انتظار برآورده کردن توقعات روزمره را دارد، لوکوربوزیه محله را یک وسیله رفاهی (بهداشتی، راحتی) می داند که ساکنان خود را از خدمات شهر و زندگی شهری مصون می دارد، و اما هر دو نفر، ارتقا شرایط زندگی را از محله انتظار دارند. دیدگاه مامفورد و لوکوربوزیه بعدها توسط طرفداران توسعه پایدار مورد تاکید و توجه قرار گرفته و بحثهای توسعه پایدار و رویکرد فرهنگی به شهر از طریق پلی بنام محله بهم پیوند داده می شوند. در چنین حالتی برای ارتقاء کیفیت زندگی عوامل دیگری از قبیل کیفیت هوا، دسترسی، تعامل اجتماعی و... علاوه بر آنچه مامفورد و لوکوربوزیه مطرح کرده بودند نیز مطرح است.

۷. محله بعنوان بستری برای برقراری روابط با سایر کارکنان: این دیدگاه مشارکت شهروندان در اوضاع و احوال محله زندگی خود را بعنوان یک شاخص مهم در کیفیت زندگی شهری می داند. این دیدگاه ابتدا توسط ترنر و فیچتر (Turner and Fichter) در دهه ۷۰ مطرح شد. امروزه این نظریه مجدداً مورد اقبال قرار گرفته و بخصوص در غرب به نقش شهروندان در طراحی محلات سکونتی برای دستیابی به محیط هایی انسانی تر پرداخته شده است.



۸. محله بعنوان شاکله هویتی و معنا بخشی به مکان های شهری: راپاپورت (۱۹۹۷) نخستین کسی بود که محله را بعنوان ابزاری توصیف کرد که شهروندان با استفاده از آن می توانند هویت خود را باز یابند. دسترسی محلی به نیازها و توانایی ساکنان به معرفی خود در سطح فردی یا جمعی بطوریکه به آنها کمک می کند تا هویت محله خود را تعریف کنند و تمایلات و ترجیحات خود را بیان کنند، فعالیت های مربوطه را انجام دهند و تفاوت ها و پیچیدگی ها را در عرضه شهری خلق کنند. و اما از دیدگاه شهرگرایان جدید مانند کریر (1984) krier، کیتز Katz (1994) و دانی و پلاتر - زیبرک Plater - Zyberk Duany and (1991) مفهوم محله اگر چه سمبولیک است ولی ایجاد ارتباط بین یک مکان (Place) و فعالیت (Activity) ضروری است. محله بعنوان یک فضای عمومی دیده می شود که بطور روزانه توسط ساکنان مورد استفاده قرار می گیرد.

۴-۲-۱۵. انتقاد از تئوری محله

علی رغم بهره گیری از تئوری محله برای ارائه راه حل هایی در جهت پاسخگویی به مشکلات متفاوت زندگی شهری، مفهوم محله از جهاتی مورد انتقاد قرار گرفته است. مهمترین انتقاد در رابطه با کارایی اجتماعی (Social effectiveness) آن است. در واقع، این توقع که طراحی فیزیکی بتواند روابط اجتماعی را تغییر دهد و نوعی حس اجتماعی (Community sense) ایجاد کند مورد چالش صاحب نظران قرار گرفته است.

جنبه های اجتماعی محله معمولاً به حس اجتماعی تعبیر می شود؛ گروهی از نظریه پردازان عقیده دارند که محلی بودن دیگر نه ممکن و نه مفید است و زندگی شهری مدرن دیگر جایی برای حس اجتماعی باقی نگذاشته است مانند کیس (Keyes ۱۹۷۳) و ساراسن



(Sarason 1974). گروه دوم عقیده دارند که ایجاد محله‌های شهری بنوبه خود می‌تواند حس اجتماعی قوی را موجب شود.

۴-۲-۱۶. مقایسه محلات در گذشته و معاصر

محله تقسیمات شهری سنتی در گذشته شهرهای ایران بوده است. نحوه ایجاد و پذیرش محله بعنوان واحدهای تقسیماتی در شهر خود معلول عوامل اجتماعی، اقتصادی و کالبدی زمان گذشته و عبارت دیگر الگوی رفتاری مردم می باشد. مقایسه محله و واحدهای تقسیماتی فعلی تحت هر نامی از قبیل: واحد همسایگی، ناحیه، منطقه، حوزه و مانند آن گویای این واقعیت است که محله گذشته از عملکرد تقسیماتی خود در شهر دارای خصوصیات مستقل عملکردی و منسجمی بوده است که امروزه در هیچ یک از تقسیمات شهری نظیر آن مشاهده نمی شود. این خصوصیات عبارت از شخصیت مستقل، قابل شناسایی، با هویت خودجوش که در ساکنان خود احساس تعلق و تعصب می آفریند و همین خصوصیات است که امروزه بعنوان نشانه ها و معیارهای مطلوب برای یک جامعه شهری ایدئال به شمار می رود. با وجود محلات آرام و خودمانی که فرد در آن‌ها به فضا احساس تعلق می کند، افراد به محض خروج از خانه به یکباره وارد عرصه‌ی شهری پرهیاهوی امروزه نمی‌شوند و محیطی نیمه خصوصی - نیمه عمومی را تا ترک مرز محلات به همراه آورده و آرام آرام وارد فضای کاملاً عمومی و غیر قابل پیش‌بینی شهر می‌شوند. چنین گذاری آمادگی ذهنی فرد را برای پذیرش فعالیت‌ها و وقایع روزمره بوجود آورده، احساس رفاه و رضایت خاطر از محیط را در ذهن او نقش می‌زند. مرز انتزاعی که محلات به پهنای خویش بین زندگی خصوصی خانه و زندگی عمومی شهر ترسیم می‌کنند، توالی پی در پی و آرامی از درون به بیرون و از بیرون به درون بوجود می‌آورد که آمادگی ذهنی و روانی فرد را بالاتر برده و مانع از پرتاب شدن



وی به دنیای شاید ناموزون فضاهای شهری موجود می‌شود. در حالیکه تقسیمات فعلی اعم از واحد همسایگی، مجموعه آپارتمانی، کویهای کارمندی، شهرکهای صنعتی که بنا بر علت اصلی وجودیشان که عموماً ضرورت‌های صرفاً اقتصادی است که فاقد آن خصوصیات میباشد. محلات ما در قالب قانونمندی و سلسله مراتب خاصی از ابعاد اجتماعی-اقتصادی اداره می‌شدند بدین سبب محلات دارای فضای تجاری (بازار، بازارچه، گذر) و فضای فرهنگی-اجتماعی و مذهبی (مسجد، آب انبار، حسینیه) و خدماتی مانند نانوايي و بقالی و... بوده است. اما با ورود اتومبیل و وسایل نقلیه و ضرورت تقسیمات مدیریتی جدید بافت قدیمی شهرها به هم ریخته است. عناصر وارزشهای دگرگون شده در محلات جدید عبارت است:

۱- دگرگونی بنیادی در شکل و بافت محله

۲- کم شدن فضای مفید مسکونی و فضای سبز و باز خصوصی

۳- تغییر شکل شبکه ارتباطی

۴- کم شدن مقیاس پیاده

۵- تغییر شکل و گسترش فعالیتهای محله ای

۶- از بین رفتن حجاب مسکونی

۷- کم رنگ شدن روابط اجتماعی

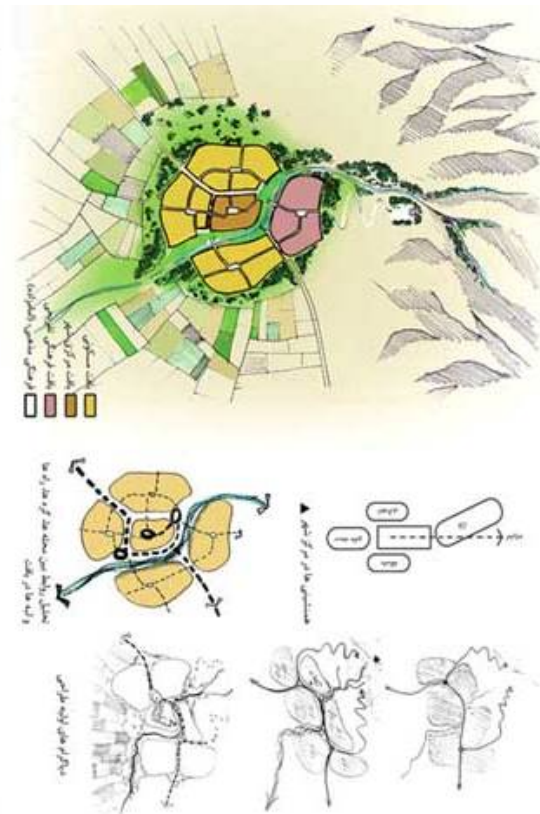
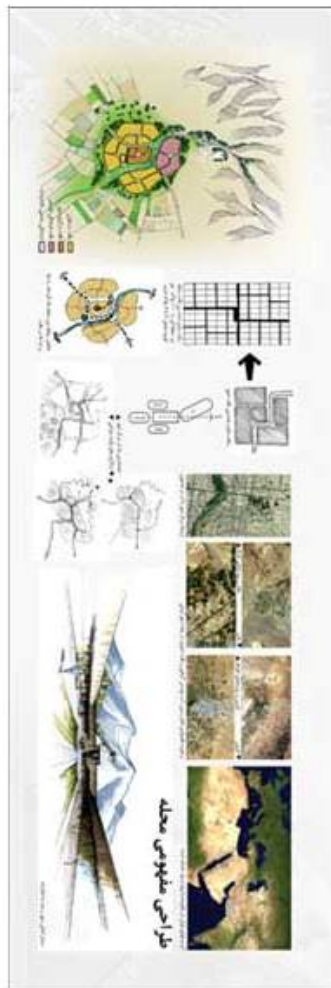
۸- کم رنگ شدن ارزشهای فرهنگی. ۶۳

۶۳ صمدی، مطالعاتی پرامون تقسیمات شهری تهران ص ۶۶



دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)





۵-۳. بررسی مفهوم مرکز در شهر

۴-۳-۱. مفهوم مرکز شهر

در روند تکامل فرهنگ انسان، شهر پیچیده ترین فضای ساخته بشر است. شهر در معنای تاریخی خود، نقطه ای است که در آن حداکثر تمرکز قدرت و فرهنگ یک اجتماع متبلور می شود. شهر شکل و نشانه روابط منسجم اجتماعی و جایگاه معبد، بازار، کاخ دادگستری و آکادمی است. ۶۴ مامفورد اندیشمند بزرگ به درستی اشاره می کند که شهر محل تمرکز قدرت و فرهنگ و جایگاه روابط منسجم اجتماعی و در واقع نمود تمدن بشری است. آنچه را که مامفورد به آن اشاره می کند به راستی که در شهر وجود دارد و بویژه بخش هایی از شهر آن را به صورت واقعی نمایان می سازد؛ آن بخش از شهر که مرکز شهر نام دارد و تجلی گاه قدرت، روابط اجتماعی، سیاست، اقتصاد، تکنولوژی، پتانسیل ها و مشکلات شهر است.

بخش مرکزی شهر واقعیتی عینی در فضای شهری است که فرایندهای پنهان شهری را نمایان می سازد. مرکز شهر دارای اهمیتی آن چنان در فضای شهر است که اگر نه در همه، اما در بیشتر مباحث شهری به نوعی به آن اشاره می شود و جایگاه آن در عرصه های مختلف اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، جغرافیایی و کالبدی - فضایی شهر کاملاً مشهود است. ۶۵

۶۴ مامفورد، ۱۳۸۵: ۲۱

۶۵ فرج کرده، مجله شهرداریها ش ۸۹



مرکز شهرها در نظریه های ساخت شهر و اندیشه شهرسازان

ساختار شهرها در نظریه های ساخت شهر از شهرهایی با ساختار دارای بخش مرکزی که دارای تراکم و تمرکز بالایی از فعالیت ها است تا شهرهایی با ساختار بدون کانون تمرکز که در آن فعالیت ها در سطح شهر به صورتی یکسان پراکنده شده اند، متغیر است.

در واقع مرکز شهر در طرح های شهرسازی و نظریه های ساخت شهر جایگاه مهمی دارد و در بیشتر موارد شهرسازان ساختار کلی یک طرح شهری را در ارتباط بین مرکز و سایر بخش های شهر جستجو کرده اند. مرکز شهر چه در شکل گیری و رشد ارگانیک شهر و چه در رشد برنامه ریزی شده و از پیش تعیین شده نقش بارزی را در ساختار فضایی شهر و شکل دهی به فرم شهر ایفا کرده است. در ساختار ارگانیک شهر، شکل گیری شهر از یک هسته و مرکز اولیه شروع می شود و در طول زمان در جهاتی که امکان گسترش آن را فراهم می آورند، رشد می کند. هسته و مرکز اولیه شهر بنا به مقتضیات زمان مهم ترین کارکردها و فعالیت های شهری را در خود جای می دهد و در صورت داشتن شرایط مناسب به مرکز اصلی شهر و کانون فعالیت آن تبدیل می شود. در رشد ارگانیک شهر، شهر بنا به هر دلیلی اعم از دفاعی، داد و ستد، موقعیت طبیعی، مذهبی و ... ساخته شده باشد، مرکز شهر جایگاه خود را داشته است ۶۶ در ساختار شهر برنامه ریزی شده وضع به گونه ای دیگر است. در شهرهایی با ساختار برنامه ریزی مرکز شهر در آن با هدفی از پیش تعیین شده و با طراحی آن برای کارکردهای مشخصی شکل می گیرد. برای مثال «ابنزر ها وارد» در طرح شهرهای باغ مانند خود، شهرها را به صورت چند دایره متحدالمرکز تصویر کرد. بناهای عمومی شهر

۶۶ فرج کرده، همان



در مرکز این دواير دور ميدانی قرار گرفتند. ۶۷ در طرح باغ شهر هاوارد بخش مرکزی با در بر گرفتن آموزشگاه ها و مراکز خريد و مجاورت آن با پارک ها جایگاه ویژه دارد.

«هوسمان» (۱۸۰۹-۱۸۹۱) در اندیشه خود که آن را در شهر پاریس عملی کرد، توجه خود را به مراکز مهم و قدیمی مبذول کرد و در نوسازی شهر پاریس برای ایجاد دسترسی های مناسب به تعریض گذرها و ایجاد فضاهای جدید در این شهر اقدام کرد. ۶۸ در طرح وی با ایجاد شبکه ها و خیابان هایی از هسته قرون وسطی پاریس، مراکز شهری را به ایستگاه راه آهن متصل کرد. ۶۹

در طرح شهر صنعتی "تونی گارنیه" سه عنصر اصلی در مرکز شهر قرار می گیرند که عبارتند از خدمات اداری و تالارهای اجتماعات، نمایشگاه ها و مجموعه های نمایشی و تاسیسات ورزشی و تفریحی. ۷۰

در طرح شهر خطی "سوریا ماتا" (۱۹۲۰-۱۸۴۴) شکل شهر، نوع مشاغل و نقش خیابان ها با دور شدن از مرکز طرح خطی که شهر بر اساس آن بنا شده، تغییر می یابد. ۷۱ در واقع سوریا ماتا خیابان مرکزی را جایگزین هسته مرکزی می کند. ۷۲

۶۷ شیعه، ۱۳۸۱: ۳۵

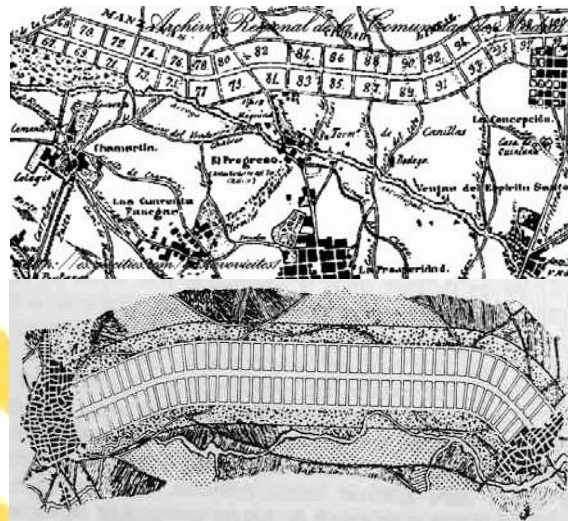
۶۸ پاپلی یزدی و رجی سناجردی، ۱۳۸۲: ۷۲

۶۹ فرج کرده، همان

۷۰ سعیدی رضوانی، ۱۳۸۰: ۸۰

۷۱ شیعه، ۱۳۸۱: ۷۳

۷۲ سعیدی رضوانی، ۱۳۸۰: ۸۱



در طرح توسعه عمودی "لوکوربوزیه" بخش مرکزی شهر پاسخگوی مناسبی برای تراکم ترافیک شهر به حساب می آید. ۷۳ لوکوربوزیه نگرشی مدرنیستی به شهرها داشت. در دیدگاه وی شهر اساساً یک مرکز تجاری محسوب می شود که باید نقش ها و عملکردهای خود را در فضایی متراکم ایفا کند. در طرح وی همچنین خطوط راه آهن در نظر گرفته شده برای شهر به ایستگاه مرکزی در قلب شهر منتهی می شود. ۷۴

اهمیت بخش مرکزی به آن حد است که حتی «فرانک لویدرایت» در طرح شهر پهنشدنی که فاقد تراکم و انسجام شهرهای متعارف است، مرکز شهر را فراموش نکرد. در این طرح مرکز شهر در ناحیه وسیعی گسترده شده و شامل یک ساختمان اداری ۵۰ طبقه، یک پارک، زمین های ورزشی، باغ وحش و آکواریوم است. ۷۵

۷۳ شیعه، ۱۳۸۱: ۵۴

۷۴ شیعه، همان

۷۵ سعیدی رضوانی، همان



در نظریه ساختار شهری جهان سومی ارنست گریفتن و لر فورد که با مطالعه ساختار شهری در آمریکای لاتین اظهار شده است؛ قلب هر شهر از یک CBD فعال و در حال رشد تشکیل شده است. از مرکز شهر به سوی خارج شهر یک هسته تجارتي-صنعتی که به وسیله قطاع مسکونی طبقه نخبگان احاطه شده، قرار دارد. این قطاع هسته ای در واقع گسترشی از CBD است که به وسیله ادارات، پارک ها، باغ وحش ها و میدان ها گلف اشغال شده است و در نهایت به حومه های ثروتمند نشین ختم می شود. ۷۶

در نظریه دواير متحدالمركز «ارنست برگس» که پایه و اساس اکولوژیکی داشت شهر به صورت دواير متحدالمركز گسترش می یابد. بر اساس این نظریه فعال ترین كانون شهر در دایره اول واقع می شود. در مرکز شهر به علت دسترسی مناسب، بخش تجارت مرکز استقرار می یابد که بیشترین تمرکز فعالیتهای بانكداري، بازرگانی، موسسات مالی



دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)

و ... در آن یافت می شود که از آن به اقتصادی ترین نحو ممکن استفاده می شود که نتیجه ی آن شکل گیری آسمان خراش ها و ساختمان های بلند در این بخش است. ۷۷



در ساختار چند هسته ای «ادوارد اولمن» و «چانسی هاریس» با توجه به بزرگ یا کوچک بودن شهر بخش مرکزی تعیین می شود. اساس این تئوری بر این اصل قرار دارد که شهرهای کوچک تنها دارای یک مرکز یا هسته ی واحد باشند. اما شهرهای بزرگ امروزی همگی دارای هسته های متعدد هستند که در داخل شهرها، ارتباط مسیرهای حمل و نقل تشکیل این هسته ها را امکان پذیر می سازد. ۷۸ در این نظریه بخش مرکزی شهرها با امکانات وسیع حمل و نقل، هسته و مرکزی را تشکیل می دهد که در آن اداره ها، خرده فروشی ها، بانک ها، بیمه، تئاتر و نمایش فعال ترین نقش را دارند. ۷۹ در نظریه ساخت عمومی شهرهای «رابرت دیکنسن»، محدوده های ساخت شهر از چهار منطقه مرکزی، میانی، بیرونی و حاشیه ی شهر یا مرزهای ده شهر تشکیل می

۷۷ شکوئی، ۵۰۹:۱۳۷۹-۵۱۲. پاپلی یزدی و سناجردی، ۷۳:۱۳۸۳

۷۸ شیعه، ۶۴: ۱۳۸۲

۷۹ شکوئی، ۵۲۱:۱۳۷۹



دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)

شود. در این نظریه منطقه مرکزی شامل بخش قدیمی شهر که مجموعه از مراکز عمده
فروشی، خرده فروشی، تجاری و اداری و بخشی از واحدهای مسکونی است. ۸۰

بر اساس این نظریه منطقه مرکزی حداکثر تراکم از لحاظ جا و فضا مشاهده می شود،
زیرا مرکز اصلی شبکه های وسایل ارتباطی است و انواع مختلفی از فعالیت های مربوط
به بخش خدمات، هنگام انتخاب محل در منطقه مرکزی به شدت با هم رقابت می کنند.

در نظریه ساخت قطاعی شهر «همرهویت» که متأثر از نظریه ارنست برگس بود
گسترش شهرها در شکل شعاعی از مرکز شهر آغاز می شود و در طول راه های اصلی
پیش می رود. ۸۱ در این نظریه بنا بر موقعیتی که هسته اولیه شهر در آن قرار گرفته
است، شهر شروع به گسترش و رشد می کند.

۸۰ پاپلی یزدی و سناجردی، ۱۳۸۲: ۹۴

۸۱ شکویی، ۱۳۷۹: ۵۱۳



دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)

نظریه پرداز	الگوی توسعه شهری	جایگاه و ویژگی های اصلی مرکز شهر
ابنزر هاوارد	باغ شهر (غیر متمرکز)	بخش مرکزی در دایره اول قرار می گیرد. بناهای عمومی شهر، آموزشگاه ها و مراکز خرید در بخش مرکزی قرار دارند. در مجاورت بخش مرکزی پارک ها قرار می گیرند.
ژرژ اوزن هوسمان	نوسازی بخشهای درونی و قدیمی شهر	تاکید اصلی روی مراکز مهم و قدیمی است. تبدیل مراکز مهم و قدیمی به کانون های فعالیت، اتصال مراکز شهر به ایستگاه راه آهن
تونی گارنیه	شهر صنعتی (غیر متمرکز)	بخش مرکزی شامل خدمات اداری، تالارهای اجتماعی، نمایشگاه ها و مجموعه های نمایشی است. کارکرد اداری و اجتماعی مرکز شهر بر سایر کارکردهای آن غلبه دارد.
سور یاماتا	توسعه خطی شهر (غیر متمرکز)	بخش مرکزی به صورت خیابان مرکزی است. فعالیت های مهم در خیابان اصلی متمرکز می شوند. در مسیر توسعه خطی شهر مراکز فرعی شکل می گیرند.
لوکوربوزیه	توسعه عمودی شهر (متمرکز)	ساختمان های اداری و عمومی چندطبقه، فروشگاه ها و مغازه ها در اطراف ایستگاه مرکزی قرار می گیرند. همه خطوط راه آهن به بخش مرکزی شهر منتهی می شوند. در اطراف بخش مرکزی زمین هایی به صورت پارک جهت توسعه بعدی آن در نظر گرفته می شود.
فرانک لوید رایت	شهر پهن دشتی (غیر متمرکز)	بخش مرکزی ناحیه ای وسیع را در بر می گیرد و شامل یک ساختمان اداری ۵۰ طبقه، پارک زمین های ورزشی، باغ وحش آکواریوم است.
ارنست گریفتن و لرفورد	ساختار شهر جهان سومی (متمرکز)	بخش مرکزی شامل یک CBD فعال و در حال رشد است. در اطراف این CBD ادارات، مغازه ها، رستوران ها، تئاترها، پارک ها، باغ وحش و میدان های گلف قرار دارند.
ارنست برگس	دوایر متحدالمرکز (متمرکز)	دایره اول (بخش مرکزی شهر) فعال ترین کانون شهر است. به واسطه دسترسی مناسب بیشترین تمرکز فعالیت های بانکداری، بازرگانی و موسسات مالی در بخش مرکزی قرار می گیرند. بخش مرکزی با آسمان خراش ها و ساختمان های بلند خود را نمایان می سازد.
چانسی هاریس و ادوارد اولمن	ساختار چند هسته ای	بخش مرکزی متناسب با اندازه شهر شکل می گیرد (شهرهای کوچک تک مرکزی و شهرهای بزرگ چند مرکزی). بخش مرکزی شامل امکانات وسیع حمل و نقل، فعالیت ادارات، خرده فروشی ها، بانک ها، بیمه، تئاتر و نمایش است.
رابرد دیکنسن	ساخت عمومی شهرها	بخش مرکزی شامل بخش قدیمی شهر است. بخش مرکزی شامل مراکز عمده و خرده فروشی، تجاری، اداری، بخشی از واحدهای مسکونی و انواع مختلفی از فعالیت های مربوط به بخش خدمات است. کانون اصلی شبکه های ارتباطی در مرکز شهر قرار دارد.
همر هویت	ساخت قطاعی شهر	راه های شعاعی از مرکز شهر به اطراف کشیده می شوند و جهت توسعه شهر را تعیین می کنند. بخش مرکزی در قالب بخش مرکزی تجارت خود را نمایان می سازد.

جایگاه مرکز شهر در تعدادی از نظریات مهم ساخت شهر (منبع: فرج کرده)



۴-۳-۲. جایگاه مرکز شهر در شهرسازی

بخش مرکزی شهر پهنه ای چند کارکردی (تاریخی، اقتصادی، اجتماعی، ترافیکی، اداری-سیاسی و کالبدی - فضایی) است که عمده عملکردهای مهم و برتر شهری را در خود جای داده است و از این نظر نسبت به سایر قسمت های شهر نقش مهم تر و بیشتری را در عرصه کارکردی شهر ایفا می کند. استقرار مجموعه فعالیت های مهم و برتر هر شهر در بخش مرکزی آن دامنه عملکردی این محدوده را گسترش داده و باعث جذب جمعیت از فواصل زیاد و فراتر از فضای شهری به آن می شود. اگر یکی از اهداف مهم برنامه ریزی شهری را حل مساله و مشکل بدانیم برنامه ریزی شهری باید قبل از هر چیز توجه خود را به مرکز شهر معطوف کند. سامان دهی و اداره بخش مرکزی شهر امری پیچیده و دشوار است چرا که بخش مرکزی شهر خود ماهیتی پیچیده دارد. پیچیدگی آن ناشی از قرارگیری و تمرکز فعالیت های گوناگون در کنار هم و در ارتباط بلافاصله با هم و و در فضایی نسبتاً محدود است. در صورت نداشتن برنامه ریزی منسجم و نبود نگرشی جامع و همه جانبه به بخش مرکزی شهر این بخش از شهر با چالش های اساسی مواجه شده و منجر به ناکارآمدی آن می شود. برای حل بسیاری از مشکلات و تنگناهایی که بخش مرکزی بسیاری از شهرها با آن مواجهند و همچنین دست یابی به تعادل مناسب بین کاربری های مختلف و جلوگیری از غلبه یافتن کارکردهای خاص و تخصصی شدن بیش از حد در بعضی از کارکردها به ناچار باید بخش مرکزی شهر در کانون توجه برنامه ریزان شهری قرار گیرد و در راستای کارآمد کردن هر چه بیشتر آن عمل شود.

چنین مسائلی باعث شده است که امروزه برنامه ریزی و ساماندهی مرکز شهر به مساله ای مهم در برنامه ریزی شهری و در عین حال به مشکل ترین و حساس ترین بخش



برنامه ریزی شهری تبدیل شود و نظر برنامه ریزان و محققان امور شهری را به خود جلب کند و از این رهگذر برنامه ریزی های مختلفی برای احیاء دوباره مراکز شهری صورت گرفته است چرا که تقویت عملکرد بخش مرکزی شهر و کارائی هر چه بیشتر آن هدفی است که مدیران شهری به دنبال رسیدن به آن هستند و این هدف جز از طریق برنامه ریزی یکپارچه و برقراری ارتباط بین مجموعه نظام برنامه ریزی و مجموعه مدیریت شهری امکان پذیر نیست. تلاش برای ارائه هرگونه طرح و برنامه ای برای مرکز شهر قبل از هر چیز مستلزم تعیین جایگاه آن در فضای شهری است.

حفاظت، انتقال یا نوسازی و پالایش سه راهبرد عمده رایج در برخورد با مرکز شهر در جوامع مختلف و تجارب موجود به شمار می آیند. هر یک از این راهبردها متکی بر برخی اولویت ها و چالش های فراوری است. ۸۲ متناسب با شرایط و اوضاع و ویژگی های خاص هر شهر هر کدام از این راهبردها می تواند موثر واقع شود. برای مثال در حالی که در شهرهای بزرگ بسیاری از فعالیت ها و کارکردهای بخش مرکزی تحت تاثیر عوامل متعدد مانند تغییر مقیاس فعالیت و تحول در سیستم حمل و نقل و ارتباطات به مکان یابی در بخش های دیگر شهر و یا حتی خارج از شهر گرایش یافته اند و به تدریج در جوار فرودگاهها و اتوبان ها استقرار می یابند در شهرهای کوچک و متوسط بر خلاف شهرهای بزرگ انتقال موسسات تجاری و خدماتی از مرکز شهر مسائل جدیدی در سطح شهر پدید می آورد و با تقلیل ارزش اقتصادی منطقه مرکز شهر زمینه ای مناسب برای فرسودگی و تباهی بافت فراهم می آورد. ۸۳

۸۲ کاظمیان، ۱۳۸۰: ۱۵

۸۳ سعیدنیا، ۱۳۸۲: ۳۴



در پایان این بحث باید گفت که برنامه ریزی اعم از برنامه ریزی اقتصادی ، اجتماعی ، ترافیکی و فیزیکی در بخش مرکزی در سطوح مختلف شهری اعم از شهرهای بزرگ، متوسط و کوچک باید برای کارآمد ساختن بخش مرکزی ، کاستن از مشکلات آن ، تعیین جایگاه مناسب برای آن در فضای شهر ، ادامه حیات اقتصادی و حفظ هویت اجتماعی، فرهنگی و تاریخی آن صورت بگیرد .

۳-۳-۴. نظریات مختلف ساخت شهر و نقش مرکز در آنها

الف) نظریه پرداز: ابنزرهاوارد

الگوی توسعه شهری: باغ شهر (غیرمتمرکز)

جایگاه و ویژگی های اصلی مرکز شهر:

بخش مرکزی در دایره اول قرار می گیرد. بناهای عمومی شهر، آموزشگاه ها و مراکز خرید در بخش مرکزی قرار دارند. در مجاورت بخش مرکزی پارک ها قرار می گیرند.

ب) نظریه پرداز: ژوزاوژن هوسمان

الگوی توسعه شهری: نوسازی بخش های درونی و قدیمی شهر

"هوسمان" دراندیشه خود که آن را در شهر پاریس عملی کرد، توجه خود را به مراکز مهم و قدیمی مبذول کرد و در نوسازی شهر پاریس برای ایجاد فضاهای جدید در این شهر اقدام کرد و مراکز مهم و قدیمی را به کانون ها یی تبدیل کرد.



دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)

در طرح ، وی با ایجاد شبکه ها و خیابان ها یی از هسته قرون وسطی پاریس، مراکز شهری را به ایستگاه راه آهن متصل کرد. (دکتر فرج کرده)

پ) نظریه پرداز: تونی گارنیه

الگوی توسعه شهر: شهر صنعتی (غیرمتمرکز)

جایگاه و ویژگی های اصلی مرکز شهر:

بخش مرکزی شامل خدمات اداری، تالارهای اجتماعی، نمایشگاهها و مجموعه های نمایشی و تاسیسات ورزشی و تفریحی است. کارکرد اداری و اجتماعی مرکز شهر بر سایر کارکردهای آن غلبه دارد.

در این طرح کارکرد اداری و اجتماعی - فرهنگی مرکز شهر نسبت به سایر کارکردهای آن بارزتر است.

مکان های صنعتی بدلیل وجود عناصر صنعتی مانند شرکتها - کارخانجات - انبارها - گذرگاه ها و نظایر آنها غالبا فاقد چشم انداز زیبا و هنری هستند و نیز بدلیل وجود اهمیت سرعت عمل در جابجایی منابع انسانی و تکنولوژی مسیرها طوری طراحی میشوند که کمترین هزینه نقل و انتقال را داشته باشند.

نظریه پرداز: سوریا ماتا

الگوی توسعه شهر: توسعه خطی شهر (غیرمتمرکز)

جایگاه و ویژگی های اصلی مرکز شهر:



بخش مرکزی به شکل خیابان مرکزی است. فعالیت های مهم در خیابان های اصلی متمرکز می شوند. در میر توسعه خطی شهر مراکز فرعی شکل می گیرند.

در واقع سوریا ماتا خیابان مرکزی را جایگزین هسته مرکزی می کند.

در طرح شهر خطی با گسترش شهر در مسیر توسعه خطی شهر، مراکز فرعی شکل می گیرند و از این طریق دور بودن قسمت های جدید شهر از مرکز اصلی جبران می شود.

شهر برودايکر (طراحی شده توسط فرانک لوید رایت) در آمریکا و شهر استالین گراد (ولگوگراد کنونی) در روسیه از نمونه های بارز شهر خطی هستند.

ت) نظریه پرداز: لوکوربوزیه

الگوی توسعه شهر: توسعه عمودی شهر (متمرکز)

جایگاه و ویژگی های اصلی مرکز شهر:

ساختمان های اداری و عمومی چند طبقه، فروشگاه ها و مغازه ها در اطراف ایستگاه مرکزی قرار میگیرند. همه خطوط راه آهن به شکل مرکزی شهر منتهی می شوند. در اطراف بخش مرکزی زمین های به صورت پارک جهت توسعه بعدی آن در نظر گرفته می شود.

در طرح توسعه عمودی "لوکوربوزیه" بخش مرکزی شهر پاسخگوی مناسبی برای تراکم ترافیک شهر به حساب می آید.



دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)

لوکوربوزیه نگرشی مدرنیستی به شهرها داشت. در دیدگاه وی شهر اساساً یک مرکز تجاری محسوب می شود که باید نقش ها و عملکردهای خود را در فضایی متراکم ایفا کند.

لوکوربوزیه همچنین در طرح خود به آینده مرکز شهر نیز توجه داشته است و برای توسعه آتی آن زمین های ذخیره شد ای را به صورت پارک در اطراف بخش مرکزی پیشنهاد می دهد.

ج) نظریه پرداز: فرانک لوید رایت

الگوی توسعه شهر: شهر پهن دشتی (غیر متمرکز)

جایگاه و ویژگی های اصلی مرکز شهر:

بخش مرکزی ناحیه ای وسیع را در بر می گیرد و شامل یک ساختمان اداری ۵۰ طبقه، پارک زمین های ورزشی، باغ وحش و آکواریوم است.

د) نظریه پرداز: ارنست برگس

الگوی توسعه شهر: دوایر متحد المركز (متمرکز)

در نظریه دوایر متحد المركز "ارنست برگس" که پایه و اساس اکولوژیکی داشت شهر به صورت دوایر متحد المركز گسترش میابد. بر اساس این نظریه فعال ترین کانون شهر در دایره اول واقع می شود و منجر به شکل گیری بخش مرکزی می شود. در مرکز شهر به علت دسترسی مناسب، بخش تجارت مرکزی استقرار می یابد که بیشترین تمرکز فعالیت های بانکداری، بازرگانی، موسسات مالی، و... در آن یافت می شود. قیمت بالای



زمین موجب می شود که از آن به اقتصادی ترین نحو ممکن استفاده شود که نتیجه آن شکل گیری آسمان خراش ها و ساختمان های بلند در این بخش است. (دکتر اسدی)

ه) نظریه پرداز: چانسی هاریس و ادوارد اولمن

الگوی توسعه شهر: ساختار چند هسته ای

در نظریه رابرت دیکنسن با توجه به بزرگ یا کوچک بودن شهر بخش مرکزی شهر تعیین می شود. اساس این تئوری بر این اصل قرار دارد که شهرهای کوچک تنها دارای یک مرکز و یا هسته واحد باشند. اما شهرهای بزرگ امروزی همگی دارای هسته های متعدد هستند که در داخل شهرها، ارتباط مسیرهای حمل و نقل تشکیل این هسته ها را امکان پذیر می سازد.

در این نظریه بخش مرکزی شهرها با امکانات وسیع حمل و نقل، هسته و مرکزی را تشکیل می دهد که در آن اداره ها، خرده فروشی ها، بانک ها، بیمه، تئاتر و نمایش فعال ترین نقش را دارند.

شکل گیری شهر چند هسته بر مبنای این نظریه با رشد و گسترش شهر امکان پذیر می شود. همزمان با گسترش شهر، سکونتگاه های اطراف شهر (همانند شهرک ها و روستاهای اطراف) در داخل مرزهای شهر قرار می گیرند و این سکونتگاهها به عنوان هسته های جدید شهر بزرگ ایفای نقش می کنند. حمل و نقل و ارتباطات درون شهری در شکل گیری چنین ساخت شهری نقش مهمی دارد.

شهرهای شعاعی چند هسته ای به نوعی تمرکز زدایی و تقسیم بندی را در درون خود انجام داده اند.



مراکز مختلف شهر کانبرا پایتخت استرالیا عبارتند از:

۱. مرکز فدرال
۲. شهرداری
۳. امور بازرگانی
۴. امور اداری
۵. امور خدماتی

۴-۳-۴. ویژگی‌های مرکز شهر

در گذشته شهرها به صورت شبکه‌های مختلفی بوده در اغلب این شبکه‌ها تمام خیابانها به سمت قسمت مرکزی شهر بود که در این قسمت مرکزی کلیسای بزرگ یا معابد و همچنین دستگاه حکومتی و اکثر ادارات و فعالیتهای مهم شهری قرار داشت و مردم روزها از حومه شهر به سمت مرکز می آمدند و شبها به خانه هایشان باز میگشتند .

در ایران، عبارت «مرکز شهر» و برابر انگلیسی آن یعنی City centre در تابلوهای راهنمایی و رانندگی در خیابانها و جاده‌ها به کار می‌رود اما معمولاً مرکز شهر فاقد محدوده معینی است. بطور سنتی مرکز شهرهای ایران شامل بازارها و بازارچه ها، کانون ها و نظام مراکز شهری بود بطوری که مهم ترین مراکز، مراکز مذهبی و اجتماعی بودند که در بطن بازار قرار داشتند و هسته اولیه شهر را تشکیل می‌دهد.

در کشورهای مختلف عبارات گوناگونی برای اشاره به مرکز شهر به کار می‌رود که تقریباً معنایی مشابه دارند. ناحیه تجاری مرکزی که به اختصار سی بی دی CBD نامیده



می‌شود ، عنوان دیگری برای اشاره به مرکز شهر است. در آمریکای شمالی از واژه downtown داون تاون برای این منظور استفاده می‌شود .

۴-۳-۵. سلسله مراتب مراکز شهری

به طور کلی از نظر شهرسازی جدید، مراکز شهری از سلسله مراتب فضایی پیروی می‌کنند، که افزون بر تامین خدمات و تسهیل در فعالیت های شهری، از نظر توزیع خدمات در سطح شهرداری مناطق خاصی هستند. الگوی سلسله مراتب مراکز شهری در سطح یک شهر از قاعده زیر پیروی می‌کند :

الف- هسته و مراکز اصلی شهر : کانون اجتماعی - اقتصادی و تاریخی شهر

ب- مراکز مناطق شهری : هر منطقه از شهر دارای مرکز ویژه خدماتی تجاری و اجتماعی خاصی است و حوزه نفوذ مراکز مناطق شهری - به عنوان مراکز درجه یک شهری - مناطق یا بخش های بزرگ شهر را فرا می‌گیرد. معمولاً در شهرهای بزرگ هر منطقه شهری به اندازه یک شهر متوسط با جمعیت ۲۵۰ هزار نفر تا یک میلیون نفر در نظر گرفته می‌شود.

پ- مراکز نواحی مسکونی : از لحاظ نظری هر ناحیه مسکونی در شهرهای بزرگ به اندازه یک شهر کوچک یا متوسط تلقی می‌شود و نیازهای آن در مرکز ناحیه در نظر گرفته می‌شود.

ناحیه شهری در شهرسازی اصطلاحاً "*Community*" یا "اجتماع" خوانده می‌شود. و در فارسی به معنای شهر یا آبادی است. مرکز ناحیه را به مرکز عامه یا مرکز همسان برگردان کرده اند و مرکز درجه دو شهری محسوب می‌شود.



ت- مراکز واحد همسایگی: محله شهری که کوچک ترین واحد شهری است و فقط کاربری مسکونی دارد. مرکز هر واحد همسایگی یا محله در شهرها از خدمات خاص تجاری - اجتماعی در مقیاس محلی تشکیل شده است.

۴-۳-۶. الگوی توسعه مرکز شهر

تعیین الگو برای مکان گیری مراکز تجاری- خدماتی تابع عامل دسترسی است. در شهرهای ایران، بازارها در امتداد محور اصلی شبکه دسترسی شهر تشکیل شده اند و مراکز محله ها در امتداد گذرهای اصلی محله بنیاد گرفته اند. گسترش الگوی توسعه مراکز تجاری، در امتداد راه ها یا خیابان های اصلی شهر، منطقه ای وسیع از شهرهای بزرگ را فرا گرفته و ساختاری پیچیده را پدید آورده است.

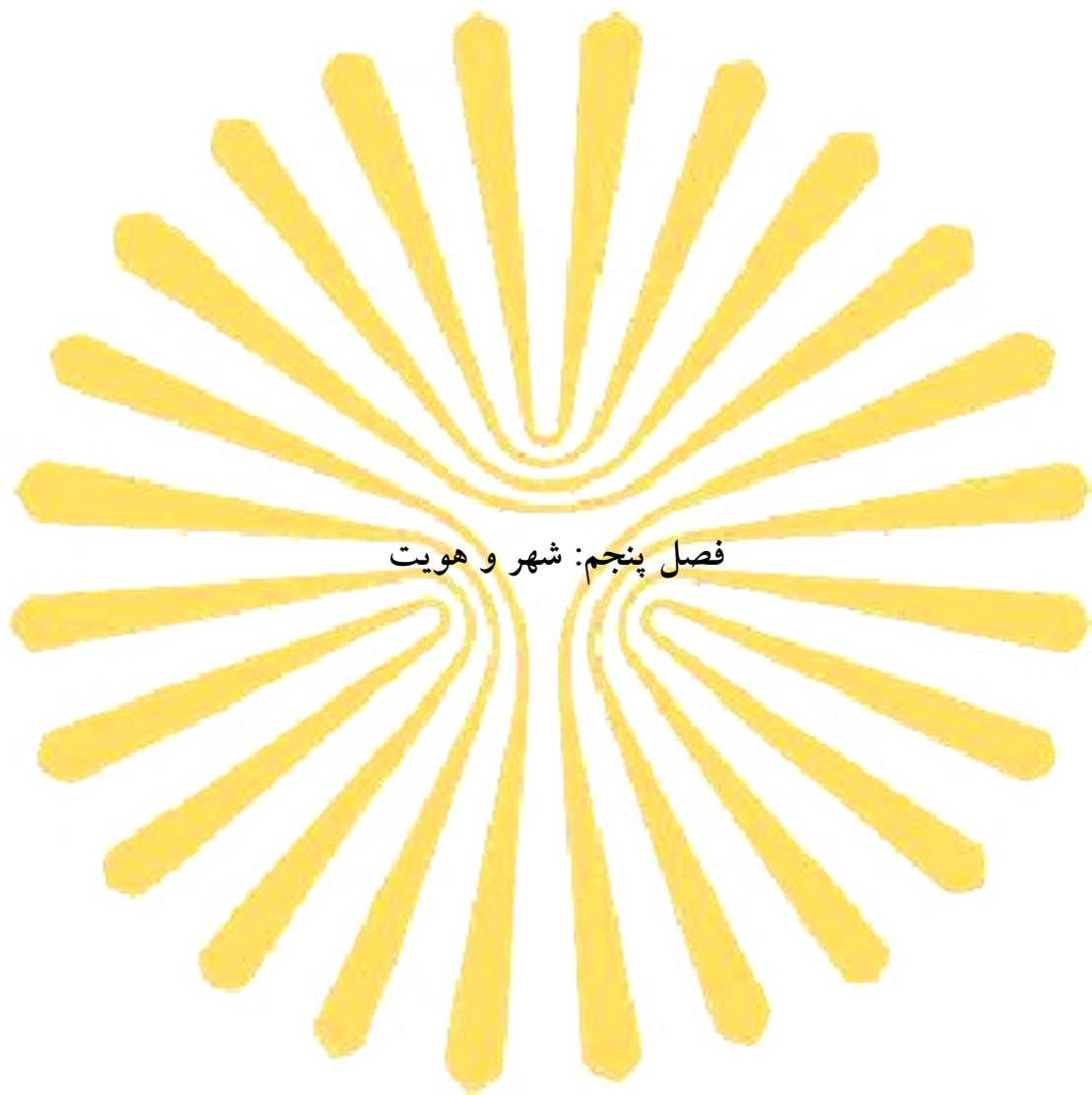
دسترسی به مرکز شهر: علاوه بر ایجاد سیستم های حمل و نقل عمومی جهت دسترسی به مرکز و ضرورت ایجاد خیابان کمربندی پیرامون منطقه مرکزی؛ بایستی به پارکینگ های بزرگ و سهل الوصول مجهز گردد. بدین ترتیب نه تنها دسترسی به ناحیه مرکزی افزایش می یابد بلکه مشکل تراکم تردد نیز کاهش یافته و محدودیتی برای فعالیت های تجاری و خدماتی آن به وجود نخواهد آمد.

اهمیت مرکز شهر: حفظ و تقویت مرکز تجاری شهر از نظر شهرداری هر شهر حائز اهمیت می باشد.



دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)



فصل پنجم: شهر و هویت



۵-۱. هویت شهری چیست؟

پیش از هر چیز باید از یک اصل موضوعه حرکت کنیم: اینکه برای درک فرهنگ نیاز به استفاده از تقسیم کلاسیک آن به دو بعد مادی و معنوی وجود دارد. بعد مادی یا محسوس فرهنگ، شامل همه پدیده‌هایی می‌شود که به صورت مستقیم «محسوس» هستند، یعنی به مادیت درآمده‌اند. هر یک از این پدیده‌ها را می‌توان با یک یا چند یک از حواس پنجگانه خود تشخیص داد و دریافت و ادراک کرد. این بعد از جمله شامل تمام ساخت‌ها و ساختارهای مادی، برای مثال فضاهای ساخته شده معماری، ساخته‌های دستی و هنری و غیره می‌شود. اما منظور از بعد معنوی فرهنگ، تمام پدیده‌های فرهنگی است که به صورت «مستقیم» مادیت نیافته و محسوس نشده باشند. البته بلافاصله باید اضافه کرد که این پدیده‌ها تقریباً همیشه صرفاً از خلال تبلورشان در اشکال مادی برای ما قابل دریافت و ادراک می‌شوند. برای نمونه پدیده‌هایی مثل اندیشه، معانی، مفاهیم، اسطوره‌ها، خاطره‌ها، ذهنیت‌ها و غیره که یا تبدیل به «ساخته‌هایی» مادی می‌شوند و یا بدل به «برساخته‌ها»ی ذهنی که آنها نیز از خلال فرایند «زبان» یعنی یک ابزار نمادساز تصویری (مکتوب یا شکلی) یا صوتی (ملفوظ) به ما می‌رسند.

همین جا باید اضافه کرد که این جدایی میان دو بعد مادی و معنایی فرهنگ امروز کمتر مورد پذیرش است و اغلب فرهنگ‌شناسان آنها را ابعادی جدایی ناپذیر می‌دانند که باید نه در یک رابطه تقابلی بلکه در پیچاپیچی مفهومی درک شوند. جدایی میان این دو مفهوم در اینجا و اصولاً امری روش‌شناختی است.



انتقال این دو بعد نیز از یک جامعه به جامعه دیگر نه آن گونه که پیشتر تصور می شد بر اساس حرکتی دوگانه و جدا از هم، بلکه به صورت یکپارچه انجام می گیرد، ولو آنکه در فرهنگ مقصد (به نسبت فرهنگ مبدا) دچار دگرگونی های شکلی یا معنایی یا هر دو شود و به کلی تغییر کند. این یک واقعیت است که تفسیرپذیری و جابه جایی پدیده های فرهنگی در دستگاه های شناختی می تواند بر اساس موقعیت هایی متفاوت به بی نهایت کارکرد و شکل و وضعیت متفاوت اجتماعی، فرهنگی، نشانه شناختی، معنایی و یا نمادشناختی دامن بزند .

با توجه به این نکات است که هویت داشتن یا از دست دادن هویت چه برای گروه های اجتماعی و افراد و چه به خصوص برای اشکال سازمان یافتگی گسترده ای همچون شهرها را باید در چارچوب این رابطه میان مادیت و معنا تحلیل کرد تا بتوان به نتایجی کاربردی و قابل اجرا رسید .

هنگامی که از هویت شهر سخن می گوئیم از چیزی صحبت می کنیم که در ظاهر و شکل شهر نیست بلکه در شاکله شهر است.

وقتی از هویت شهر صحبت می کنیم به چیزی رجوع می کنیم که در پس ظاهر و در بطن شهر نهفته است و ممکن است هیچ ربطی به شکل و ظاهر شهر نداشته باشد. در واقع زیبایی و زشتی شهر دلیل با هویت بودن شهر نیست، مهم این است که داخل شهر چه میگذرد، چه هنجارها و رفتارهایی در شهر به وقوع می پیوندد که به شهر هویت می دهد.

بنابراین آن چیزی که از آن به عنوان هویت شهری نام می بریم در حقیقت یافتن تناسب یا معیارهایی از نظام شهرسازی و معماری با شرایط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی شهروندان است.



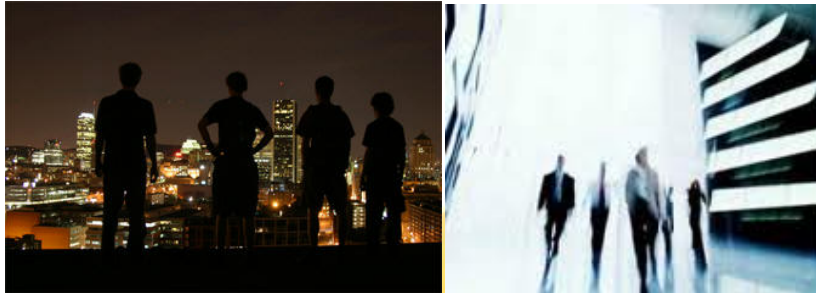
۵-۱-۱. هویت

«هویت»، یکی از مهمترین مسائل و چالش‌های پیش روی جوامع در حال توسعه، در طی فرآیند جهانی شدن و جهانی‌سازی عصر حاضر است که تعاریف متعددی از این واژه به عمل آمده است؛ در فرهنگ لغات واژه هویت بصورت زیر معنی شده است:

حقیقت شی یا شخص که مشتمل بر صفات جوهری او باشد، شخصیت، ذات، هستی و وجود، منسوب به هو، شناسنامه، چیستی، خود، کیستی، همانی و همانستی.

اما طبق تعریف متداول، «هویت، احساس تعلق خاطر به مجموعه‌ای مادی و معنوی است که عناصر آن از قبل شکل گرفته‌اند».

هویت در انسان‌شناسی، به معنای نوعی از خودآگاهی فردی یا جمعی نسبت به وجود مجموعه‌ای از خصوصیات فرهنگی - اجتماعی که فرد یا گروه مزبور را از فرد، افراد یا گروه‌های «دیگر» که به مثابه هویت‌های «دیگری» طبقه‌بندی می‌شوند، متمایز می‌کند و عموماً خود را با یک نام و یا لاقل با ضمیر «ما» مشخص می‌کند. در خصوص واژه لاتین هویت (identity) گفته‌اند که از قرن چهاردهم در زبان‌های اروپایی رایج شده و ریشه آن به دو واژه لاتین *identitas* به معنی «خصوصیت چیزی همانند» و *idem* به معنی «همان» و معادل قدیمی تر یونانی آنها می‌رسد. با این توصیف بدیهی است که در شرایط مکانی و زمانی مختلف، زمینه‌های متفاوتی برای هویت منظور گردد که هرکدام نیز دارای تعاریف و ابعاد خود باشند؛ نظیر هویت شخصی، هویت اجتماعی و هویت شهری.



۵-۱-۲. هویت شهری

هویت شهری را باید نوعی هویت جمعی به حساب آورد. اما همین جا و از ابتدا تلاش کنیم موقعیت این تعریف را روشن تر کنیم تا از بی مفهومی در آن بگریزیم. اصولاً ما می توانیم از طیفی از هویت های انسانی صحبت کنیم که هر چند لزوماً شکل خطی و از ساده به پیچیده ندارند، اما به هر رو، نوعی منطق را در خود حمل می کنند. این هویت ها از اشکال بیولوژیک (زیستی) یعنی هویت در کالبد فردی و جنسیت و سن آغاز می شوند. هویت فردی با زایش یک انسان، بر اساس ساختارهای دوگانه ای که هم بیولوژیک و هم فرهنگی هستند، رشد می کند و سپس به هویت خانوادگی در قالب خانواده هسته ای و خانواده گسترده و سپس به هویت های مبتنی بر قالب های خویشاوندی همچون طایفه و دودمان و قبیله می رسد و سرانجام با افزوده شدن قالب های ذهنی و اسطوره ای و گروهی از عناصر ذهنی و مناسکی و باورها و اعتقادات دیگر و همچنین در تجربه زیست شده ای از تاریخ و جغرافیای معلوم یا مفروض، ممکن است به هویت های قومی - محلی یا جماعتی دیگری نیز برسد.



این گروه از هویت ها، با هویت های اجتماعی ساخته شده، از جمله موقعیت های شغلی مادی فرد در جامعه، میزان سرمایه های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و ... ترکیب می شوند. سبک های زندگی متفاوت فردی و گروهی که روابطی مشخص، هر چند انعطاف پذیر و بسیار پویا را با فضا و زمان به وجود می آورند نیز در اینجا موثرند. فضا در این حال فضای متعارف زیست شده در حوزه عمومی و خصوصی و زمان، زمان متعارف در واحد روزمرگی تعریف می شود.

بدین ترتیب، این کنشگران اجتماعی از مهم ترین محورهای شکل گیری هویت یک شهر به مثابه نقطه ای هستند که آنها گرد هم آمده و نیاز به همگرایی و همسازی با یکدیگر برای امکان پذیر کردن جامعه بودگی را دارند. اما هویت شهری لااقل از سه بعد دیگر نیز قابل بررسی است: بعد تاریخی، بعد جغرافیایی و بعد کارکردی. در بعد تاریخی، پیشینه یک شهر، همچون کارنامه ای که به شکل مکتوب یا به شکل شفاهی برای آن در نزد ساکنانش و در نزد دیگران ثبت شده است، از آن تصویری می سازد که مطلوب یا نامطلوب، شهر را به گونه ای، همراهی می کند و سیاستگذاران هر شهری باید بتوانند به شکلی که مناسب تشخیص می دهند آن را حفظ و تقویت کرده یا بر عکس تضعیف نموده و تغییر دهند. شهرهای قدیمی همواره چندین تصویر تاریخی را با خود حمل می کنند، هر چند ممکن است بدان شکل موزه ای بدهند.

از آنجایی که «هویت»، مجموعه ای از صفات و مشخصاتی است که باعث «تشخص» یک فرد یا اجتماع از افراد و جوامع دیگر می گردد؛ شهر نیز به تبعیت از این معیار، شخصیت یافته و مستقل می گردد. هویت در شهر به واسطه ایجاد و تداعی «خاطرات عمومی» در شهروندان، تعلق خاطر و وابستگی را نزد آنان فراهم کرده و شهرنشینان را



به سوی «شهروند شدن» که گستره‌ای فعال‌تر از ساکن شدن صرف دارد، هدایت می‌کند.

پس هرچند که هویت شهر خود معلول فرهنگ شهروندان آن است؛ لیکن فرآیند شهروندسازی را تحت تاثیر قرار داده و می‌تواند باعث تدوین معیارهای مرتبط با مشارکت و قضاوت نزد ناظران و ساکنان گردد.

هویت یک معیار رشد برای شهر است؛ به عبارتی دیگر وقتی یک شهر یا جامعه رشد می‌کند، بخشی از صفات هویتش در جریان رشد تغییر می‌کند و ساماندهی جدیدی می‌یابد. در این ساختار باید هویت شهری به عنوان یک معیار برای توسعه و عاملی برای ارتقای کیفیت محیط مطرح شود تا بتواند زمینه‌های مشارکت و امنیت افراد را فراهم کند.

مامفورد، مسئله‌ی اصلی شهرسازی مدرن را هویت شهری می‌داند و معتقد است نوسازی شهری عصر حاضر از نظر معماری و اجتماعی فاقد شخصیت است. وی می‌گوید شهرها در گذشته واجد وحدت بصری بودند و با فرم‌هایی که به تدریج پیچیدگی بیشتری می‌یافتند، شیرازه‌ی اجتماعی جوامع را بوجود می‌آوردند ولی در شهرسازی معاصر، نظم خشک مقیدی جای تنوع اجتماعی گذشته را گرفته است. شهرها زمانی از خود شخصیت و موجودیتی داشته‌اند، لیکن امروز این شخصیت و موجودیت از میان رفته است و تمام آنها به توده‌های مشابه یکنواختی بدل گشته‌اند. والتر بور: شباهت بیش از حد شهرها به یکدیگر خطر بسیار جدی است که هویت فضاهای شهری را تهدید می‌کند. و چرا که نیروهایی که بر آیند فعالیت آنها منجر به چنین یکنواختی است، قدرتمند و پرنفوذند. وی همچنین معتقد است که اگرچه همه شهرها مجموعه‌ای از ساختمان‌ها، خیابان‌ها و فضایی بین آنها هستند و



احتمال شباهت آنه به یکدیگر دور از انتظار نیست . با این حال شهر ها و شهر های سنتی و کهن به حدی با یکدیگر فرق دارند که هر کدام دارای هویت خاص خود می باشند؛ در واقع ، تمام شهرها یک وجه اشتراک هم دارند و آن منحصر به فرد بودن آنهاست . در عین حال مفاهیمی که به عنوان مترادف هویت و یا به عنوان صفت های عرصه ی شهری به کار می روند ، مفاهیمی چون ریشه دار ، بی ریشه ، القاء کننده ی تاریخ ، آرامش بخش ، دارای اغتشاش ، خوانا ، ناخوانا ، فروتن ، مردم وار ، ضد مردمی ، تماماً دو وجهی های مربوط به هویت اند که گویای دو عنصر مهم یعنی مکان و تاریخ در بحث هویت شهری به شمار می روند .

کیومرث مسعودی پژوهشگر و جامعه‌شناس شهری معتقد است «اگر درمورد هویت شهری یا هویت معماری صحبت می‌کنیم، منظور در واقع یک نظام یافتگی ساختاری و کاربردی در شهر و یک انتظام در معماری شهر است»؛ بنابراین بدیهی است که این انتظام یا سازمان دارای ابعاد درونی خود باشد که در اینجا با عنوان عناصر هویتی شهر بدانها پرداخته می‌شود.





درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی) دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

جدول شماره ۱- منابع شناخت هویت شهر. (مأخذ: رفیعی زاده، ۱۳۸۴).

منابع شناخت هویت شهر		
شاخص‌ها و نظام‌های سطح خرد هویت شهر	شاخص‌ها و نظام‌های سطح میانه هویت شهر	شاخص‌ها و نظام‌های سطح کلان هویت شهر
- ویژگی‌های تحلیلی مراکز شهر - ویژگی‌های تحلیل خیابان‌ها و میدان‌ها - نظام ترکیب و اختلاط کاربری‌های شهر - قوانین پراکندگی و تجمع فضاهای شهری - کیفیت ساخت ابنیه‌ی شهر - گونه‌های معماری شناختی شهر - بیان ویژه و نمادین معماری خیابانی شهر - نمادهای بومی معماری مسکن شهر - مصالح غالب نمادهای شهری - نمادهای تمایزات اقلیمی معماری شهر - قوی‌ترین عناصر نشانه‌شناختی بصری شهری - محوطه‌ها و عناصر معنوی شهر - حوزه‌های عرضه‌ی محصولات فرهنگی بومی - همزیستی شهر با کوه و رود و جنگل - گسترده‌ی پوشش گیاهی در شهر - عناصر تاریخی ثبت و حفاظت شده شهر - تحلیل اجتماعی شکل و اندازه بلوک شهری - نمادها و نشانه‌های جاودانگی شهر - مکان‌ها خاطرات جمعی شهر - فضاهای واجد حس آرامش و امنیت، سرزندگی و نشاط، در بردارنده‌ی احساس تعلق و حس مکان	- اندازه‌ی شهر - سرعت گسترش شهر - تراکم ساختمانی و ارتفاع شهر - الگوی ویژه پلان و استخوانبندی شهر - نقشه‌ی محوری و نقشه‌ی شناختی شهر - یکپارچگی فضایی و بصری شهر - پیوستگی فضاهای عمومی شهر - الگوی خرد شدن مقیاس اجتماعی شهر - الگوی خرد شدن مقیاس کالبدی شهر - نظام اطلاع‌رسانی بصری و نمادین شهر - خوانایی و نمایانی فضای کالبدی شهر - کارایی نظام حمل و نقل شهری - نظام تناوبی استقرار کاربری‌های شهری - ویژگی‌ها و دارایی‌های پایدار طبیعی شهر - عادات رفتاری در فضای شهر - مکان‌گزینی طبقات درآمدی در شهر - کم و کیف محلات غیررسمی شهر - نسبت گردشگری / فرهنگی شهر - ویژگی‌های مردم‌شناختی جامعه‌ی شهری - فرصت‌های زندگی شبانه در شهر - ویژگی‌های تحلیلی خط آسمان شهر.	- ساخت تاریخی جامعه - ساخت مدنی جامعه شهری - منابع اقتصادی پایدار شهر - ظرفیت‌های گردشگری شهر - نظام انباشت و گردش سرمایه در شهر - توازن نیروهای مداخله‌گر در شکل شهر - زمینه‌های غالب اشتغال در شهر - میانگین سطح زندگی و رفاه شهروندی - الگوی مصرف جامعه - الگوی تقلید جامعه شهری - الگوی مدیریت شهر - جایگاه نظارت و اقتدار شهروندی - مشارکت سازمان‌یافته‌ی مردم در اداره‌ی شهر - خوانایی اطلاعات سیاسی و اقتصادی شهر - فرهنگ تاریخی / اعتقادی ساکنان شهر - وحدت یکپارچگی با جامعه شهری - نظام تامین اجتماعی شهر - عادات و گرایش‌های رفتاری جامعه‌ی شهری - بستر زیست‌محیطی پایدار شهر - کمیت و کیفیت ساخت‌وسازهای شهری



۵-۱-۳. مهمترین عوامل تشکیل دهنده هویت شهری

مهمترین عوامل تشکیل دهنده هویت شهری عبارتند از:

۱- تعاملات انسانی

محله و شهر بدون عامل انسان مفهوم ندارد. بنا براین وقتی که از شهر می‌گوییم، منظور تعاملات انسانی است. تعاملات انسان با انسان، انسان با محیط و انسان با شهر.

۲- حافظه تاریخی

یکی از عناصر دیگری که انسان با آن تعریف می‌شود، حافظه است. محله‌های شهری نیز مانند انسان دارای حافظه هستند، بنابراین اگر شهری فاقد حافظه تاریخی باشد، شهر هویت داری نیست. حافظه تاریخی شهر یعنی اینکه تعریف کند در هر مکان چه اتفاقی رخ داده است؟ شهر با خاطره‌هایش تعریف می‌شود. هر چه این خاطره‌ها بیشتر باشد هویت انسان یا شهر کامل‌تر می‌گردد.

۳- رفتارها و هنجارها

شهر نیز دارای رفتار و هنجار است و شهر به هنجار، شهری است که افراد آن احساس ایمنی کنند و ساکنان آن از طریق مکان‌ها و فضاها به آن جذب شوند. شهر باید فضایی داشته باشد که بتواند هویت خود را به شهروند و شهروند هویت خود را به شهر عرضه کند. همچنین شهر نیاز به مکان‌هایی دارد که اتفاقات اجتماعی و حادثه‌های روزانه در آن رخ دهد.

۴- فرهنگ



دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)

فرهنگ در هویت شهر دارای دو معناست

الف) فرهنگ سنتی (به ارث رسیده)

ب) فرهنگ روز آمد (افراد بنا به خواسته های روز آنرا می سازند)

شهر بدون فرهنگ شهری بدون هویت است. هر قدر غنای فرهنگی شهر افزایش یابد آن شهر از سطح فرهنگ بالاتری برخوردار خواهد بود و باعث خواهد شد که هنجارهای فردی با فرهنگ شهری آشنا شده و متعادل و معنا دار گردد.

۵- هنر و سلیقه

هنر جزء ذائقه شهر است و سلیقه جزء عناصری است که با هویت و فرهنگ رابطه نزدیک دارد. در شهری که مقوله زیبایی شناسی ارزشمند است، ساکنین و شهروندان نسبت به ساخت و ساز بناها در شهر حساسند و اجازه نمی دهند هر بنایی در شهر ساخته شود.





۵-۲. مشخصه و ویژگی‌های هویتی در شهر

۵-۲-۱. هویت مکانی و هویت شهری

معمولا ارتباط بین شخصیت و هویت افراد با محل زندگی آنها را هویت مکانی می‌نامیم که این هویت در مقیاس بزرگ‌تر نظیر هویت شهری نیز قابل انطباق است.

به نظر می‌رسد هویت شهر، از جمله با مشخصات کالبدی و ظاهری آن ادراک می‌شود. شهری با کوچه‌های پیچ در پیچ، رنگ خاکی، سایه‌های فراوان، مناره‌ها و گنبدهای آبی که سر بر آسمان می‌سایند واشدگاه‌هایی در دل محلات که خدمات عمومی را در خود جمع کرده، شکل‌های منحنی و نرم تاق‌ها، راسته‌ی بازاری که دو سوی شهر را به هم پیوسته است. این‌ها همه‌ی تعبیر و نشانه‌هایی از یک شهر کویری ایرانی هستند و توضیحاتی که هر بیننده‌ی کم و بیش، همان‌ها را بر زبان می‌راند و این فصلی ممتد در شکل شهر ایرانی است. هر چه در کم و کیف خاطرات یاد شده نقصان افتد، از شدت اشتراک ذهنی و مفهومی نسل‌های گوناگون کاسته می‌شود. در نتیجه، آن اجتماع جدید خود را کم‌خاطره از تاریخ و به تبع آن، بی‌هویت خواهد شناخت.



دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)



میدان حسن آباد تهران، نمونه ای از توازن ساختاری

ساختار شهر امروز، نشانه های بسیار کوچکی از شهر سنتی ایرانی دارد. نظام محله بندی، به عنوانی قطعاتی نیمه مستقل و نیمه خودکفا از ساختار شهر رخت بر بسته است. مرکز محله، به مثابه ی نقطه ی عطف محیط، وجود خارجی ندارد. نشانه های شهری که از معماری خاص سرچشمه می گرفته اند، به خشکی گراییده اند. تکیه بر حرکت سواره به جای پیاده، شکل و اندازه ی معابر را دگرگون کرده است.

یک شهر چگونه صاحب هویت شناخته می شود؟ دانستیم که هویت در مقوله شهر، معماری و هنر امری تشکیلی و دارای شدت و ضعف است. آنچه آن را به اصطلاح با هویت می خوانند، دارای مراتبی از اتصال به تاریخ و تحولات گذشته ی خود است که عرف آن حد را با هویت می شناسد.



دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)

انسان از مکانهای متفاوت، تصویرهای متفاوتی در ذهن دارد. همین تصاویر ذهن انسان است که به مکان هویت می دهد. علاوه بر ساختار کالبدی مکان، خاطرات افراد در هویت بخشیدن به مکان مؤثر است.



بخشی از شخصیت وجودی انسان که هویت فردی وی را می سازد، مکانی است که او خود را با آن شناسایی می کند و به دیگری می شناساند، خود را متصل به آن مکان می داند و آن مکان را بخشی از خود بر می شمارد. در این حالت، میان او و آن مکان رابطه ای عمیق به وجود می آید. چنین رابطه ای عمیق تر از صرف بودن در آن مکان یا مواجهه با آن است، به گونه ای که آن را می توان به «خود همانی با فضا» تعبیر کرد.

طبق نظریه پروشانسکی، هویت مکانی بخشی از زیر ساخت هویت فردی انسان و حاصل شناخته های عمومی وی درباره جهان فیزیکی است که در آن زندگی می کند. این



شناختها شامل خاطره‌ها، نظرها، احساسات، دیدگاهها، ارزشها، ترجیحات، مفاهیم و انسان در محیطهای متنوع و پیچیده فیزیکی است که فضای تجربی انسان را اعم از ادراک و رفتار به وجود می آورد. ۸۴

انسان از مکانهای متفاوت، تصویرهای متفاوتی در ذهن دارد. احساسات او می تواند بر ادراکات او از محیط و شکل‌گیری تصویر ذهنی از مکان تأثیرگذار باشد. همین تصاویر ذهن انسان است که به مکان هویت می دهد. علاوه بر ساختار کالبدی مکان، خاطرات افراد در هویت بخشیدن به مکان مؤثر است.

بخشی از شخصیت وجودی هر انسان که هویت فردی وی را میسازد مکانی است که او خود را با آن شناسایی میکند و به دیگری می‌شناساند وی هنگامی که راجع به خود فکر میکند، خود را متصل به آن مکان میداند و آن مکان را بخشی از خود بر می‌شمارد و میان او و آن مکان رابطه ای عمیق وجود دارد. چنین رابطه ای عمیق تر از صرف بودن در آن مکان با مواجهه با آن مکان است به گونه ای که آن را «خود همانی با فضا» تعبیر کرد. هویت مکان بخشی از زیر ساخت هویت فردی انسان و حاصل شناخت های عمومی او درباره جهان کالبدی است که انسان در آن زندگی می کند. (رضازاده ۱۳۸۵، ۲۳۶)، هویت مکانی، ممکن است به عنوان مینا و زیر بنای خود شناسی درک شود که متشکل از ادراکاتی درباره جهان واقعی است که فرد در آن زندگی می کند. در مرکز این جهان واقعی، ادراکات گذشته ی محیطی شخصی است. گذشته ای متشکل از مکان ها، فضا ها که ویژگی های آنها به صورت سودمند و موثر در تامین نیازهای زیست شناختی، روان شناختی، اجتماعی و فرهنگی شخص به کار گرفته شده اند. هویت



دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)

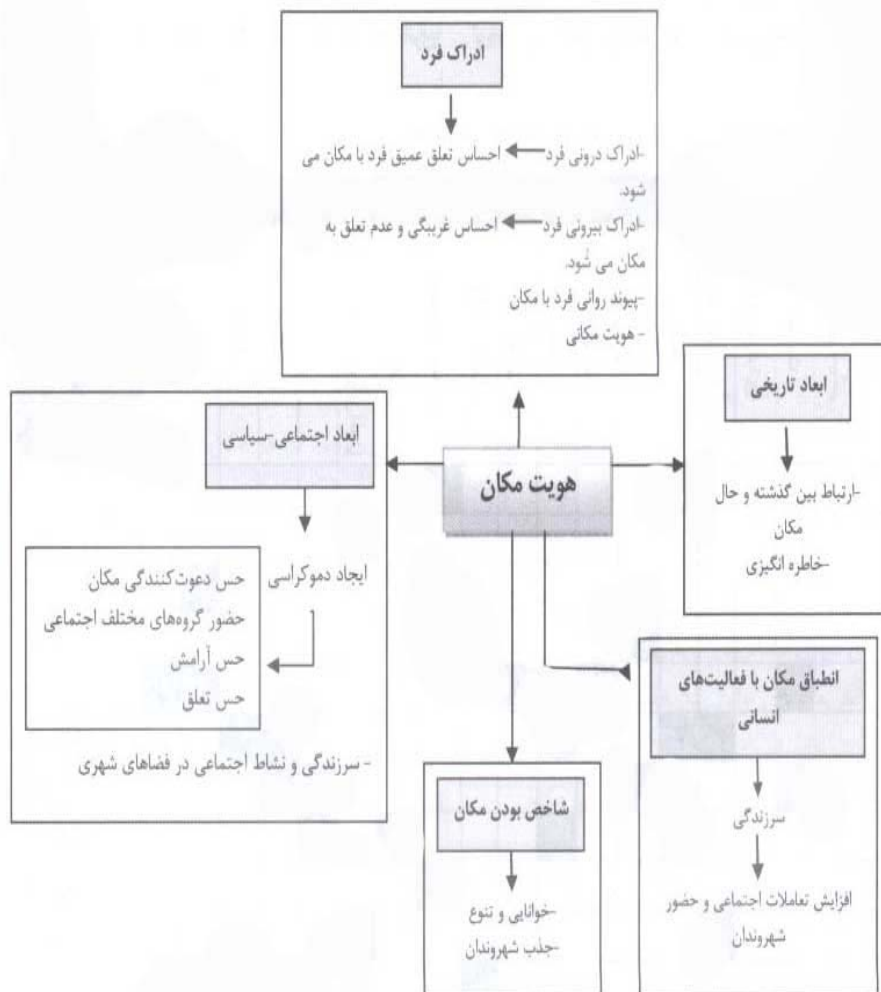
مکانی پیوند نزدیکی با هویت شخصی پیدا میکند و می گوید من کجایی هستم یا به عبارتی اهل کجا هستم با چه کسانی هم هویتم.

معیارها و شاخص‌ها																			هویت مکان
دموکراسی در مکان	محتوای سیاسی	فعالیت	هویت فردی	تصور ذهنی مطلوب	فضا	زمان	دسترسی	معنا	سرزندگی	خاطره انگیزی	محتوای اجتماعی	محتوای فرهنگی	آرک درونی-سبزی(فرد)	انسان	مکان	خوانایی	تنوع	آسودگی	نظریه پردازان
																			دورین ماسی
																			رلف
																			لاندری
																			جان لنگ
																			جین جیکوب
																			کوبین لینچ
																			واگنر
																			نوربرگ شولتر
																			دورین ماسی
																			الکساندر
																			کالن



دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)





۵-۲-۲. ابعاد هویت بخش شهر

هنگامی که از هویت شهر سخن می‌گوییم، از چیزی صحبت می‌کنیم که در ظاهر و شکل شهر نیست بلکه در شاکله شهر است.

هویت یک شهر را می‌توان از جنبه‌های مختلف کالبدی، طبیعی، انسانی و اجتماعی، ترافیکی، تاریخی و اقتصادی بررسی کرد. در شناخت هویت شهر باید هر دو تصویر عینی و ذهنی آن یعنی ساختار و کالبد شهری و کارکرد اقتصادی آن، فضاهای عمومی و... و نیز عوامل ذهنی گروه‌های اجتماعی ساکن، سطح ادراک و شعور اجتماعی مورد بررسی قرار گیرد. آنچه از آن به عنوان هویت شهری نام می‌بریم یافتن تناسب میان نظام شهرسازی و معماری با شرایط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی شهروندان است.

عناصر هویتی یک شهر از آنجا که هر شهر دارای دو بعد کارکردی و کالبدی است، لذا ابعاد مختلف هویت وابسته به آن نیز دارای دو وجه مذکور خواهد بود. بنابراین در یک تقسیم بندی کلی ابعاد هویت شهری را می‌توان در قالب همین دو بعد مجزا ساخت.

۵-۲-۱. عناصر کالبدی یا سیمای شهری

بدیهی است که اولین برخورد با هر شی، پدیده یا موجودی، سیما و کالبد ظاهری آن است؛ وجهه ای قابل ادراک که با حواس پنجگانه براحتی قابل تشخیص و بازشناسی است.



دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)



الف) عناصر طبیعی و بستر مکانی یک شهر

نمود ظاهری از یک شهر در نگاه نخست می تواند شامل عناصر طبیعی و بستر مکانی آن باشد که اغلب به عنوان عناصر و میراث طبیعی در نظر عامه مردم خود نمایی می کنند. زاینده رود اصفهان، عون بن علی تبریز، مثالهایی از عناصر هویت بخش شهرهای ما هستند .

بنابراین فاکتورهای طبیعی، اکولوژیکی و جغرافیایی اولین عناصر هویت بخش به یک شهر و عناصر درون آن تلقی می شوند. این فاکتورها می توانند شامل عناصر زیر باشند:

- رودها و نوار ساحلی

- ویژگی های اقلیمی (شامل: بارش، دما، رطوبت، باد و غیره)

- منابع آبهای سطحی و زیرزمینی

- ساختار زمین شناسی و توپوگرافیک





دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)

- پوشش گیاهی و جانوری

- منابع و سایر جاذبه های طبیعی

ب) عناصر مصنوع یا ساخته شده یک شهر

از دیدگاه کوین لینچ عناصر هویت بخشی شهر عبارتند از :

۱- راهها و شبکه ارتباطی

۲- لبه ها

۳- محله ها

۴- گره ها

۵- نشانه ها

۵-۲-۲-۲. عناصر کارکردی یا محتوای شهری

با قبول شهر بعنوان موجودی زنده دیگر نمی توان تنها به بعد ظاهری آن نگریست.

حال اگر بعد محتوایی یک شهر را منبعث از ابعاد هویتی انسانهای آن بدانیم، می توانیم

شاخصه های محتوایی یا کارکردی هویت شهر را بصورت زیر طبقه بندی نماییم:

الف) عناصر اجتماعی (سیاسی و فرهنگی) شهر



این عناصر که غالباً با عنوان جغرافیای انسانی شناخته می شوند شامل جمعیت (کمی و کیفی) و فرهنگ شهر یا شهروندان (نژاد، زبان، هنر، پوشش و ...) می گردند؛ بنابراین در این بعد انسان بعنوان محوریت اصلی تلقی می شود.

همان گونه که خط، لباس، روشهای تولید، آداب و رسوم و عقاید، جشنها و اعیاد و بسیاری از چیزهای دیگر که از مولفه های ملی و عناصر هویت و متعلقات فرهنگی خویش می دانیم نیز در میان این عناصر طبقه بندی می شوند. بر این اساس توجه به هویت اجتماعی (فرهنگی - سیاسی) در راستای شناخت هویت واقعی شهری گریزناپذیر است.

ب) عناصر اقتصادی شهر

آخرین بعد از ابعاد هویت بخش در فضاهای شهری فعالیت هایی است که توسط ساکنان آن از گذشته تا به امروز پایه های اقتصاد شهری را تشکیل می دهد. این فعالیتها را می توان با عنوان عناصر اقتصادی مطرح نمود. برخی از این فعالیت ها ، فعالیتهای گردشگری، صنایع دستی و فعالیت های ویژه و یا بومی موجود در هر مکان یا شهر هستند .

۳-۲-۵. هویت کالبدی

هویت کالبدی ، آن عامل غالب هویتی است که بافت و ساختار و شکل شهر به آن هویت وابسته است. بافت کالبدی و ساختار مکانی شهرها، یکی از مهم ترین ابعاد هویتی شهرها را شکل می دهد .

از نگاهی دیگر بافت کالبدی را می توان به 2 گروه زیرتقسیم بندی کرد:





الف) عناصر باستانی و کهن

ب) عناصر جدید .

هر کدام از این عناصر نیز براساس عملکرد خود می‌توانند به عناصر عرصه‌های عمومی و بازشهری و فضاهاى کارکردی و به عبارتی بسته شهری (فضاهای مسکونی، خدماتی، تجاری و...) تفکیک شوند که از این میان نماهای شهری و فضاهاى شهری براساس ویژگی‌های کالبدی و نقش کارکردی ویژه خود به‌عنوان نخستین رکن هویت‌بخش این بخش از عناصر شهرهای امروزی مطرح می‌شوند .

از سویی دیگر در بررسی هویت شهری به محله‌ها می‌رسیم. مفهوم محله به‌عنوان واحد پایه، کالبدی از فضای ساختاری شهر است. محله‌های شهری از گذشته یکی از کانون‌های خرد و ملموس شکل‌گیری هویت‌های فرهنگی و تعلق اجتماعی هستند .

بسیاری از کارشناسان شهری بر این عقیده هستند که نمای ظاهری محله باید به نوعی کالبد فرهنگی هر شهر محسوب شود، به‌طوری که هر تازه‌واردی که وارد محله می‌شود، اوضاع فرهنگی آن محله را مورد سنجش قرار دهد ولی متأسفانه امروزه پیکره شهرها به‌گونه‌ای ساخته شده‌اند که با هیچ اسلوب و اصول رفتار انسانی سازگاری نداشته و ناهمگن هستند؛ در نتیجه شهری با آپارتمان‌های در اندازه‌های کوچک و مشابه ساخته شده است که هویت ایرانی نداشته و نمی‌تواند هویت جمعی و محله‌ای را تقویت کند. هویت محله‌ای و شهری زمانی معنی‌دار خواهد بود که تبلور عینی در فیزیک شهر داشته باشد .



دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)

روند ادراک مردم از عناصر هویت بخش

واکنش (پرداختن به جزئیات)	احساس (ذهنیت از محیط)	توجه (گزینش مکان)
رنگها زیباست	بیان کننده تاریخ (نماد تاریخی)	کدام مسجد؟
مکان دست نخورده است	بیان کننده خاطرات (تعلق)	کدام مکان؟
کم رفت و آمد و ساکت است	بیان کننده شغل مردم (اقتصاد)	کدام خیابان؟
درختان زیبا دارد	بیان کننده اتفاقی مهم (نماد)	کدام بازار؟
ساکنان واحدها از نظر حرفه و	بیان کننده مغایرت با زمینه (تازگی)	کدام پارک؟
صنف یک دست اند.	بیان کننده حرک (اختلاف)	
خانه های همه ویلایی است.	بیان کننده عظمت (شدت)	
	بیان کننده امنیت و آرامش (غریزی)	



۵-۳-۴. هویت در منظر

فریتز استیل معتقد است هویت محیط بستگی به ارتباط انسان و محیط دارد: رابطه انسان و مکان تعاملی است، یعنی انسانها چیزهای مثبت و منفی را به محیط می دهند و سپس از آن می گیرند.

منظر در کنار هنرهایی چون موسیقی و شعر جای می گیرد که در آن هیچ جزئی را نمی توان بدون ارتباط با آنچه درست قبل یا بعد از آن می آید تصور کرد. لذا باید تاثیراتی که فضای شهر در شرکت کننده ایجاد می کند مد نظر معمار قرار گیرد. چراکه این تاثیرات مبنای رفتار وی با شهرش را تشکیل خواهد داد. ۸۵

ایجاد هویت در منظر، منحصر به دخالت در سیمای محیط نمی شود. بلکه جنبه های ساختاری و برنامه ریزی شهر را نیز دستخوش دگرگونی می کند که تاثیرات آنها در مرحله بعد در منظر شهر به دیده می آیند. شهر ما برای گریز از چهره ناشناخته و گم گشته امروزی در نخستین قدم نیازمند مطالعات فنی در زمینه منظر، جنبه های نظری هویت و نموده های تاریخی آن است. ۸۶

۸۵ حبيب: ۱۳۸۵

۸۶ منصورى: ۱۳۸۴



۵-۳. شهر بی هویت و نوگرا

شهرها، به ویژه شهرهای جدید، دارای نظام‌های نشانه‌شناختی و روابط اجتماعی‌ای هستند که به آنها ویژگی می‌دهد و هر شهری را از شهرهای دیگر جدا می‌کند. اما این نظام‌ها را باید با نظام‌هایی دیگر از شکل‌ها و معماری و شهرسازی ترکیب کرد تا به صورت‌بندی‌هایی رسید که از خلال آنها شهر بتواند خود را در فضا مشخص و قابلیت خوانایی و تشخیص خود را چه برای ساکنانش و چه به خصوص برای سایرین به وجود بیاورد. شهرهای کنونی ما برغم هویت‌های دیرینه بسیاری از آنها که در فضاها و معماری‌شان تبلور یافته و آنها را دارای شناسنامه‌های کاملاً گویا می‌کند، سال‌هاست به سوی نوعی بی‌شکلی پیش می‌روند که شکل بروز بیرونی آن پیش از هر چیز در یک معماری و شهرسازی بی‌هویت ولی کاملاً سودجویانه است.

در موقعیتی بر خلاف آنچه در بالا ذکر آن رفت ما با گام‌هایی بزرگ به سوی بی‌هویت شدن شهر و ساکنانش می‌رویم به خصوص زمانی که مولفه‌هایی استوار برای ایجاد هویت شهری وجود نداشته باشد. برای مثال شهرهای تجاری، صنعتی و حتی سیاسی، مولفه‌های اندکی برای ایجاد هویت شهری دارند و در چنین حالتی با خطر بزرگ تری برای ایجاد بی‌هویتی در شهروندان خود مواجه می‌شوند. اما پیش از آنکه بگوئیم چگونه باید از این بی‌هویتی پرهیز کرد. اصولاً این سؤال را مطرح کنیم که چرا هویت شهری لازم است و چرا ما به بی‌هویتی به دیده یک پدیده منفی می‌نگریم؟ آیا بی‌هویتی را نباید امروز بیشتر در قالب آنچه «جهان وطنی» و «چند فرهنگی» بودن تعریف می‌شوند، دید و نه در قالب یک امر منفی و تقلیل دهنده فرهنگ؟

پاسخ به نظر ما روشن است: اولاً زمانی که از یک هویت شهری صحبت می‌شود به هیچ وجه بحث بر سر «خالص بودن» چنین هویتی نیست، اصولاً خالص و منحصر به



فرد بودن هویت امروز به هیچ رو به مثابه چیزی که در واقعیت وجود داشته باشد، مورد تایید فرهنگ شناسان نیست، زیرا آن را صرفاً یک توهم می دانند که حتی در گذشته نیز باید درباره وجود آن شک کرد. در حقیقت فرهنگ های انسانی تقریباً همیشه با یکدیگر در تماس و مبادله بوده اند و بنابراین دائماً به اشکال «پیوندی» امکان زایش و تداوم می داده اند. مساله هویت و احساس تعلق داشتن به شهر، برعکس امری است که باید به صورت نسبی به آن نگاه کرد، زیرا سبب ایجاد حس وفاداری به شهر و تلاش بیشتر برای ساختن و سرمایه گذاری های مادی و معنوی در شهر در درازمدت می شود.

باید توجه داشت که همان پدیده ای که امروز در جهان با عنوان «فرار مغزها» به آن اشاره می شود، در سطوح ملی اکثر کشورها از جمله کشور خود ما نیز وجود دارد و آن گریز روستائیان به شهرها و گریز ساکنان شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ است. دلیل نخست این امر نیز نبود هویت ها و احساس های تعلق قوی نسبت به شهر سکونتگاه است. این مساله پی آمدهای بسیار سختی چه در نقاط مبدا و چه در نقاط مقصد دارد. در نقاط مبدا، مساله به خالی شدن نیروهای زبده و کارا منجر شده و روند توسعه و رشد شهر یا کشور را به تعویق انداخته و گاه کاملاً با مشکل و بحران روبرو می کند. در حالی که در نقاط مقصد اغلب ما را با وضعیت هایی غیرقابل مدیریت روبرو می کند، یعنی موقعیت افرادی که در عین گذار از یک مجموعه فرهنگی به مجموعه فرهنگی دیگر تمایل بدان دارند که هویت اولیه خود را حفظ کنند. اینجا به مساله «جهان وطنی» و «چندفرهنگی» بودن می رسیم که خصوصیت تقریباً تمام شهرهای بزرگ و عاملی در جذابیت آنها است. اما در عین حال عاملی در مشکلات و تنش های بی شمار میان این گروه های انسانی متفاوت از لحاظ فرهنگی نیز هست. بنابراین هر چند که نمی توان مانع مهاجرت ها و اختلاط های فرهنگی شد، اما نباید به



این توهّم نیز دچار شد که دنیای آینده دنیایی خواهد بود که هرگونه رابطه سرزمینیت در آن به فراموشی سپرده شده باشد .

سرزمینیت یا رابطه فرهنگ با سرزمینی که در آن به وجود آمده و رشد کرده است، البته رو به کم رنگ شدن است، و انقلاب اطلاعاتی در سال های آینده بی شک این رابطه را دائماً کم رنگ تر می کند. اما ما هنوز فاصله بسیار زیادی با زمانی داریم که این رابطه به کلی از میان برود. هنوز برای مثال تقریباً هیچ چشم اندازی در مورد از میان رفتن دولت های ملی که تنها واحدهای سیاسی به رسمیت شناخته شده در جهان کنونی و واحد هایی کاملاً سرزمینیت یافته هستند، دیده نمی شود. این دولت ها هنوز هم برغم تمام مباحثی که در ظاهر می کنند، هدف خود را در سیاست گذاری های کلان و استراتژیک خود، یکسان سازی و شبیه سازی های فرهنگی جمعیت مردم خود قرار می دهند و این تقریباً در همه دولت ها دیده می شود. بحث بر سر زبان ها و دفاع از فرهنگ های حاشیه ای بخشی از این بحث است که اهمیتی روزافزون دارد .

طبق مطالعات انجام شده در گذشته مسأله هویت در شهرهای سنتی ایران توسط باورهای دینی، شرایط اقلیمی، و نیازهای اجتماعی نوعی معماری منسجم و هماهنگ را ایجاد کردند که موجب شده، اصل وحدت در کثرت در این آثار قابل مشاهده باشد. در این دوران هر چند بنا با یکدیگر متفاوت بودند و هیچ دو بنایی را نمی توان یافت که با دیگری هم شکل و یا همسان باشد، اما نوعی هماهنگی آلی (زیستی) در آنها وجود داشت، این دوره را می توان دوره انسجام در کلیت و تفاوت در جزئیات دانست.

در دوران مدرن از نیازهای معنوی و روحانی انسان چشم پوشی شد و عملکردگرایی در رأس اولویت ها قرار گرفت. بناهایی هم شکل که بصورت یکسان در ردیف های کاملاً منظم ساخته می شدند. مجموعه ها در کلیت خود از نظامی هندسی تبعیت می کردند و



تک‌بناها نیز به صورت کاملاً مشابه ساخته می‌شدند. از این رو می‌توان دوران مدرن را زمانی برای حرکت به سوی شبیه شدن و هم‌شکلی دانست. در واقع سبک بین‌المللی، دوران بی‌توجهی سهل‌انگارانه به فرهنگ‌ها بود و نامگذاری این سبک به سبک بین‌المللی، گسترش هویت اجباری و نادیده گرفتن فرهنگ‌های مختلف را به نمایش می‌گذاشت.

در حالیکه در دوران فرا مدرن کاستی‌های حاصل از اندیشه‌های مدرن بیش از پیش نمایان شد. پست‌مدرن فرا روایت‌های فرهنگی و اجتماعی را انکار کرد به دلیل نداشتن اصول معین، منجر به ساخت بناهای ناهمگون و نامتجانس شدند.

چرا که آثار این گروه به دو دسته تقلید از آثار گذشته و تقلید از بناهای مدرن منجر گشت، و معانی اغتشاش را شکل داد. بنابراین پست مدرن هم در عمل به دستیابی نوعی معماری با هویت پیشرفته موفق نشد.

هویت هر شهر ارتباط مستقیم با احساس شهروندان نسبت به استمرار حیات روانی خود دارد. از سوی دیگر، فرایند تشخیص هویت در واقع نوعی تعیین کیفیت و ارزشگذاری، توسط ساکنان است که بر اساس میزان احساس تعلق و وابستگی، خاطره ذهنی از کمینه تا بیشینه در حال تغییر است.

مطالعات صورت گرفته نشان می‌دهد که با هویت بودن معماری گذشته ایران بازتاب ارزشهای انسانی در ساحت معماری است. برای احیای هویت در شهرهای ایران در دوران معاصر می‌بایست نیازهای مادی و معنوی مخاطب را بازشناسی کرد، محیط را با تمام ویژگیهای اقلیمی و محیطی آن شناخت و با تکنیک‌ها و فناوری‌های موجود آشنایی پیدا کرد.



دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)

۵-۳-۱. چرا بی هویتی

محل‌های تازه ایجاد شده فاقد انسجام اجتماعی، تسهیلات آموزشی و راهنمایی مناسب و سرانجام فاقد مکانی معنادار و آبرومند برای زندگی کردن بودند. دولت ایران بودجه‌های جداگانه‌ای به بخشها و وزارتخانه‌های مختلف اختصاص داد، بدون اینکه فعالیت‌های آنها هماهنگ شود. این فقدان هماهنگی، وضعیت آشوب‌زده‌ی موجود را وخیم‌تر کرد.

از دیدگاه معماری و طراحی، پروژه‌های بزرگ گرایش به استخدام معماران خارجی دارند تا توجه تبلیغاتی بیشتری را به خود جلب کنند. فضای ایران در دهه‌ی ۱۹۷۰ کاملاً غرب‌گرا بود و هر چیز وارداتی دارای کیفیات برتر محسوب می‌شد. نتیجه‌ی این وضع، دلسردی معماران ایرانی از یافتن یک راه حل ایرانی برای مسائلشان بود، هر چقدر هم که با بافت فرهنگی و اجتماعی بی‌تناسب می‌بودند، معمولاً بر مدل‌های کاربر، بومی یا ساختمان‌های (مناسب) ترجیح داده می‌شدند. بدیهی است که معماران ایرانی و بین‌المللی شماری پروژه‌های باکیفیت نیز اجرا کردند.



سردر باغ ملی (دولت‌شاهی ۱۳۸۲، ۸۸)





۵-۳-۲. دلایل تاریخی در بی هویتی شهرسازی

۱. سیاست ها و بی کفایتی حکومت های داخلی گذشته
۲. سیاست های استعماری خارجی
۳. غربزدگی و سیاست های نا به خردانه فرهنگی
۴. کشف حجاب

۵-۳-۳. دلایل فرهنگی در بی هویتی شهرسازی

۱. خودباختگی فرهنگی و عدم خویشتن باوری
۲. تغییر ساختار فرهنگی به رهنمود مسئولین نظام
۳. هرم سنی جوان و نو گرایی
۴. ورود ماشینیزم و اتوماسیون به ایران
۵. گسترش اطلاعات و فناوری ارتباطات
۶. سیل مهاجران داخلی و ارتباطات خارجی

شهرهای ما امروز از نوعی بی هویتی رنج می برند که گاه تلاش می کنند آن را با رویکردهای موزه ای جبران کنند. ایجاد محلات خاص یا ساختن بنا ها و استقرار مجسمه هایی خاص در این یا آن گوشه شهر، نشانه ای از این تلاش برای ایجاد دوباره هویت است. اما این تلاش ها به خودی خود نمی توانند به نتیجه ای برسند، زیرا برای آنکه کارایی حداقلی پیدا کنند باید با سیاست گذاری های فضایی در سطوح کلان تری، از جمله در حوزه ساخت و سازهای مسکونی و تجاری و اداری همراه باشند که



امروزه ابداء چنین وضعیتی وجود ندارد. طرح های جامع شهری عملاً تبدیل به الگوهای مصنوعی و صوری شده اند که (صرف نظر از بی معنایی، بخش مطالعات اجتماعی در آنها که به مطالعات سطحی جمعیت شناسی خلاصه می شود) با سازوکارهای اداری به سادگی قابل تغییر هستند و همین امر شهرها را دائماً به موجودیت هایی زشت تر تبدیل می کند که آنها را کاملاً در تقابل با شهرهای سنتی زیبای ما قرار می دهد .

زیبایی سنتی حاصل همانگی میان ابعاد تاریخی، جغرافیایی و کارکردی شهرها بود و خود را نه فقط در فضاهای عمومی بلکه در فضاهای خصوصی و از آن بیشتر در خصلت یافتن محلی مردم و اخلاق و کنش های آنها نشان می دادند. ما چنین شهرهایی را تقریباً از دست داده ایم، اما این بدان معنا نیست که نتوانیم بار دیگر به هماهنگی و هویت بخشی به شهرهایمان نایل آئیم. این کار باز هم باید بر اساس همان روند، یعنی ایجاد همسازی میان سه بعد مزبور انجام بگیرد و در این صورت بی شک منابع سنتی و قدیمی می توانند به یاری ما بیایند، هر چند که باید هر چه سریع تر از صوری گرایی و تقلید از شکل های سنتی بدون در نظر گرفتن محتواهای آنها فاصله بگیریم و در عین حال این نکته را هم در نظر داشته باشیم که شهر امروزی باید به هر رو شهری جهانی باشد، زیرا حتی دورافتاده ترین شهر نیز نمی تواند خود را از سیستم جهانی جدا کند.





۴-۵. شهر با هویت انسانی - اسلامی در شهرهای ایران

مروری بر مفاهیم مرتبط با هویت نشان می‌دهد که توجه به هویت، هم جنبه معنوی و غیر مادی و هم جنبه مادی و کالبدی دارد. جنبه‌های مختلف هویت نمیتوانند منفک از یکدیگر مطرح شوند و هر کدام از آنها بر دیگری تاثیر دارند. ۸۷

هویت از جمله هویت انسانی - اسلامی بیانگر خصوصیات فرهنگی و مشخصات هر سرزمینی است. دستیابی به معماری با هویت موضوعی بسیار پر اهمیت در معماری معاصر ایران است. کوشش در حرکت به سوی معماری با هویت در معماری و شهرسازی معاصر ایران، پاسخی به نیازهای معنوی انسانها، در کنار تمامی نیازهای مادی ایشان است. نیاز به شهرهای با هویت ایرانی - اسلامی، امروزه به خواستی عمومی و فراگیر تبدیل شده است. به گونه ای که علاوه بر نهادهای قانونی و ساختارهای رسمی جامعه، بسیاری از گروه‌های مردمی نیز متقاضی آن شده‌اند.

در دوران مدرن با وقوع انقلاب صنعتی و شکل‌گیری جهان بینی جدید نوعی معماری صورت گرفت که مدعی بود می‌تواند در تمامی نقاط دنیا به صورت هماهنگ و هم شکل اجرا شود. این گرایش با فاصله گرفتن از ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی و ویژگی‌های منطقه‌ای، خردگرایی محض و عقلانیت‌ابزاری را تبلیغ می‌کرد. از این رو نوعی معماری عملکردگرایانه رایج شد که از هنجارهای فرهنگی و سنتی فاصله معناداری داشت که در میان مردم از مطلوبیت کافی برخوردار نبود. این مشکل در کشورهای جهان سوم از جمله ایران بیشتر رخ نموده است چرا که معماری مدرن به



این کشورها صادر شده و همین مسئله گسستی در روند ساخت فضاهای معماری با هویت ایجاد کرده است.

در ایران مساله بی هویت شدن شهری به دو دلیل اساسی صورت گرفته است: نخست به دلیل بحران های عمومی اقتصادی که به رشد بی رویه جمعیت شهری در فاصله سال های ۱۳۳۵ تا امروز یعنی از زمانی که درآمدهای نفتی به صورت وسیع و روزافزون وارد کشور شدند، اتفاق افتاد و ایران را از کشوری کاملاً روستایی، خودکفا با مردمانی که سختی را در زندگی روزمره خود احساس و آن را مدیریت می کردند، به کشوری در حال کاملاً شهری، با مردمی بیشتر مصرف کننده و گاه صرفاً آسایش طلب و گریزان از سختی و کار درازمدت بدل کرد و طبعاً این اتفاق در زمینه فضایی و در مدتی بسیار کوتاه (کمتر از ۵۰ سال)، نمی توانست بدون ساخت وسازهایی بی هویت و صرفاً برای تامین مسکن در کوتاه مدت ترین و نازل ترین قیمت ممکن، همراه باشد. نتیجه این امر نیز کاملاً آشکار است: امروز کمتر شهری را می توان در ایران دید که در ساخت وسازهای عمومی چه مسکونی و چه اداری شبیه دیگر شهرها نباشد همه جا مصالح یکسان، نقشه های یکسان و ساختارهای یکسانی را می بینیم که اکثراً نیز در پایین ترین سطح از لحاظ زیباشناسی و فناوری قرار دارند و این طبعاً به روند شکل گیری هویت شهری ضربه سختی می زند، زیرا افراد در زندگی روزمره خود در فضاهایی شبیه شده و بی روح و بی معنی زندگی می کنند. دلیل دیگری که سبب این بی هویتی شده است، افزایش اشکال موجود در سبک زندگی است که آن هم به دلیل انقلاب اطلاعاتی و رسانه هایی که تاثیر هر چه بیشتری بر رفتارها و اندیشه های افراد می گذارند و همچنین به دلیل تضعیف ساختارها و مولفه های سنتی راهنما که به سبک های زندگی سامان داده و آنها را با یکدیگر سازگار می کردند اتفاق افتاده است. امروز افراد تصور می کنند از این حق و به خصوص از این امکان برخوردارند که به هر شکل



دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)

و به هر سبکی که بخواهند زندگی کنند و این را به سطح شهر و فضاهای آن منتقل می کنند که نتیجه، طبعاً ایجاد فضاهای ناسازگار و بی ربط با یکدیگر است که زندگی را برای همه مشکل می کند.

واقعیت آن است که بدون وجود ساختارهایی که بتوانند این سبک های زندگی را با یکدیگر هماهنگ و یکدست کنند، امکان عملی همزیستی آنها جز با افزایش فشارها و کنترل های اجتماعی که آنها نیز کیفیت زندگی شهری را کاهش می دهند، وجود ندارد. بنابراین ما نیاز به کاری فرهنگی داریم که بتواند سیاست گذاری های شهری را با رشد فکری و کنشی اعضای جامعه سازگار کرده و به عبارت دیگر بتواند نوعی جامعه بودگی و شهروندی را در کشوری که به صورت عملی تا به این حد شهری شده ولی ابدا آمادگی چنین وضعیتی را ندارد، فراهم کند.



@memargold



دکتر حمیدرضا عامری و مهندس صابر زند

درآمدی بر شهرشناسی - (رشته مهندسی شهرسازی)

توجه!

این اثر نسخه اولیه کتاب- با همین عنوان- می باشد که در مرحله ویرایش و ویراستاری علمی بوده و پس از اصلاحات لازم به زودی چاپ خواهد شد.

szand@pnu.ac.ir



@memargold

